نور من الوحی

پرتوی از وحی

**جلد اول**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | نور من الوحی پرتوی از وحی (جلد اول) | | | |
| **عنوان اصلی:** |  | | | |
| **نویسنده:** |  | | | |
| **مترجم:** |  | | | |
| **موضوع:** |  | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | |  | | --- | | اردیبهشت (ثور) 1395 هـ . ش – رجب 1437 هـ. ق | | | | |
| **منبع:** | کتابخانه‌ی عقیده | | | |
|  |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |
|  | |  | | |

پرتوی از وحی

**﴿**وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَاۚ مَا كُنتَ تَدۡرِي مَا ٱلۡكِتَٰبُ وَلَا ٱلۡإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَاۚ وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ٥٢**﴾** [الشورى: 52].

«و این‌گونه بر تو (ای پیامبر) روحی (= قرآن کریم) را به فرمان خودوحی کردیم، تو (پیش از این) نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست،ولی ما آن را نوری قرار دادیم، با آن هر کس از بندگان‌مان را که بخواهیم، هدایت می‌کنیم، و مسلماً تو (ای پیامبر) به راه راست هدایت می‌کنی».

**﴿**وَٱلنَّجۡمِ إِذَا هَوَىٰ١ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمۡ وَمَا غَوَىٰ٢ وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ٤**﴾** [النجم: 1-4]. «سوگند به ستاره چون فرود افتد، (که) یار شما (= محمد) گمراه نشده و راه را گم نکرده است، و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. این نیست جز آنچه به او وحی می‌شود (و بجز وحی چیزی نمی‌گوید)».

**﴿**يُرِيدُونَ أَن يُطۡفِ‍ُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَيَأۡبَى ٱللَّهُ إِلَّآ أَن يُتِمَّ نُورَهُۥ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ٣٢ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ٣٣**﴾** [التوبة: 32-33]. « (آن‌ها) می‌خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند، و الله ابا می‌کند، مگر اینکه نورش را کامل (و تمام) کند، اگر چه کافران کراهت داشته باشند. او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همۀ دین‌ها غالب گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند».

از ابوهریره س روایت است که گفت: رسول‌الله ج فرمود:

«من سلك طريقا يبتغي به علما إلا سهل الله به طريقا إلى الجنة وما اجتمع قوم في بيت من بيوت الله يتلون كتاب الله، ويتدارسونه فيما بينهم إلا نزلت عليهم السكينة، وغشيتهم الرحمة، وحفتهم الـملائكة، وذكرهم الله فيمن عنده» مسلم.

«کسی که راهی بپیماید تا دانشی بیاموزد، خداوند راه بهشت را بر وی آسان می‌گرداند، هرگاه گروهی در یکی از خانه‌های خدا گردهم آیند و کتاب خدا (قرآن) را تلاوت کنند و به درس و مذاکرۀ آن بپردازند، آرامش روحی بر آنان نازل می‌شود، رحمت الهی آنان را فرا می‌گیرد، فرشتگان پیرامون آنان حلقه می‌زنند و خداوند در ملأ أعلی از آنان یاد می‌کند».

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc452315760)

[مقدمه 1](#_Toc452315761)

[بدون تردید، قرآن، کلام الله آفریدگار سبحان است، همو که ما و همه چیز را آفرید: 2](#_Toc452315762)

[الله کتابش را از فزونی و کمی حفظ می‌کند تا مایۀ هدایت مردم باشد: 3](#_Toc452315763)

[الله كتابش را مایۀ هدایت کسانی که خواهان هدایت هستند قرار داده است و افراد مغرور و ستیزه‌جو از این امر بی‌بهره هستند: 4](#_Toc452315764)

[كلمات قرآن معانی واضحی دارند؛ زیرا کتابی هدایت‌کننده است که هر‌کس آن را بخواند می‌فهمد: 6](#_Toc452315765)

[الله جل في علاه از مخلوقاتش می‌خواهد که با شناختی واقعی و بر اساس علم صحیح او را بشناسند: 7](#_Toc452315766)

[الله رسولان را فرستاد و آنان را با معجزات دلالت‌کننده بر راستگویی‌شان پشتیبانی کرد: 8](#_Toc452315767)

[قرآن دلیلی درخشان تا برپایی قیامت است که بر راستگویی محمد ج دلالت می‌کند: 12](#_Toc452315768)

[علم صحيح از وحی گرفته می‌شود و همان چیزی است که الله یا رسولش ج فرموده‌اند: 14](#_Toc452315769)

[الله سبحانه در قرآن کریم، خودش را چگونه توصیف می‌فرماید؟ 16](#_Toc452315770)

[پیروان باطل آنچه را خدا برای بندگانش می‌خواهد نمی‌پسندند. بلکه دوست دارند که ریاستشان باقی بماند و مردم از آنان پیروی کنند و آنان را به عنوان واسطه‌های رسیدن به الله و آمرزش و بهشت او قرار دهند: 19](#_Toc452315771)

[الله مردگان را زنده می‌کند و کسانی را که در قبرها هستند برمی‌انگیزاند: 23](#_Toc452315772)

[او تعالی به عدالت و نیکوکاری و خوش‌اخلاقی فرمان می‌دهد و از هر امر ناپسندی نهی می‌کند: 33](#_Toc452315773)

[الله به تنهایی مالک سود و زیان است: 43](#_Toc452315774)

[شفاعت، بخششی است که الله به هر‌یک از مخلوقاتش که بخواهد عطا می‌فرماید و این امر، ذره‌ای از ملک الله نمی‌کاهد. 47](#_Toc452315775)

[سرانجامِ مشرکان: 51](#_Toc452315776)

[وسیلۀ مشروع برای دستیابی به خشنودی الله و رسیدن به بهشت: 52](#_Toc452315777)

[الله ما را آفرید تا او را بپرستیم و زندگی دنیا تا زمان مرگ را فصل عمل و آزمایش و پس از مرگ را، زمان حسابرسی و جزا قرار داد: 54](#_Toc452315778)

[الله سبحانه بیان فرموده که فقط آفریدگار، سزاوار عبادت است: 56](#_Toc452315779)

[عبادت الله با اعمال قلبی و اعمال جوارح محقق می‌شود: 57](#_Toc452315780)

[معناى لا إله إلا الله: 58](#_Toc452315781)

[پاسخ به مشرکان: 62](#_Toc452315782)

[شروط پذیرش عمل: 65](#_Toc452315783)

[محمد ج برترین پیامبر و هدایتش برترین هدایت است: 68](#_Toc452315784)

[محمد ج مانند قومش انسانی است که الله با رسالت او را برگزید و به او عزت بخشید: 77](#_Toc452315785)

[مؤمنان واقعی الله، از محمد ج پیروی می‌کنند و در همان راهی که پیامبر و اصحاب نخستین او از مهاجران و انصار رفتند و به خاطر آن جهاد کردند، حرکت می‌کنند 83](#_Toc452315786)

[الله همسران پیامبر را نیز عزت بخشید: 88](#_Toc452315787)

[منافقان، بیش از دیگران در قرآن توصیف شده‌اند: 91](#_Toc452315788)

[مساجد، خانه‌های الله هستند و الله به بهترین نحو آنها را در کتاب خویش توصیف فرموده است: 101](#_Toc452315789)

[الله سبحانه فرمود که کافران با وجود اختلاف مذاهب‌شان، ضد پیروان ایمان و حقیقت، متحد هستند: 107](#_Toc452315790)

[اسباب رفع بلا و تسلط دشمنان: 107](#_Toc452315791)

[اسلام، دین مهرورزی و صلح و عدالت و دعوت به نیکی است: 114](#_Toc452315792)

[کسی که حق برایش آشکار شود، چه کاری باید انجام دهد؟ 117](#_Toc452315793)

[مؤمنان در دعوت به‌سوی الله و امر به معروف و نهی از منکر به یکدیگر یاری می‌رسانند و هنگام اختلاف، با یکدیگر دشمنی نمی‌کنند؛ زیرا با هم دوست هستند: 119](#_Toc452315794)

[جامعۀ مؤمن، جامعه‌ای پاک است؛ زیرا مؤمنان زنا نمی‌کنند: 126](#_Toc452315795)

[الله به جای زنا، نکاح را که از آن بهتر است برای مؤمنان برگزید: 127](#_Toc452315796)

[مؤمن می‌داند که حکم الله، بهترین حکم است: 130](#_Toc452315797)

[حجابی که الله زنان مؤمن را بدان فرمان داده است، چیست؟ 132](#_Toc452315798)

[برخی از منافقان برای گمراهی مسلمانان، به صراحت به زنا فرامی‌خوانند و عنوان دیگری برایش قرار می‌دهند: 136](#_Toc452315799)

[صفت پیمان محکمی که باعث حلال‌شدن زن برای شوهرش می‌شود: 137](#_Toc452315800)

[نماز، دومین رکن اسلام 139](#_Toc452315801)

[رکن سوم: زکات 146](#_Toc452315802)

[رکن چهارم: روزه 151](#_Toc452315803)

[رکن پنجم: حج 154](#_Toc452315804)

[ذکر الله، دل را آرام و استوار می‌سازد، غم و اندوه را از سینه می‌زداید، و مؤمن چنان احساس امنیت می‌کند که دیگر نمی‌ترسد و الله او را از نیرنگ مردم محافظت می‌کند. 158](#_Toc452315805)

[احادیث پیامبر که دین الله را توضیح می‌دهند، تا زمانی که دین باقی است، باقی هستند؛ 169](#_Toc452315806)

[احادیث صحیح رسول‌الله را که تبیین‌کنندۀ دین الله هستند چگونه بشناسیم؟ 170](#_Toc452315807)

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده وبعد:

الله متعال ما را آفرید تا او را عبادت کنیم و قرآن را به عنوان آخرین کتاب خویش بر آخرین رسولش محمد ج نازل فرمود و آن را مایۀ هدایت مردم قرار داد که مردم را به‌سوی آفریدگارشان هدایت می‌کند...

الله سبحانه موضوعات زیر را در قرآن بیان فرموده است: اسماء و صفات و افعال الله متعال، قصص و اخباری که خدا برای مردم تشریع و حکایت فرموده، ادله و براهینی را که هیچ گونه شکی باقی نمی‌گذارد که قرآن کلام خداست و کلام هیچ یک از مخلوقاتش نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند تغییری در آن ایجاد کند یا چیزی بر آن افزوده یا چیزی از آن کم کند؛ زیرا خداوند حفاظت قرآن را بر عهده گرفته است تا نوری باشد که مخلوقات را به‌سوی آفریدگارشان هدایت می‌کند...

الله متعال قرآن را بر بنده و رسولش محمد ج نازل فرمود و او را برگزید تا احکام قرآن را بیان کند و الگوی اخلاقی و عبادی مؤمنان باشد...

از این رو، تمام زندگی‌نامۀ رسول الله، آموزشگاهی برای مؤمنان است. اصحاب پیامبر در شنیدن احادیث ایشان و رساندن آن به کسانی که نشنیده بودند بسیار کوشش کردند تا اینکه به صورت ناب و پاکیزه به دست ما رسید. این احادیث [سنت رسول الله] شامل موارد زیر است: بزرگداشت و ستایش الله متعال و یگانگی او در عبادت، بیان چگونگی طاعت و عبادت پیامبر، مبانی اخلاقی مؤمنان و سبک زندگی آنان آنگونه که آفریدگارشان می‌خواهد، همچنین خبردادن پیامبر از رخدادهای تاریخی آینده که به صورت کامل به وقوع پیوست، چنانکه این اخبار را دلیلی بر صدق نبوتش و صدق راویانی که احادیثش را نقل کردند توصیف کرد، همچنین توصیف دقیق زمان قبل از برپایی قیامت و رخدادهای متصل پس از آن، یعنی حشر و عرضه و نگهداشته‌شدن در برابر الله متعال برای حسابرسی، سپس درآمدن جهنمیان به جهنم و بهشتیان به بهشت.

کتاب حاضر، با قرآن آغاز می‌کند و به جنت که از الله تقاضا داریم ما را از ساکنان آن قرار دهد پایان می‌یابد. با ارائۀ آیات کریمۀ قرآن کریم در مورد ارکان بزرگ و مهم اسلام و حلال و حرام که در این مورد بیان شده است شروع کردم و در ادامه، بخشی از سیرۀ پیامبر ج و شرح و توضیح آن را بیان کرده‌ام.

این کتاب، پرتوی از نور آیات قرآن و احادیث صحیح رسول الله ج و اقوال مورد اعتماد اصحاب پیامبر و تابعان آنان است. کوشیدم تا حدیث ضعیفی یا شبیه آن، در کتاب نباشد، با این امید که به صواب نزدیک‌تر باشد و مقبول‌تر واقع گردد.

مخاطب هدف کتاب، ائمۀ مساجد و جویندگان دانش هستند. چنانکه امام مسجد پس از نمازهای فرض، بخشی از آن را برای نمازگزاران بخواند، و جویندۀ دانش، روزانه یک یا دو صفحه از آن را حفظ کند تا الله با آیات قرآن و احادیث پیامبر ج که در کتاب موجود است به او نفع برساند و بدین وسیله، به‌سوی الله فراخواند. الله متعال می‌فرماید: ﴿يَرۡفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ دَرَجَٰتٖ﴾ [المجادلة: 11]. «الله مقام (و درجات) کسانی را از شما که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم داده شده‌اند بالا می‌برد».

از جبیر بن مطعم رضی الله عنه روایت است که رسول الله ج فرمود: «نضَّرَ اللَّهُ امرأً سمِعَ مقالتي، فبلَّغَها» رواه ابن ماجه. «خداوند شاد گرداند بنده‌ای را که سخنان مرا بشنود و به دیگران برساند».

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ هَٰذِهِۦ سَبِيلِيٓ أَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِيۖ وَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ١٠٨﴾ [یوسف: 108]. «(ای پیامبر!) بگو: این راه من است، من با بصیرت (کامل) به سوی الله دعوت می‌کنم، و کسانی‌که از من پیروی کردند (نیز چنین می‌کند) و الله پاک و منزه است، و من از مشرکان نیستم».

﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ قَوۡلٗا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ٣٣﴾ [فصلت: 33]. «و چه کسی خوش گفتار‌تر است از کسی‌که به سوی الله دعوت کند، و کار شایسته انجام دهد، و گوید: «بی‌شک من از مسلمانان هستم؟!».

قرآن كريم

پیام آفریدگارمان به ما

بدون تردید، قرآن، کلام الله آفریدگار سبحان است، همو که ما و همه چیز را آفرید:

معرفی قرآن از جانب الله متعال:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الٓمٓ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَ فِيهِ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ٢﴾ [البقرة: 1-2]. «الف لام میم. این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزگاران است».

﴿لَا رَيۡبَ فِيهِ﴾: بدون تردید از جانب الله نازل شده است.

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِعَشۡرِ سُوَرٖ مِّثۡلِهِۦ مُفۡتَرَيَٰتٖ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ١٣ فَإِلَّمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَآ أُنزِلَ بِعِلۡمِ ٱللَّهِ وَأَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ١٤﴾ [هود: 13-14]. «آیا می‌گویند: «این (قرآن) را از خود بافته (و به الله نسبت داده) است» بگو: «اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره‌ی به هم بافته‌ مانند آن بیاورید، و غیر از الله هر که می‌توانید (به یاری) بطلبید». پس اگر آن‌ها دعوت شما را نپذیرفتند، بدانید که (قرآن) فقط به علم الله نازل شده است، و اینکه هیچ معبودی (به حق) جز او نیست، پس آیا شما مسلمان می‌شوید؟!».

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُ﴾: می‌گویند محمد این قرآن را از جانب خودش به دروغ بست سپس به ناحق ادعا کرد که از نزد الله فرو فرستاده شده است.

بخش‌های قرآن یکدیگر را تأیید و تکمیل می‌کنند و هیچ تناقض و اختلافی در آن وجود ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَۚ وَلَوۡ كَانَ مِنۡ عِندِ غَيۡرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ ٱخۡتِلَٰفٗا كَثِيرٗا٨٢﴾ [النساء: 82]. «آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ که اگر از سوی غیر الله بود، قطعاً اختلاف بسیار در آن می‌یافتند».

امکان ندارد که محمد ج آیات قرآن را از جانب خودش و بدون وحی گفته باشد؛ زیرا حقایقی را بازگو می‌فرماید که در عصر حاضر از نظر علمی کشف شده‌اند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهۡدِيَهُۥ يَشۡرَحۡ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِۖ وَمَن يُرِدۡ أَن يُضِلَّهُۥ يَجۡعَلۡ صَدۡرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجٗا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي ٱلسَّمَآءِ﴾ [الأنعام: 125]. «پس هرکس را که الله بخواهد هدايت کند، سینه‌اش را برای (قبول) اسلام می‌گشايد، و هرکس را که بخواهد گمراه کند، سينه‌اش را چنان تنگ می‌کند که گويا به آسمان بالا می‌رود».

علم جدید کشف کرده که هر چه در آسمان صعود کنیم، اکسیژن کم می‌شود و در فضا هیچ گازی وجود ندارد.

﴿وَجَعَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمۡ﴾ [الأنبیاء: 31]. «و در زمین، کوه‌ها (ی استوار) قرار دادیم، که (مبادا) آن‌ها را بلرزاند».

﴿وَٱلۡجِبَالَ أَوۡتَادٗا٧﴾ [النبأ: 7]. «و کوه‌ها را میخ‌های (آن قرار ندادیم؟!)».

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن سُلَٰلَةٖ مِّن طِينٖ١٢ ثُمَّ جَعَلۡنَٰهُ نُطۡفَةٗ فِي قَرَارٖ مَّكِينٖ١٣ ثُمَّ خَلَقۡنَا ٱلنُّطۡفَةَ عَلَقَةٗ فَخَلَقۡنَا ٱلۡعَلَقَةَ مُضۡغَةٗ فَخَلَقۡنَا ٱلۡمُضۡغَةَ عِظَٰمٗا فَكَسَوۡنَا ٱلۡعِظَٰمَ لَحۡمٗا ثُمَّ أَنشَأۡنَٰهُ خَلۡقًا ءَاخَرَۚ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ أَحۡسَنُ ٱلۡخَٰلِقِينَ١٤﴾ [المؤمنون: 12-14]. «و به راستی انسان را از چکیده‌ای از گِل آفریدیم. سپس او را از نطفه‌ای در قرار گاهی استوار (= رحم) قرار دادیم. سپس نطفه را (به صورت) علقه (= خون بسته) گرداندیم، آنگاه علقه را (به صورت) مضغه (= پاره گوشتی) در آوردیم، آنگاه مضغه را (به صورت) استخوان‌هایی گردانیدیم، پس بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم، سپس آن را آفرینشی دیگر بخشیدیم، پس (پر برکت و) بزرگوار است، الله که بهترین آفرینندگان است».

﴿وَٱلسَّمَآءَ بَنَيۡنَٰهَا بِأَيۡيْدٖ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ٤٧﴾ [الذاریات: 47]. «و (ما) آسمان را با قوت (و قدرت عظیم) بنا کردیم و بی‌گمان (بر و سعت پهناوری آن) تواناییم».

قرآن کریم تأثیر بسیار زیبا و شیرینی بر دل‌ها دارد که هنگام شنیدن آن شاداب و آرام می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ﴾ [الرعد: 28]. «آگاه باشید! (تنها) با یاد الله دل‌ها آرام می‌گیرند».

الله کتابش را از فزونی و کمی حفظ می‌کند تا مایۀ هدایت مردم باشد:

﴿لَّا يَأۡتِيهِ ٱلۡبَٰطِلُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَلَا مِنۡ خَلۡفِهِۦۖ تَنزِيلٞ مِّنۡ حَكِيمٍ حَمِيدٖ٤٢﴾ [فصلت: 42]. «که هیچ گونه باطلی نه از پیش روی آن و نه از پشت سر آن، به او راه نیابد، از سوی حکیم ستوده نازل شده است».

قران، نور الله در زمین است، مردم را با آن به صراط مستقیم که سعادت دنیا و آخرت‌شان در آن است هدایت می‌کند. کافران و مشرکان هرگز نمی‌توانند نور الله را خاموش یا مخفی کرده و مردم را از این نور و این سعادت محروم کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطۡفِ‍ُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ٨ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ٩﴾ [الصف: 8-9]. «آن‌ها می‌خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند، ولی الله کامل‌کنندۀ نور خویش است هرچند کافران خوش نداشته باشند. او کسی است که رسول الله را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همۀ ادیان غالب گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند».

الله كتابش را مایۀ هدایت کسانی که خواهان هدایت هستند   
قرار داده است و افراد مغرور و ستیزه‌جو از این امر بی‌بهره هستند:

قرآن، هدایت الله برای کسانی است که می‌خواهند هدایت شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ٢﴾ [البقرة: 2] «این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزگاران است».

کسانی که به بیماری تکبر در برابر حقیقت و تحقیر پیروانش و خشنودی به آنچه در کودکی بر اساس آن رشد یافته و با آن مأنوس شده‌اند یا خشنودی به باورها و اعمال نیاکان و مردم سرزمینشان و ترجیح افعال آنان بر هدایت رسولان، مبتلا باشند، الله آنان را در تاریکی‌ها رها می‌کند به گونه‌ای که حق را نمی‌بینند و به‌سوی آن هدایت نمی‌شوند، بلکه الله بر گمراهی و بیماری دلهایشان می‌افزاید. این کیفر متناسب با جرم آنان است؛ زیرا سزاوار هدایت نیستند:

الله متعال می‌فرماید:

﴿بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡحَقَّۖ فَهُم مُّعۡرِضُونَ﴾ [الأنبیاء: 24]. «بلکه بیشتر آن‌ها حق را نمی‌دانند، لذا آن‌ها (از آن) روی گردانند».

﴿وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّقۡتَدُونَ٢٣ ۞قَٰلَ أَوَلَوۡ جِئۡتُكُم بِأَهۡدَىٰ مِمَّا وَجَدتُّمۡ عَلَيۡهِ ءَابَآءَكُمۡۖ قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ٢٤﴾ [الزخرف: 23-24]. «و این‌گونه در هیچ (شهر و) قریۀ پیش از تو هشدار دهندۀ نفرستادیم، مگر اینکه متنعمانش گفتند: «ما نیاکان خود را بر آیینی یافتیم، و بی‌گمان ما به (اعمال و) آثار آن‌ها اقتداء می‌کنیم». (پیامبر‌شان) گفت: «آیا اگر برای شما چیزی هدایت‌کننده‌تر از آنچه که نیاکان‌تان را بر آن یافتید، آورده باشم؟! (بازهم به آن‌ها اقتداء می‌کنید؟!) گفتند: (آری،) ما به آنچه که شما به آن فرستاده شده‌اید، کافریم».

﴿فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ١٠﴾[البقرة: 10]. «در دل‌های آنان بیماری است و الله بر بیماری آنان افزوده، و بخاطر دروغ‌هایی که می‌گفتند، برایشان عذاب دردناکی است».

الله خالق و سبحان از مخلوقاتش می‌خواهد که در وجود خود و جهان هستی پیرامون‌شان بیاندیشند تا به‌سوی حق هدایت شوند:

﴿إِنَّ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفِ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ لَأٓيَٰتٖ لِّأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ١٩٠ ٱلَّذِينَ يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمۡ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلۡقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ١٩١﴾ [آل عمران: 190-191]. «به راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (آشکاری) برای خردمندان است. کسانی‌که الله را در حال ایستاده و نشسته، و بر پهلوی خویش (آرمیده) یاد می‌کنند، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند، (و می‌گویند:) پروردگارا این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای، منزهّی تو! پس ما را از عذاب آتش (دوزخ) نگه دار».

﴿وَفِيٓ أَنفُسِكُمۡۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ٢١ وَفِي ٱلسَّمَآءِ رِزۡقُكُمۡ وَمَا تُوعَدُونَ٢٢ فَوَرَبِّ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِنَّهُۥ لَحَقّٞ مِّثۡلَ مَآ أَنَّكُمۡ تَنطِقُونَ٢٣﴾ [الذاریات: 21-23]. «و (نیز) در وجود خودتان، آیا نمی‌بینید؟ و رزق (و روزی) شما، و آنچه به شما وعده داده می‌شود در آسمان است. پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن (وعده‌ها) حق است، همان گونه که شما (با یکدیگر) سخن می‌گویید».

قرآن مردم را به‌سوی شناخت آفریدگارشان هدایت می‌کند تا او را دوست و بزرگ بدارند و غیر او را نپرستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَمِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَى ٱلرَّسُولِ تَرَىٰٓ أَعۡيُنَهُمۡ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ مِمَّا عَرَفُواْ مِنَ ٱلۡحَقِّۖ يَقُولُونَ رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ٨٣﴾ [المائدة: 83]. «و چون آیاتی را که بر پیامبر نازل شده بشنوند، چشم‌های آن‌ها را می‌بینی که اشک ریزان می‌شود، بخاطر حقیقتی که دریافته‌اند، و می‌گویند: «پروردگارا! ایمان آوردیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس».

﴿إِنَّمَا يَخۡشَى ٱللَّهَ مِنۡ عِبَادِهِ ٱلۡعُلَمَٰٓؤُاْۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾ [فاطر: 28]. «جز این نیست که از میان بندگان الله دانایان از او می‌ترسند، بی‌تردید الله پیروزمند آمرزنده است».

مؤمنان به خوبی می‌دانند که هدایت فقط از جانب الله است:

الله متعال می‌فرماید: **﴿**مَن يَهۡدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلۡمُهۡتَدِۖ وَمَن يُضۡلِلۡ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ وَلِيّٗا مُّرۡشِدٗا**﴾** [الکهف: 17]. «هر کس را هدایت کند، پس او هدایت یافته (واقعی) است، و هرکه را گمراه کند، سرپرست و راهنمائی هرگز برای او نخواهی یافت».

بنابراین، هدایت را از الله درخواست می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ وَقُلۡ عَسَىٰٓ أَن يَهۡدِيَنِ رَبِّي لِأَقۡرَبَ مِنۡ هَٰذَا رَشَدٗا﴾ [الکهف: 24]. «و بگو: امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشن‌تر از این هدایت کند».

و پیوسته این تقاضا را دارند:

﴿ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ٧﴾ [الفاتحة: 6-7]. «ما را به راه راست هدایت کن. راه کسانی که بر آنان نعمت دادی؛ نه خشم گرفتگان بر آنها؛ و نه گمراهان».

علم صحیح و عمل به آن را از خداوند خواستارند.

زیرا هر‌کس حقیقت را بداند اما به آن عمل نکند، از جمله کسانی است که خدا بر آنان خشم گرفته است.

و هر‌کس حق را نشناسد از گمراهان است.

همیشه می‌کوشند تا این هدایت و پایداری بر آن را به دست آورند؛ زیرا هر‌کس چنین حالتی داشته باشد، الله هدایت و توفیق را نصیب او می‌گرداند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ٦٩﴾ [العنکبوت: 69]. «و کسانی‌که در راه ما (کوشش و) جهاد کنند؛ قطعاً به راه‌های خویش هدایت شان می‌کنیم، و یقیناً الله با نیکوکاران است».

كلمات قرآن معانی واضحی دارند؛ زیرا کتابی هدایت‌کننده است که هر‌کس آن را بخواند می‌فهمد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ١٩٢ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ١٩٣ عَلَىٰ قَلۡبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ١٩٤ بِلِسَانٍ عَرَبِيّٖ مُّبِينٖ١٩٥﴾ [الشعراء: 192-195]. «و همانا این (قرآن) نازل شده (از جانب) پروردگار جهانیان است. روح الأمین (= جبرئیل) آن را فرود آورده است. بر قلب تو، تا از هشدار دهندگان باشی. (آن را) به زبان عربی روشن (نازل کرد)».

هیچ‌کس نمی‌تواند کلمات قرآن را که دارای معانی کامل و واضحی هستند تغییر دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَتَمَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدۡقٗا وَعَدۡلٗاۚ لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَٰتِهِۦۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ١١٥﴾ [الأنعام: 115]. «و کلام پروردگار تو با صدق و عدل به انجام رسید، هیچ کس نمی‌تواند کلمات او را دگرگون سازد، و او شنوای داناست».

کلمات قرآن دارای معانی واضحی هستند؛ زیرا کتاب هدایت است و هر‌کس آن را بخواند می‌فهمد؛ از این رو، وقتی الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ نَتَقۡنَا ٱلۡجَبَلَ﴾ می‌فهمیم خدا کوه را بالا برد. زیرا جبل همان کوه است که عرب که قرآن به زبانشان نازل شد معنای کوه را از جبل درمی‌یابند و نمی‌گوییم جبل به معنای رود یا قدرت یا مردی قوی است.

یا وقتی الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ مُبۡتَلِيكُم بِنَهَرٖ﴾ چنین می‌فهمیم که الله بنی‌اسرائیل را با رودخانه آزمود. زیرا نهر همان رودخانه است که مردم آن را می‌شناسند نه تأویلاتی مانند کرم یا عطاء؛ زیرا تمام این موارد، نسبت‌دادن سخن به خدا بدون علم است.

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ٦٨ قُلۡ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ لَا يُفۡلِحُونَ٦٩﴾ [یونس: 68-69]. «آیا بر الله چیزی می‌گویید که نمی‌دانید؟! بگو: بی‌گمان کسانی‌که به الله دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند».

بنابراین، حق نداریم هیچ یک از کلمات قرآن را از معنای مشخص و شناخته‌شده‌اش برگردانیم:

الله متعال می‌فرماید:﴿قُلۡ ءَأَنتُمۡ أَعۡلَمُ أَمِ ٱللَّهُ﴾ [البقرة: 140]. «بگو: شما داناترید یا خدا؟!».

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا لَا يَخۡفَوۡنَ عَلَيۡنَآۗ أَفَمَن يُلۡقَىٰ فِي ٱلنَّارِ خَيۡرٌ أَم مَّن يَأۡتِيٓ ءَامِنٗا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ ٱعۡمَلُواْ مَا شِئۡتُمۡ إِنَّهُۥ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٌ٤٠﴾ [فصلت: 40]. «بی‌گمان کسانی‌که در آیات ما کجروی می‌کنند، بر ما پوشیده نیستند، آیا کسی‌که در آتش انداخته شود بهتر است، یا کسی‌که روز قیامت ایمن (و بدون وحشت) بیاید؟! هر چه می‌خواهید بکنید، مسلماً او به آنچه انجام می‌دهید بیناست».

تحریف معانی کلمات الله از صفات برخی یهودیان است که کلمات را از محل و معانی‌شان برمی‌گردانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مِّنَ ٱلَّذِينَ هَادُواْ يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ﴾ [النساء: 46]. «برخی از یهود، کلمات (خدا) را از جای خود تحریف می‌کنند».

الله جل في علاه از مخلوقاتش می‌خواهد که با شناختی واقعی و بر اساس علم صحیح او را بشناسند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾ [البقرة: 111]. «بگو: اگر راستگویید دلیل خود را بیاورید!».

﴿وَقُلِ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡ﴾ [الکهف: 29]. «(ای پیامبر!) بگو: «(این قرآن) حق است از سوی پروردگارتان».

﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلۡعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ١٨٠ وَسَلَٰمٌ عَلَى ٱلۡمُرۡسَلِينَ١٨١ وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ١٨٢﴾ [الصافات: 180-182]. «پاک و منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت، از آنچه (مشرکان) توصیف می‌کنند. و سلام بر رسولان. و سپاس و ستایشِ مخصوص الله است که پروردگار جهانیان است».

الله نیرومند و بزرگ، از هر نقص یا عیبی که بدون علم به او نسبت می‌دهند پاک است؛ زیرا تمام صفات نیکو مخصوص الله است که پروردگار جهانیان است و رسولان با آنچه که پروردگارشان به آنان وحی کرد، این صفات را آوردند.

گمراهان گمراه‌کننده بدون هیچ دانش و هدایتی از جانب الله و هیچ کتاب روشنگری از جانب او، در مورد الله به مجادله می‌پردازند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ٨ ثَانِيَ عِطۡفِهِۦ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِۖ لَهُۥ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞۖ وَنُذِيقُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَذَابَ ٱلۡحَرِيقِ٩﴾ [الحج: 8-9]. «از مردم کسی است که بدون هیچ دانش و هیچ هدایت و کتاب روشنی بخشی در بارۀ الله مجادله می‌کند. (تکبر کنان) پهلو (و گردن) خود را می‌پیچد، تا (مردم را) از راه الله گمراه سازد، برای او در دنیا رسوایی است، و روز قیامت آتش سوزان را به او می‌چشانیم».

الله رسولان را برای هدایت مردم فرستاد و پیام‌هایش را به‌سوی آنان نازل فرمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ كَمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ نُوحٖ وَٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَٰرُونَ وَسُلَيۡمَٰنَۚ وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا١٦٣ وَرُسُلٗا قَدۡ قَصَصۡنَٰهُمۡ عَلَيۡكَ مِن قَبۡلُ وَرُسُلٗا لَّمۡ نَقۡصُصۡهُمۡ عَلَيۡكَۚ وَكَلَّمَ ٱللَّهُ مُوسَىٰ تَكۡلِيمٗا١٦٤ رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا١٦٥﴾ [النساء: 163-165]. «همانا ما به تو وحی فرستادیم همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم و (نیز) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (= نوادگان دوازده گانه) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی فرستادیم و به داود زبور دادیم. و پیامبرانی (مبعوث کردیم) که سر گذشت آن‌ها را پیش از این برای تو بیان کرده‌ایم، و پیامبرانی که سر گذشت آن‌ها را بیان نکردیم، و الله (بدون واسطه) با موسی سخن گفت. پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از (آمدن) این پیامبران برای مردم بر الله حجتی نباشد و الله پیروزمند حکیم است».

الله رسولان را فرستاد و آنان را با معجزات دلالت‌کننده   
بر راستگویی‌شان پشتیبانی کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ﴾ [الحدید: 25]. «به راستی که پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم».

إبراهیم ÷ برای خدا به انزوا رفت و از تقرب به غیر الله با دوستی و بزرگداشت و عبادتی که قومش مرتکب می‌شدند و به سبب این کارها یکدیگر را دوست داشتند، اعلام بیزاری نمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦٓ إِنَّنِي بَرَآءٞ مِّمَّا تَعۡبُدُونَ٢٦ إِلَّا ٱلَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُۥ سَيَهۡدِينِ٢٧﴾ [الزخرف: 26-27]. «و (به یاد آور) هنگامی را ‌که ابراهیم به پدرش و قومش گفت: «بی‌گمان من از آنچه می‌پرستید، بیزارم، مگر آن کسی‌که مرا آفریده، و او به زودی هدایتم خواهد کرد».

﴿وَقَالَ إِنَّمَا ٱتَّخَذۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡثَٰنٗا مَّوَدَّةَ بَيۡنِكُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ ثُمَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكۡفُرُ بَعۡضُكُم بِبَعۡضٖ وَيَلۡعَنُ بَعۡضُكُم بَعۡضٗا وَمَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّٰصِرِينَ٢٥﴾ [العنکبوت: 25]. «و (ابراهیم) گفت: «شما غیر از الله بت‌هایی را برای خود برگزیده‌اید که مایۀ دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد، سپس روز قیامت برخی از شما برخی (دیگر) را انکار می‌کند، و برخی از شما برخی (دیگر) را لعنت می‌کند، و جایگاه شما آتش است، و هیچ یاوری برای شما نخواهد بود».

﴿وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ إِبۡرَٰهِيمَ٦٩ إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا تَعۡبُدُونَ٧٠ قَالُواْ نَعۡبُدُ أَصۡنَامٗا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ٧١ قَالَ هَلۡ يَسۡمَعُونَكُمۡ إِذۡ تَدۡعُونَ٧٢ أَوۡ يَنفَعُونَكُمۡ أَوۡ يَضُرُّونَ٧٣ قَالُواْ بَلۡ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ٧٤ قَالَ أَفَرَءَيۡتُم مَّا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ٧٥ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُمُ ٱلۡأَقۡدَمُونَ٧٦ فَإِنَّهُمۡ عَدُوّٞ لِّيٓ إِلَّا رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٧٧ ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ٧٨ وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ٧٩ وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ٨٠ وَٱلَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحۡيِينِ٨١ وَٱلَّذِيٓ أَطۡمَعُ أَن يَغۡفِرَ لِي خَطِيٓ‍َٔتِي يَوۡمَ ٱلدِّينِ٨٢﴾ [الشعراء: 69-82]. «و خبر ابراهیم را بر آن‌ها بخوان. هنگامی‌که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می‌پرستید؟!». گفتند: «بت‌هایی را می‌پرستیم، و پیوسته برای (عبادت) آن‌ها معتکف هستیم. (ابراهیم) گفت: «آیا هنگامی‌که آن‌ها را می‌خوانید (صدای) شما را می‌شنوند؟! یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟!». گفتند: «(نه) بلکه ما نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کردند». (ابراهیم) گفت: «آیا دیدید چیزهایی را که پیوسته عبادت می‌کردید، شما و نیاکان پیشین شما. پس همۀ آن‌ها دشمن من هستند، جز پروردگار جهانیان. (همان) کسی‌که مرا آفرید، پس او مرا هدایت می‌کند. و کسی‌که او به من غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید. و هنگامی‌که بیمار شوم پس او مرا شفا می‌دهد. و کسی‌که مرا می‌میراند؛ سپس زنده می‌کند. و کسی‌که امیدوارم گناهانم را در روز جزا برایم ببخشد».

قوم ابراهیم، آتش بزرگی برافروختند و او را در آن انداختند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡنَا يَٰنَارُ كُونِي بَرۡدٗا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ٦٩﴾ [الأنبیاء: 69]. (سر انجا م آن‌ها او را به آتش انداختند، ولی ما) گفتیم: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش».

در نتیجه، ابراهیم به حفاظت الله از آتش به سلامت بیرون آمد.

ساحرانِ فرعون، ریسمان‌ها و چوب‌دستی‌هایشان را انداختند و در نظر مردم به صورت مارهایی که به سرعت می‌خزند درآمدند:

الله متعال می‌فرماید: **﴿**فَأَلۡقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ٤٥ فَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ٤٦ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٤٧ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ٤٨**﴾** [الشعراء: 45-48]. «پس موسی عصایش را افکند، ناگهان آنچه را به دروغ بر ساخته بودند، بلعید. پس ساحران سجده‌کنان (به زمین) افتادند. گفتند: «ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. پروردگار موسی و هارون».

وقتی ساحران در برابر الله به سجده افتادند، فرعون به خشم آمد و آنان را به تنه‌های درخت خرما به دار آویخت تا عبرتی باشد برای هر‌کس که در برابر ارادۀ او مخالفت کند:

الله سخن فرعون را اینگونه بازگو می‌فرماید: ﴿قَالَ ءَامَنتُمۡ لَهُۥ قَبۡلَ أَنۡ ءَاذَنَ لَكُمۡۖ إِنَّهُۥ لَكَبِيرُكُمُ ٱلَّذِي عَلَّمَكُمُ ٱلسِّحۡرَۖ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيۡدِيَكُمۡ وَأَرۡجُلَكُم مِّنۡ خِلَٰفٖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمۡ فِي جُذُوعِ ٱلنَّخۡلِ وَلَتَعۡلَمُنَّ أَيُّنَآ أَشَدُّ عَذَابٗا وَأَبۡقَىٰ٧١﴾ [طه: 71]. «(فرعون) گفت: آیا پیش از آن که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! بی‌تردید او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است، پس یقیناً دستان‌تان و پا‌های‌تان را بر خلاف یکدیگر قطع می‌کنم، و شما را بر تنه‌های نخل به دار می‌آویزم، و بی‌شک خواهید دانست که عذاب (و شکنجه) کدام‌یک از ما سخت‌تر است و پایدار‌تر است!».

الله در برابر موسی ÷ و مؤمنان همراهش آنگاه که فرعون و لشکریانش به آنان رسیدند و قصد داشتند آنان را به قتل برسانند، دریا را شکافت تا از طریق خشکی از آن عبور کنند و چون فرعون و همراهیانش به دنبال آنان رفتند، الله دریا را بر آنان بست و آنان را غرق کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱضۡرِب بِّعَصَاكَ ٱلۡبَحۡرَۖ فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرۡقٖ كَٱلطَّوۡدِ ٱلۡعَظِيمِ٦٣ وَأَزۡلَفۡنَا ثَمَّ ٱلۡأٓخَرِينَ٦٤ وَأَنجَيۡنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ٦٥ ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ٦٦ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗۖ وَمَا كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّؤۡمِنِينَ٦٧ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ٦٨﴾ [الشعراء: 63-68]. «پس به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن» آنگاه (دریا) شکافته شد، پس هر بخشی (از آن) همچون کوه عظیمی شد. و دیگران (= فرعون و فرعونیان) را (نیز) به آنجا نزدیک ساختیم. و موسی و همراهانش را همگی نجات دادیم. سپس دیگران را غرق کردیم. بی‌گمان در این (ماجرا) نشانۀ (روشن) است، ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. و بی‌تردید پرورگارتو پیروزمند مهربان است».

الله فرعون را غرق کرد و جسدش را باقی گذارد تا پند و عبرتی برای مردم باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَٰوَزۡنَا بِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡبَحۡرَ فَأَتۡبَعَهُمۡ فِرۡعَوۡنُ وَجُنُودُهُۥ بَغۡيٗا وَعَدۡوًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَآ أَدۡرَكَهُ ٱلۡغَرَقُ قَالَ ءَامَنتُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱلَّذِيٓ ءَامَنَتۡ بِهِۦ بَنُوٓاْ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَأَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ٩٠ ءَآلۡـَٰٔنَ وَقَدۡ عَصَيۡتَ قَبۡلُ وَكُنتَ مِنَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ٩١ فَٱلۡيَوۡمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنۡ خَلۡفَكَ ءَايَةٗۚ وَإِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلنَّاسِ عَنۡ ءَايَٰتِنَا لَغَٰفِلُونَ٩٢﴾ [یونس: 90-92]. «و (سر انجام ما) بنی اسرائیل را از دریا گذراندیم، پس فرعون و سپاهیانش از روی ستم و تعدی، در پی آن‌ها رفتند، چون (فرعون) هنگام غرق شدنش فرا رسید، گفت: «ایمان آوردم، که هیچ معبودی (به حق)نیست؛ جز کسی‌که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، و من از مسلمانان هستم». (به او گفته شد:) حالا؟ در حالی‌که قبلاً نافرمانی کردی و از مفسدان بودی! پس امروز بدنت را (از دریا) نجات می‌دهیم، تا عبرتی برای کسانی‌که بعد از تو می‌آیند باشی، و بی‌گمان بسیاری از مردم از آیات ما غافلند».

معجزۀ عیسى ÷:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَنِّي قَدۡ جِئۡتُكُم بِ‍َٔايَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ أَنِّيٓ أَخۡلُقُ لَكُم مِّنَ ٱلطِّينِ كَهَيۡ‍َٔةِ ٱلطَّيۡرِ فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيۡرَۢا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۖ وَأُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ وَٱلۡأَبۡرَصَ وَأُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۖ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأۡكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ٤٩﴾ [آل عمران: 49]. «و (او را به عنوان) پیامبری به سوی بنی اسرائیل (می‌فرستد که او به آنان می‌گوید:) «من از سوی پروردگارتان برایتان نشانه‌ای آورده‌ام، من از گِل برای شما (چیزی) به شکل پرنده می‌سازم، آنگاه در آن می‌دمم، پس به فرمان الله پرنده‌ای می‌شود. و به فرمان الله کور مادر زاد و مبتلایان به برص (پیسی) را بهبودی می‌بخشم، و مردگان را زنده می‌کنم، و از آنچه می‌خورید و در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید؛ به شما خبر می‌دهم، مسلماً در این‌ها، نشانه‌ای برای شماست اگر ایمان داشته باشید».

الله صالح ÷ را با معجزه‌ای پشتیبانی کرد که بر راستگویی‌اش دلالت دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ قَدۡ جَآءَتۡكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡۖ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمۡ ءَايَةٗ﴾ [الأعراف: 73]. «و به (سوی قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستاديم) گفت: «ای قوم من! الله را بپرستيد، که جز او معبودی (راستين) برای شما نيست. همانا دليل روشنی از (سوی) پروردگارتان برای شما آمده است، اين ماده شتر الله، برای شما معجزه‌ای است».

الله، معجزۀ محمد ج ، خاتم رسولان را قرآن کریم قرار داد تا تمام مردم تا آخرین روز دنیا آن را ببینند، هر چند او را با معجزات دیگری مانند شکافتن ماه که معاصرانش این معجزات را دیدند حمایت کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱقۡتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ وَٱنشَقَّ ٱلۡقَمَرُ١ وَإِن يَرَوۡاْ ءَايَةٗ يُعۡرِضُواْ وَيَقُولُواْ سِحۡرٞ مُّسۡتَمِرّٞ٢﴾ [القمر: 1-2]. «قیامت نزدیک شد و ماه بشکافت. و اگر (کافران) معجزۀ ببینند، روی بگردانند و گویند: «(این) جادویی قوی است».

﴿أَوَ لَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ٥١﴾ [العنکبوت: 51]. «آیا برای آن‌ها کافی نیست که همانا ما (این) کتاب (قرآن) را بر تو نازل کردیم که (پیوسته) بر آن‌ها تلاوت می‌شود؟! بی‌گمان در این (قرآن) رحمت و پندی است برای کسانی‌که ایمان می‌آورند».

الله در کتاب گرانبهایش و در آیات زیادی، راستگویی خاتم رسولانش که به‌سوی او هدایت می‌کنند و ابلاغ‌کنندۀ آخرین پیام‌هایش را بیان فرموده است:

الله متعال می‌فرماید:﴿أَمۡ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُۥۚ بَل لَّا يُؤۡمِنُونَ٣٣ فَلۡيَأۡتُواْ بِحَدِيثٖ مِّثۡلِهِۦٓ إِن كَانُواْ صَٰدِقِينَ٣٤﴾ [الطور: 33-34]. «آیا می‌گویند: «(محمد) آن (= قرآن) را بافته (و به الله نسبت داده) است؟» (خیر، چنین نیست) بلکه ایمان نمی‌آورند. پس اگر راست گویند باید سخنی مانند آن بیاورند».

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗاۖ فَإِن يَشَإِ ٱللَّهُ يَخۡتِمۡ عَلَىٰ قَلۡبِكَۗ وَيَمۡحُ ٱللَّهُ ٱلۡبَٰطِلَ وَيُحِقُّ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ٢٤﴾ [الشورى: 24]. «آیا می‌گویند: «(پیامبر) بر الله دروغ بسته است؟!» پس اگر الله بخواهد بر قلب تو مهر می‌زند، و الله باطل را محو می‌کند، و حق را با سخنان خویش محقق (و پا برجا) می‌سازد، بی‌گمان او به راز سینه‌ها آگاه است».

﴿وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّهُمۡ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُۥ بَشَرٞۗ لِّسَانُ ٱلَّذِي يُلۡحِدُونَ إِلَيۡهِ أَعۡجَمِيّٞ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيّٞ مُّبِينٌ١٠٣﴾ [النحل: 103]. «و به راستی (ما) می‌دانیم که آن‌ها می‌گویند: «همانا بشری (این آیات را) به او آموزش می‌دهد» در حالی‌که زبان کسی‌که این‌ها به او نسبت می‌دهند عجمی (= غیر عربی) است، و این (قرآن به) زبان عربی آشکار است».

با این وجود، هنوز هم برخی از گمراهان مردم را به پیروی از اشخاصی که آنان را هدایت‌گر و طرق متصل به خشنودی الله می‌نامند فرامی‌خوانند، اما نمی‌توانند دلیلی بر راستگویی خویش بیاورند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾ [البقرة: 111]. بگو: «اگر راستگویید دلیل خود را بیاورید!».

الله رسولان را فرستاد و کتاب‌ها را بر آنان نازل فرمود، هر گاه مردم راه را گم کردند الله رسولی را به‌سویشان فرستاد که آنان را با کتابی که تصدیق‌کننده و مکمل ماقبلش بود هدایت کند تا اینکه رسالت الهی با قرآن کریم کامل شد و تا زمانی که الله زمین و آنچه بر روی آن است را به ارث ببرد باقی است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَٰذَا لَفِي ٱلصُّحُفِ ٱلۡأُولَىٰ١٨ صُحُفِ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ١٩﴾ [الأعلى: 18-19]. «به راستی این (فحوا) در صحیفه‌های پیشین (نیز) بود. صحیفه‌های ابراهیم و موسی».

﴿وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا﴾ [النساء: 163]. «و به داود زبور دادیم».

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَا ٱلتَّوۡرَىٰةَ فِيهَا هُدٗى وَنُورٞ﴾ [المائدة: 44]. «ما تورات را نازل کردیم که در آن هدایت و نور است».

﴿وَقَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡإِنجِيلَ فِيهِ هُدٗى وَنُورٞ﴾ [المائدة: 46]. «و در پی آن‌ها (= پیامبران پیشین) عیسی پسر مریم را فرستادیم که تصدیق‌کننده‌ی توراتی بود که پیش از او فرستاده شده بود، و انجیل را که در آن هدایت و نور بود به او دادیم».

﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِۖ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡحَقِّ﴾ [المائدة: 48]. «و (این) کتاب (= قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم در حالی‌که تصدیق‌کننده‌ی کتاب‌های که پیش از آن است و بر آن‌ها شاهد و نگاهبان است، پس به آنچه الله نازل کرده است در میان آن‌ها حکم کن و از هوی و هوس‌های آنان به جای آنچه از حق که به تو رسیده است، پیروی نکن (و از احکام الهی روی مگردان)».

قرآن آخرین کتابی است که الله آن را بر رسولش فرستاد و آن را حاکم و ناسخ کتاب‌های پیشین قرار داد؛ پس هر آنچه از کتاب‌های پیشین که مخالف قرآن نباشد بدان عمل می‌شود و آنچه مخالف قرآن باشد ترک می‌شود. زیرا قرآن حاکم است و حق، آن چیزی است که قرآن آورده است و هر‌کس از قرآن پیروی نکند از هوای نفس خویش پیروی کرده است.

قرآن دلیلی درخشان تا برپایی قیامت است که بر   
راستگویی محمدجدلالت می‌کند:

و از جانب الله محافظت می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ٩﴾ [الحجر: 9]. «همانا ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما نگهبان آن هستیم».

الله این کتاب جاویدان را با صفات کمال و بزرگی توصیف فرموده است که هیچ‌کس نمی‌تواند مانند آن را بیاورد و هیچ‌کس قادر نخواهد بود کلماتش را جابجا کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿بَلۡ هُوَ قُرۡءَانٞ مَّجِيدٞ٢١ فِي لَوۡحٖ مَّحۡفُوظِۢ٢٢﴾ [البروج: 21-22]. «بلکه این قرآن مجید است. که در لوح محفوظ (نگاشته شده) است».

﴿إِنَّهُۥ لَقُرۡءَانٞ كَرِيمٞ٧٧ فِي كِتَٰبٖ مَّكۡنُونٖ٧٨ لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُطَهَّرُونَ٧٩﴾ [الواقعة: 77-79]. «همانا این (کتاب) قرآنی کریم (و گرامی قدر) است. در کتاب پوشیده (= لوح محفوظ) است. که جز پاکان (= فرشتگان) به آن دست نمی‌زنند».

الله ﻷ رسولش ج را فرستاد تا قرآنی را که به او وحی کرده بود برای مردم تلاوت کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿كَذَٰلِكَ أَرۡسَلۡنَٰكَ فِيٓ أُمَّةٖ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهَآ أُمَمٞ لِّتَتۡلُوَاْ عَلَيۡهِمُ ٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ﴾ [الرعد: 30]. «(ای پیامبر!) این گونه تو را در (میان) امتی فرستادیم که پیش از آن‌ها امت‌های (دیگر، بودند و) رفتند، تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آن‌ها بخوانی».

الله سبحانه بندگانش را به تلاوت کتاب خویش و عمل به مضامین آن تشویق فرموده و در برابر آن، پاداش بزرگی را وعده داده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ يَرۡجُونَ تِجَٰرَةٗ لَّن تَبُورَ٢٩ لِيُوَفِّيَهُمۡ أُجُورَهُمۡ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ غَفُورٞ شَكُورٞ٣٠﴾ [فاطر: 29-30]. «بی‌گمان کسانی‌که کلام الله را تلاوت می‌کنند و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم؛ پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی (پر سود) که هرگز زیان (و کساد) ندارد؛ امید دارند. تا (الله) پاداش آن‌ها را به تمامی بدهد و از فضل خود بر آن‌ها بیفزاید، بی‌گمان او آمرزندة سپاسگزار است».

الله هر‌کس را که به کتابش جسارت کند و در انتساب آن به گوینده‌اش سبحانه وتعالى تردید کند، تهدید فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّهُۥ فَكَّرَ وَقَدَّرَ١٨ فَقُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ١٩ ثُمَّ قُتِلَ كَيۡفَ قَدَّرَ٢٠ ثُمَّ نَظَرَ٢١ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ٢٢ ثُمَّ أَدۡبَرَ وَٱسۡتَكۡبَرَ٢٣ فَقَالَ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ يُؤۡثَرُ٢٤ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا قَوۡلُ ٱلۡبَشَرِ٢٥ سَأُصۡلِيهِ سَقَرَ٢٦ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا سَقَرُ٢٧ لَا تُبۡقِي وَلَا تَذَرُ٢٨ لَوَّاحَةٞ لِّلۡبَشَرِ٢٩ عَلَيۡهَا تِسۡعَةَ عَشَرَ٣٠﴾ [المدثر: 18-30]. «زیرا که او (برای مبارزه با قرآن) اندیشید، و اندازه (و محاسبه) کرد. پس مرگ بر او باد! چگونه اندازه (و محاسبه) کرد؟! باز (هم)، مرگ بر او باد! چگونه اندازه (و محاسبه) کرد؟! سپس نگاهی افکند. آنگاه چهره درهم کشید و روی ترش کرد. سپس (به حق) پشت نمود و تکبر ورزید. آنگاه گفت: «این (قرآن) چیزی جز جادویی که (از دیگران) آموخته شده، نیست. و این (چیزی) جز گفتار بشر نیست». به زودی او را به سقر (جهنم) درخواهم آورد. و تو چه دانی «سقر» چیست؟! (آتش سوزانی که) نه (چیزی را) باقی می‌گذارد و نه (چیزی را) رها می‌کند. پوست را (دگرگون کرده و) می‌سوزاند. برآن (آتش) نوزده (فرشته) گمارده شده است».

در این قرآن عظیم امر به اطاعت پیامبر و پیروی از هدایت ایشان در آیات زیادی تکرار شده است؛ زیرا هدایت و سیرۀ پیامبر تا زمانی که قرآن باقی باشد پایدار است و آخرین هدایت‌گری است که الله به آنان وحی فرمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَاۚ مَا كُنتَ تَدۡرِي مَا ٱلۡكِتَٰبُ وَلَا ٱلۡإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَاۚ وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ٥٢﴾ [الشورى: 52]. «و این‌گونه بر تو (ای پیامبر) روحی (= قرآن کریم) را به فرمان خود وحی کردیم، تو (پیش از این) نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست، ولی ما آن را نوری قرار دادیم، با آن هر کس از بندگان‌مان را که بخواهیم، هدایت می‌کنیم، و مسلماً تو (ای پیامبر) به راه راست هدایت می‌کنی».

هر‌کس ادعا کند که هدایتی غیر از هدایت قرآن و غیر از هدایت محمد ج که قرآن بر او نازل شد دارد، گمراه و گمراه‌کننده‌ای است که می‌خواهد نور الله را با دهانش خاموش کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطۡفِ‍ُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ٨ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ٩﴾ [الصف: 8-9]. «آن‌ها می‌خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند، ولی الله کامل‌کنندة نور خویش است هرچند کافران خوش نداشته باشند. ﴿8﴾ او کسی است که رسول الله را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همة ادیان غالب گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند».

علم صحيح از وحی گرفته می‌شود و همان چیزی است که الله یارسولشجفرموده‌اند:

کسی که علم را از وحی که الله بر رسولش نازل فرمود بگیرد، الله درجات بالا و پاداش بزرگی به او می‌دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَرۡفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ دَرَجَٰتٖ﴾ [المجادلة: 11]. «الله مقام (و درجات) کسانی را از شما که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم داده شده‌اند بالا می‌برد».

﴿قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَۗ﴾ [الزمر: 9]. «بگو: آیا کسانی‌که می‌دانند، و کسانی‌که نمی‌دانند یکسان هستند؟!».

علمی که از جانب الله آمده است، ترس و خشیت او تعالی را در دل به جا می‌گذارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخۡشَى ٱللَّهَ مِنۡ عِبَادِهِ ٱلۡعُلَمَٰٓؤُاْ﴾ [فاطر: 28]. «جز این نیست که از میان بندگان الله دانایان از او می‌ترسند».

ستمکارتر از آن کس وجود ندارد که ادعای این علم را می‌کند تا مردم را گمراه سازد یا به دروغ و فریب مردم ادعا می‌کند که بر او وحی یا الهام می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمۡ يُوحَ إِلَيۡهِ شَيۡءٞ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثۡلَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۗ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي غَمَرَٰتِ ٱلۡمَوۡتِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓاْ أَيۡدِيهِمۡ أَخۡرِجُوٓاْ أَنفُسَكُمُۖ ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَكُنتُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِهِۦ تَسۡتَكۡبِرُونَ٩٣﴾ [الأنعام: 93]. «و چه کسی ستمکار تر است از کسی‌که دروغی به الله ببندد، یا بگوید: «به من وحی شده است». در حالی‌که به او وحی نشده است، و کسی‌که بگوید: «من (نیز) همانند آنچه الله نازل کرده است، نازل می‌کنم!» و (شگفت‌زده می‌شوی) اگر ببینی هنگامی‌که (این) ستمکاران در سکرات مرگ فرو رفته‌اند، و فرشتگان (قبض روح) دست‌ها را گشوده (و به آنان می‌گویند:) «جان‌هایتان را بیرون آورید! امروز عذاب خفت‌باری در برابر آنچه ناحق بر الله می‌گفتید، و نسبت به آیات او تکبّر ورزیدید، خواهید دید».

الله سبحانه ما را از پیروی از گام‌های شیطان برحذر داشته است؛ زیرا شیطان به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و نیز الله مردم را برحذر فرموده از اینکه آنچه را نمی‌دانند به الله نسبت دهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٌ١٦٨ إِنَّمَا يَأۡمُرُكُم بِٱلسُّوٓءِ وَٱلۡفَحۡشَآءِ وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ١٦٩﴾ [البقرة: 168-169]. «و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، چرا که او دشمن آشکار شماست. (او) شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و اینکه به الله نسبت دهید آنچه را که نمی‌دانید».

چگونه از روی علم در مورد الله سخن بگویم؟

همان چیزی را بگو که فرشتگان به پروردگارشان گفتند: ﴿سُبۡحَٰنَكَ لَا عِلۡمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمۡتَنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡحَكِيمُ﴾ [البقرة: 32]. «(فرشتگان) گفتند: منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم، تو دانای حکیمی».

یعنی همان چیزی را برای الله ثابت بدان که الله در مورد خود آن را ثابت کرده است پس آن را نفی نکن.

و نفی کن آن چه را الله آن را از خود نفی فرموده پس تو آن را ثابت ندان.

و آنچه را خدا در مورد خود بیان نفرموده است، آن را از جانب الله نگو.

بدین ترتیب، از روی علم در مورد الله سخن گفته‌ای.

الله سبحانه در مورد خویش می‌فرماید: ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾ [الشورى: 11]. «هیچ چیز همانند او نیست، و او شنوای بیناست».

پس بگو: ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞ﴾. هیچ یک از مخلوقات الله، با او شبیه نیست.

وبگو: ﴿ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٞ﴾. الله سبحانه می‌شنود و می‌بیند.

الله شنیدن و دیدن را برای خودش ثابت کرد، پس من هم شنیدن و دیدن را برای او ثابت می‌دانم.

و مانند فرشتگان می‌گویم: ﴿سُبۡحَٰنَكَ لَا عِلۡمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمۡتَنَآ﴾ [البقرة: 32]. «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم».

الله ـ می‌فرماید: ﴿قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُ﴾ [النمل: 65]. «بگو: در آسمان‌ها و زمین جز الله هیچ کس غیب نمی‌داند».

پس بگو: هیچ‌کس جز الله غیب نمی‌داند.

الله علم غیب را از همه غیر از خودش نفی فرمود. از این رو، من هم علم غیب را از همه جز الله نفی می‌کنم.

و همانند فرشتگان می‌گویم: ﴿سُبۡحَٰنَكَ لَا عِلۡمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمۡتَنَآ﴾ «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم».

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾ «و او شنوای بیناست». اما چگونگی شنیدن و دیدن خویش را هرگز بیان نفرموده است. آنچه را الله در مورد خودش نفرموده و نسبت به آن علم نداری نگو.

ثابت است که الله سخنان بندگانش را که به صورت دسته‌جمعی در یک مکان یا به صورت جداگانه و به زبان‌های مختلف و درخواست‌های گوناگون او را می‌خوانند می‌شنود و درخواست هر‌یک را در دنیا یا در آخرت به او عطا می‌فرماید.

به این دلیل که چگونگی شنیدن الله را نمی‌دانی، نگو چگونه می‌شنود و شنیدن را از او نفی نکن؛ بلکه فقط ایمان داشته باش که الله شنواست؛ زیرا این صفت را در قرآن برای خودش بیان فرموده و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ [البقرة: 186]. «و چون بندگانم، از تو درباره من بپرسند، بگو: به راستی که من نزدیکم، دعای دعاکننده را هنگامی‌که مرا بخواند؛ اجابت می‌کنم».

و نیز گمان مبر که صفات الله شبیه صفات مخلوقاتش است، زیرا الله، همانگونه که در مورد خود می‌فرماید: ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾ [الشورى: 11]. «هیچ چیز همانند او نیست، و او شنوای بیناست». خالق همانند مخلوق نیست: ﴿أَفَمَن يَخۡلُقُ كَمَن لَّا يَخۡلُقُۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ١٧﴾ [النحل: 17]. «آیا کسی‌که می‌آفریند، مانند کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا پند نمی‌گیرید؟!».

و بدان که صفات الله کامل و بدون نقص و همیشگی و پیوسته است:

﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلۡعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ١٨٠﴾ [الصافات: 180]. «پاک و منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت، از آنچه (مشرکان) توصیف می‌کنند».

صفات خالق مانند صفات مخلوق نیست؛ زیرا صفات مخلوق ناقص و مؤقتی است.

الله سبحانه در قرآن کریم، خودش را چگونه توصیف می‌فرماید؟

الله سبحانه می‌فرماید: ﴿ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ٦٢﴾ [الزمر: 62]. «الله آفریدگار همه چیز است، و او بر همه چیز نگهبان است».

پس خالق فقط الله است و غیر او مخلوق هستند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ٤﴾ [الإخلاص: 1-4]. «(ای پیامبر) بگو: او الله یکتا و یگانه است. الله بی‌نیاز است (و همه نیازمند او هستند). نه (فرزندی) زاده و نه زاده شده است. و هیچ کس همانند و همتای او نبوده و نیست».

بنابراین، الله همان اله و معبود بر حق و یگانه‌ای است که هیچ شریک و شبیه و همانندی ندارد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَلَمۡ تَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ٢٠﴾ [لقمان: 20]. «آیا ندیدید که الله آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است؛ مسخر شما کرده است، و نعمت‌های خود را آشکار و پنهان (بطور فراوان) بر شما ارزانی داشته است؟! و از مردم کسی هست که بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری دربارۀ الله مجادله می‌کند».

الله مواد را آفرید و برای هر‌یک از آنها خصوصیات متمایزی قرار داد تا انسان از آنها استفاده کند؛ به عنوان نمونه، از چوب برای روشن‌کردن آتش و ساختن کشتی برای حرکت در دریا استفاده می‌شود، یا انسان از آهن برای ساختن ظروفی مانند دیگ برای پختن غذا و سلاح برای حمایت از خود و یاری دین الله استفاده می‌کند:

الله متعال می‌فرماید:

﴿ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلشَّجَرِ ٱلۡأَخۡضَرِ نَارٗا فَإِذَآ أَنتُم مِّنۡهُ تُوقِدُونَ٨٠﴾ [یس: 80]. «(همان) کسی‌که از درخت سبز برای شما آتش پدید آورد، پس آنگاه شما از آن (آتش) می‌افروزید».

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلۡجَوَارِ فِي ٱلۡبَحۡرِ كَٱلۡأَعۡلَٰمِ٣٢﴾ [الشورى: 32]. «واز نشانه‌های او کشتی‌هایی است که همچون کوه در دریا روانند».

﴿وَأَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ فِيهِ بَأۡسٞ شَدِيدٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ﴾ [الحدید: 25]. «و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی سخت و منافعی برای مردم است. و تا الله معلوم بدارد چه کسی به نادیده او و پیامبرانش را یاری می‌کند، بی‌گمان الله توانای پیروزمند است».

الله دل‌های بندگانش را چنان آفریده که به صورت طبیعی او را دوست دارند و به‌سوی او پناه می‌برند. مؤمنان در هر زمانی خدا را می‌خوانند و به‌سوی او پناه می‌برند؛ اما کافران و مشرکان فقط در سختی و اندوه شدید الله را می‌شناسند. فقط در چنین حالتی دل‌های آنان به‌سوی خدا به تنهایی متوجه می‌شود و آنچه را شریک می‌آوردند فراموش می‌کنند، اما وقتی که الله آنان را نجات می‌دهد، به شرک و کفر خویش بازمی‌گردند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوۡجٞ كَٱلظُّلَلِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ فَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِ‍َٔايَٰتِنَآ إِلَّا كُلُّ خَتَّارٖ كَفُورٖ٣٢﴾ [لقمان: 32]. «و هنگامی‌که (در دریا) موجی همچون سایه‌بان آن‌ها را بپوشاند، الله را با اخلاص می‌خوانند، پس چون آن‌ها را (با آوردن) به خشکی نجات داد، آنگاه بعضی از آنان راه اعتدال را پیش می‌گیرند. (و بر ایمان و عهد خود می‌مانند، در حالی‌که بعضی دیگر راه کفر را پیش می‌گیرند) و آیات ما را هیچ کس جز پیمان‌شکنان ناسپاس؛ انکار نمی‌کند».

همراهیان نوح ÷ در کشتی، اجداد ما انسان‌ها بودند. الله سبحانه نعمت خویش را بر ما بیان می‌کند که وقتی آب تمام کنار و گوشه‌های زمین را فراگرفت، ما را در کشتی سوار کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا لَمَّا طَغَا ٱلۡمَآءُ حَمَلۡنَٰكُمۡ فِي ٱلۡجَارِيَةِ١١﴾ [الحاقة: 11]. «همانا هنگامی‌که آب طغیان کرد، شما را در کشتی سوار کردیم».

الله مردم را از یک مرد و زن و پدرشان را از خاک آفرید و فرمان داد که هیچ‌کس بر دیگری برتری نجوید و هیچ‌کس بر دیگر تجاوز نکند، اما پیروان باطل چنین چیزی نمی‌خواهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٞ١٣﴾ [الحجرات: 13]. «ای مردم! بی‌شک ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست، بی‌گمان الله دانای آگاه است».

﴿هُوَ أَعۡلَمُ بِكُمۡ إِذۡ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ وَإِذۡ أَنتُمۡ أَجِنَّةٞ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡۖ فَلَا تُزَكُّوٓاْ أَنفُسَكُمۡۖ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَنِ ٱتَّقَىٰٓ﴾ [النجم: 32]. «و او نسبت به شما داناتر است، هنگامی‌که شما را از زمین پدید آورد، و هنگامی‌که شما در شکم مادران‌تان بصورت جنین‌هایی بودید، پس خودتان را نستائید (و پاک نشمارید) او به کسانی‌که پرهیزکاری نمودند داناتر است».

پیروان باطل آنچه را خدا برای بندگانش می‌خواهد نمی‌پسندند.  
 بلکه دوست دارند که ریاست‌شان باقی بماند و مردم از آنان پیروی کنند و آنان را به عنوان واسطه‌های رسیدن به الله و آمرزش و بهشت او قرار دهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّبِعُواْ سَبِيلَنَا وَلۡنَحۡمِلۡ خَطَٰيَٰكُمۡ وَمَا هُم بِحَٰمِلِينَ مِنۡ خَطَٰيَٰهُم مِّن شَيۡءٍۖ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ١٢ وَلَيَحۡمِلُنَّ أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا مَّعَ أَثۡقَالِهِمۡۖ وَلَيُسۡ‍َٔلُنَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَمَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ١٣﴾ [العنکبوت: 12-13]. «و کسانی‌که کافر شدند به کسانی‌که ایمان آوردند؛ گفتند: «از راه ما پیروی کنید، و البته ما (بار) گناهان‌تان را بر می‌داریم». و آن‌ها هرگز چیزی از گناهان ایشان را بر نخواهند داشت، بی‌گمان آن‌ها دروغ‌گو هستند. و البته بار‌های سنگین (گناهان) خویش را بر می‌دارند، و (همچنین) بار‌های دیگری را با بارهای سنگین خود بر می‌دارند، و روز قیامت یقیناً از آنچه افترا می‌بستند پرسیده خواهند شد».

عظمت و بزرگی فقط برای الله است. او مالک بزرگ است و تمام هستی در ملکیت اوست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ٢٥٥﴾ [البقرة: 255]. «الله (معبود بر حق است) هیچ معبودی بحق جز او نیست، زنده (و جهان هستی را) نگه دار و مدبر است، نه چرت او را فرا گیرد و نه خواب، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست کیست که در نزد اوجز به فرمان او شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد احاطه نمی‌یابد، کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته، و نگاهداری آن دو (زمین و آسمان) بر او گران و دشوار نیاید، و او بلند مرتبه و بزرگ است».

الله سبحانه وتعالى اسماء نیکوتر و صفات برتری دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِۖ هُوَ ٱلرَّحۡمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ٢٢ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلۡمُؤۡمِنُ ٱلۡمُهَيۡمِنُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡجَبَّارُ ٱلۡمُتَكَبِّرُۚ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشۡرِكُونَ٢٣ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡخَٰلِقُ ٱلۡبَارِئُ ٱلۡمُصَوِّرُۖ لَهُ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ٢٤﴾ [الحشر: 22-24]. «او الله است که جز او معبودی (راستین) نیست، دانای غیب و آشکار است، او بخشندۀ مهربان است. او الله است که جز او معبودی (راستین) نیست، پادشاه، نهایت پاک، منزّه (و سالم از هر عیب)، ایمنی دهنده، نگهبان پیروزمند، جبار (جبران‌کننده) و شایستۀ عظمت و بزرگی است. الله پاک و منزّه است از آنچه (برای او) شریک می‌آورند. او الله است، خالق، نوآفرین، نقشبند (بی‌نظیر) برای او نام‌های نیک است، آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح او می‌گویند، و او پیروزمند حکیم است».

تمام جهان هستی از آنِ الله است و هر گونه که بخواهد آن را اداره می‌کند. خلق و امر از آنِ اوست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا وَٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ وَٱلنُّجُومَ مُسَخَّرَٰتِۢ بِأَمۡرِهِۦٓۗ أَلَا لَهُ ٱلۡخَلۡقُ وَٱلۡأَمۡرُۗ تَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٥٤﴾ [الأعراف: 54]. «(ای مردم) بی‌گمان پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمين را در شش روز آفريد، سپس بر عرش مستقر شد، شب را به روز می‌پوشاند که شتابان در پی آن می‌رود، و خورشيد و ماه و ستاره‌گان (را آفريد) که مسخر فرمان او هستند، آگاه باشيد که آفرينش و فرمانروايی از آنِ او است، پر برکت (و به غايت بزرگ) است الله که پروردگار جهانيان است».

نه خوابی او را فرومی‌گیرد و نه خستگی‌ای. او تعالی قدرتمند و بر هر چیزی تواناست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾ [البقرة: 20]. «چرا که الله بر هر چیز توانا است».

﴿إِنَّمَا قَوۡلُنَا لِشَيۡءٍ إِذَآ أَرَدۡنَٰهُ أَن نَّقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ٤٠﴾ [النحل: 40]. «فرمان ما به هر چیزکه چون اراده‌اش کنیم، فقط این است که به او گوییم: «موجود باش» پس (بلا فاصله) موجود می‌شود».

الله سبحانه برای بندگانش کافی است و از آنان حمایت می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبۡدَهُ﴾ [الزمر: 36]. «آیا الله برای بنده‌اش کافی نیست؟!».

مؤمنی که به خدا توکل می‌کند و بسیار ذکر الله را به زبان می‌آورد، هیچ‌کس، نه ساحر و نه شیطان و نه دیگران بر او مسلط نمی‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ٩٨ إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ٩٩﴾ [النحل: 98-99]. «از (شر) شیطان رانده شده، به الله پناه ببر. بی‌گمان او بر کسانی‌که ایمان آورده‌اند و بر پروردگار‌شان توکل می‌کنند؛ (هیچ) تسلطی ندارد».

﴿إِنَّ كَيۡدَ ٱلشَّيۡطَٰنِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ [النساء: 76]. «قطعاً نیرنگ (و نقشه) شیطان ضعیف است».

﴿إِنَّمَا صَنَعُواْ كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ﴾ [طه: 69]. «بی‌شک آنچه ساخته‌اند، تنها مکر ساحر است، و ساحر هر جا رود رستگار (و موفق) نخواهد شد».

﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ٢١٧ ٱلَّذِي يَرَىٰكَ حِينَ تَقُومُ٢١٨ وَتَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ٢١٩ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ٢٢٠﴾ [الشعراء: 217-220]. «و بر الله پیروزمند مهربان توکل کن. (همان) کسی‌که تو را به هنگامی‌که (برای عبادت) بر می‌خیزی می‌بیند. و (نیز) حرکت (و نشست و بر خاست) تو را میان سجده‌کنندگان (می‌بیند). همانا او شنوای داناست».

مؤمن نزد ساحران نمی‌رود. کسی که به سحر تمایل پیدا کند آنگونه که مشتری کالا را می‌خواهد و نزد ساحران رفته و آنان را تصدیق کند، بهره‌ای در آخرت ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖ﴾ [البقرة: 102]. «و قطعاً می‌دانستند که هرکس خریدار آن باشد، در آخرت بهرۀ نخواهد داشت».

مؤمن سحر را فرانمی‌گیرد و به دیگران نمی‌آموزاند؛ زیرا ساحر در دنیا و آخرت رستگار نخواهد شد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱتَّبَعُواْ مَا تَتۡلُواْ ٱلشَّيَٰطِينُ عَلَىٰ مُلۡكِ سُلَيۡمَٰنَۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيۡمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُواْ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحۡرَ﴾ [البقرة: 102]. «و از آنچه شیاطین در (عهد) فرمانروایی سلیمان (بر مردم) می‌خواندند پیروی کردند، و درحالیکه سلیمان (هرگز دست به سحر نیالود) و کافر نشد، و لیکن شیاطین کفر ورزیدند، به مردم سحر آموختند».

﴿وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنۡ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحۡنُ فِتۡنَةٞ فَلَا تَكۡفُرۡ﴾ [البقرة: 102]. «و (آن دو فرشته) به هیچ کس چیزی یاد نمی‌دادند، مگر اینکه (از پیش به او) می‌گفتند: «ما وسیله آزمایشیم، پس کافر نشو».

از جمله مواردی که الله در مورد خودش فرموده این است که علیم و خبیر است و علم او سبحانه وتعالى حد و مرزی ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلۡخَلَّٰقُ ٱلۡعَلِيمُ٨٦﴾ [الحجر: 86]. «بی‌گمان پروردگار تو، همان آفریننده‌ی داناست».

﴿وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡلَمُهَآ إِلَّا هُوَۚ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۚ وَمَا تَسۡقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعۡلَمُهَا وَلَا حَبَّةٖ فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡأَرۡضِ وَلَا رَطۡبٖ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ٥٩﴾ [الأنعام: 59]. «و کلیدهای غیب نزد اوست؛ و جز او کسی آن‌ها را نمی‌داند، آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند، و هیچ برگی (از درختی) نمی‌افتد؛ مگر اینکه آن را می‌داند، و نه هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و نه هیچ تر و خشکی (و جود دارد) مگر اینکه در کتابی آشکار (= لوح محفوظ ثبت) است».

نیز فرموده که غنی و بی‌نیاز است و هر چه غیر اوست به او نیازمند هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِۖ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ١٥﴾ [فاطر: 15]. «ای مردم! شما (همگی) به الله نیازمندید، و (تنها) الله است که بی‌نیاز ستوده است».

رزق و روزی به دست او سبحانه است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا مِن دَآبَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزۡقُهَا﴾ [هود: 6]. «و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست؛ مگر اینکه روزی اش بر (عهده‌ی) الله است».

مرگ همه چیز را فرامی‌گیرد مگر الله را:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱلۡحَيِّ ٱلَّذِي لَا يَمُوتُ﴾ [الفرقان: 58]. «و برزندۀ که هرگز نمی‌میرد؛ توکل کن».

الله سبحانه وتعالى زنده می‌گرداند و می‌میراند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ﴾ [غافر: 68]. «او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند».

زندگی مؤمن مانند زندگی فاسق نیست؛ چنانکه مرگ مؤمن با مرگ فاسق متفاوت است؛ زیرا اعمال مختلفی دارند و به همین دلیل، جزای آنان متفاوت است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَفَمَن كَانَ مُؤۡمِنٗا كَمَن كَانَ فَاسِقٗاۚ لَّا يَسۡتَوُۥنَ١٨ أَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلۡمَأۡوَىٰ نُزُلَۢا بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ١٩ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فَسَقُواْ فَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ﴾ [السجدة: 18-20]. «آیا کسی‌که مؤمن است همچون کسی است که فاسق است؟! (نه) هرگز برابر نیستند. اما کسانی‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پس برای آن‌ها باغ‌های بهشت جاویدان خواهد بود، (این به عنوان) محل پذیرایی (از آن‌ها) است؛ به پاداش آنچه که انجام می‌دادند. و اما کسانی‌که فاسق شدند، پس جایگاه‌شان آتش (جهنم) است».

﴿أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ ٱجۡتَرَحُواْ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ أَن نَّجۡعَلَهُمۡ كَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَوَآءٗ مَّحۡيَاهُمۡ وَمَمَاتُهُمۡۚ سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ٢١ وَخَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّ وَلِتُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۢ بِمَا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ٢٢﴾ [الجاثیة: 21-22]. «آیا کسانی‌که مرتکب بدی‌ها شدند، گمان کردند که (ما) آن‌ها را همچون کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، که زندگی شان و مرگ‌شان یکسان باشد؟! چه بد داوری می‌کنند! و الله آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است، و تا هرکس را در برابر آنچه که انجام داده است پاداش دهد، و به آن‌ها ستمی نخواهد شد».

مؤمنان در هنگام مرگ توسط فرشتگان مورد بشارت قرار می‌گیرند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسۡتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَبۡشِرُواْ بِٱلۡجَنَّةِ ٱلَّتِي كُنتُمۡ تُوعَدُونَ٣٠ نَحۡنُ أَوۡلِيَآؤُكُمۡ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ﴾ [فصلت: 30-31]. «بی‌گمان کسانی‌که گفتند: «پروردگار ما الله است» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آن‌ها نازل می‌شوند (و می‌گویند:) «نترسید، و اندوهگین نباشید، و بشارت باد، به بهشتی‌که شما وعده داده می‌شدید. ما در زندگی دنیا و (نیز) در آخرت دوستان (و یاران) شما هستیم».

اما ستمکاران در سختی‌ها و ناراحتی‌های مرگ، توسط فرشتگان شکنجه می‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي غَمَرَٰتِ ٱلۡمَوۡتِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ بَاسِطُوٓاْ أَيۡدِيهِمۡ أَخۡرِجُوٓاْ أَنفُسَكُمُۖ ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَوۡنَ عَذَابَ ٱلۡهُونِ بِمَا كُنتُمۡ تَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَكُنتُمۡ عَنۡ ءَايَٰتِهِۦ تَسۡتَكۡبِرُونَ﴾ [الأنعام: 93]. «و (شگفت‌زده می‌شوی) اگر ببینی هنگامی‌که (این) ستمکاران در سکرات مرگ فرو رفته‌اند، و فرشتگان (قبض روح) دست‌ها را گشوده (و به آنان می‌گویند:) «جان‌هایتان را بیرون آورید! امروز عذاب خفت‌باری در برابر آنچه ناحق بر الله می‌گفتید، و نسبت به آیات او تکبّر ورزیدید، خواهید دید».

پس از اینکه مؤمنان از دنیا رفتند، درهای آسمان به روی ارواح آنان گشوده می‌شود، اما گردن‌کشان تکذیب‌کننده از این نعمت محروم هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِ‍َٔايَٰتِنَا وَٱسۡتَكۡبَرُواْ عَنۡهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمۡ أَبۡوَٰبُ ٱلسَّمَآءِ وَلَا يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ ٱلۡجَمَلُ فِي سَمِّ ٱلۡخِيَاطِ﴾ [الأعراف: 40]. «بی‌گمان کسانی‌که آيات ما را تکذيب کردند، و در برابر آن (گردن‌کَشی و) تکبر ورزيدند، درهای آسمان (هرگز) براي‌شان گشوده نمی‌شود، و به بهشت داخل نخواهند شد، مگر اين که شتر از سوراخ سوزن درآيد».

مؤمنان تا برپایی قیامت در قبرهایشان در نعمت به سر می‌برند، اما متکبران ستیزه‌جو تا برپایی قیامت عذاب و شکنجه می‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَحَاقَ بِ‍َٔالِ فِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ٤٥ ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ٤٦﴾ [غافر: 45-46]. «و بد‌ترین عذاب آل فرعون را در میان گرفت. (آن عذاب) آتش (دوزخ است) که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند. و روزی‌که قیامت بر پا می‌شود (گفته می‌شود:) «آل فرعون را در سخترین عذاب وارد کنید».

عذاب و نعمت‌های قبر از جمله امور غیبی است که فقط الله نسبت به آن علم دارد.

از دیگر صفاتی که الله خویش را با آن توصیف فرموده این است که:

الله مردگان را زنده می‌کند و کسانی را که در قبرها هستند برمی‌انگیزاند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّنَ ٱلۡبَعۡثِ فَإِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ مِنۡ عَلَقَةٖ ثُمَّ مِن مُّضۡغَةٖ مُّخَلَّقَةٖ وَغَيۡرِ مُخَلَّقَةٖ لِّنُبَيِّنَ لَكُمۡۚ وَنُقِرُّ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ مَا نَشَآءُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ثُمَّ نُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡۖ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡلَا يَعۡلَمَ مِنۢ بَعۡدِ عِلۡمٖ شَيۡ‍ٔٗاۚ وَتَرَى ٱلۡأَرۡضَ هَامِدَةٗ فَإِذَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡهَا ٱلۡمَآءَ ٱهۡتَزَّتۡ وَرَبَتۡ وَأَنۢبَتَتۡ مِن كُلِّ زَوۡجِۢ بَهِيجٖ٥ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّهُۥ يُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَأَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ٦ وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٞ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَأَنَّ ٱللَّهَ يَبۡعَثُ مَن فِي ٱلۡقُبُورِ٧﴾ [الحج: 5-7]. «ای مردم! اگر از بر انگیخته شدن در شک هستید، پس (به این نکته دقت کنید:) همانا ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از مضغه (= پاره گوشتی) شکل یافته و شکل نایافته، تا (قدرت و حکمت خود را) برای شما آشکار سازیم، و هر چه را که بخواهیم تا زمانی معین در رحم (مادران) نگه می‌داریم، آنگاه شما را به صورت طفل بیرون می‌آوریم، سپس تا به حد رشد (و بلوغ) خود برسید، و از شما کسی هست که می‌میرد، و از شما کسی هست که (آنقدر عمر می‌کند که) به نهایت فرتوتی (و پیری) باز برده می‌شود، تا آنکه پس از (آن همه) علم و دانش، چیزی نداند، و (به مثال دیگر توجه کنید:) زمین را خشکیده می‌بینی، پس هنگامی‌که آب (باران) بر آن فرو فرستیم، به حرکت در آید، و رشد کند، و از هر نوع گیاه زیبا (و خرم) برویاند. این به خاطر آن است که (بدانید) الله حق است، و آنکه او مردگان را زنده می‌کند، و آن‌که او بر هر چیز تواناست. و آنکه قیامت آمدنی است، شکی در آن نیست، و آنکه الله (همۀ) کسانی‌که در گور‌‌ها هستند، بر می‌انگیزد».

الله سبحانه خبر می‌دهد که او در روزی که هیچ شک و تردیدی در آن نیست مردم را گرد می‌آورد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلِ ٱللَّهُ يُحۡيِيكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يَجۡمَعُكُمۡ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا رَيۡبَ فِيهِ﴾ [الجاثیة: 26]. «(ای پیامبر) بگو: الله شما را زنده می‌کند، سپس شما را می‌میراند، باز شما را در روز قیامت ـ که تردیدی در آن نیست ـ جمع می‌کند».

آنگاه برای عرضه در برابر پروردگار سبحانه و حسابرسی بر تمام اعمال کوچک و بزرگی که در دنیا انجام داده‌اند نگه داشته می‌شوند‌:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ نَفۡخَةٞ وَٰحِدَةٞ١٣ وَحُمِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ وَٱلۡجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةٗ وَٰحِدَةٗ١٤ فَيَوۡمَئِذٖ وَقَعَتِ ٱلۡوَاقِعَةُ١٥ وَٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ فَهِيَ يَوۡمَئِذٖ وَاهِيَةٞ١٦ وَٱلۡمَلَكُ عَلَىٰٓ أَرۡجَآئِهَاۚ وَيَحۡمِلُ عَرۡشَ رَبِّكَ فَوۡقَهُمۡ يَوۡمَئِذٖ ثَمَٰنِيَةٞ١٧ يَوۡمَئِذٖ تُعۡرَضُونَ لَا تَخۡفَىٰ مِنكُمۡ خَافِيَةٞ١٨﴾ [الحاقة: 13-18]. «پس هنگامی‌که یک بار در «صور» دمیده شود. و زمین و کوه‌ها از جا کنده شود، پس یکباره درهم کوبیده (و متلاشی) شوند. پس در آن روز واقعۀ (عظیم) قیامت به و قوع می‌پیوندد. و آسمان شکافته می‌شود، پس در آن روز سست می‌گردد (و فرو می‌ریزد). و فرشتگان بر کناره‌های آن (= آسمان) قرار می‌گیرند، و آن روز هشت (فرشته) عرش پروردگارت را بر فراز‌شان حمل می‌کنند. در آن روز شما (همگی برای حساب‌رسی، به پشیگاه الله) عرضه می‌شوید، و هیچ چیز از (کار‌های) شما پنهان نخواهد ماند».

سپس نامه‌های اعمال‌شان به دست آنان داده می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَنُخۡرِجُ لَهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ كِتَٰبٗا يَلۡقَىٰهُ مَنشُورًا١٣ ٱقۡرَأۡ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفۡسِكَ ٱلۡيَوۡمَ عَلَيۡكَ حَسِيبٗا١٤﴾ [الإسراء: 13-14]. «و روز قیامت کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آن را سرگشوده می‌بینید (که همانا نامه‌ی اعمالش است). (و به او می‌فرماییم:) کتابت را بخوان، کافی است که امروز خود حساب گر خویش باشی».

پس از آن، در بهشت پر از نعمت، مورد احترام قرار می‌گیرند یا از نعمت محروم شده و در آتش جهنم شکنجه و عذاب می‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٍ٢٢ عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ٢٣ تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِهِمۡ نَضۡرَةَ ٱلنَّعِيمِ٢٤﴾ [المطففین: 22-24]. «همانا نیکوکاران در نعمت (های بهشت) هستند. برتخت‌ها (تکیه زده و) می‌نگرند. خرمی و نشاط نعمت را در چهره‌هایشان (می بینی و) می‌شناسی».

﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاضِرَةٌ٢٢ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٞ٢٣ وَوُجُوهٞ يَوۡمَئِذِۢ بَاسِرَةٞ٢٤ تَظُنُّ أَن يُفۡعَلَ بِهَا فَاقِرَةٞ٢٥﴾ [القیامة: 22-25]. «آن روز چهره‌هایی تازه (و شاداب) است. به سوی پروردگارش می‌نگرد. و در آن روز چهره‌هایی عبوس (و درهم کشیده) است. یقین دارد که آسیبی کمر‌‌شکن به او می‌رسد».

﴿كَلَّآ إِنَّهُمۡ عَن رَّبِّهِمۡ يَوۡمَئِذٖ لَّمَحۡجُوبُونَ١٥ ثُمَّ إِنَّهُمۡ لَصَالُواْ ٱلۡجَحِيمِ١٦﴾ [المطففین: 15-16]. «هرگز چنین نیست (که آن‌ها می‌پندارند) بی‌گمان آن‌ها در آن روز از (دیدار) پروردگار‌شان یقیناً محجوب و محرومند. سپس (بعد از حساب) مسلماً وارد دوزخ می‌شوند».

اللهُ مؤمنان را که در دنیا کار نیک انجام دادند مورد احترام قرار می‌دهد و وارد بهشت زیبا و نیکو می‌شوند. الله افزون بر بهشت پرنعمتی که در آن قرار دارند و بهتر از آن را برایشان عطا می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لِّلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ ٱلۡحُسۡنَىٰ وَزِيَادَةٞ﴾ [یونس: 26]. «برای کسانی‌که نیکی کردند، پاداش نیک (= بهشت) است و افزون بر آن (=رؤیت باری تعالی است)».

حسنى، همان جنت است و زیادة، نعمتی بهتر از نعمت‌های جنت است، یعنی رؤیت الله که بسیار بلندمرتبه و دارای اسمای نیکویی است.

مؤمنان ایمان و عمل را که صفات پرهیزکاران است به نمایش می‌گزارند و از این طریق، هدایت و رستگار می‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الٓمٓ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ٢ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ٣ وَٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ وَبِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ٤ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ٥﴾ [البقرة: 1-5]. «الف. لام. میم. این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزگاران است. آن کسانی‌که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند. و آنان که به آنچه بر تو نازل شده و آنچه (بر پیامبران) پیش از تو نازل شده، ایمان می‌آورند، و به روز رستاخیز یقین دارند. آنان بر هدایت از جانب پروردگارشانند و آنان رستگارانند».

نخستین صفت پرهیزکاران که الله آن را در کتابش بیان می‌کند، ایمان به غیب است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿الٓمٓ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ٢ ٱلَّذِينَ يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡغَيۡبِ﴾ [البقرة: 1-3]. «الف. لام. میم. این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزگاران است. آن کسانی‌که به غیب ایمان».

و اولین غیبی که الله به ما فرمان داده به آن ایمان بیاوریم، ایمان به الله، سپس ایمان به فرشتگان او سبحانه وتعالى است. به همین ترتیب، به ما فرمان داده که به جنت و جهنم و سایر امور غیبی که هرگز آنها را ندیده‌ایم ایمان بیاوریم؛ زیرا الله در کتاب خویش و رسولش ج ما را از این امور آگاه کرده‌اند و ما می‌گوییم: ﴿سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَا﴾:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ٢٨٥﴾ [البقرة: 285]. «پیامبر به آنچه از (سوی) پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است، و مؤمنان (نیز) همه به الله و فرشتگان او و کتاب‌هایش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند. (و گفتند): «میان هیچ یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم» و گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را (خواهانیم) و بازگشت به سوی توست».

موسى ÷ درخواست کرد که پروردگارش را ببیند، اما الله سبحانه به او فرمود که هرگز نمی‌تواند الله را در دنیا ببیند؛ زیرا دنیا توان و گنجایش این امر را ندارد، بگونه‌ای که وقتی پروردگار جل وعلا خویشتن را بر کوه تجلی نمود، کوه متلاشی شد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَمَّا جَآءَ مُوسَىٰ لِمِيقَٰتِنَا وَكَلَّمَهُۥ رَبُّهُۥ قَالَ رَبِّ أَرِنِيٓ أَنظُرۡ إِلَيۡكَۚ قَالَ لَن تَرَىٰنِي وَلَٰكِنِ ٱنظُرۡ إِلَى ٱلۡجَبَلِ فَإِنِ ٱسۡتَقَرَّ مَكَانَهُۥ فَسَوۡفَ تَرَىٰنِيۚ فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُۥ لِلۡجَبَلِ جَعَلَهُۥ دَكّٗا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقٗاۚ فَلَمَّآ أَفَاقَ قَالَ سُبۡحَٰنَكَ تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ١٤٣﴾ [الأعراف: 143]. «و هنگامی‌که موسی به میعاد ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان بده، تا به تو بنگرم» فرمود: «(در دنیا) هرگز مرا نخواهی دید، و لیکن به کوه بنگر، پس اگر در جایش ثابت ماند، تو (نیز) مرا خواهی دید». پس چون پروردگارش بر (آن) کوه تجلی کرد، آن را متلاشی (و هموار) ساخت، و موسی بیهوش افتاد، پس هنگامی‌که به هوش آمد، عرض کرد: تو پاک و منزهی، من به سوی تو بازگشتم (و توبه کردم) و من نخستین مؤمنانم».

موسی چون چیزی را از الله درخواست کرده بود که در دنیا سزاوارش نبود توبه کرد.

موسی چون چیزی را از الله درخواست کرده بود که در دنیا حق او نبود توبه کرد.(این جملات تکراری است یکی شودبهتر است به این گونه: (.... سزاوار و حقش نبود توبه کرد) . مصحح)

اما قومش لجبازی کردند و به غیب کفر ورزیدند و ایمان خویش را معلق کردند به اینکه موسی الله را در دنیا به آنان نشان دهد؛ از این رو، عذاب دردآوری آنان را فراگرفت:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ قُلۡتُمۡ يَٰمُوسَىٰ لَن نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى ٱللَّهَ جَهۡرَةٗ فَأَخَذَتۡكُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ وَأَنتُمۡ تَنظُرُونَ٥٥﴾ [البقرة: 55]. «و (به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر اینکه الله را آشکارا ببینیم». پس صاعقه شما را گرفت، در حالی‌که می‌نگریستید».

اما در آخرت، الله مؤمنان را به بهشت درمی‌آورد و آنان بهشت را می‌بینند و کافران را به جهنم درمی‌آورد و آنان جهنم را می‌بینند؛ اما کافران را از رؤیت خویش محروم می‌گرداند و با این نعمت، بندگان پرهیزکارش را گرامی می‌دارد. رؤیت الله، نعمت اصلی و فراتر از تمام نعمت‌هایی است که بهشتیان از آن بهره‌مند می‌گردند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُم مُّلَٰقُوهُۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ [البقرة: 223]. «و از الله بترسید، و بدانید که شما او را ملاقات خواهید کرد، و به مؤمنان بشارت ده».

﴿كَلَّآ إِنَّهُمۡ عَن رَّبِّهِمۡ يَوۡمَئِذٖ لَّمَحۡجُوبُونَ١٥ ثُمَّ إِنَّهُمۡ لَصَالُواْ ٱلۡجَحِيمِ١٦﴾ [المطففین: 15-16]. «هرگز چنین نیست (که آن‌ها می‌پندارند) بی‌گمان آن‌ها در آن روز از (دیدار) پروردگار‌شان یقیناً محجوب و محرومند. سپس (بعد از حساب) مسلماً وارد دوزخ می‌شوند».

﴿إِنَّ ٱلۡأَبۡرَارَ لَفِي نَعِيمٍ٢٢ عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ٢٣ تَعۡرِفُ فِي وُجُوهِهِمۡ نَضۡرَةَ ٱلنَّعِيمِ٢٤﴾ [المطففین: 22-24]. «همانا نیکوکاران در نعمت (های بهشت) هستند. برتخت‌ها (تکیه زده و) می‌نگرند. خرمی و نشاط نعمت را در چهره‌هایشان (می بینی و) می‌شناسی».

﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاضِرَةٌ٢٢ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٞ٢٣ وَوُجُوهٞ يَوۡمَئِذِۢ بَاسِرَةٞ٢٤ تَظُنُّ أَن يُفۡعَلَ بِهَا فَاقِرَةٞ٢٥﴾ [القیامة: 22-25]. «آن روز چهره‌هایی تازه (و شاداب) است. به سوی پروردگارش می‌نگرد. و در آن روز چهره‌هایی عبوس (و درهم کشیده) است. یقین دارد که آسیبی کمر‌‌شکن به او می‌رسد».

از جمله موارد دیگری که خدا در مورد خویش فرموده این است که:

بندگان مؤمن، پرهیزکار، شکیبا، نیکوکار خویش و پیرو رسولش ج را دوست دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ﴾ [آل عمران: 31]. «بگو: «اگر الله را دوست می‌دارید، پس ازمن پیروی کنید، تا الله شما را دوست بدارد».

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: 4]. «همانا الله پرهیزگاران را دوست دارد».

﴿وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾ [آل عمران: 146]. «و الله شکیبایان را دوست دارد».

﴿وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾ [آل عمران: 134]. «و الله نیکوکاران را دوست می‌دارد».

مؤمنان الله را دوست دارند. دلیل محبت آنان به الله، فرمانبرداری از او و رسولش است و هر‌کس که ادعا می‌کند الله را دوست دارد، اما از او فرمانبرداری نکرده و از رسولش پیروی نمی‌کند، یا ادعای ایمان دارد ولی اعمال صالح انجام نمی‌دهد، دروغ‌گو است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ وَأَطَعۡنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ٤٧ وَإِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم مُّعۡرِضُونَ٤٨﴾ [النور: 47-48]. «و (منافقان) می‌گویند: «به الله و به پیامبر (او) ایمان آوردیم، و اطاعت کردیم» سپس گروهی از آن‌ها بعد از این (ادعا) روی گردان می‌شوند، و اینان (در حقیقت) مؤمن نیستند. و هنگامی‌که به سوی الله و پیامبرش فرا‌خوانده شوند تا در میان‌شان داوری کند، ناگهان گروهی از آن‌ها اعراض می‌کنند».

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوۡلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ أَن يَقُولُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ٥١﴾ [النور: 51]. «سخن مؤمنان هنگامی‌که به سوی الله و پیامبرش خوانده شوند تا میان آن‌ها داوری کند، فقط این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم» و اینان همان رستگارانند».

الله در كتاب گرانبهایش هر جا که فرموده: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ﴾ بدون استثناء، در کنار آن ﴿وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ﴾ را آورده است؛ زیرا عمل صالح، بر ایمان حقیقی صحّه می‌گذارد.

الله صفات مؤمنان راستین را در کتابش بیان فرموده است؛ از جمله اینکه آنان ایمان و عمل را با هم دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَإِذَا تُلِيَتۡ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنٗا وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ٢ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ٣ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗاۚ لَّهُمۡ دَرَجَٰتٌ عِندَ رَبِّهِمۡ وَمَغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ٤﴾ [الأنفال: 2-4]. «مؤمنان تنها کسانی هستند که چون نام الله برده شود، دل‌های شان ترسان گردد، و چون آیات او بر آن‌ها خوانده شود، ایمان‌شان افزون گردد، و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. کسانی‌که نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. اینان، مؤمنان حقیقی هستند، برای آنان درجاتی پیا‌پی (عالی) نزد پروردگارشان است، و (همچنین) آمرزش، و روزی فراوان و نیکو (در بهشت) است».

﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ١٥﴾ [الحجرات: 15]. «مؤمنان (حقیقی) تنها کسانی‌اند که به الله و پیامبرش ایمان آورده‌اند، سپس (در این باره) شک (و تردید) نکرده‌اند، و با اموال خود و جان های خود در راه الله جهاد کرده‌اند، اینانند که راستگویانند».

صفات بندگان نیکوکار الله:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَّيۡسَ ٱلۡبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ قِبَلَ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلۡكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ وَءَاتَى ٱلۡمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلۡمُوفُونَ بِعَهۡدِهِمۡ إِذَا عَٰهَدُواْۖ وَٱلصَّٰبِرِينَ فِي ٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلۡبَأۡسِۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ١٧٧﴾ [البقرة: 177]. «نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی (و نیکوکار)کسی است که به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران، ایمان آورده باشد، و مال (خود) را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و گدایان و در (راه آزادی) بردگان بدهد، و نماز را بر پای دارد و زکات را بدهد، و وفاکنندگان به پیمانشان چون پیمان بندند و (کسانی که) در فقر و سختی و زیان و بیماری و به هنگام نبرد؛ شکیبایند. این‌ها کسانی هستند که راست گفتند، و آن‌ها پرهیزگارانند».

صفت دیگری که الله سبحانه وتعالى خویشتن را با آن ستوده، این است که:

نسبت به بندگانش لطیف و مهربان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱللَّهُ لَطِيفُۢ بِعِبَادِهِ﴾ [الشوری:19]. «الله نسبت به بندگانش لطیف (و مهربان) است».

﴿وَٱللَّهُ رَءُوفُۢ بِٱلۡعِبَادِ﴾ [البقرة: 207]. «و الله نسبت به بندگان مهربان است».

﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ﴾ [البقرة: 185]. «الله برای شما آسانی می‌خواهد، و برای شما دشواری نمی‌خواهد».

الله سبحانه وتعالى در مورد خویش می‌فرماید:

مهربان‌ترین مهربانان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَٱللَّهُ خَيۡرٌ حَٰفِظٗاۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ﴾ [یوسف: 64]. «پس الله بهترین نگهبان است، و او مهربان‌ترین مهربانان است».

دین الله سبحانه آسانی و سهولت و عزت و سعادت است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَا جَعَلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلدِّينِ مِنۡ حَرَجٖ﴾ [الحج: 78]. «و در دین برای شما هیچ سختی (و تنگنایی) قرار نداد».

﴿طه١ مَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لِتَشۡقَىٰٓ٢﴾ [طه: 1-2]. «طه. (ای پیامبر! ما) قرآن را برتو نازل نکردیم که به مشقت افتی».

﴿وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ١٣٩﴾ [آل عمران: 139]. «و سست نشوید و اندوهگین نگردید، و شما برتر هستید؛ اگر مؤمن باشید».

الله سرپرست و یاور بندگان مؤمن خویش است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ [آل عمران: 68]. «و الله یاور و ولی مؤمنان است».

سرپرستی الله نسبت به یوسف ÷:

برادران یوسف، او را در چاه افکندند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا ذَهَبُواْ بِهِۦ وَأَجۡمَعُوٓاْ أَن يَجۡعَلُوهُ فِي غَيَٰبَتِ ٱلۡجُبِّۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمۡرِهِمۡ هَٰذَا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ١٥﴾ [یوسف: 15]. «پس چون او را با خود بردند، و تصمیم گرفتند که او را در قعر چاه قرار دهند، و (تصمیم خود را عملی نمودند) به او وحی کردیم که قطعاً آن‌ها را از این کار‌شان آگاه خواهی کرد، در حالی‌که آن‌ها نمی‌دانند».

سپس عزیز مصر شد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالُواْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡعَزِيزُ إِنَّ لَهُۥٓ أَبٗا شَيۡخٗا كَبِيرٗا فَخُذۡ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓۖ إِنَّا نَرَىٰكَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ٧٨﴾ [یوسف: 78]. «گفتند: ای عزیز! همانا او پدر پیری دارد، (که از دوری او سخت ناراحت می‌شود) لذا یکی ازما را به جای او بگیر، بی‌گمان ما تو را از نیکو کاران می‌بینیم».

در ادامه، یوسف برادرانش را از کارشان آگاه کرد بدون اینکه آنان بدانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ هَلۡ عَلِمۡتُم مَّا فَعَلۡتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذۡ أَنتُمۡ جَٰهِلُونَ٨٩ قَالُوٓاْ أَءِنَّكَ لَأَنتَ يُوسُفُۖ قَالَ أَنَا۠ يُوسُفُ وَهَٰذَآ أَخِيۖ قَدۡ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَآۖ إِنَّهُۥ مَن يَتَّقِ وَيَصۡبِرۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجۡرَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ٩٠﴾ [یوسف: 89-90]. «(یوسف) گفت: «آیا دانستید با یوسف چه کردید، هنگامی‌که نادان بودید؟!». (برادران) گفتند: «آیا به راستی تو همان یوسفی؟!». (یوسف) گفت: «(آری) من یوسفم، و این برادر من است، یقینا ً الله بر ما منّت گذاشت، همانا هر کس پرهیزگاری کند و صبر نماید، بی‌گمان الله پاداش نیکو‌کاران را ضایع نمی‌کند».

سرپرستی الله نسبت به موسى ÷:

فرعون فرزندان بنی إسرائیل را ذبح می‌کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِرۡعَوۡنَ عَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَجَعَلَ أَهۡلَهَا شِيَعٗا يَسۡتَضۡعِفُ طَآئِفَةٗ مِّنۡهُمۡ يُذَبِّحُ أَبۡنَآءَهُمۡ﴾ [القصص: 4]. «بی‌گمان فرعون در زمین برتری جست و اهل آن را گروه گروه کرد، گروهی از آن‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسران‌شان را سر می‌برید».

موسى در منزل فرعون:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَرۡضِعِيهِۖ فَإِذَا خِفۡتِ عَلَيۡهِ فَأَلۡقِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحۡزَنِيٓۖ إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيۡكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ٧ فَٱلۡتَقَطَهُۥٓ ءَالُ فِرۡعَوۡنَ﴾ [القصص: 7-8]. «و به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر بده، پس هنگامی‌که بر او ترسیدی، او را به دریای (نیل) بینداز، و نترس، و اندوهگین مشو، یقیناً ما او را به تو باز می‌گردانیم و او را از پیامبران قرار می‌دهیم». پس (هنگامی‌که مادر موسی او را به دریا افکند) خاندان فرعون او را (از آب) بر گرفتند».

﴿وَقَالَتِ ٱمۡرَأَتُ فِرۡعَوۡنَ قُرَّتُ عَيۡنٖ لِّي وَلَكَۖ لَا تَقۡتُلُوهُ﴾ [القصص: 9]. «و (آسیه) همسر فرعون گفت: «(این کودک) نور چشم من و توست! او را نکشید».

مادر موسى خواهرش را فرستاد تا اخبار موسی را دنبال کند:

الله متعال می‌فرماید: **﴿**وَقَالَتۡ لِأُخۡتِهِۦ قُصِّيهِۖ فَبَصُرَتۡ بِهِۦ عَن جُنُبٖ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ١١ وَحَرَّمۡنَا عَلَيۡهِ ٱلۡمَرَاضِعَ مِن قَبۡلُ فَقَالَتۡ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰٓ أَهۡلِ بَيۡتٖ يَكۡفُلُونَهُۥ لَكُمۡ وَهُمۡ لَهُۥ نَٰصِحُونَ١٢**﴾** [القصص: 11-12]. «و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «به دنبالش برو» پس (خواهرش) او را از دور دید، در حالی‌که آن‌ها بی‌خبر بودند. و (پستان) همۀ زنان شیر‌ده را از پیش بر او حرام کردیم، آنگاه (خواهرش) گفت: «آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که او را برایتان نگه دارند در حالی‌که آن‌ها خیر خواه او باشند؟!».

خواهر موسی راست گفت؛ چون در شهر، برای موسی خانواده‌ای دلسوز‌تر از مادر و خانواده‌اش یافت نمی‌شد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَرَدَدۡنَٰهُ إِلَىٰٓ أُمِّهِۦ كَيۡ تَقَرَّ عَيۡنُهَا وَلَا تَحۡزَنَ وَلِتَعۡلَمَ أَنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ١٣﴾ [القصص: 13]. «پس او را به مادرش باز گرداندیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد، و تا بداند که وعدۀ الله حق است، و لیکن بیشتر آن‌ها نمی‌دانند».

الله سبحانه وتعالى در مورد خویشتن می‌فرماید:

او سبحانه در آسمان و بالای سر بندگانش است؛ با این وجود، چنان به آنان نزدیک است که خواسته‌هایشان را برآورده می‌سازد و بندگان مؤمن خویش را حفاظت می‌فرماید و بندگان نافرمان را مجازات می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمۡ أَمِنتُم مَّن فِي ٱلسَّمَآءِ أَن يُرۡسِلَ عَلَيۡكُمۡ حَاصِبٗاۖ فَسَتَعۡلَمُونَ كَيۡفَ نَذِيرِ١٧﴾ [الملک: 17]. «یا خود را از کسی‌که در آسمان است، در امان می‌دانید، که تند بادی همراه با سنگریزه بر شما فرستد؟ پس بزودی خواهید دانست که هشدار من چگونه است!».

﴿تَعۡرُجُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ إِلَيۡهِ﴾ [المعارج: 4]. «فرشتگان و روح (جبرئیل) به سوی او عروج می‌کنند».

﴿وَهُوَ ٱلۡقَاهِرُ فَوۡقَ عِبَادِهِۦۖ وَيُرۡسِلُ عَلَيۡكُمۡ حَفَظَةً﴾ [الأنعام: 61]. «و او بر بندگانش چیره است و نگهبانانی (از فرشتگان) بر شما می‌فرستد».

مومنان کارهای نیک انجام می‌دهند؛ زیرا می‌دانند که الله با علم به آنان در کنارشان است، به آنان نزدیک است و سخنانشان را می‌شنود و آنان را می‌بیند:

الله خطاب به موسى وهارون فرمود: ﴿إِنَّنِي مَعَكُمَآ أَسۡمَعُ وَأَرَىٰ﴾ [طه: 46]. (نترسید!) «بی‌شک من با شما هستم، می‌شنوم و می‌بینم».

در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿مَا يَكُونُ مِن نَّجۡوَىٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمۡ وَلَا خَمۡسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمۡ وَلَآ أَدۡنَىٰ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمۡ أَيۡنَ مَا كَانُواْۖ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُواْ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ٧﴾ [المجادلة: 7]. «هیچ نجوایی میان سه نفر نباشد مگر آن که او چهارمین آن‌ها است، و پنج نفری نیست مگر آن که او ششمین آن‌ها است، و نه کمتر از آن و نه بیشتر، مگر آن که هرکجا باشند او همراه آن‌ها است، سپس روز قیامت آن‌ها را به آنچه کرده‌اند باخبر می‌سازد، بی‌گمان الله به همه چیز داناست».

الله هرگز به بندگانش فرمان نداده که غیر او را بخوانند، بلکه کسانی را که او را نمی‌خوانند و به درگاه او تضرع و زاری نمی‌کنند، عذاب می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ٦٠﴾ [غافر: 60]. «و پروردگار شما فرمود: «مرا بخوانید، تا (دعای) شما را اجابت کنم همانا کسانی‌که از عبادت من سرکشی می‌کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می‌شوند».

الله سبحانه در مورد خویش می‌فرماید:

او سبحانه، حق است و آنچه که به جز او به فریاد خوانده می‌شوند، باطل است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ هُوَ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ٦٢﴾ [الحج: 62]. «این بخاطر آن است که الله حق است، و آنچه جز او می‌خوانند باطل است، و به راستی که الله بلند مرتبه‌ی بزرگ است».

ایمان به الله جز با کفر به طاغوت کامل نمی‌شود و طاغوت عبارت است از هر دین یا معبودی به جز الله:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ مِنَ ٱلۡغَيِّۚ فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: 256]. «به راستی که راه راست (و هدایت) از راه انحراف (و گمراهی) روشن شده است. پس هر کس به طاغوت (شیطان و بت و انسان‌های گمراه و طغیانگر) کفر ورزد و به الله ایمان آورد، پس به راستی که به دستگیره محکمی چنگ زده است، که آن را گسستن نیست، و الله شنوای داناست».

الله سبحانه خبر می‌دهد که بندگانی را دوست دارد که در ظاهر و باطن «یعنی بدن و لباس و قلب و اعضای آنان» پاکیزه باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ﴾ [البقرة: 222]. «به راستی که الله توبه کنندگان را دوست می‌دارد و (نیز) پاکان را دوست می‌دارد».

الله سبحانه در مورد خویشتن می‌فرماید:

او سبحانه مهربان‌ترین مهربانان و بخشنده‌ترین بخشندگان است. گناهان توبه‌کنندگان را می‌بخشد و بدی‌هایشان را به نیکی تبدیل می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسۡرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ لَا تَقۡنَطُواْ مِن رَّحۡمَةِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ٥٣﴾ [الزمر: 53]. «(ای پیامبر، از جانب من) بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف (و ستم) کرده‌اید! از رحمت الله نا امید نشوید، همانا الله همۀ گناهان را می‌بخشد، یقیناً او بسیار آمرزندۀ مهربان است».

هر‌کس که در حال نافرمانی بمیرد و توبه نکرده باشد، تحت اراده و مشیئت الله است که اگر بخواهد او را عذاب می‌دهد و اگر بخواهد او را می‌آمرزد، اما کسی که در حال شرک‌ورزیدن به الله بمیرد، الله جنت را بر او حرام کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ﴾ [النساء: 48]. «بی‌گمان الله این را که به او شرک آورده شود، نمی‌بخشد، و غیر از آن را برای هر کس بخواهد می‌بخشد».

﴿إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ﴾ [المائدة: 72]. «همانا هر کس به الله شرک آورد، الله بهشت را بر او حرام کرده است، و جایگاه او دوزخ است، و ستمکاران را یاوری نیست».

الله سبحانه در مورد خویشتن می‌فرماید:

از مؤمنان خشنود شده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمۡ خَيۡرُ ٱلۡبَرِيَّةِ٧ جَزَآؤُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَشِيَ رَبَّهُۥ٨﴾ [البینة: 7-8]. «همانا کسانی‌که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آن‌ها بهترین آفریدگان هستند. پاداش آن‌ها نزد پروردگار‌شان باغ‌های (بهشت) جاویدان است که نهر‌ها از زیر (درختان) آن جاری است، همیشه در آن خواهند ماند، الله از آن‌ها خشنود است، و آن‌ها (نیز) از او خشنودند، و این (مقام و پاداش) برای کسی است که از پروردگارش بترسد».

الله سبحانه خویشتن را اینگونه معرفی می‌فرماید که نسبت به هر‌کس که بندۀ مؤمنی را از روی عمد بکشد، خشمگین می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَن يَقۡتُلۡ مُؤۡمِنٗا مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآؤُهُۥ جَهَنَّمُ خَٰلِدٗا فِيهَا وَغَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَلَعَنَهُ﴾ [النساء: 93]. «و هر کس مؤمنی را از روی عمد به قتل برساند، کیفرش دوزخ است، که در آن جاودانه می‌ماند، و الله بر او غضب می‌کند، و او را از رحمتش دور می‌سازد».

الله سبحانه در مورد خویشتن می‌فرماید:

او تعالی به عدالت و نیکوکاری و خوش‌اخلاقی فرمان می‌دهد و از هر امر ناپسندی نهی می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ٩٠﴾ [النحل: 90]. «به راستی الله به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد، و از فحشا و منکر و ستم نهی می‌کند، و شما را پند می‌دهد؛ شاید متذکر شوید».

الله سبحانه در مورد خویشتن می‌فرماید: [این جملات با هر آیت تکرار شده در حالیکه از نظر فحوای موضوع نیاز به نوشتن آن نیست، اگر خذف شوند ویا به گونه ای تصحیح شوند که جملۀ ماقبل به جملۀ مابعد همخوان گردد بهتر است. مصحح]

امر می‌فرماید که به پدر و مادر نیکی کنید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنًاۚ إِمَّا يَبۡلُغَنَّ عِندَكَ ٱلۡكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوۡ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفّٖ وَلَا تَنۡهَرۡهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوۡلٗا كَرِيمٗا٢٣ وَٱخۡفِضۡ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحۡمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرٗا٢٤﴾ [الإسراء: 23-24]. «و پروردگارت (چنین) مقرر داشته است که: جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن‌ها نزد تو به سن پیری رسند، (حتی) به آن‌ها (کلمه‌ی) افّ (= کمترین کلمه رنج آور) نگو، و بر (سر) آن‌ها فریاد نزن، و با نیکی (و بزرگوارانه) با آن‌ها سخن بگو. و از روی مهربانی بال فروتنی (و خاکساری) برای آن‌ها فرود آور، و بگو: «پروردگارا! به آنان رحمت آور، همان‌گونه که مرا در کودکی پرورش دادند».

﴿وَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيۡهِ أَخَاهُ﴾ [یوسف: 69]. «و چون (برادران) بر یوسف وارد شدند، برادرش (بنیامین) را نزد خود جای داد».

﴿وَرَفَعَ أَبَوَيۡهِ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ﴾ [یوسف: 100]. «و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند».

عرش، تخت بلند پادشاه است که بر آن می‌نشیند و با نردبانی به نام کرسی بر آن بالا می‌رود. این امر، احترام یوسف ÷ به پدر و مادرش را می‌رساند.

به فضیلت تربیت قرآنی، پدر و مادرها رستگار می‌شوند.

الله سبحانه نسبت به صلۀ رحم «برقراری رابطۀ خویشاوندی» و نیکی به خویشاوندان فرمان می‌دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلۡ مَآ أَنفَقۡتُم مِّنۡ خَيۡرٖ فَلِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٞ٢١٥﴾ [البقرة: 215]. «از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: «هر مالی که انفاق کردید، پس برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است. و هر کار نیکی که انجام دهید، بدرستی که الله به آن آگاه است».

الله فرمان می‌دهد که به مردم نیکی کنیم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَانٗا وَذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَقُولُواْ لِلنَّاسِ حُسۡنٗا﴾ [البقرة: 83]. «و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بی‌نوایان نیکی کنید، و به مردم (سخن) نیک بگویید».

﴿وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾ [البقرة: 195]. «و نیکی کنید که الله نیکوکاران را دوست می‌دارد».

الله از بندگانش می‌خواهد که محبت و رابطۀ سالم میان آنان برقرار باشد و شیطان خلاف این امر را می‌خواهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ فِي ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِ وَيَصُدَّكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّنتَهُونَ﴾ [المائدة: 91]. «همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد الله و از نماز باز دارد؛ پس آیا شما خودداری خواهید کرد؟!».

الله به فرزندان آدم عزت بخشید و مقامشان را بالا برد و مؤمنان آنان را پاکیزه نمود و آنان را با بعثت محمد ج گرامی داشت:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ كَرَّمۡنَا بَنِيٓ ءَادَمَ وَحَمَلۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّمَّنۡ خَلَقۡنَا تَفۡضِيلٗا٧٠﴾ [الإسراء: 70]. «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) حمل کردیم، و از انواع (روزی‌های) پاکیزه به آن‌ها روزی دادیم، و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که آفریده‌ایم؛ چنانکه باید برتری بخشیدیم».

﴿هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي ٱلۡأُمِّيِّ‍ۧنَ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ﴾ [الجمعة: 2]. «او کسی است که در میان درس ناخواندگان رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند، و آن‌ها را پاک (و تزکیه) می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت (سنت) می‌آموزد».

الله بندگانش را به اخلاق نیکو فرمان می‌دهد:

پیامبر گرامی را اینگونه توصیف می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٖ٤﴾ [القلم: 4]. «و یقیناً تو (ای محمد) بر اخلاق و خوی بسیار عظیم و والایی هستی».

﴿لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا عَنِتُّمۡ حَرِيصٌ عَلَيۡكُم بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ١٢٨﴾ [التوبة: 128]. «یقیناً پیامبری از (میان) خودتان به سوی‌تان آمد که رنج‌های شما بر او دشوار (و گران) است، و بر (هدایت) شما سخت اصرار دارد، و (نسبت) به مؤمنان روؤف (و) مهربان است».

به بندگانش فرمان می‌دهد که از پیامبر پیروی کنند و او را الگوی خویش قرار دهند: ﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ﴾ [الأحزاب: 21]. «یقیناً برای شما در زندگی رسول الله سرمشق نیکویی است».

پیامبران، خوش‌اخلاق‌ترین مردم هستند و الله برخی صفات آنان را بیان فرمود تا از آنان پیروی کنیم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُۖ فَبِهُدَىٰهُمُ ٱقۡتَدِهۡ﴾ [الأنعام: 90]. «آن‌ها کسانی هستند که الله هدایت‌شان کرده است؛ پس به روش آنان اقتدا کن».

إبراهیم ÷، بخشنده و بردبار بود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هَلۡ أَتَىٰكَ حَدِيثُ ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ٢٤﴾ [الذاریات: 24]. « (ای پیامبر) آیا خبر مهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟!».

﴿إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّٰهٞ مُّنِيبٞ٧٥﴾ [هود: 75]. «بی‌گمان ابراهیم، برد بار، لا‌به‌گر بازگشت کننده (به سوی الله) بود».

بنابراین، مؤمن اگر ثروتمند باشد، بخشنده است و اگر فقیر باشد گمان می‌کنی که ثروتمند است؛ زیرا در گدایی از مردم خویشتنداری می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَحۡسَبُهُمُ ٱلۡجَاهِلُ أَغۡنِيَآءَ مِنَ ٱلتَّعَفُّفِ تَعۡرِفُهُم بِسِيمَٰهُمۡ لَا يَسۡ‍َٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلۡحَافٗا﴾ [البقرة: 273]. «از شدّت خویشتن داری؛ افراد ناگاه آن‌ها را بی‌نیاز می‌پندارد، آن‌ها را از چهره‌هایشان می‌شناسی، با اصرار (چیزی) از مردم نمی‌خواهند».

إسماعیل ÷ درست‌وعده بود و افراد خانواده‌اش را بر انجام کارهای خیر دستور می‌داد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱذۡكُرۡ فِي ٱلۡكِتَٰبِ إِسۡمَٰعِيلَۚ إِنَّهُۥ كَانَصَادِقَ ٱلۡوَعۡدِ وَكَانَ رَسُولٗا نَّبِيّٗا٥٤ وَكَانَ يَأۡمُرُ أَهۡلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِوَٱلزَّكَوٰةِ﴾ [مریم: 54-55]. «و در (این) کتاب اسماعیل را یاد کن، بی‌گمان او راست وعده، و فرستاده‌ای پیامبر بود. و (او همواره) خانوده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد».

أیوب ÷ صبور و شکیبا بود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا وَجَدۡنَٰهُ صَابِرٗاۚ نِّعۡمَ ٱلۡعَبۡدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٞ﴾ [ص: 44]. «بی‌گمان ما او را شکیبا یافتیم، چه بندة خوبی، که بسیار رجوع کننده بود».

یوسف ÷ پاکدامن، بزرگوار، بخشنده و نیکوکار نسبت به پدر و مادرش بود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ رَبِّ ٱلسِّجۡنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدۡعُونَنِيٓ إِلَيۡهِ﴾ [یوسف: 33]. (یوسف) گفت: «پروردگارا! زندان نزد من از آنچه (این‌ها) مرا به سوی آن می‌خوانند، محبوب‌تر است».

﴿قَالُواْ تَٱللَّهِ لَقَدۡ ءَاثَرَكَ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَإِن كُنَّا لَخَٰطِ‍ِٔينَ٩١ قَالَ لَا تَثۡرِيبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡيَوۡمَۖ يَغۡفِرُ ٱللَّهُ لَكُمۡۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ٩٢﴾ [یوسف: 91-92]. «(برادران) گفتند: «به الله سوگند، یقیناً الله تو را بر ما برتری داده، و حقاً ما خطا کار بودیم». (یوسف) گفت: «امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست، الله شما را می‌آمرزد، و او مهربان‌ترین مهربانان است».

هود ÷ بردبار و صبور بود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ ٱلۡمَلَأُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوۡمِهِۦٓ إِنَّا لَنَرَىٰكَ فِي سَفَاهَةٖ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ٦٦ قَالَ يَٰقَوۡمِ لَيۡسَ بِي سَفَاهَةٞ وَلَٰكِنِّي رَسُولٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٦٧﴾ [الأعراف: 66-67]. «اشراف (و بزرگان) قوم او که کافر بودند گفتند: «بی‌گمان ما تو را در سفاهت (و نادانی) می‌بينيم، و ما مسلماً تو را از دروغ‌گويان می‌پنداريم». گفت: «ای قوم من! هيچ‌گونه سفاهت (و نادانی) در من نيست، بلکه من فرستاده‌ای از (جانب) پروردگار جهانيان هستم».

الله سبحانه نصیحت‌های لقمان به پسرش را بیان می‌فرماید:

﴿يَٰبُنَيَّ لَا تُشۡرِكۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّ ٱلشِّرۡكَ لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ﴾ [لقمان: 13]. «ای پسرک من! به الله شرک نیاور، بی‌گمان شرک، ستم بزرگی است».

﴿يَٰبُنَيَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٖ فَتَكُن فِي صَخۡرَةٍ أَوۡ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَأۡتِ بِهَا ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٞ١٦﴾ [لقمان: 16]. «ای پسرک من! اگر (عمل نیک یا بد) به‌اندازۀ سنگینی دانۀ خردل باشد، آنگاه در درون تختۀ سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، الله آن را (در روز قیامت برای حساب) می‌آورد، بی‌گمان الله باریک‌بین آگاه است».

﴿يَٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱنۡهَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ١٧ وَلَا تُصَعِّرۡ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٖ١٨ وَٱقۡصِدۡ فِي مَشۡيِكَ وَٱغۡضُضۡ مِن صَوۡتِكَۚ إِنَّ أَنكَرَ ٱلۡأَصۡوَٰتِ لَصَوۡتُ ٱلۡحَمِيرِ١٩﴾ [لقمان: 17-19]. «ای پسرک من! نماز را بر پا دار، و امر به معروف کن و نهی از منکر کن، و بر هر آنچه به تو برسد صبر کن، بی‌تردید این از کار‌های سترگ است. و با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه در زمین راه مرو، بی‌گمان الله هیچ متکبر خود‌ستای را دوست ندارد. و در راه رفتنت اعتدال را رعایت کن، و از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد نزن) زیرا زشت‌ترین صدا‌ها؛ صدای خران است».

الله به بندگانش توصیه می‌کند که لغزش‌ها را ببخشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱصۡفَحۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾ [المائدة: 13]. «پس از آن‌ها درگذر و روی بگردان، بی‌گمان الله نیکو کاران را دوست می‌دارد».

الله فرمان می‌دهد که بدی با کار نیک پاسخ داده شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسۡتَوِي ٱلۡحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُۚ ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِي بَيۡنَكَ وَبَيۡنَهُۥ عَدَٰوَةٞ كَأَنَّهُۥ وَلِيٌّ حَمِيمٞ٣٤ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٖ٣٥ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ٣٦﴾ [فصلت: 34-36]. «و (هرگز) نیکی و بدی یکسان نیست، همیشه به نیکو‌ترین شیوه پاسخ ده، پس ناگاه (می‌بینی) همان کس‌که میان تو و او دشمنی است، گویی دوست صمیمی است. و (اما) جز کسانی‌که شکیبا باشند آن را نپذیرند، و جز دارندة بهرۀ بزرگ (از ایمان و اخلاق) آن را نپذیرد. و هرگاه وسوسۀ (باز دارنده) از سوی شیطان تو را باز گرداند، پس به الله پناه ببر، یقیناً اوست که شنوای داناست».

الله به بندگان مومنش امر می‌کند که با بخشندگی و بزرگواری با مردم رفتار کنند و آنان را به امور دشوار مکلف نسازند تا مبادا متنفر شوند و اینکه به هر سخن یا کار زیبایی امر کنند و از جاهلان روی گردانند و با آنان به نرمی برخورد کنند و در جوار آنان قرار نگیرند تا اینکه آزاری از جاهلان به آنان نرسد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿خُذِ ٱلۡعَفۡوَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡعُرۡفِ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡجَٰهِلِينَ١٩٩﴾ [الأعراف: 199]. «(ای پیامبر!) گذشت را پیشه کن، و به نیکی فرمان ده، و از نادانان روی بگردان».

الله به ما دستور داد تا از جاهلان روی بگردانیم. پس هر‌کس با بدن و قلبش از آنان کناره‌گیری کند، سالم می‌ماند و به آسایش می‌رسد. بیشترین آزاری که از جانب جاهلان به مردم می‌رسد، به سبب اندیشیدن در مورد سخنان جاهلان و یادآوری چند مرتبۀ این سخنان است. اما هر‌کس که با قلبش از آنان روی بگرداند و در سلامتی قلبش بکوشد، به طور قطع، رستگار خواهد شد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ١٠﴾ [الحشر: 10]. «و (نیز) کسانی‌که بعد از آن‌ها (بعد از مهاجران و انصار) آمدند، می‌گویند: «پروردگارا! ما را و برادران‌مان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌های مان کینه‌ای نسبت به کسانی‌که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو رؤوف و مهربانی».

﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ٨٩﴾ [الشعراء: 88-89]. «روزی‌که مال و فرزندان سودی نبخشد. مگر کسی‌که با قلب سلیم (خالی از شرک و کفر و نفاق) به پیشگاه الله بیاید».

مؤمن به الله و روز آخرت، دلی نرم و مهربان دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيُطۡعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسۡكِينٗا وَيَتِيمٗا وَأَسِيرًا٨ إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا٩ إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوۡمًا عَبُوسٗا قَمۡطَرِيرٗا١٠﴾ [الإنسان: 8-10]. «و غذا را با این‌که (نیاز و) دوست دارند به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌بخشند. (و می‌گویند:) «ما فقط به خاطر الله به شما غذا می‌دهیم، نه از شما پاداشی می‌خواهیم و نه سپاسی. همانا ما از پروردگارمان می‌ترسیم، روزی‌که عبوس و سخت و دشوار است».

اما کسی که به الله و روز آخرت ایمان ندارد، سنگ‌دل است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ١ فَذَٰلِكَ ٱلَّذِي يَدُعُّ ٱلۡيَتِيمَ٢ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلۡمِسۡكِينِ٣﴾ [الماعون: 1-3]. «(ای پیامبر) آیا کسی‌که روز جزا را تکذیب می‌کند دیده‌ای؟! پس او (همان) کسی‌که یتیم را (با خشونت از خود) می‌راند. و (دیگران را) به اطعام بی‌نوا (و مسکین) ترغیب و تشویق نمی‌کند».

در سایۀ حکومت کافران، مؤمنان مورد ستم واقع می‌شوند و قوی به ضعیف ظلم روا می‌دارد و مرد بر زن تجاوز می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِرۡعَوۡنَ عَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَجَعَلَ أَهۡلَهَا شِيَعٗا يَسۡتَضۡعِفُ طَآئِفَةٗ مِّنۡهُمۡ يُذَبِّحُ أَبۡنَآءَهُمۡ وَيَسۡتَحۡيِۦ نِسَآءَهُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ٤﴾ [القصص: 4]. «بی‌گمان فرعون در زمین برتری جست و اهل آن را گروه گروه کرد، گروهی از آن‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسران‌شان را سر می‌برید و زنان‌شان را (برای خدمت) زنده نگه می‌داشت، بی‌تردید او از مفسدان بود».

﴿وَٱلۡكَٰفِرُونَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ﴾ [البقرة: 254]. «و کافران خود ستمکارانند».

اما اگر مؤمنان حکومت کنند، به کافران مهربانی می‌کنند و میان آنان با عدالت داوری می‌کنند و زن را به این دلیل که انسان است و الله و رسولش نسبت به آن توصیه کرده‌اند، گرامی می‌دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا حَكَمۡتُم بَيۡنَ ٱلنَّاسِ أَن تَحۡكُمُواْ بِٱلۡعَدۡلِ﴾ [النساء: 58]. «و هنگامی‌که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَحِلُّ لَكُمۡ أَن تَرِثُواْ ٱلنِّسَآءَ كَرۡهٗا﴾ [النساء: 19]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان به اکراه ارث برید».

در جاهلیت پیش از اسلام، رسم بود که هر گاه خویشاوند نزدیک مرد وفات می‌کرد، همسرش را به ارث می‌برد.

﴿وَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ لِتَذۡهَبُواْ بِبَعۡضِ مَآ ءَاتَيۡتُمُوهُنَّ﴾: «و آنان را زیر فشار قرار ندهید، تا برخی از آنچه را که به آنان داده‌اید؛ پس بگیرید». و اگر تمایلی به همسرانتان ندارید، آنان را از ازدواج با دیگران منع نکنید تا بدین وسیله قسمتی از مهریه‌ای را که به آنان پرداخت کرده‌اید بازستانید.

﴿إِلَّآ أَن يَأۡتِينَ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ﴾: «مگر اینکه آن‌ها مرتکب عمل زشت آشکاری شوند». اما اگر دچار گناه آشکاری شدند، می‌توانید آنان را تحت فشار قرار دهید و قسمتی از مهریه را از آنان بگیرید.

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ فَإِن كَرِهۡتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡ‍ٔٗا وَيَجۡعَلَ ٱللَّهُ فِيهِ خَيۡرٗا كَثِيرٗا﴾: «و با آن‌ها بطورشایسته رفتار کنید، و اگر از آنان (خوش‌تان نیامد و) کراهت داشتید، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید، و الله در آن خیر بسیار قرار می‌دهد». در برابر همسرانتان رفتار نیکویی داشته باشید، حتی اگر آنان را نمی‌پسندید؛ زیرا شما نمی‌دانید که خیر از کجا به شما می‌رسد و چه بسا فرزندان صالحی از آنان به شما روزی داده شود.

الله سبحانه بندگانش را به راستگویی امر و از دروغ‌گویی نهی می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَكُونُواْ مَعَ ٱلصَّٰدِقِينَ١١٩﴾ [التوبة: 119]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید از الله بترسید، و با راستگویان باشید».

﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ١٥﴾ [المرسلات: 15]. «در آن روز (قیامت) وای بر تکذیب‌کنندگان!».

الله از اخلاق بد «تکبر، راه‌رفتن مغرورانه، مسخره‌کردن دیگران، بدگمانی، غیبت و..» نهی می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخۡتَالٗا فَخُورًا﴾ [النساء: 36]. «بی‌گمان الله کسی را که متکبر و فخر فروش است؛ دوست نمی‌دارد».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّۖ وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِ﴾ [الحجرات: 11]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! گروهی (از مردان) گروه دیگر را مسخره نکند، شاید آنان (= مسخره شدگان) از این‌ها بهتر باشند، و نه زنانی، زنان دیگر را، شاید آنان (= مسخره شدگان) از این‌ها بهتر باشند، و از یکدیگر عیبجوئی نکنید، و یکدیگر را با القاب زشت نخوانید».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَ لَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًا﴾ [الحجرات: 12]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان (های بد) بپرهیزید، بی‌شک بعضی از گمان (ها) گناه است، و (در امور دیگران) تجسس (و کنجکاوی) نکنید، و بعضی از شما بعضی دیگر را غیبت نکند».

غرور، سبب رانده‌شدن ابلیس از رحمت الله بود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسۡجُدَ إِذۡ أَمَرۡتُكَۖ قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ١٢ قَالَ فَٱهۡبِطۡ مِنۡهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَٱخۡرُجۡ إِنَّكَ مِنَ ٱلصَّٰغِرِينَ١٣﴾ [الأعراف: 12-13]. «(الله) فرمود: وقتی که تو را فرمان دادم، چه چيز مانع سجده کردنت شد؟! (ابليس) گفت: «من از او بهترم، مرا ازآتش آفريده‌ای و او را از گِل (آفريده‌ای)». فرمود: از آن (بهشت) فرود آی، که حق تو نيست که در آن تکبر ورزی، پس بيرون رو، بی‌شک تو از خوارشدگانی».

اما آدم غرور و تکبر نورزید. وی از روی غفلت و وسوسۀ شیطان به‌سوی گناه لغزید، اما به محض اینکه متوجه شد، پشیمان گشت و رجوع کرد؛ از این رو، تا زمان مشخصی از بهشت دور شد؛ سرنوشت فرزندان آدم نیز به همین ترتیب خواهد بود به شرط آنکه از هدایت الله و آنچه رسولانش را با آن فرستاد پیروی کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَا رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٢٣ قَالَ ٱهۡبِطُواْ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ وَلَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُسۡتَقَرّٞ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ٢٤﴾ [الأعراف: 23-24]. «(آن دو) گفتند: پروردگارا! ما به خود ستم کرديم، و اگر ما را نيامرزی و بر ما رحم نکنی، مسلّماً از زيان‌کاران خواهيم بود. (الله) فرمود: فرود آييد، در حالی‌که بعضی از شما نسبت به بعض ديگر دشمن خواهيد بود، و برای شما در زمين تا مدت معينی قرارگاه و بهرمندی خواهد بود».

﴿قَالَ ٱهۡبِطَا مِنۡهَا جَمِيعَۢاۖ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ فَإِمَّا يَأۡتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدٗى فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشۡقَىٰ١٢٣﴾ [طه: 123]. فرمود: «(شما دو تن با ابلیس) همگی از آن (بهشت) فرود آیید، در حالی‌که دشمن یکدیگر خواهید بود، پس اگر از (سوی) من هدایتی برای شما بیاید، هر کس از هدایت من پیروی کند، پس نه گمراه می‌شود و نه به رنج افتد (و بدبخت شود)».

الله نهی فرموده که در جمع سه نفری، دو نفر با هم درگوشی صحبت کنند؛ زیرا این کار سبب ناراحتی نفر سوم می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا ٱلنَّجۡوَىٰ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ لِيَحۡزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ﴾ [المجادلة: 10]. «جز این نیست که نجوا از (سوی) شیطان است، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند اندوهگین سازد».

الله سبحانه به اصلاح و بهبود روابط میان مردم فرمان می‌دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡ﴾ [الحجرات: 10]. «یقیناً مؤمنان برادرند، پس میان برادران‌تان صلح (و آشتی) بر قرار کنید».

هر نعمتی که به بنده می‌رسد، از جانب الله سبحانه است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِ﴾ [النحل: 53]. «آنچه از نعمت دارید، پس (همه) از (جانب) الله است».

زیرا الله سبحانه بسیار بخشنده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثٗا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ٤٩ أَوۡ يُزَوِّجُهُمۡ ذُكۡرَانٗا وَإِنَٰثٗاۖ وَيَجۡعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًاۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٞ قَدِيرٞ٥٠﴾ [الشورى: 49-50]. «فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن الله است، هر چه را بخواهد می‌آفریند، به هر کس بخواهد دختر می‌بخشد، و به هرکس بخواهد پسر می‌بخشد. یا پسر و دختر ـ هر دو ـ با هم می‌دهد، و هرکس را که بخواهد عقیم می‌گرداند، بی‌گمان او دانای قادر است».

الله متعال از حسادت نهی فرمود و توضیح داد که حسادت عبارت است از اعتراض بر نعمت الله به بندگانش:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمۡ يَحۡسُدُونَ ٱلنَّاسَ عَلَىٰ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِ﴾ [النساء: 54]. «آیا به مردم (= پیامبر و یارانش) بر آنچه الله از فضل خویش به آنان عطا کرده حسد می‌ورزند؟».

دل‌های مؤمنان، سالم و بدون کینه و حسد است و از الله می‌خواهند که ذره‌ای کینه و حسد در دل‌های‌شان قرار ندهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ١٠﴾ [الحشر: 10]. «و (نیز) کسانی‌که بعد از آن‌ها (بعد از مهاجران و انصار) آمدند، می‌گویند: «پروردگارا! ما را و برادران‌مان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌های‌مان کینه‌ای نسبت به کسانی‌که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو رؤوف و مهربانی».

دعای ابراهیم ÷:

**﴿**وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ يُبۡعَثُونَ٨٧ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ٨٩**﴾** [الشعراء: 87-89]. «و در روزی‌که (همۀ مردم) برانگیخته می‌شوند، مرا رسوا (و شرمنده) مکن. روزی‌که مال و فرزندان سودی نبخشد. مگر کسی‌که با قلب سلیم (خالی از شرک و کفر و نفاق) به پیشگاه الله بیاید».

الله سبحانه ایمان بندگانش را با خیر و شر کم و زیاد می‌آزماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَنَبۡلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلۡخَيۡرِ فِتۡنَةٗۖ وَإِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ﴾ [الأنبیاء: 35]. «و شما را به بدی و نیکی (کاملاً) آزمایش می‌کنیم، و به سوی ما باز گردانده می‌شوید».

﴿وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾ [آل عمران: 146]. «و الله شکیبایان را دوست دارد».

﴿وَقَلِيلٞ مِّنۡ عِبَادِيَ ٱلشَّكُورُ﴾ [سبأ: 13]. «و اندکی از بندگان من سپاسگزارند».

مؤمن چون می‌داند که هر آزار و درد و هر نیکی‌ای که به او می‌رسد، فقط از جانب الله و تقدیرش است؛ شکیبایی به خرج می‌دهد و آرام می‌گیرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَعَلۡنَا بَعۡضَكُمۡ لِبَعۡضٖ فِتۡنَةً أَتَصۡبِرُونَۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرٗا﴾ [الفرقان: 20]. «و ما بعضی از شما را وسیلۀ آزمایش بعضی دیگر قرار داده‌ایم، آیا صبر می‌کنید؟! و پروردگار تو بیناست».

﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ١١﴾ [التغابن: 11]. «هیچ مصیبتی (به انسان) نمی‌رسد، مگر به حکم (و فرمان) الله و هرکس به الله ایمان آورد (الله) قلبش را هدایت می‌کند، و الله به همه چیز داناست».

مؤمن از طریق صبر و شکیبایی به همراهی و دوستی الله که در راه رسیدن به این دو، هر تلخی‌ای، شیرین می‌شود، دست می‌یابد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱصۡبِرُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾ [الأنفال: 46]. «و صبر کنید، بی‌گمان الله با صابران است».

﴿وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾ [آل عمران: 146]. «و الله شکیبایان را دوست دارد».

هر گاه مصیبتی به مؤمن برسد، می‌داند که به سبب گناهانش بوده است؛ از این رو، به‌سوی الله رجوع می‌کند و از او آمرزش می‌طلبد و به درگاه او تعالی توبه می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٖ فَبِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ٣٠﴾ [الشورى: 30]. «و هر مصیبتی که به شما رسد، به خاطر کارهایی است که انجام داده‌اید، و (الله) از بسیاری (گناهان) در می‌گذرد».

با یاری‌خواستن از الله و شکیبایی در برابر رنج و اندوه‌ها، کمک و یاری الله به دست می‌آید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ كُذِّبَتۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَ فَصَبَرُواْ عَلَىٰ مَا كُذِّبُواْ وَأُوذُواْ حَتَّىٰٓ أَتَىٰهُمۡ نَصۡرُنَا﴾ [الأنعام: 34]. «و براستی پیامبرانی پیش از تو تکذیب شدند، و در برابر تکذیب‌ها صبر کردند و (در این راه) آزار دیدند؛ تا یاری ما به آن‌ها رسید».

﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوۡمِهِ ٱسۡتَعِينُواْ بِٱللَّهِ وَٱصۡبِرُوٓاْۖ إِنَّ ٱلۡأَرۡضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ١٢٨﴾ [الأعراف: 128]. «موسی به قومش گفت: «از الله یاری بجویید، و صبر (و استقامت) پیشه کنید، همانا زمین از آنِ الله است، به هرکس از بندگانش که بخواهد آن را به میراث می‌دهد (و می بخشد) و عاقبت (نیک) از آنِ پرهیزگاران است».

الله سبحانه در مورد خویشتن می‌فرماید:

به هر‌کس که از او طلب یاری کند، یاری می‌رساند و هر گاه گرفتاری او را به فریاد بخواند، پاسخ مثبت می‌دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِذۡ تَسۡتَغِيثُونَ رَبَّكُمۡ فَٱسۡتَجَابَ لَكُمۡ﴾ [الأنفال: 9]. «(بیاد آورید) هنگامی‌که از پروردگارتان (فریاد و) یاری می‌خواستید، پس او (خواستۀ) شما را پذیرفت».

﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ﴾ [النمل: 62]. «(آیا این بت‌ها بهتر اند) یا کسی‌که (دعای) مضطر (= درمانده) را اجابت می‌کند؛ چون او را بخواند، و گرفتاری را بر طرف می‌سازد».

مشرکان زمان پیامبر محمد ج می‌دانستند که پروردگار آفریننده، فقط الله است، اما همراه او دیگران را نیز برای طلب نفع و دفع ضرر می‌خواندند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلۡ أَفَرَءَيۡتُم مَّا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ إِنۡ أَرَادَنِيَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ هَلۡ هُنَّ كَٰشِفَٰتُ ضُرِّهِۦٓ أَوۡ أَرَادَنِي بِرَحۡمَةٍ هَلۡ هُنَّ مُمۡسِكَٰتُ رَحۡمَتِهِۦۚ قُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُۖ عَلَيۡهِ يَتَوَكَّلُ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ٣٨﴾ [الزمر: 38]. «و اگر از آن‌ها (= مشرکان) بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟» مسلماً گویند: «الله» بگو: «آیا دیدید آنچه را که به جای الله می‌خوانید، اگر الله زیانی برای من بخواهد، آیا آن‌ها (= معبودان) خواهند توانست زیان او را بر طرف کنند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیا آن‌ها خواهند توانست رحمت او را باز دارند؟!». بگو: «الله مرا کافی است، و (همه) توکل کنندگان بر او توکل می‌کنند».

الله به تنهایی مالک سود و زیان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ١٠٥ وَلَا تَدۡعُ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَۖ فَإِن فَعَلۡتَ فَإِنَّكَ إِذٗا مِّنَ ٱلظَّٰلِمِينَ١٠٦ وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يُرِدۡكَ بِخَيۡرٖ فَلَا رَآدَّ لِفَضۡلِهِ﴾ [یونس: 105-107]. «و هرگز از مشرکان مباش! و به جای الله، چیزی را که نه سودی به تو می‌رساند و نه زیانی به تو می‌رساند؛ نخوان، پس اگر چنین کنی، بی‌گمان از ستمکاران خواهی بود. و اگر الله زیانی به تو برساند، پس جز او هیچ کس نتواند آن را بر طرف کند، و اگر اراده‌ی خیری برای تو کند، پس هیچ کس فضل او را باز نتواند داشت، به هرکس از بندگانش که بخواهد می‌رساند و او آمرزنده‌ی مهربان است».

پیامبران که برترین مردم و داناترین آنان نسبت به الله هستند، مالک هیچ سود و زیانی برای خویش نیستند و سود و زیان را فقط از تنها مالک آن- الله ـ- می‌خواهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ إِبۡرَٰهِيمَ٦٩ إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا تَعۡبُدُونَ٧٠ قَالُواْ نَعۡبُدُ أَصۡنَامٗا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ٧١ قَالَ هَلۡ يَسۡمَعُونَكُمۡ إِذۡ تَدۡعُونَ٧٢ أَوۡ يَنفَعُونَكُمۡ أَوۡ يَضُرُّونَ٧٣ قَالُواْ بَلۡ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ٧٤ قَالَ أَفَرَءَيۡتُم مَّا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ٧٥ أَنتُمۡ وَءَابَآؤُكُمُ ٱلۡأَقۡدَمُونَ٧٦ فَإِنَّهُمۡ عَدُوّٞ لِّيٓ إِلَّا رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٧٧ ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ٧٨ وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ٧٩ وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ٨٠﴾ [الشعراء: 69-80]. «و خبر ابراهیم را بر آن‌ها بخوان. هنگامی‌که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می‌پرستید؟!». گفتند: «بت‌هایی را می‌پرستیم، و پیوسته برای (عبادت) آن‌ها معتکف هستیم. (ابراهیم) گفت: «آیا هنگامی‌که آن‌ها را می‌خوانید (صدای) شما را می‌شنوند؟! یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟!». گفتند: «(نه) بلکه ما نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کردند». (ابراهیم) گفت: «آیا دیدید چیزهایی را که پیوسته عبادت می‌کردید، شما و نیاکان پیشین شما. پس همۀ آن‌ها دشمن من هستند، جز پروردگار جهانیان. (همان) کسی‌که مرا آفرید، پس او مرا هدایت می‌کند. و کسی‌که او به من غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید. و هنگامی‌که بیمار شوم پس او مرا شفا می‌دهد».

﴿وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ٨٣ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ فَكَشَفۡنَا مَا بِهِۦ مِن ضُرّٖۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةٗ مِّنۡ عِندِنَا وَذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰبِدِينَ٨٤﴾ [الأنبیاء: 83-84]. «و (ای پیامبر!) ایوب را (به یاد آور) هنگامی‌که پروردگارش را ندا داد: «رنج و بیماری به من رسیده است، و تو مهربان‌ترین مهربانانی». پس (ما) دعای او را اجابت کردیم، و رنج و ناراحتی که داشت بر طرف ساختیم، و خانواده‌اش و (نیز) همانندشان را با آن‌ها به او بازگرداندیم، (تا) رحمتی از جانب ما، و پندی برای عبادت کنندگان باشد».

الله سبحانه خبر داده کسانی مانند عیسی ÷ یا سایر افراد صالح که به جای او خوانده می‌شوند، بندگان و بردگان او ـ هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمۡثَالُكُمۡ﴾ [الأعراف: 194]. «بی‌گمان آن‌هایی را که غیر از الله می‌خوانید، بندگانی همچون شما هستند».

و با اعمال صالح به‌سوی الله نزدیکی می‌جویند و به رحمت او امیدوار و از عذابش ترسان هستند و مالک هیچ زیان یا سودی برای خودشان نیستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن دُونِهِۦ فَلَا يَمۡلِكُونَ كَشۡفَ ٱلضُّرِّ عَنكُمۡ وَلَا تَحۡوِيلًا٥٦ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ يَبۡتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلۡوَسِيلَةَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ وَيَرۡجُونَ رَحۡمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحۡذُورٗا٥٧﴾ [الإسراء: 56-57]. «(ای پیامبر!) بگو: «کسانی را که به جای او (معبود خود) می‌پندارید؛ بخوانید، پس آن‌ها نه می‌توانند بلا (و مشکلی) را از شما دور سازند، و نه تغییر دهند. کسانی را که (کافران) آنان را می‌خوانند، خودشان به سوی پروردگارشان وسیله‌ی (تقرب) می‌جویند، که کدام یک از آن‌ها نزدیکترند، و به رحمت او امیدوارند و از عذابش می‌ترسند، بی‌گمان عذاب پروردگارت همواره ‌ترسناک است».

الله سبحانه خبر داده کسانی مانند عیسی ÷ یا سایر پیامبران و افراد صالح که به جای او خوانده می‌شوند، الله را به تنهایی که هیچ شریکی ندارد می‌پرستند و مردم را فقط به عبادت الله که هیچ شریکی ندارد فرمان می‌دهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ءَأَنتَ قُلۡتَ لِلنَّاسِ ٱتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيۡنِ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالَ سُبۡحَٰنَكَ﴾ [المائدة: 116]. «و (بیاد بیاور) که الله می‌فرماید: «ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان دو معبود به جای الله انتخاب کنید؟» (عیسی) گوید: «تو منزهی!».

﴿مَا قُلۡتُ لَهُمۡ إِلَّا مَآ أَمَرۡتَنِي بِهِۦٓ أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمۡ﴾ [المائدة: 117]. «من چیزی جز آنچه مرا به آن فرمان دادی به آن‌ها نگفتم (به آن‌ها گفتم:) الله را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست».

الله سبحانه، پادشاه و مالک همه چیز است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلۡمُلۡكِ تُؤۡتِي ٱلۡمُلۡكَ مَن تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلۡمُلۡكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُۖ بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ٢٦﴾ [آل عمران: 26]. «بگو: «بارالها! ای دارنده پادشاهی و (هستی) به هر کس که بخواهی، پادشاهی (و فرمانروایی) می‌بخشی، و از هر کس بخواهی پادشاهی (و فرمانروایی) را می‌گیری، و هر کس را بخواهی عزت مى دهى، و هر كه را بخواهى خوار می‌کنی، همه خوبی‌ها به دست توست، بی‌شک تو بر هر چیز توانایی».

الله، پادشاهی است که هر چیزی در برابر او فروتن و متواضع است. هر‌کس در برابر الله فروتن باشد، عبادت‌گزار اوست و الله هر‌کس را که از عبادتش سرکشی کند، عذاب می‌دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا ٱللَّهُ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ سُبۡحَٰنَهُۥٓ أَن يَكُونَ لَهُۥ وَلَدٞۘ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا١٧١ لَّن يَسۡتَنكِفَ ٱلۡمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبۡدٗا لِّلَّهِ وَلَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ٱلۡمُقَرَّبُونَۚ وَمَن يَسۡتَنكِفۡ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَيَسۡتَكۡبِرۡ فَسَيَحۡشُرُهُمۡ إِلَيۡهِ جَمِيعٗا١٧٢ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمۡ أُجُورَهُمۡ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضۡلِهِۦۖ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسۡتَنكَفُواْ وَٱسۡتَكۡبَرُواْ فَيُعَذِّبُهُمۡ عَذَابًا أَلِيمٗا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا١٧٣﴾ [النساء: 171-173]. «الله تنها معبود یگانه است و از این‌که فرزندی داشته باشد پاک (و منزه) است، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست و الله برای کارسازی کافی است. مسیح هرگز ابا ندارد که بنده‌ی الله باشد، و نه فرشتگان مقرب (ابا دارند) و هر کس از بنده گی او سر باز زند و تکبر کند، بزودی همه‌ی آن‌ها را (در قیامت) نزد خود محشور خواهد کرد. اما آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاداش‌هایشان را بطور کامل خواهد داد، و از فضل خویش بر آن‌ها خواهد افزود، و اما آنان که ابا کردند و تکبر ورزیدند، آنان را به عذابی دردناک عذاب می‌کند، و برای خود غیر از خدا، دوست و یاوری نخواهند یافت».

در دنیا، پادشاهان در قلمرو پادشاهی‌ای که الله برایشان خواسته و عطا فرموده است، تصرف می‌کنند، اما در روز آخرت- روزی که بندگان بر اساس اعمالی که در دنیا انجام دادند مورد جزا قرار می‌گیرند- پادشاهی و تصرف کامل، فقط برای الله است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ١ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٢ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ٤ ﴾ [الفاتحة: 1-4]. «به نام الله بخشندۀ مهربان. ستایش مخصوص الله است که پروردگار جهانیان است. بخشندة مهربان است. مالک روز جزاء است».

﴿وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ١٧ ثُمَّ مَآ أَدۡرَىٰكَ مَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ١٨ يَوۡمَ لَا تَمۡلِكُ نَفۡسٞ لِّنَفۡسٖ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَٱلۡأَمۡرُ يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ١٩﴾ [الانفطار: 17-19]. «و تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟! باز تو چه می‌دانی که روز جزا چیست؟! روزی‌که هیچ کس قادر به انجام کاری برای دیگری نیست، و در آن روز حکم (و فرمان) از آن الله است».

الله جل فی علاه، همان پادشاه ـ است، اما نه همانند پادشاهان دنیا و تخت پادشاهی او سبحانه نیز مانند تخت پادشاهان دنیا نیست:

الله، سخن هدهد به سلیمان را اینگونه بازگو می‌فرماید: ﴿إِنِّي وَجَدتُّ ٱمۡرَأَةٗ تَمۡلِكُهُمۡ وَأُوتِيَتۡ مِن كُلِّ شَيۡءٖ وَلَهَا عَرۡشٌ عَظِيمٞ٢٣ وَجَدتُّهَا وَقَوۡمَهَا يَسۡجُدُونَ لِلشَّمۡسِ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ فَهُمۡ لَا يَهۡتَدُونَ٢٤ أَلَّاۤ يَسۡجُدُواْۤ لِلَّهِ ٱلَّذِي يُخۡرِجُ ٱلۡخَبۡءَ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُخۡفُونَ وَمَا تُعۡلِنُونَ٢٥ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ۩٢٦﴾ [النمل: 23-26]. «من زنی را یافتم که بر آن‌ها فرمانروایی می‌کند، و (به او) از هرگونه نعمتی داده شده است، و تخت عظیمی دارد. او و قومش را دیدم که به جای الله برای خورشید سجده می‌کنند، و شیطان اعمال آن‌ها را در نظر‌‌‌‌‌شان آراسته پس آن‌ها را از راه (الله) باز داشته است، از این رو آن‌ها هدایت نمی‌شوند». چرا برای الله سجده نمی‌کنند که آنچه را در آسمان‌ها و زمین پنهان است بیرون می‌آورد، و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌کنید (همه را) می‌داند. الله که جز او معبودی نیست، پروردگار عرش عظیم است».

﴿فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ ٱلۡمَلِكُ ٱلۡحَقُّۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡكَرِيمِ١١٦﴾ [المؤمنون: 116]. «پس بلند مرتبه (و برتر) است الله که فرمانروای حق است، هیچ معبودی (به حق) جز او نیست، پروردگار عرش کریم است».

الله، فرشتگان گرامی و گرامی‌داشته‌شده‌ای دارد که شب و روز (پیوسته) مشغول تسبیح او هستند و از این کار متوقف و خسته نمی‌شوند؛ زیرا الله را بسیار دوست می‌دارند و برای طاعت او بسیار مشتاقند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۚ بَلۡ عِبَادٞ مُّكۡرَمُونَ٢٦ لَا يَسۡبِقُونَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ وَهُم بِأَمۡرِهِۦ يَعۡمَلُونَ٢٧﴾ [الأنبیاء: 26-27]. «و گفتند: «(الله) رحمان فززندی برگزیده است» او منزه است، بلکه آنان (= فرشتگان) بندگان گرامی (او) هستند، (هرگز) در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند، و به فرمان او کار می‌کنند».

﴿وَمَنۡ عِندَهُۥ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسۡتَحۡسِرُونَ١٩ يُسَبِّحُونَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لَا يَفۡتُرُونَ٢٠﴾ [الأنبیاء: 19-20]. «و آنان که نزد او هستند، (هیچ‌گاه) از عبادتش سرکشی نمی‌کنند، و (هرگز) خسته نمی‌شوند. شب و روز تسبیح می‌گویند، سستی نمی‌ورزند».

الله لشکریانی دارد که جز او سبحانه کسی آنها را نمی‌داند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾ [الفتح: 4]. «و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن الله است».

﴿وَمَا يَعۡلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ﴾ [المدثر: 31]. «و (شمار) لشکریان پروردگارت را جز او (کسی) نمی‌داند».

هیچ‌کس ذره‌ای از ملک الله را مالک نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا لَهُمۡ فِيهِمَا مِن شِرۡكٖ وَمَا لَهُۥ مِنۡهُم مِّن ظَهِيرٖ٢٢ وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنۡ أَذِنَ لَهُ﴾ [سبأ: 22-23]. (ای پیامبر!) بگو: «کسانی را که غیر از الله (معبود خود) می‌پندارید، (به فریاد) بخوانید، (آن‌ها) هم‌وزن ذرۀ در آسمان‌ها و در زمین مالک نیستند، و در (آفرینش و تدبیر) آن دو هیچ شرکتی ندارند، و او (= الله) از میان آن‌ها یاور و پشتیبانی ندارد. و شفاعت نزد او سود نبخشد؛ مگر برای کسی‌که (او خود) برایش اجازت داده باشد، تا زمانی‌که اضطراب (و نگرانی) از دل‌های شان بر طرف شود، گویند: «پروردگار‌تان چه گفت؟» گویند: «حق را (فرمود)، و او بالا و بلند مرتبۀ بزرگ است».

شفاعت، بخششی است که الله به هر‌یک از مخلوقاتش که بخواهد عطا می‌فرماید و این امر، ذره‌ای از ملک الله نمی‌کاهد.

پس شفاعت‌کنندگان فقط به اذن او شفاعت می‌کنند و فقط برای کسی از مخلوقات الله می‌توانند شفاعت کنند که او سبحانه وتعالى بخواهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنۡ أَذِنَ لَهُ﴾ [سبأ: 23]. «و شفاعت نزد او سود نبخشد؛ مگر برای کسی‌که (او خود) برایش اجازت داده باشد».

﴿وَلَا يَشۡفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ٱرۡتَضَىٰ﴾ [الأنبیاء: 28]. «و آن‌ها جز برای کسی‌که (الله از او خشنود باشد و) بپسندد، شفاعت نمی‌کنند».

بنابراین، شفاعت از آنِ الله است که به هر‌کس بخواهد آن را نزدیک می‌کند و از هر‌کس که بخواهد آن را دور می‌گرداند. هیچ شفیعی پیدا نمی‌شود که بدون اذن الله شفاعت کند یا شفاعت کسی را بکند که خدا از او راضی نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُل لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗاۖ لَّهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ٤٤﴾ [الزمر: 44]. بگو: «تمام شفاعت از آن الله است، فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست، سپس (همگی) به سوی او باز گردانده می‌شوید».

﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡ وَيَقُولُونَ هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِۚ قُلۡ أَتُنَبِّ‍ُٔونَ ٱللَّهَ بِمَا لَا يَعۡلَمُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ١٨﴾ [یونس: 18]. «و غیر از الله چیزهای را می‌پرستند که نه به آن‌ها زیانی می‌‌رساند و نه سودشان می‌بخشد، و می‌گویند: «این‌ها (= بت‌ها) شفیعان ما نزد الله هستند» بگو: «آیا الله را به چیزی که در آسمان‌ها و در زمین نمی‌داند، خبر می‌دهید؟!» منزه است او، و از آنچه با او شریک می‌سازند برتر است».

اگر الله از کسی که برایش شفاعت می‌شود راضی نباشد، شفاعت هرگز سودی برایش نمی‌رساند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ٤٣ وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِينَ٤٤ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلۡخَآئِضِينَ٤٥ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ٤٦ حَتَّىٰٓ أَتَىٰنَا ٱلۡيَقِينُ٤٧ فَمَا تَنفَعُهُمۡ شَفَٰعَةُ ٱلشَّٰفِعِينَ٤٨﴾ [المدثر: 43-48]. «گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم. و بی‌نوا (یان) را طعام نمی‌دادیم. و پیوسته همراه یاوه‌گویان (و اهل باطل) هم‌صدا می‌شدیم. و همواره روز جزا را تکذیب می‌کردیم. تا زمانی که مرگ به سراغ‌مان آمد. پس شفاعت شفاعت‌کنندگان به آن‌ها سودی نمی‌بخشد».

الله سبحانه، مالک کامل است؛ اما با این وجود، برخی مردم، برخی صالحان را فرامی‌خوانند و پیرامون قبرهایشان طواف می‌کنند با این گمان که این شفیعان مالک چیزی هستند، در حالی که مالک هیچ چیزی نیستند و صدایشان را نمی‌شنوند و چیزی در مورد عبادتشان نمی‌دانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ لَهُ ٱلۡمُلۡكُۚ وَٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمۡلِكُونَ مِن قِطۡمِيرٍ١٣ إِن تَدۡعُوهُمۡ لَا يَسۡمَعُواْ دُعَآءَكُمۡ وَلَوۡ سَمِعُواْ مَا ٱسۡتَجَابُواْ لَكُمۡۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ يَكۡفُرُونَ بِشِرۡكِكُمۡۚ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثۡلُ خَبِيرٖ١٤ ۞يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِۖ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ١٥﴾ [فاطر: 13-15]. «این است الله پروردگار شما، فرمانروایی از آنِ اوست، و کسانی را که به جای او می‌خوانید (هم‌وزن) پوست نازک هستة خرما مالک نیستند. اگر آن‌ها را بخوانید (صدای) خواندن شما را نمی‌شنوند، و (به فرض) اگر بشنوند به شما پاسخ نمی‌دهند، و روز قیامت شرک شما را انکار می‌کنند، و هیچ‌کس مانند (الله) آگاه خبردارت نمی‌کند. ای مردم! شما (همگی) به الله نیازمندید، و (تنها) الله است که بی‌نیاز ستوده است».

الله در روز قیامت این مردم را با کسانی که آنان را به جای خدا می‌خواندند یکجا می‌آورد تا مشخص شود چه کسی در دنیا نمی‌دانسته است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَوۡمَ نَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشۡرَكُواْ مَكَانَكُمۡ أَنتُمۡ وَشُرَكَآؤُكُمۡ﴾ [یونس: 28]. «(و به یاد آورید) روزی‌که همه‌ی آن‌ها را گرد آوریم، سپس به کسانی‌که شرک آوردند گویم: «شما و معبودهای‌تان در مکان خود تان بمانید».

آنگاه به آنان می‌گویند:

﴿مَكَانَكُمۡ أَنتُمۡ وَشُرَكَآؤُكُمۡۚ فَزَيَّلۡنَا بَيۡنَهُمۡۖ وَقَالَ شُرَكَآؤُهُم مَّا كُنتُمۡ إِيَّانَا تَعۡبُدُونَ٢٨ فَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدَۢا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ إِن كُنَّا عَنۡ عِبَادَتِكُمۡ لَغَٰفِلِينَ٢٩﴾ [یونس: 28-29]. «شما و معبودهای‌تان در مکان خود تان بمانید» پس آن‌ها را از یکدیگر جدا می‌کنیم، و معبودهای‌شان (به آن‌ها) می‌گویند: «شما ما را عبادت نمی‌کردید. پس، بس است که الله میان ما و شما گواه باشد، که ما یقیناً از عبادت شما بی‌خبر بودیم».

به همین ترتیب، الله تمام کسانی را که فرشتگان را به امید شفاعت می‌خوانند همراه فرشتگان یکجا گرد می‌آورد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَوۡمَ يَحۡشُرُهُمۡ جَمِيعٗا ثُمَّ يَقُولُ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ٤٠ قَالُواْ سُبۡحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِمۖ بَلۡ كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ٱلۡجِنَّۖ أَكۡثَرُهُم بِهِم مُّؤۡمِنُونَ٤١﴾ [سبأ: 40-41]. «و (به یاد آور) روزی را که (الله) همة آنان را بر می‌انگیزد، سپس به فرشتگان می‌گوید: «آیا این‌ها شما را پرستش می‌کردند؟!». (فرشتگان) گویند: «تو منزهی! (تنها) تو ولی (و کار ساز) ما هستی، نه آن‌ها، (آنان هرگز ما را پرستش نمی‌کردند) بلکه جن (و شیاطین) را پرستش می‌کردند، بیشتر‌‌شان به آن‌ها ایمان داشتند».

گمراه‌تر از آن کسی که غیر الله را می‌‌خواند وجود ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّن يَدۡعُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَن لَّا يَسۡتَجِيبُ لَهُۥٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَهُمۡ عَن دُعَآئِهِمۡ غَٰفِلُونَ٥ وَإِذَا حُشِرَ ٱلنَّاسُ كَانُواْ لَهُمۡ أَعۡدَآءٗ وَكَانُواْ بِعِبَادَتِهِمۡ كَٰفِرِينَ٦﴾ [الأحقاف: 5-6]. «و چه کسی گمراه‌تراست از آن که (معبودی) غیر از الله را می‌خواند که تا روز قیامت (هم دعای) او را اجابت نکند، و آن‌ها (= معبودان باطل) از خواندن (و دعای) ایشان (کاملاً) بی‌خبرند؟! وهنگامی‌که مردم (در قیامت) گرد آورده شوند، آن‌ها (معبودان باطل) دشمنان‌شان خواهند بود، و عبادت شان را انکار می‌کنند».

چگونه با آنان دشمنی نکنند در حالی که آنان را در ارتکاب بزرگ‌ترین گناه که همان شرک است بکار گرفتند.

الله سبحانه بیان می‌فرماید که دعا، عبادت است و باید فقط برای الله باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ٦٠﴾ [غافر: 60]. «و پروردگار شما فرمود: «مرا بخوانید، تا (دعای) شما را اجابت کنم همانا کسانی‌که از عبادت من سرکشی می‌کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می‌شوند».

﴿وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا١٨﴾ [الجن: 18]. «و این‌که مساجد از آنِ الله است، پس کسی را با الله نخوانید».

﴿وَأَعۡتَزِلُكُمۡ وَمَا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَأَدۡعُواْ رَبِّي عَسَىٰٓ أَلَّآ أَكُونَ بِدُعَآءِ رَبِّي شَقِيّٗا٤٨ فَلَمَّا ٱعۡتَزَلَهُمۡ وَمَا يَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ﴾ [مریم: 48-49]. «و از شما و آنچه به جای الله می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم، و پروردگارم را می‌خوانم، امید است که در خواندن پروردگارم محروم نباشم». پس چون از آن‌ها و آنچه به جای الله می‌پرستیدند کناره‌گیری کرد، اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم، و هر یک (از آنان) را پیامبر گردانیدیم».

هم دعا عبادت است و هم طواف؛ پس هم دعا و هم طواف فقط باید برای الله انجام شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَٱعۡبُدِ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ﴾ [الزمر: 2]. «پس الله را پرستش کن و دین را برای او خالص گردان».

الله هرگز به بندگانش فرمان نداده که دیگران را بخوانند تا آنان را نزد او شفاعت کنند، بلکه فرمان داده تا مستقیم و بدون واسطه او را بخوانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ١٨٦﴾ [البقرة: 186]. «و چون بندگانم، از تو درباره من بپرسند، بگو: به راستی که من نزدیکم، دعای دعاکننده را هنگامی‌که مرا بخواند؛ اجابت می‌کنم. پس (آنان) باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، باشد که راه‌یابند».

در آیۀ فوق بیندیش؛ زیرا تنها آیه‌ای است که سؤال از پیامبر در آن ذکر شده و پاسخ پروردگار مستقیم و بدون لفظ ﴿قُلۡ﴾ (بگو) آمده است تا نزدیکی الله به بندگانش و اینکه میان او تعالی و بندگان هیچ واسطه‌ای وجود ندارد را بیان کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِۖ قُلۡ فِيهِمَآ إِثۡمٞ كَبِيرٞ﴾ [البقرة: 219]. «از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند بگو: «در آن دو، گناهی بزرگ است».

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡأَهِلَّةِۖ قُلۡ هِيَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ وَٱلۡحَجِّ﴾ [البقرة: 189]. «درباره هلال‌های (ماه) از تو سؤال می‌کنند، بگو آن‌ها بیان اوقات برای مردم و (تعیین وقت) حج است».

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَۖ قُلۡ مَآ أَنفَقۡتُم مِّنۡ خَيۡرٖ فَلِلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَ﴾ [البقرة: 215]. «از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: «هر مالی که انفاق کردید، پس برای پدر و مادر و نزدیکان».

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهۡرِ ٱلۡحَرَامِ قِتَالٖ فِيهِۖ قُلۡ قِتَالٞ فِيهِ كَبِيرٞ﴾ [البقرة: 217]. «از تو درباره جنگ کردن در ماه حرام، می‌پرسند. بگو: «جنگ در آن (گناهی) بزرگ؛ است».

﴿وَيَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡيَتَٰمَىٰۖ قُلۡ إِصۡلَاحٞ لَّهُمۡ خَيۡرٞ﴾ [البقرة: 220]. «و از تو درباره یتیمان می‌پرسند، بگو: «اصلاح کردن (کار) آنان بهتراست».

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَاۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ رَبِّي﴾ [الأعراف: 187]. «(ای پیامبر) در بارۀ قیامت از تو سوال می‌کنند، کی واقع می‌شود؟ بگو: «مسلماً علم آن فقط نزد پروردگار من است».

﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡأَنفَالِۖ قُلِ ٱلۡأَنفَالُ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِۖ﴾ [الأنفال: 1]. «از تو در بارۀ انفال (= غنایم) سوال می‌کنند، بگو: «انفال از آنِ الله و پیامبر است».

سرانجامِ مشرکان:

در روز قیامت، الله بلندمرتبه، چنان بر مشرکان ندا می‌زند که دل‌ها را می‌لرزاند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ٦٢﴾ [القصص: 62]. «و روزی‌که (الله) آنان را ندا دهد، آنگاه فرماید: «کجا هستند، شریکانی که برای من می‌پنداشتید؟!».

﴿وَقِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تَعۡبُدُونَ٩٢ مِن دُونِ ٱللَّهِ هَلۡ يَنصُرُونَكُمۡ أَوۡ يَنتَصِرُونَ٩٣ فَكُبۡكِبُواْ فِيهَا هُمۡ وَٱلۡغَاوُۥنَ٩٤﴾ [الشعراء: 92-94]. «و به آن‌ها گفته می‌شود: «کجا هستند آنچه که به جای الله پرستش می‌کردید؟! ﴿92﴾ آیا آن‌ها شما را یاری می‌کنند، یا (خود) انتقام می‌گیرند؟! ﴿93﴾ پس آن‌ها و گمراهان (به رو) در آن افکنده می‌شوند».

کسانی که همراه خدا دیگران را می‌خوانند و از عبادت الله به تنهایی سرکشی می‌کنند، الله آنان را با عذاب تهدید کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ثُمَّ قِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تُشۡرِكُونَ٧٣ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا بَل لَّمۡ نَكُن نَّدۡعُواْ مِن قَبۡلُ شَيۡ‍ٔٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلۡكَٰفِرِينَ٧٤ ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمۡ تَفۡرَحُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَمۡرَحُونَ٧٥ ٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ٧٦﴾ [غافر: 73-76]. «آنگاه به آن‌ها گفته می‌شود: آنچه را که شریک (الله) قرار مى‏داديد، کجایند؟ (همان معبودانی که) جز الله (عبادت می‌کردید؛) گویند: «از (نظر) ما ناپدید شدند، بلکه ما هرگز پیش از این چیزی را نمی‌خواندیم». این‌گونه الله کافران را گمراه می‌کند. این بدان (سبب) است که به ناحق در زمین شادمان می‌شدید، و به آنکه می‌نازیدید. از در‌های جهنم وارد شوید، جاودانه در آن بمانید، پس جایگاه متکبران چه بد است».

وقتی که آیات روشن پروردگار نزد مؤمن بیاید، خالصانه به الله روی می‌آورد و آنچه را به جای خدا پرستش می‌شود رها می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ ٱلۡحَيُّ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَۗ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٦٥ ۞قُلۡ إِنِّي نُهِيتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَمَّا جَآءَنِيَ ٱلۡبَيِّنَٰتُ مِن رَّبِّي وَأُمِرۡتُ أَنۡ أُسۡلِمَ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٦٦﴾ [غافر: 65-66]. «او زنده است، هیچ معبودی (به حق) جز او نیست، پس در حالی‌که دین خود را خالص گردانیده او را بخوانید، حمد و ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است. (ای پیامبر) بگو: «همانا من نهی شده‌ام از اینکه کسانی را پرستش کنم که شما بجای الله می‌خوانید، چون نشانه‌های روشن از جانب پروردگارم برای من آمده است، و مأمور شده‌ام كه برای پروردگار جهانیان تسلیم باشم».

وسیلۀ مشروع برای دستیابی به خشنودی الله و رسیدن به بهشت:

مؤمن برای رسیدن به الله و کسب خشنودی‌اش و ورود به بهشت او، به هیچ یک از مخلوقات الله متوسل نمی‌شود، بلکه فقط وسیلۀ مشروع را جستجو می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱبۡتَغُوٓاْ إِلَيۡهِ ٱلۡوَسِيلَةَ وَجَٰهِدُواْ فِي سَبِيلِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ٣٥﴾ [المائدة: 35]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید، و به سوی او تقرب جویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید».

وسیلۀ نزدیکی به الله و بهشت او، تمام اعمال صالح است. الله سبحانه جهاد در راه خویش را از جمله اعمال صالح بیان فرموده است؛ زیرا در جهاد، قلب با الله صادق است به این دلیل که احتمال مرگ در آن بسیار و ذکر الله و عمل جوارح زیاد است.

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱدۡخُلُواْ ٱلۡجَنَّةَ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾ [النحل: 32]. «به خاطر آنچه که می‌کردید به بهشت وارد شوید».

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ١٥ ءَاخِذِينَ مَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُحۡسِنِينَ١٦ كَانُواْ قَلِيلٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مَا يَهۡجَعُونَ١٧ وَبِٱلۡأَسۡحَارِ هُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ١٨ وَفِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ١٩﴾ [الذاریات: 15-19]. «(در روز قیامت) مسلماً پرهیزگاران در باغ‌ها و چشمه‌سارها (ی بهشت) هستند. آنچه پروردگارشان به آن‌ها عطا فرموده، دریافت کرده‌اند، بی‌گمان آن‌ها پیش از این (در دنیا) نیکوکار بودند. آن‌ها بخش اندکی از شب را می‌خوابیدند (و به نماز و نیایش مشغول بودند). و در سحر گاهان آمرزش طلب می‌کردند. و در اموال‌شان برای سائل و (تنگدست) محروم (بهره و) حقی بود».

ایمان به الله و یگانه‌دانستن او در عبادت و اعمال صالح، وسیلۀ ورود به بهشت است. اما سبب دخول جهنم، انکار و گناهان هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَا سَلَكَكُمۡ فِي سَقَرَ٤٢ قَالُواْ لَمۡ نَكُ مِنَ ٱلۡمُصَلِّينَ٤٣ وَلَمۡ نَكُ نُطۡعِمُ ٱلۡمِسۡكِينَ٤٤ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ ٱلۡخَآئِضِينَ٤٥ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ٤٦ حَتَّىٰٓ أَتَىٰنَا ٱلۡيَقِينُ٤٧﴾ [المدثر: 42-47]. «چه چیز شما را به «سقر» (دوزخ) درآورد؟ گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم. و بی‌نوا (یان) را طعام نمی‌دادیم. و پیوسته همراه یاوه‌گویان (و اهل باطل) هم‌صدا می‌شدیم. ﴿45﴾ و همواره روز جزا را تکذیب می‌کردیم. ﴿46﴾ تا زمانی که مرگ به سراغ‌مان آمد».

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱرۡكَعُواْ لَا يَرۡكَعُونَ٤٨ وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ لِّلۡمُكَذِّبِينَ٤٩﴾ [المرسلات: 48-49]. «و هنگامی‌که به آن‌ها گفته شود: (نماز بگزارید و) رکوع کنید، (نماز نمی‌گزارند و) رکوع نمی‌کنند. در آن روز (قیامت) وای بر تکذیب‌کنندگان!».

مؤمن در دعای خویش به اسامی یا مقام پیامبران و صالحان متوسل نمی‌شود، بلکه الله سبحانه را فقط با أسماء نیکوتر و صفات برترش می‌خواند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: 180]. «و برای خدا، نام‌های نیک است، پس به آن (نام‌ها) او را بخوانید».

بنابراین بگو: «يا رحمن ارحـمني يا رزاق ارزقني. رب اسألك بأسمـائك الحسنى وصفاتك العلى أن تدخلني الجنة وتجيرني من النار». (ای رحمان به من رحم کن، ای رزاق به من رزق و روزی عطا بفرما. پروردگارا به أسماء نیکوترت و صفات برترت درخواست دارم که مرا به بهشت وارد کنی و از آتش جنهم محافظت بفرمایی).

﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ﴾ [آل عمران: 38]. «پروردگارا! از طرف خود فرزند پاکیزه‌ای به من عطا کن، به درستی تو شنونده دعایی».

به همین ترتیب، دعاهای پیامبران علیهم السلام، اظهار نیاز به‌سوی الله به اسماء نیکوتر و صفات برتر او بوده است نه به‌سوی بندگانش.

یونس ÷ که داناترین فرد به الله بود، در اندوه شدید از طریق بزرگترین و دوست‌داشتنی‌ترین امر نزد الله، به او تعالی متوسل شد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [الأنبیاء: 87]. «پس (وقتی که در شکم ماهی فرو رفت) در تاریکی‌ها ندا داد که: «(پروردگارا!) هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم».

الله سبحانه درمورد خویشتن می‌فرماید که فقط او شایستۀ پرستیده‌شدن است و انسان‌ها و جنیان را فقط برای پرستش خویش آفرید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّنِيٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدۡنِي وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ١٤﴾ [طه: 14]. «یقیناً من «الله» هستم، هیچ معبودی (به حق) جز من نیست، پس مرا پرستش کن، و نماز را برای یاد من بر پا دار».

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ٥٦﴾ [الذاریات: 56]. «و من جن و انس را نیافریده‌ام مگر برای اینکه مرا عبادت کنند».

هر‌کس دیگران را همراه الله بخواند، الله او را به خاطر کار منکرش مورد محاسبه قرار خواهد داد، در حالی که هیچ دلیلی از جانب پروردگارش نه در کتاب الله و نه سنت رسولش ندارد؛ بنابراین چنین شخصی هرگز رستگار نخواهد شد و هرگز نجات نخواهد یافت؛ زیرا الله در کتاب خویش آشکارا فرموده که راضی نمی‌شود دیگران همراه او به فریاد خوانده شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَن يَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَا بُرۡهَٰنَ لَهُۥ بِهِۦ فَإِنَّمَا حِسَابُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ١١٧﴾ [المؤمنون: 117]. «و هر کس که با الله معبود دیگری را بخواند، مسلماً هیچ دلیلی بر (حقانیت) آن نخواهد داشت، جز این نیست که حسابش نزد پروردگارش خواهد بود، یقیناً کافران رستگار نمی‌شوند».

الله ما را آفرید تا او را بپرستیم و زندگی دنیا تا زمان مرگ  
 را فصل عمل و آزمایش و پس از مرگ را، زمان حسابرسی و   
جزا قرار داد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿تَبَٰرَكَ ٱلَّذِي بِيَدِهِ ٱلۡمُلۡكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ١ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡمَوۡتَ وَٱلۡحَيَوٰةَ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗا﴾ [الملک: 1-2]. «پر برکت و بزرگوار است کسی‌که فرمانروایی جهان هستی به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست. (همان) کسی‌که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکو کار‌تر است، و او پیروزمند بخشنده است».

الله سبحانه بیان می‌فرماید که شیطان دشمنی است که پیروانش را فرامی‌خواند تا از ساکنان آتش سوزان جهنم باشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّاۚ إِنَّمَا يَدۡعُواْ حِزۡبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ٦﴾ [فاطر: 6]. «مسلما شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن گیرید، او فقط پیروانش را دعوت می‌کند تا (همه) از اهل آتش سوزان (جهنم) باشند».

الله سبحانه در هر‌یک از ما، نفسی قرار داد که هم پذیرندۀ خیر است و هم پذیرندۀ شر:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَنَفۡسٖ وَمَا سَوَّىٰهَا٧ فَأَلۡهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقۡوَىٰهَا٨ قَدۡ أَفۡلَحَ مَن زَكَّىٰهَا٩ وَقَدۡ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا١٠﴾ [الشمس: 7-10]. «و سوگند به جان (انسان) و آنکه آن را (آفرید و) نیکو گردانید. سپس بدی‌ها و پرهیزگاری‌هایش را (به او) الهام کرد. محققاً هرکس که نفس خود را تزکیه (و پاک) کرد، رستگار شد. و یقیناً هرکس که آن را (با گناه) آلوده ساخت، نا امید (و زیانکار) شد».

﴿إِنَّ ٱلنَّفۡسَ لَأَمَّارَةُۢ بِٱلسُّوٓءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيٓ﴾ [یوسف: 53]. «بی‌شک نفس (اماره، انسان) پیوسته به بدی فرمان می‌دهد، مگر آنچه را پروردگام رحم کند».

راه را برای ما مشخص فرمود و انتخاب راه خیر یا راه شر را به خودمان واگذار کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن نُّطۡفَةٍ أَمۡشَاجٖ نَّبۡتَلِيهِ فَجَعَلۡنَٰهُ سَمِيعَۢا بَصِيرًا٢ إِنَّا هَدَيۡنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرٗا وَإِمَّا كَفُورًا٣﴾ [الإنسان: 2-3]. «به راستی ما انسان را از نطفة مختلطی آفریدیم، او را می‌آزماییم، پس او را شنوای بینا قرار دادیم. همانا ما راه را به او نشان دادیم خواه سپاس‌گزار باشد یا ناسپاس».

﴿وَٱعۡبُدۡ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأۡتِيَكَ ٱلۡيَقِينُ٩٩﴾ [الحجر: 99]. «و پروردگارت را عبادت کن تا هنگامی‌که یقین (= مرگ) به سراغت آید».

منظور همان مرگ است که به طور قطع هر نفسی را دربر می‌گیرد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِ﴾ [آل عمران: 185]. «هر کس چشنده (طعم) مرگ است».

﴿أَيۡنَمَا تَكُونُواْ يُدۡرِككُّمُ ٱلۡمَوۡتُ﴾ [النساء: 78]. «هر کجا باشید، مرگ شما را در می‌یابد».

بنابراین، زندگی دنیا، زمان عمل است. مؤمن با غنیمت‌شمردن این فرصت، تا زمان مرگ پروردگارش را عبادت می‌کند. اما زندگی از دیدگاه کافر و منافق، فرصت لهو و لعب است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَهُمُ ٱلۡمَوۡتُ قَالَ رَبِّ ٱرۡجِعُونِ٩٩ لَعَلِّيٓ أَعۡمَلُ صَٰلِحٗا فِيمَا تَرَكۡتُ﴾ [المؤمنون: 99-100]. (کافران پیوسته به راه و روش خود ادامه می‌دهند) تا زمانی‌که مرگ یکی از آن‌ها فرا رسد، گوید: «پروردگارا! مرا (به دنیا) باز گردان. باشد که در آنچه (در دنیا) ترک (و کوتاهی) کرده‌ام، کار شایستة انجام دهم».

الله سبحانه، در مورد کافران می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ دِينَهُمۡ لَهۡوٗا وَلَعِبٗا وَغَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا﴾ [الأعراف: 51]. «آنان که دين خود را سرگرمی و بازيچه گرفتند، و زندگی دنيا آن‌ها را فريفت».

انسان به سبب ایمان به الله و تقوای او با انجام اعمال صالح و ترک گناهان و منکرات، یکی از دوستان الله می‌شود و مورد محبت الله قرار می‌گیرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَلَآ إِنَّ أَوۡلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ٦٢ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ٦٣﴾ [یونس: 62-63]. «آگاه باشید! همانا دوستان الله، نه ترسی بر آن‌هاست، و نه آن‌ها غمگین می‌شوند. (همان) کسانی‌که ایمان آوردند، و پرهیزگاری می‌کردند».

هر گاه بنده در زمرۀ دوستان الله درآمد، مؤمنان باید او را به خاطر محبت الله دوست داشته باشند نه اینکه او را مانند الله دوست داشته باشند یا مانند الله او را بخوانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِ﴾ [البقرة: 165]. «و از مردم کسانی هستند غیر از الله همتایانی را انتخاب می‌کنند، و آن‌ها را مانند دوست داشتن الله دوست می‌دارند، و کسانی‌که ایمان آورد ه‌اند الله را بیشتر دوست می‌دارند».

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ عِبَادٌ أَمۡثَالُكُمۡۖ فَٱدۡعُوهُمۡ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ١٩٤﴾ [الأعراف: 194]. «بی‌گمان آن‌هایی را که غیر از الله می‌خوانید، بندگانی همچون شما هستند، پس آن‌ها را بخوانید، اگر راست می‌گویید (و آن‌ها الله هستند)، پس باید (دعای) شما را اجابت کنند!».

محبت و بزرگداشت و عبادتی را که مشرکان برای اولیاء روا می‌دارند، باید فقط به الله اختصاص دهند که شایستۀ تمام این امور است؛ زیرا الله صفاتی دارد که در معبودان کفار وجود ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَۖ فَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡوَلِيُّ وَهُوَ يُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ٩﴾ [الشورى: 9]. «آیا آن‌ها جز او دوستانی (برای خود) بر گزیده‌اند؟ در حالی‌که الله فقط کارساز (و دوست حقیقی) است، و اوست که مردگان را زنده می‌کند، و اوست که بر هر چیزی تواناست».

﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةٗ لَّا يَخۡلُقُونَ شَيۡ‍ٔٗا وَهُمۡ يُخۡلَقُونَ وَلَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ ضَرّٗا وَلَا نَفۡعٗا وَلَا يَمۡلِكُونَ مَوۡتٗا وَلَا حَيَوٰةٗ وَلَا نُشُورٗا٣﴾ [الفرقان: 3]. «و (مشرکان) به جای او معبودانی (برای خود) بر گزیدند که چیزی نمی‌آفرینند، و خود‌شان مخلوقند، و مالک زیان و سود خود نیستند، و (نیز) مالک مرگ و حیات و برانگیختن نیستند».

الله تمام آنچه را که مردم به جای الله آنها را دوست دارند و شفیعان یا اولیاء می‌نامند نفی کرده و نیاز مردم به آفریدگارشان را ثابت کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِۖ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ١٥﴾ [فاطر: 15]. «ای مردم! شما (همگی) به الله نیازمندید، و (تنها) الله است که بی‌نیاز ستوده است».

بنابراین تمام مردم، چه صالح و چه فاسق، نیازمند الله هستند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيّٖ وَلَا شَفِيعٍۚ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ٤﴾ [السجدة: 4]. «الله کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست در شش روز آفرید، سپس بر عرش قرار گرفت، شما را جز او هیچ کار ساز و شفیعی نیست، آیا پند نمی‌گیرید؟!».

الله سبحانه بیان فرموده که فقط آفریدگار،   
سزاوار عبادت است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ٢١﴾ [البقرة: 21]. «ای مردم، پروردگار خود را پرستش کنید، آن کسی‌که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزگار شوید».

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِ ٱلَّيۡلُ وَٱلنَّهَارُ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُۚ لَا تَسۡجُدُواْ لِلشَّمۡسِ وَلَا لِلۡقَمَرِ وَٱسۡجُدُواْۤ لِلَّهِۤ ٱلَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ٣٧﴾ [فصلت: 37]. «و از نشانه‌های او، شب و روز، و خورشید و ماه است، برای خورشید و برای ماه سجده نکنید، و برای الله که آن‌ها را آفریده است، سجده کنید، اگر تنها او را می‌پرستید».

الله همان ذاتی است که ما و نیاکان ما را آفرید و گوش و چشم و دل برایمان قرار داد؛ از این‌رو، باید با دل‌ها و اعضای خویش از او شکرگزاری کنیم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱللَّهُ أَخۡرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ شَيۡ‍ٔٗا وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡ‍ِٔدَةَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ٧٨﴾ [النحل: 78]. «و الله شما را از شکم مادران‌تان بیرون آورد، در حالی‌که هیچ چیز نمی‌دانستید، و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها پدید آورد، شاید سپاس گزارید».

شکرگزاری از الله با عبادت او به تنهایی و بدون عبادت دیگران، توسط قلب‌ها و جوارح ما محقق می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱعۡمَلُوٓاْ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكۡرٗاۚ وَقَلِيلٞ مِّنۡ عِبَادِيَ ٱلشَّكُورُ﴾ [سبأ: 13]. «ای آل داوود! سپاس (این همه نعمت را) به جا آوردید، و اندکی از بندگان من سپاسگزارند».

﴿لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٦٥ بَلِ ٱللَّهَ فَٱعۡبُدۡ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ٦٦﴾ [الزمر: 65-66]. «و به راستی که به تو و به کسانی‌که پیش از تو بودند، وحی شد که اگر شرک آوری، یقیناً اعمالت (تباه و) نابود می‌شود، و از زیان‌کاران خواهی بود. بلکه تنها الله را پرستش کن، و از شکر گزاران باش».

﴿إِنَّ إِبۡرَٰهِيمَ كَانَ أُمَّةٗ قَانِتٗا لِّلَّهِ حَنِيفٗا وَلَمۡ يَكُ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ١٢٠ شَاكِرٗا لِّأَنۡعُمِهِ﴾ [النحل: 120-121]. «به راستی ابراهیم (به تنهایی) امتی بود، فرمانبردار الله، حنیف (= خالی از انحراف) بود و (هرگز) از مشرکان نبود. شکر گزار نعمت‌های الله بود».

**عبادت الله با اعمال قلبی و اعمال جوارح محقق می‌شود:**

عبادت الله با اعمال قلبی و اعمال جوارح، سبب محبت و خشنودی الله و ورود به بهشت او تعالی و نجات از عذابش است:

1. عبادت قلبی الله، عبارت است از اینکه قلب از محبت و بزرگداشت و شکوه پروردگار سرشار شود و مؤمن آنگونه که از خدا می‌ترسد از هیچ‌کس نترسد و هیچ‌کس را همانند الله دوست نداشته باشد، به الله امیدوار باشد، در برابر او فروتنی کند، بر او توکل نماید، به‌سوی او بازگردد و قلب خویش را دل‌بستۀ او تعالی کند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِ﴾ [البقرة: 165]. «و از مردم کسانی هستند غیر از الله همتایانی را انتخاب می‌کنند، و آن‌ها را مانند دوست داشتن الله دوست می‌دارند، و کسانی‌که ایمان آورد ه‌اند الله را بیشتر دوست می‌دارند».

﴿ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدۡ جَمَعُواْ لَكُمۡ فَٱخۡشَوۡهُمۡ فَزَادَهُمۡ إِيمَٰنٗا وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ١٧٣ فَٱنقَلَبُواْ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ لَّمۡ يَمۡسَسۡهُمۡ سُوٓءٞ وَٱتَّبَعُواْ رِضۡوَٰنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَظِيمٍ١٧٤ إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ يُخَوِّفُ أَوۡلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمۡ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ١٧٥﴾ [آل عمران: 173-175]. «کسانی‌که مردم به آنان گفتند: «مردم (= مشرکان مکه) برای (جنگ با) شما گرد آمده‌اند، پس از آن‌ها بترسید». (این سخن) بر ایمان‌شان افزوده و گفتند: «الله ما را بس است، و بهترین حامی است». پس به نعمت و فضل الله (از میدان جنگ) بازگشتند، هیچ آسیبی به آنان نرسید، و خشنودی الله را پیروی کردند، و الله دارای فضل و بخشش بزرگی است. (در حقيقت) این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند، پس اگر ایمان دارید از آن‌ها نترسید، و از من بترسید».

﴿أَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبۡدَهُ﴾ [الزمر: 36]. «آیا الله برای بنده‌اش کافی نیست؟!».

﴿إِنَّهُمۡ كَانُواْ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَيَدۡعُونَنَا رَغَبٗا وَرَهَبٗاۖ وَكَانُواْ لَنَا خَٰشِعِينَ﴾ [الأنبیاء: 90]. «بی‌گمان آن‌ها همواره در کارهای خیر می‌شتافتند، و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند، و پیوسته برای ما (خاشع و) فروتن بودند».

﴿وَعَلَى ٱللَّهِ فَتَوَكَّلُوٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾ [المائدة: 23]. «و بر الله توکل کنید؛ اگر ایمان دارید».

﴿وَأَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ وَأَسۡلِمُواْ لَهُ﴾ [الزمر: 54]. «و به سوی پروردگار‌تان باز گردید و در برابر او تسلیم شوید».

1. عبادت الله با جوارح، مانند اینکه ذکر الله را به جا آوریم، کتابش را تلاوت کنیم، فقط او را بخوانیم، فقط از او طلب یاری کنیم، برای او نماز بگزاریم و روزه بگیریم، پیرامون خانۀ گرامی او طواف کنیم، و برای بزرگداشت او و با اسم او تبارک و تعالی قربانی کنیم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّآ أَعۡطَيۡنَٰكَ ٱلۡكَوۡثَرَ١ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَٱنۡحَرۡ٢﴾ [الکوثر: 1-2]. «(ای پیامبر) به راستی که ما به تو کوثر عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن».

نماز و قربانی از جمله عبادات جوارح هستند که فقط برای الله انجام می‌شوند.

معناى لا إله إلا الله:

الله سبحانه وتعالى، همان معبود ماست که او را می‌پرستیم و همو پروردگار و آفریدگار ماست.

«لا إله إلا الله» یعنی معبود بر حقی جز الله نیست.

إله همان معبودی است که عبادت می‌شود، نه به معنای پروردگار یا خالق.

﴿ءَالِهَةٞ﴾ به معنای معبودهایی است که به جای الله پرستیده می‌شوند، نه به معنای پروردگاران یا آفریدگاران.

بنابراین کسی که می‌گوید: لا إله إلا الله و غیر الله را می‌پرستد؛ یعنی غیر الله را همراه الله می‌خواند یا برای غیر الله همراه الله قربانی می‌کند، معنای لا إله إلا الله را نمی‌داند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَٰوَزۡنَا بِبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡبَحۡرَ فَأَتَوۡاْ عَلَىٰ قَوۡمٖ يَعۡكُفُونَ عَلَىٰٓ أَصۡنَامٖ لَّهُمۡۚ قَالُواْ يَٰمُوسَى ٱجۡعَل لَّنَآ إِلَٰهٗا كَمَا لَهُمۡ ءَالِهَةٞۚ قَالَ إِنَّكُمۡ قَوۡمٞ تَجۡهَلُونَ١٣٨ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ مُتَبَّرٞ مَّا هُمۡ فِيهِ وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ١٣٩ قَالَ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِيكُمۡ إِلَٰهٗا﴾ [الأعراف: 138-140]. «وما بنی اسرائیل را از دریا گذراندیم، آنگاه بر گروهی گذشتند که اطراف بت‌های خود با تواضع و فروتنی گرد آمده بودند. گفتند: «ای موسی! برای ما (نیز) معبودی قرار ده، همان‌گونه که آن‌ها معبودهایی دارند». (موسی) گفت: «حقا، شما گروهی نادان و جاهل هستید (و عظمت الله را نمی‌دانید). بی‌گمان این‌ها عاقبت کارشان نابودی است و آنچه انجام می‌دادند (نیز) باطل است». (سپس) گفت: «آیا غیر از الله، معبودی برای شما بجویم؟! در حالی‌که او شما را بر جهانیان (= مردم عصرتان) برتری داد».

قوم موسى از او خواستند که معبودی برایشان قرار دهد تا او را عبادت کنند؛ چنانکه گروهی که بنی‌اسرائیل به آنان رسیدند، معبودهایی داشتند که آنان را می‌پرستیدند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِيمُ لِأَبِيهِ ءَازَرَ أَتَتَّخِذُ أَصۡنَامًا ءَالِهَةً إِنِّيٓ أَرَىٰكَ وَقَوۡمَكَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ٧٤﴾ [الأنعام: 74]. «و (بیاد آور) هنگامی را که ابراهیم به پدرش آزر گفت: «آیا بت‌ها را به پرستش می‌گیری؟! من تو و قوم تو را در گمراهی آشکار می‌بینم».

هدهد سلیمان وقتی قومی را دید که به جای الله، خورشید را می‌پرستیدند، کارشان را نپسندید و گفت چرا الله را نمی‌پرستند که فقط او سزاوار عبادت است و معبود بر حقی جز او نیست:

الله به نقل از هدهد می‌فرماید: ﴿أَلَّاۤ يَسۡجُدُواْۤ لِلَّهِ ٱلَّذِي يُخۡرِجُ ٱلۡخَبۡءَ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُخۡفُونَ وَمَا تُعۡلِنُونَ٢٥ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ۩٢٦﴾ [النمل: 25-26]. «چرا برای الله سجده نمی‌کنند که آنچه را در آسمان‌ها و زمین پنهان است بیرون می‌آورد، و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌کنید (همه را) می‌داند. الله که جز او معبودی نیست، پروردگار عرش عظیم است».

فرعون خودش را معبودی قرار داد تا مردم او را بپرستند و از موسی خواست که او را بپرستد یا زندانی خواهد شد:

الله سخن فرعون را اینگونه بازگو می‌فرماید: ﴿قَالَ لَئِنِ ٱتَّخَذۡتَ إِلَٰهًا غَيۡرِي لَأَجۡعَلَنَّكَ مِنَ ٱلۡمَسۡجُونِينَ٢٩﴾ [الشعراء: 29]. (فرعون) گفت: «اگر معبودی جز من برگزینی، البته تو را از زندانیان قرار خواهم داد».

تمام رسولان الله به قومشان خبر دادند که معبود بر حقی جز الله نیست، پس او را بپرستید و غیر او را رها کنید:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ٢٥﴾ [الأنبیاء: 25]. «و (ما) پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که: معبودی جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کنید».

نوح ÷ پیام مذکور را اینگونه به قومش بیان کرد:

﴿لَا تَذَرُنَّ ءَالِهَتَكُمۡ وَلَا تَذَرُنَّ وَدّٗا وَلَا سُوَاعٗا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسۡرٗا٢٣﴾ [نوح: 23]. «معبودان خود را رها نکنید. و (بخصوص) «ود» و «سواع» و «یغوث» و «یعوق» و «نسر» را رها نکنید».

ود، سواع، یعوق، یغوث و نسر، مردان صالحی بودند و قوم نوح آنان را می‌پرستیدند تا آنان را به خدا نزدیک کنند.

الله نمی‌پذیرد که غیر او در عبادت با او شریک شود. الله فقط دین خالص را می‌پذیرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَٱعۡبُدِ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ٢ أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلۡخَالِصُ﴾ [الزمر: 2-3]. «پس الله را پرستش کن و دین را برای او خالص گردان. آگاه باشید که دین خالص از آن الله است».

هود به قومش گفت:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمۡ هُودٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُ﴾ [الأعراف: 65]. «و به (سوی قوم) عاد، برادرشان هود را (فرستاديم) گفت: «ای قوم من! الله را پرستش کنيد که جز او معبودی (راستين) برای شما نيست».

﴿قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِنَعۡبُدَ ٱللَّهَ وَحۡدَهُۥ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ٧٠﴾ [الأعراف: 70]. گفتند: «آيا به (نزد) ما آمده‌ای که تنها الله را عبادت کنيم، و آنچه را نياکان‌مان می‌پرستيدند، رها کنيم؟! پس اگر از راستگويان هستی، آنچه را (از عذاب الهی) به ما وعده می‌دهی، بياور».

وقتی محمد ج این پیام را به قومش ابلاغ کرد، آنان چنین پاسخ دادند:

﴿أَجَعَلَ ٱلۡأٓلِهَةَ إِلَٰهٗا وَٰحِدًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ عُجَابٞ٥﴾ [ص: 5]. «آیا (همۀ) معبودان را یک معبود قرار داده است؟ بی‌گمان این چیزی عجیبی است».

تمام معبودهایی که به جای الله عبادت می‌شوند، فقط در زمین مورد پرستش و عبادت قرار می‌گیرند، اما الله ـ تنها معبودی است که در آسمان و زمین عبادت می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي فِي ٱلسَّمَآءِ إِلَٰهٞ وَفِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَٰهٞۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡعَلِيمُ٨٤﴾ [الزخرف: 84]. «و او کسی است که در آسمان معبود است، و در زمین (نیز) معبود است، و او حکیم داناست».

نصاری می‌گویند همراه الله، معبودان دیگری هستند؛ الله بسیار بلندمرتبه‌تر است از آنچه آنان می‌گویند و معبود بر حقی جز الله به تنهایی وجود ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَّقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ ثَالِثُ ثَلَٰثَةٖۘ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّآ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ﴾ [المائدة: 73]. «آن‌ها که گفتند: «الله سومین (اقنوم) ثلاثه است» به یقین کافر شدند، معبودی (به حق) جز معبود یگانه نیست».

﴿وَإِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ءَأَنتَ قُلۡتَ لِلنَّاسِ ٱتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيۡنِ مِن دُونِ ٱللَّهِ﴾ [المائدة: 116]. «و (بیاد بیاور) که الله می‌فرماید: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان دو معبود به جای الله انتخاب کنید؟».

عیسی گفت: ﴿سُبۡحَٰنَكَ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنۡ أَقُولَ مَا لَيۡسَ لِي بِحَقٍّ﴾ [المائدة: 116]. «(عیسی) گوید: «تو منزهی! من حق ندارم آنچه را که شایسته من نیست بگویم!».

﴿مَا قُلۡتُ لَهُمۡ إِلَّا مَآ أَمَرۡتَنِي بِهِۦٓ أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمۡ [المائدة: 117]. «من چیزی جز آنچه مرا به آن فرمان دادی به آن‌ها نگفتم (به آن‌ها گفتم:) الله را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست».

الله به بندگانش فرمان داده که دو معبود را برای عبادت برنگزینند، بلکه واجب است دل‌ها و اعضا فقط به‌سوی الله روی آورند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ ٱللَّهُ لَا تَتَّخِذُوٓاْ إِلَٰهَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِۖ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَإِيَّٰيَ فَٱرۡهَبُونِ٥١﴾ [النحل: 51]. «و الله فرمود: دو معبود را نگیرید، فقط او معبود یگانه است، پس (تنها) از من بترسید».

حتى عبادات قلبی مانند بیم و رغبت و محبت هم باید فقط برای الله انجام شود.

پسران یعقوب ÷، آن چیزی را می‌پرستند که پدرشان إبراهیم ÷ و پسرانش می‌پرستیدند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمۡ كُنتُمۡ شُهَدَآءَ إِذۡ حَضَرَ يَعۡقُوبَ ٱلۡمَوۡتُ إِذۡ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعۡبُدُونَ مِنۢ بَعۡدِيۖ قَالُواْ نَعۡبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗا وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ١٣٣﴾ [البقرة: 133]. «آیا هنگامی‌که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟ آنگاه که به فرزندان خود گفت: «پس از من چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: معبود تو، و معبود پدرانت؛ ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، الله یکتا را، می‌پرستیم، و ما تسلیم او هستیم».

آنان می‌دانستند که فقط الله، معبود پدرشان و پدران او تا ابراهیم است. ابراهیم کسی است که اینگونه به درگاه پروردگارش دست به دعا برداشت:

﴿وَٱجۡنُبۡنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعۡبُدَ ٱلۡأَصۡنَامَ﴾ [إبراهیم: 35]. «و مرا و فرزندانم را از آنکه بت‌ها را پرستش کنیم دور بدار».

او کسی است که معبودان باطل را که به جای الله پرستش می‌شدند درهم شکست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَاذَا تَعۡبُدُونَ٨٥ أَئِفۡكًا ءَالِهَةٗ دُونَ ٱللَّهِ تُرِيدُونَ٨٦﴾ [الصافات: 85-86]. «چون به پدر و قومش گفت: «چه چیزی را می‌پرستید؟! آیا به جای الله، معبود‌های دروغین می‌خواهید؟!».

﴿فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمۡ فَقَالَ أَلَا تَأۡكُلُونَ٩١ مَا لَكُمۡ لَا تَنطِقُونَ٩٢ فَرَاغَ عَلَيۡهِمۡ ضَرۡبَۢا بِٱلۡيَمِينِ٩٣﴾ [الصافات: 91-93]. «آنگاه پنهانی نزد معبودان‌شان رفت و گفت: «آیا (چیزی) نمی‌خورید؟ شما را چه شده است که سخن نمی‌گویید». پس به سوی آنان روی آورد (و) ضربۀ محکم (با دست راست) بر آن‌ها زد (و بجز بُت بزرگ همه بت‌ها را درهم شکست)».

لا إله إلا الله همان کلمۀ حقی است که الله به پیامبرانش فرمان داد اهل کتاب و سایر مشرکان را به‌سوی آن فراخوانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡقَصَصُ ٱلۡحَقُّۚ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ٦٢ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِٱلۡمُفۡسِدِينَ٦٣ قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۢ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡ‍ٔٗا﴾ [آل عمران: 62-64]. «حقا که این همان داستان حق و واقعی (مسیح) است، و معبودی جز الله نیست، و بی‌گمان الله است که توانمند حکیم است. پس اگر روی گردانند (بدان که) الله به (حال) تباهکاران آگاه است. بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز الله را نپرستیم، و چیزی را شریک او نسازیم».

مشرکان در برابر کلمۀ توحید تکبر ورزیدند و نسبت به معبودان خویش تعصب به خرج دادند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِنَّهُمۡ يَوۡمَئِذٖ فِي ٱلۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُونَ٣٣ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفۡعَلُ بِٱلۡمُجۡرِمِينَ٣٤ إِنَّهُمۡ كَانُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسۡتَكۡبِرُونَ٣٥ وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوٓاْ ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٖ مَّجۡنُونِۢ٣٦﴾ [الصافات: 33-36]. «پس مسلماً در آن روز همۀ آن‌ها (= پیروان و سردمداران) در عذاب شریک خواهند بود. بی‌شک ما با مجرمان این گونه رفتار می‌کنیم! آن‌ها (در دنیا چنان) بودند که چون به آن‌ها گفته می‌شد: «معبودی (به حق) جز الله نیست» سر کشی (و تکبر) می‌کردند. و می‌گفتند: «آیا ما معبودان‌مان را به خاطر (سخن) شاعری دیوانه رها کنیم؟!».

پاسخ به مشرکان:

مشرکان می‌دانند که پروردگار آفریدگار یکی است، اما همراه او، دیگران را برای جلب منفعت یا دفع ضرر می‌پرستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا لِيَ لَآ أَعۡبُدُ ٱلَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ٢٢ ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً إِن يُرِدۡنِ ٱلرَّحۡمَٰنُ بِضُرّٖ لَّا تُغۡنِ عَنِّي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡ‍ٔٗا وَلَا يُنقِذُونِ٢٣﴾ [یس: 22-23]. «و چه شده است مرا که پرستش نکنم کسی را که مرا آفریده است، (همه) به سوی او باز گردانده می‌شوید؟ آیا غیر از او معبود‌هایی را بر گزینم که اگر (الله) رحمان بخواهد به من زیانی برساند، شفاعت آن‌ها چیزی را از من دفع نمی‌کند (و کمترین فایدۀ برایم ندارد) و مرا نجات نخواهند داد؟!».

اجتماع قلب بر معبود واحد، سبب آرامش و امنیت قلب در دنیا و آخرت می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلٗا رَّجُلٗا فِيهِ شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ وَرَجُلٗا سَلَمٗا لِّرَجُلٍ هَلۡ يَسۡتَوِيَانِ مَثَلًاۚ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ٢٩﴾ [الزمر: 29]. «الله مردی (مملوک) را مثل زده که در (بردگی) او شریکانی است که پیوسته با هم اختلاف (و مشاجره) دارند، و مردی (مملوک) که تنها تسلیم یک شخص است، آیا (این دو) در وصف یکسانند؟! حمد و ستایش مخصوص الله است، بلکه بیشتر آن‌ها نمی‌دانند».

﴿وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُ﴾ [التغابن: 11]. «و هرکس به الله ایمان آورد (الله) قلبش را هدایت می‌کند».

به این ترتیب، قلب هنگام وقوع مصیبت، بی‌قرار نمی‌شود.

مشرکان بدون علم، دیگران را همراه الله می‌پرستند. آنان در این مورد هیچ کتابی ندارند که الله آن را فرستاده باشد تا دلیل و حجت‌شان باشد و بر صحت عمل آنان و شریک‌قراردادن دیگران همراه الله در صفات برتر و مقام الهی توسط آنان، دلالت کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَمَا لَيۡسَ لَهُم بِهِۦ عِلۡمٞۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٖ٧١﴾ [الحج: 71]. «و (آن‌ها) به جای الله چیزی را می‌پرستند که (او) هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزی را که علم به آن ندارند، و برای ستمگران هیچ یاوری نیست».

مشرکان از رؤسا و بزرگان‌شان پیروی می‌کنند و از تمام اوامر آنان حتی در همانندقراردادن غیر خدا به خدا در صفات و طاعت و عبادت، فرمانبرداری می‌کنند؛ بدین ترتیب گمراه می‌شوند و زمانی که پشیمانی سودی ندارد پشیمان می‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ مَوۡقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمۡ يَرۡجِعُ بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٍ ٱلۡقَوۡلَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لَوۡلَآ أَنتُمۡ لَكُنَّا مُؤۡمِنِينَ٣١ قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُوٓاْ أَنَحۡنُ صَدَدۡنَٰكُمۡ عَنِ ٱلۡهُدَىٰ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَكُمۖ بَلۡ كُنتُم مُّجۡرِمِينَ٣٢ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ بَلۡ مَكۡرُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ إِذۡ تَأۡمُرُونَنَآ أَن نَّكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَنَجۡعَلَ لَهُۥٓ أَندَادٗاۚ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ وَجَعَلۡنَا ٱلۡأَغۡلَٰلَ فِيٓ أَعۡنَاقِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ٣٣﴾ [سبأ: 31-33]. « (ای پیامبر!) اگر ببینی (در روز قیامت) هنگامی‌که ستمکاران در پیشگاه پروردگار‌شان (برای حساب‌رسی) نگه داشته شده‌اند، (از حال آن‌ها به شگفت می‌آیی) برخی از آن‌ها سخن برخی دیگر را پاسخ می‌دهند (و هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد) کسانی‌که به استضعاف کشیده شده‌اند، به کسانی‌که استکبار (و سرکشی) نمودند، گویند: «اگر شما نبودید ما قطعاً مؤمن بودیم». کسانی‌که سرکشی (و تکبر) کردند (= مستکبران) به کسانی‌که به استضعاف کشیده شده‌اند، (= مستضعفان) گویند: «آیا ما شما را از هدایت باز داشتیم بعد از آن‌که به سراغ شما آمد؟! (هرگز نه) بلکه شما خود مجرم بودید». و مستضعفان به مستکبران گویند: «بلکه، مکر و حیلۀ شب و روز شما (سبب شد که از هدایت بازمانیم) هنگامی‌که به ما دستور می‌دادید که به الله کافر شویم و برای او همتایانی قرار دهیم». و هنگامی‌که عذاب (الهی) را ببینند، پشیمانی (خود) را (در دل) پنهان دارند، و ما غل‌ها در گردن‌های کسانی‌که کافر شدند؛ بگذاریم، آیا جز آنچه عمل می‌کردند، به آن‌ها جزا داده می‌شود؟!».

﴿يَوۡمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَٰلَيۡتَنَآ أَطَعۡنَا ٱللَّهَ وَأَطَعۡنَا ٱلرَّسُولَا۠٦٦ وَقَالُواْ رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعۡنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا فَأَضَلُّونَا ٱلسَّبِيلَا۠٦٧ رَبَّنَآ ءَاتِهِمۡ ضِعۡفَيۡنِ مِنَ ٱلۡعَذَابِ وَٱلۡعَنۡهُمۡ لَعۡنٗا كَبِيرٗا٦٨﴾ [الأحزاب: 66-68]. «روزی‌که صورت‌هایشان در آتش (جهنم) گردانیده شود (پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: «ای کاش الله را اطاعت کرده بودیم، و رسول (الله) را اطاعت کرده بودیم» و گفتند: «پروردگارا! ما از سروران و بزرگان خود اطاعت کردیم، پس ما را از راه به در بردند (و گمراه کردند). پروردگارا! آن‌ها را از عذاب دو چندان ده، و آن‌ها را به لعنتی بزرگ (و سخت) لعنت فرما».

مشرکان از وحی پیروی نمی‌کنند و به همین دلیل، الله به پیامبرش فرمان می‌دهد که از آنان روی بگرداند و اعلام بیزاری کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱتَّبِعۡ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡمُشۡرِكِينَ١٠٦﴾ [الأنعام: 106]. «از آنچه که از سوی پروردگارت بر تو وحی شده، پیروی کن، هیچ معبودی (بحق) جز او نیست، و از مشرکان روی بگردان».

﴿أَئِنَّكُمۡ لَتَشۡهَدُونَ أَنَّ مَعَ ٱللَّهِ ءَالِهَةً أُخۡرَىٰۚ قُل لَّآ أَشۡهَدُۚ قُلۡ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ وَإِنَّنِي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ﴾ [الأنعام: 19]. «آیا براستی شما گواهی می‌دهید که با الله معبودهای دیگری هستند؟» بگو: «من گواهی نمی‌دهم» بگو: «همانا او تنها معبود یگانه است، و من از آنچه با او شریک قرار می‌دهید، بیزارم».

«لا إله إلا الله». یعنی هیچ‌کس جز الله سزاوار عبادت نیست.

معنای شهادت لا إله إلا الله این است که هیچ‌کس شایستۀ عبادت نیست مگر الله، پس ذره‌ای از عبادت را به هیچ یک از مخلوقات الله قرار نمی‌دهیم.

معناى شهادت محمدًا رسول الله یعنی الله که واجب است جز او را نپرستیم، محمد ج را فرستاد تا عبادتی را که الله می‌پذیرد و بدان راضی می‌شود توضیح دهد. پس الله را فقط به همان طریقی عبادت می‌کنیم که محمد ج از نزد الله متعال آورده است.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: 44]. «و (ما این) قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی، آنچه را که به سوی آن‌ها نازل شده است، و باشد که آن‌ها بیندیشند».

﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا٢١﴾ [الأحزاب: 21]. «یقیناً برای شما در زندگی رسول الله سرمشق نیکویی است، برای آنان که به الله و روز آخرت امید دارند، و الله را بسیار یاد می‌کنند».

﴿وَإِن تُطِيعُوهُ تَهۡتَدُواْ﴾ [النور: 54]. «و اگر از او اطاعت کنید؛ هدایت خواهید شد».

هر‌کس به طریقی که خودش می‌خواهد عبادت کند، نخستین و بزرگ‌ترین رکن اسلام را که شهادت لا إله إلا الله و محمد رسول الله است محقق نگردانده است.

شروط پذیرش عمل:

برای پذیرش عمل نزد الله، دو شرط باید موجود باشد:

1. عمل خالص برای الله باشد.
2. به روش محمد ج انجام گیرد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلۡيَعۡمَلۡ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَلَا يُشۡرِكۡ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدَۢا﴾ [الکهف: 110]. «پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کار شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نسازد».

عمل صالحی منظور است که در آن به سیرۀ پیامبر محمد ج اقتدا می‌کنیم و فقط به الله ﻷ توجه داریم.

مؤمنان از آنچه که الله نازل فرموده پیروی می‌کنند و کلام او تعالی را می‌خوانند:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا٤١﴾ [الأحزاب: 41]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! الله را بسیار یاد کنید».

بنابراین، الله را بسیار یاد می‌کنند.

و این سخن الله تعالى را می‌خوانند: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ يَرۡجُونَ تِجَٰرَةٗ لَّن تَبُورَ٢٩ لِيُوَفِّيَهُمۡ أُجُورَهُمۡ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ غَفُورٞ شَكُورٞ٣٠﴾ [فاطر: 29-30]. «بی‌گمان کسانی‌که کلام الله را تلاوت می‌کنند و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم؛ پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی (پر سود) که هرگز زیان (و کساد) ندارد؛ امید دارند. تا (الله) پاداش آن‌ها را به تمامی بدهد و از فضل خود بر آن‌ها بیفزاید، بی‌گمان او آمرزندۀ سپاسگزار است».

پس کتاب الله را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه خدا به آنان روزی داده انفاق می‌کنند و به ثواب و فضل الله امیدوارند.

این کلام الله تعالی را می‌خوانند: ﴿وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ﴾ [الحج: 29]. «و (برگرد) خانه‌های کهن‌سال (کعبه) طواف کنند».

در نتیجه به پیروی از آنچه االله نازل فرمود، پیرامون کعبۀ مبارک طواف می‌کنند.

این فرمودۀ الله تعالی را می‌خوانند: ﴿وَٱتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ مُصَلّٗى﴾ [البقرة: 125]. «و از مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود برگیرید».

آنگاه از آنچه الله در مورد نماز در این مکان که خود الله آن را مشخص کرد پیروی می‌‌‌کنند.

اما اگر الله آنان را به اقامۀ نماز در این مکان فرمان نداده بود، هرگز چنین نمی‌کردند هر چند آبا و اجدادشان این کار را انجام دادند. زیرا عبادتی که الله از بندگانش می‌پذیرد، همان عبادتی است که آنان را بدان فرمان داده است نه آن عبادتی که نیاکان‌شان را بر آن یافتند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّقۡتَدُونَ٢٣ ۞قَٰلَ أَوَلَوۡ جِئۡتُكُم بِأَهۡدَىٰ مِمَّا وَجَدتُّمۡ عَلَيۡهِ ءَابَآءَكُمۡۖ قَالُوٓاْ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ٢٤ فَٱنتَقَمۡنَا مِنۡهُمۡۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ٢٥﴾ [الزخرف: 23-25]. «و این‌گونه در هیچ (شهر و) قریۀ پیش از تو هشدار دهندۀ نفرستادیم، مگر اینکه متنعمانش گفتند: «ما نیاکان خود را بر آیینی یافتیم، و بی‌گمان ما به (اعمال و) آثار آن‌ها اقتداء می‌کنیم». (پیامبر‌شان) گفت: «آیا اگر برای شما چیزی هدایت‌کننده‌تر از آنچه که نیاکان‌تان را بر آن یافتید، آورده باشم؟! (بازهم به آن‌ها اقتداء می‌کنید؟!) گفتند: «(آری،) ما به آنچه که شما به آن فرستاده شده‌اید، کافریم». بنا براین از آن‌ها انتقام گرفتیم، پس بنگر سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود!».

کسانی که به اعمال نیاکان و علمای‌شان راضی می‌شوند و برایشان تفاوتی نمی‌کند که نیاکان و علمای‌شان بر حق باشند یا بر باطل، به سبب رویگردانی‌شان؛ از هدایت محروم می‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٱلۡحَقَّۖ فَهُم مُّعۡرِضُونَ﴾ [الأنبیاء: 24]. «بلکه بیشتر آن‌ها حق را نمی‌دانند، لذا آن‌ها (از آن) روی گردانند».

الله رویگردانان از شنیدن حق را به سبب بیماری یا مرگ دل‌هایشان، به مردگان که حواس‌شان به سبب مرگ از بین رفته، تشبیه کرده است؛ بنابراین، سخن کسی که آنان را دعوت می‌دهد و بر آنان ندا می‌زند نمی‌شنوند؛ زیرا زندگان واقعی کسانی هستند که دل‌هایشان زنده است و سخن حق را می‌شنوند و بدان پاسخ می‌هند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّكَ لَا تُسۡمِعُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَلَا تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوۡاْ مُدۡبِرِينَ٨٠ وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِي ٱلۡعُمۡيِ عَن ضَلَٰلَتِهِمۡۖ إِن تُسۡمِعُ إِلَّا مَن يُؤۡمِنُ بِ‍َٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسۡلِمُونَ٨١﴾ [النمل: 80-81]. «و بی‌گمان تو نمی‌توانی (سخنت را) به (گوش) مردگان بشنوانی، و نمی‌توانی کران را هنگامی‌که پشت‌کنان روی می‌گردانند؛ سخن (و نِدای خود را) بشنوانی. و تو نمی‌توانی کوران را از گمراهی‌شان (باز گردانی و) هدایت کنی، تو تنها می‌توانی (سخن خود را) به کسانی بشنوانی که به آیات ما ایمان دارند؛ پس آن‌ها (در برابر حق) تسلیم شدگان هستند».

﴿وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَحۡيَآءُ وَلَا ٱلۡأَمۡوَٰتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُسۡمِعُ مَن يَشَآءُۖ وَمَآ أَنتَ بِمُسۡمِعٖ مَّن فِي ٱلۡقُبُورِ٢٢ إِنۡ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ٢٣﴾ [فاطر: 22-23]. «و (هرگز) زندگان و مردگان یکسان نیستند، بی‌گمان الله هر کس را بخواهد می‌شنواند، و تو (ای پیامبر!) نمی‌توانی (سخنت را) به در گور خفتگان بشنوانی. تو جز هشدار دهنده‌ای نیستی».

﴿إِنَّمَا يَسۡتَجِيبُ ٱلَّذِينَ يَسۡمَعُونَۘ وَٱلۡمَوۡتَىٰ يَبۡعَثُهُمُ ٱللَّهُ ثُمَّ إِلَيۡهِ يُرۡجَعُونَ٣٦﴾ [الأنعام: 36]. «تنها کسانی (دعوت تو را) اجابت می‌کنند که گوش شنوا دارند، و الله مردگان را (در روز قیامت) بر می‌انگیزد، سپس به سوی او باز گردانده می‌شوند».

همانند پیروی از نیاکان، التزام به دوستان و تعصب به شیخ است، بگونه‌ای که دوستی می‌کنند با کسانی که با شیخ آنان دوستی می‌کنند و دشمنی می‌کنند با کسانی که با شیخ دشمنی می‌ورزند، در نتیجه شخص و دوستانش و شیخ آنان یک حزب به شمار می‌روند و دل‌مشغولی هر‌یک از آنان این می‌شود که به‌سوی حزب‌شان و پیروی از سخنان شیخ خودشان فرامی‌خوانند هر چند این سخنان، از هدایت و سنت محمد ج دور باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱتَّقُونِ٥٢ فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ زُبُرٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۢ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ٥٣﴾ [المؤمنون: 52-53]. «و بی‌گمان این امت شما، امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم، پس از من بترسید. پس آن‌ها در میان خود در کار (دین) شان فرقه فرقه و پراکنده شدند، و هر گروه به آنچه نزد خود دارند؛ خوشحالند».

مؤمنان از آنچه که الله بر پیامبرش محمد ج نازل فرموده است پیروی می‌کنند؛ زیرا سیرۀ پیامبر، هدایت‌یافته‌ترین طریق است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ إِنَّنِي هَدَىٰنِي رَبِّيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾ [الأنعام: 161]. «بگو: بتحقيق پروردگارم مرا به راه راست هدايت کرده است».

﴿وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ٥٢ صِرَٰطِ ٱللَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾ [الشورى: 52-53]. «و مسلماً تو (ای پیامبر) به راه راست هدایت می‌کنی. راه الهی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آنِ اوست».

محمد ج برترین پیامبر و هدایتش برترین   
هدایت است:

پیامبر محمد ج به‌سوی راه الله که مالک تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین وجود دارد است، هدایت می‌کند؛ از این‌رو، هدایتی بزرگ‌تر از این هدایت و پیامبری بزرگ‌تر از این پیامبر وجود ندارد.

الله برترین کتاب را بر پیامبرش محمد ج نازل فرمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِ﴾ [المائدة: 48]. «و (این) کتاب (= قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم در حالی‌که تصدیق‌کننده‌ی کتاب‌های که پیش از آن است و بر آن‌ها شاهد و نگاهبان است».

بشارت قرآن در کتاب‌های پیامبران پیشین آمده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَرَحۡمَتِي وَسِعَتۡ كُلَّ شَيۡءٖۚ فَسَأَكۡتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلَّذِينَ هُم بِ‍َٔايَٰتِنَا يُؤۡمِنُونَ١٥٦ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ﴾ [الأعراف: 156-157]. «و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است، پس آن را برای کسانی‌که تقوا پیشه می‌کنند، و زکات می‌دهند، و کسانی‌که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر خواهم داشت. آنان که از (این) رسول (الله)، پیامبر «أمی» (= درس ناخوانده) پیروی می‌کنند، که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است، نوشته می‌یابند».

﴿وَإِذۡ قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُم مُّصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيَّ مِنَ ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَمُبَشِّرَۢا بِرَسُولٖ يَأۡتِي مِنۢ بَعۡدِي ٱسۡمُهُۥٓ أَحۡمَدُ﴾ [الصف: 6]. «و (یادآور باش) هنگامی‌که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل! بی‌گمان من فرستادۀ الله به سوی شما هستم، آنچه از تورات که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و (نیز) مژده‌دهنده به رسولی هستم که بعد از من می‌آید، و نامش «احمد» است».

پیامبران، برترین بندگان الله هستند که بر آنان نعمت بخشیده است، آنان مبلغان الله هستند و سایر نعمت‌بخشیده‌شدگان پیرو آنان هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَۚ وَحَسُنَ أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقٗا٦٩ ذَٰلِكَ ٱلۡفَضۡلُ مِنَ ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ عَلِيمٗا٧٠﴾ [النساء: 69-70]. «و کسی‌که الله و پیامبر را اطاعت کند (روز قیامت) همنشین کسانی خواهد بود که الله بر آنان انعام نموده‌است، از پیامبران، و صدیقان و شهدا و صالحان، و اینان چه نیکو رفیقانی هستند. این فضل و بخشایش از جانب الله است، و کافی است که او دانا است».

پیامبران هدایت‌یافته ترین و برترین مردم هستند و هدایت نور را از جانب پروردگارشان به‌سوی اقوام خویش آوردند. الله سبحانه فرموده که درجات پیامبران را بالا برده و آنان را نیکوکار و صالح معرفی فرموده و اینکه آنان را برای هدایت بندگانش برگزیده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَتِلۡكَ حُجَّتُنَآ ءَاتَيۡنَٰهَآ إِبۡرَٰهِيمَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦۚ نَرۡفَعُ دَرَجَٰتٖ مَّن نَّشَآءُۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٞ٨٣ وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ إِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَۚ كُلًّا هَدَيۡنَاۚ وَنُوحًا هَدَيۡنَا مِن قَبۡلُۖ وَمِن ذُرِّيَّتِهِۦ دَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَٰرُونَۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ٨٤ وَزَكَرِيَّا وَيَحۡيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلۡيَاسَۖ كُلّٞ مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ٨٥ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَٱلۡيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطٗاۚ وَكُلّٗا فَضَّلۡنَا عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ٨٦ وَمِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡ وَإِخۡوَٰنِهِمۡۖ وَٱجۡتَبَيۡنَٰهُمۡ وَهَدَيۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ٨٧ ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهۡدِي بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۚ وَلَوۡ أَشۡرَكُواْ لَحَبِطَ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ٨٨ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحُكۡمَ وَٱلنُّبُوَّةَۚ فَإِن يَكۡفُرۡ بِهَا هَٰٓؤُلَآءِ فَقَدۡ وَكَّلۡنَا بِهَا قَوۡمٗا لَّيۡسُواْ بِهَا بِكَٰفِرِينَ٨٩ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَى ٱللَّهُۖ فَبِهُدَىٰهُمُ ٱقۡتَدِهۡ﴾ [الأنعام: 83-90]. «و این‌ها حجت و دلایل ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم، درجات هر کس را بخواهیم بالا می‌بریم، همانا پروردگار تو، حکیم داناست. و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم، و هر یک را هدایت کردیم، و نوح را (نیز) پیش از آن هدایت نمودیم، و از فرزندان او داوود، و سلیمان، و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت کردیم) و این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. و (نیز) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را (هدایت نمودیم) همه از صالحان بودند. و اسماعیل و الیسع، و یونس و لوط را (هدایت کردیم) و همه را بر جهانیان برتری داده‌ایم. و (نیز) از پدران‌شان و فرزندان‌شان و برادران‌شان و (برخی را برتری دادیم) و برگزیدیم و به راه راست هدایت نمودیم. این هدایت الله است، که هر کس از بندگانش را بخواهد با آن هدایت می‌کند. و اگر شرک می‌ورزیدند؛ هرآینه آنچه را که انجام داده بودند از (اعمال نیک) آن‌ها نابود می‌شد. آن‌ها کسانی هستند که کتاب و حکمت و نبوت به آنان دادیم، پس اگر این (مشرکان) به آن (آیات قرآن) کفر ورزند، بتحقیق ما گروهی را بر آن می‌گماریم که نسبت به آن کافر نیستند. آن‌ها کسانی هستند که الله هدایت‌شان کرده است؛ پس به روش آنان اقتدا کن».

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ مِن ذُرِّيَّةِ ءَادَمَ وَمِمَّنۡ حَمَلۡنَا مَعَ نُوحٖ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡرَٰٓءِيلَ وَمِمَّنۡ هَدَيۡنَا وَٱجۡتَبَيۡنَآ﴾ [مریم: 58]. «اینان کسانی از پیامبران بودند که الله بر آنان انعام کرده بود، از فرزندان آدم و از کسانی‌که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم، و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل (= یعقوب) و از کسانی‌که آن‌ها را هدایت کردیم و بر گزیدیم».

محمد ج، رسول الله است که هدایت را از جانب پروردگارش آورد. او خاتم و برترین پیامبران است و هدایت او نه تنها برای قومش بلکه برای تمام مردم است؛ بنابراین، پس از او هیچ‌کس دیگری هدایت را از جانب الله نمی‌آورد و عمل به هدایت او که آن را از جانب پروردگارش آورده، تا زمانی که الله زمین و هر‌کس که بر روی آن است را به ارث ببرد، باقی است:

الله متعال همچنین می‌فرماید: ﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ جَمِيعًا﴾ [الأعراف: 158]. «بگو: «ای مردم! من فرستادۀ الله به سوی همۀ شما هستم».

﴿مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٖ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ﴾ [الأحزاب: 40]. «محمد ج پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست، و لیکن رسول الله و خاتم پیامبران است، و الله به هر چیز آگاه است».

﴿وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ٥٢ صِرَٰطِ ٱللَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ أَلَآ إِلَى ٱللَّهِ تَصِيرُ ٱلۡأُمُورُ﴾ [الشورى: 52-53]. «و مسلماً تو (ای پیامبر) به راه راست هدایت می‌کنی. راه الهی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آنِ اوست، آگاه باشید، که (همۀ) کار‌ها به سوی الله باز می‌گردد».

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمۡ يُوحَ إِلَيۡهِ شَيۡءٞ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثۡلَ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ﴾ [الأنعام: 93]. «و چه کسی ستمکارتر است از کسی‌که دروغی به الله ببندد، یا بگوید: «به من وحی شده است». در حالی‌که به او وحی نشده است، و کسی‌که بگوید: «من (نیز) همانند آنچه الله نازل کرده است، نازل می‌کنم!».

رسولان، حامل هدایت ربانی هستند و الله از بندگانش خواهد پرسید که چه پاسخی به رسولان دادند؟ الله از بندگانش در مورد پاسخ آنان به سایر مردم سوال نخواهد کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَآ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَتۡلُونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ رَبِّكُمۡ وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنۡ حَقَّتۡ كَلِمَةُ ٱلۡعَذَابِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ٧١﴾ [الزمر: 71]. «و کسانی‌که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند، تا وقتی به (کنار) آن (= دوزخ) رسند در‌هایش گشوده شود، و نگهبانانش به آنان گویند: «آیا پیامبرانی از میان خود‌تان به سوی شما نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند، و شما را از دیدار امروز‌تان هشدار دهند؟!» گویند: آری، و لیکن فرمان عذاب (الهی) بر کافران محقق شده است».

وقتی تکذیب‌کنندگان در مورد برانگیخته‌شدن می‌پرسند: ﴿يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا﴾ «وای بر ما! چه کسی ما را برانگیخت». اینگونه به آنان پاسخ داده می‌شود: «هَذا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» «این همان چیزی است که خداوند رحمان وعده داده بود و فرستادگان خدا راست گفته بودند».

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ يَنسِلُونَ٥١ قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرۡقَدِنَاۜۗ هَٰذَا مَا وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَصَدَقَ ٱلۡمُرۡسَلُونَ٥٢﴾ [یس: 51-52]. «و (چون بار دیگر) در صور دمیده شود، پس ناگهان آن‌ها از قبرها (بیرون آیند) شتابان به سوی پروردگارشان می‌روند. گویند: «وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاه‌مان بر انگیخت؟!» (به آن‌ها گفته شود:) این همان است که (الله) رحمان وعده داده بود، و پیامبران (الله) راست گفتند».

در این حالت، جهنمیان آرزو می‌کنند که ای کاش از الله و رسولش اطاعت کرده بودند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَوۡمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَٰلَيۡتَنَآ أَطَعۡنَا ٱللَّهَ وَأَطَعۡنَا ٱلرَّسُولَا۠٦٦ وَقَالُواْ رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعۡنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا فَأَضَلُّونَا ٱلسَّبِيلَا۠٦٧ رَبَّنَآ ءَاتِهِمۡ ضِعۡفَيۡنِ مِنَ ٱلۡعَذَابِ وَٱلۡعَنۡهُمۡ لَعۡنٗا كَبِيرٗا٦٨﴾ [الأحزاب: 66-68]. «روزی‌که صورت‌هایشان در آتش (جهنم) گردانیده شود (پشیمان می‌شوند و) می‌گویند: «ای کاش الله را اطاعت کرده بودیم، و رسول (الله) را اطاعت کرده بودیم» و گفتند: «پروردگارا! ما از سروران و بزرگان خود اطاعت کردیم، پس ما را از راه به در بردند (و گمراه کردند). پروردگارا! آن‌ها را از عذاب دو چندان ده، و آن‌ها را به لعنتی بزرگ (و سخت) لعنت فرما».

یکی از بخشش‌های الله به بندگانش این است که به‌سوی هر امتی، رسولی فرستاد تا آنان را هدایت کند و آنان را در صورت مخالفت با فرمان الله از عذابش بترساند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلِكُلِّ قَوۡمٍ هَادٍ﴾ [الرعد: 7]. «و برای هر قومی هدایت کننده‌ی است».

﴿وَإِن مِّنۡ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٞ﴾ [فاطر: 24]. «و هیچ امتی نیست؛ مگر آن‌که در (میان) آن هشدار دهندۀ (آمده و) گذشته است».

﴿رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِ﴾ [النساء: 165]. «پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از (آمدن) این پیامبران برای مردم بر الله حجتی نباشد».

الله رسولان را یکی پس از دیگری برای هدایت مردم فرستاد؛ زیرا فقط رسولان، حاملان هدایت الله برای مردم هستند و اما سایر هدایت‌گران، مردم را به پیروی از آنچه رسولان آوردند هدایت می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلًا أَصۡحَٰبَ ٱلۡقَرۡيَةِ إِذۡ جَآءَهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ١٣ إِذۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱثۡنَيۡنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزۡنَا بِثَالِثٖ﴾ [یس: 13-14]. «و (ای پیامبر) برای آن‌ها مثال (و داستان) مردم آن قریه (انطاکیه) را بزن، چون رسولان (ما) بدان جا آمدند. آنگاه که دو نفر (از رسولان) را به سوی آن‌ها فرستادیم، پس آنان را تکذیب کردند، سپس با (فرستادن) سومی (آن دو را) تقویت کردیم».

﴿وَأَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمۡ رُسُلٗاۖ كُلَّمَا جَآءَهُمۡ رَسُولُۢ بِمَا لَا تَهۡوَىٰٓ أَنفُسُهُمۡ فَرِيقٗا كَذَّبُواْ وَفَرِيقٗا يَقۡتُلُونَ﴾ [المائدة: 70]. «و رسولانی به سوی آن‌ها فرستادیم، هر گاه که پیامبری چیزی بر خلاف دل‌خواه آن‌ها می‌آورد، گروهی را تکذیب می‌کردند و گروهی را می‌کشتند».

هر گاه مردم وحیی را که الله بر رسولانش وحی کرده بود فراموش کردند یا در آن افزودند و از آن کم کردند، و الله رسولی را نفرستاد، مردم در زمان فترت و انقطاع رسولان، در گمراهی زندگی کردند. این حالت پیش از بعثت محمد ج رخ داد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ قَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمۡ عَلَىٰ فَتۡرَةٖ مِّنَ ٱلرُّسُلِ أَن تَقُولُواْ مَا جَآءَنَا مِنۢ بَشِيرٖ وَلَا نَذِيرٖۖ فَقَدۡ جَآءَكُم بَشِيرٞ وَنَذِيرٞۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ١٩﴾ [المائدة: 19]. «ای اهل کتاب! پیامبر ما پس از (انقطاع وحی و) فترتی از پیامبران به سوی شما آمد، که حقایق را برایتان بیان کند، تا مبادا (روز قیامت) بگویید: «نه بشارت‌دهنده‌ای به سوی ما آمد و نه بیم دهندای» پس بتحقیق (اینک) پیامبر بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده به سوی شما آمده است. و الله بر همه چیز تواناست».

الله مردمی را عذاب نمی‌کند مگر زمانی که رسولی به‌سوی آنان بفرستد که آنان را به صورت صراط مستقیم الله هدایت کند، سپس آنان هدایت رسول را رها کرده و از غیر او پیروی کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبۡعَثَ رَسُولٗا﴾ [الإسراء: 15]. «و ما هرگز عذاب نخواهیم کرد؛ مگر آنکه پیامبری بفرستیم».

﴿إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ١٤﴾ [ص: 14]. «هر یک (از این‌ها) بودند که پیامبران را تکذیب کردند، پس عقوبت (من) تحقق یافت».

﴿كُلّٞ كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ﴾ [ق: 14]. «هر یک (از آن‌ها) رسولان (الهی) را تکذیب کردند، پس وعدۀ عذاب (و بیم) من (بر آن‌ها) تحقّق یافت».

الله سبحانه بیان می‌فرماید که رسولان را فرستاد تا هیچ‌کس دلیلی برای ندانستن حق نداشته باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ كَمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ نُوحٖ وَٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَٰرُونَ وَسُلَيۡمَٰنَۚ وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا١٦٣ وَرُسُلٗا قَدۡ قَصَصۡنَٰهُمۡ عَلَيۡكَ مِن قَبۡلُ وَرُسُلٗا لَّمۡ نَقۡصُصۡهُمۡ عَلَيۡكَۚ وَكَلَّمَ ٱللَّهُ مُوسَىٰ تَكۡلِيمٗا١٦٤ رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا١٦٥﴾ [النساء: 163-165]. «همانا ما به تو وحی فرستادیم همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم و (نیز) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (= نوادگان دوازده گانه) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی فرستادیم و به داود زبور دادیم. و پیامبرانی (مبعوث کردیم) که سر گذشت آن‌ها را پیش از این برای تو بیان کرده‌ایم، و پیامبرانی که سر گذشت آن‌ها را بیان نکردیم، و الله (بدون واسطه) با موسی سخن گفت. پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از (آمدن) این پیامبران برای مردم بر الله حجتی نباشد و الله پیروزمند حکیم است».

الله سبحانه در ادامۀ آیات فوق می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلرَّسُولُ بِٱلۡحَقِّ مِن رَّبِّكُمۡ فَ‍َٔامِنُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا١٧٠﴾ [النساء: 170]. «ای مردم، بی‌گمان پیامبر (موعود محمد ج) با (آیین) حق از جانب پروردگارتان برای شما آمد، پس به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است، و اگر کافر شوید؛ پس یقیناً (بدانید که) آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن الله است، (و کفر شما به او زیانی نمی‌رساند) و الله دانای حکیم است».

بنابراین هدایت محمد برای جهانیان، تا زمانی که قرآن باقی باشد، باقی است. هر‌کس به آن کفر ورزد و آن را انکار کند [به خودش زیان رسانده است] زیرا الله از جهانیان بی‌نیاز است.

الله از پیامبرانش بر ایمان به محمد ج و یاری‌رساندن او در صورتی که در زمان آنان بیاید، پیمان گرفته است و از میان پیامبران، عیسی ÷ که در زمان پیامبر در آخر‌الزمان می‌آید، مردم را به‌سوی هدایت محمد ج هدایت خواهد کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ لَمَآ ءَاتَيۡتُكُم مِّن كِتَٰبٖ وَحِكۡمَةٖ ثُمَّ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مُّصَدِّقٞ لِّمَا مَعَكُمۡ لَتُؤۡمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥۚ قَالَ ءَأَقۡرَرۡتُمۡ وَأَخَذۡتُمۡ عَلَىٰ ذَٰلِكُمۡ إِصۡرِيۖ قَالُوٓاْ أَقۡرَرۡنَاۚ قَالَ فَٱشۡهَدُواْ وَأَنَا۠ مَعَكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ٨١﴾ [آل عمران: 81]. «و (به یاد بیاورید) هنگامی را که الله، از پیامبران پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمت دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، باید به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید. (آنگاه) فرمود: «آیا اقرار کردید، و بر این امر پیمانم را پذیرفتید؟» گفتند: «اقرار کردیم» فرمود: «پس گواه باشید و من (نیز) با شما از گواهانم».

إصری: پیمان محکم و قطعی من.

الله یاوران محمد ج را که مؤمنان به او و پیروان هدایتش هستند، رستگاران معرفی می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: (فالذین أمنوا به وعزروه ونصروه واتبعوا النور الذی أنزل معه أولئک هم المفلحون) ﴿فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ ٱلنُّورَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾ [الأعراف: 157]. «پس کسانی‌که به او ایمان آوردند، و او را گرامی داشتند، و او را یاری دادند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنانند که رستگارند».

الله، محمد ج را چراغ روشنگرِ جهان هستی معرفی می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا٤٥ وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ بِإِذۡنِهِۦ وَسِرَاجٗا مُّنِيرٗا٤٦ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَضۡلٗا كَبِيرٗا٤٧ وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَدَعۡ أَذَىٰهُمۡ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا٤٨﴾ [الأحزاب: 45-48]. «ای پیامبر! ما تو را گواه، و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم. و دعوت کننده به سوی الله به فرمان او، و چراغی روشنی بخش قرار دادیم. و مؤمنان را بشارت ده که برای آن‌ها از سوی الله فضل بزرگی است. و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و آزار‌شان را واگذار (و به آنان اعتنای نکن) و بر الله توکل کن، و الله (به عنوان) کارساز (و مدافع) بسنده است».

الله به رسولش فرمان داد که در تبلیغ آنچه الله به او نازل فرمود از کافران و منافقان اطاعت نکند، هر چند در آزاررساندن به او تمام تلاش خود را بکار گیرند. زیرا تبلیغ‌نکردن بخشی از دین به خاطر ترس از مردم، به منزلۀ تبلیغ‌نکردن رسالت به شمار می‌رود؛ به عبارتی دیگر، دین الله کامل است و الله نمی‌پذیرد که بخشی از آن رها شود. در مورد دشمنان نیز، الله رسولش را از شرّ آنان محافظت می‌کند و الله برای حفاظت و یاری کافی است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغۡ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۖ وَإِن لَّمۡ تَفۡعَلۡ فَمَا بَلَّغۡتَ رِسَالَتَهُۥۚ وَٱللَّهُ يَعۡصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِ﴾ [المائدة: 67]. «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت برتو نازل شده است، (به مردم) برسان، و اگر (این کار) نکنی، رسالت او را نرسانده‌ای، و الله تو را از (شر) مردم حفظ می‌کند».

پیامبر نیز به صورت روشن ابلاغ کرد و با شکیبایی در برابر آزار و اذیت مشرکان، رسالت را به صورت کامل و پاکیزه، چنانکه پروردگارش بدو فرمان داده بود ادا کرد و اینگونه الله نعمت بر بندگانش را به دست او کامل کرد، پس رحمت و سلام پروردگار بر او باد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗا﴾ [المائدة: 3]. «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را (بعنوان) دین برای شما بر گزیدم».

پروردگار، پیامبر ج را با توصیف بندگی که بالاترین مقام است عزت بخشید. این توصیف در بیان قصۀ اسراء به‌سوی مسجد الأقصی و پس از آن معراج به آسمان هفتم بیان شده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ لَيۡلٗا مِّنَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ إِلَى ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡأَقۡصَا ٱلَّذِي بَٰرَكۡنَا حَوۡلَهُۥ لِنُرِيَهُۥ مِنۡ ءَايَٰتِنَآ﴾ [الإسراء: 1]. «پاک و منزه است کسی‌که بنده‌اش را شبی از مسجد الحرام به مسجد الأقصی - که گردا‌گردش را برکت داده‌‌ایم برد؛ تا برخی از آیات خود را به او بنمایانیم».

پروردگار، پیامبر گرامی اسلام را به بهترین نحو تحسین و توصیف کرده است:

الله سبحانه می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٖ٤﴾ [القلم: 4]. «و یقیناً تو (ای محمد) بر اخلاق و خوی بسیار عظیم و والایی هستی».

﴿لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا عَنِتُّمۡ حَرِيصٌ عَلَيۡكُم بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ١٢٨﴾ [التوبة: 128]. «یقیناً پیامبری از (میان) خودتان به سوی‌تان آمد که رنج‌های شما بر او دشوار (و گران) است، و بر (هدایت) شما سخت اصرار دارد، و (نسبت) به مؤمنان روؤف (و) مهربان است».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا٤٥ وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ بِإِذۡنِهِۦ وَسِرَاجٗا مُّنِيرٗا٤٦﴾ [الأحزاب: 45-46]. «ای پیامبر! ما تو را گواه، و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم. و دعوت کننده به سوی الله به فرمان او، و چراغی روشنی بخش قرار دادیم».

الله، محمد ج را به‌سوی تمام مردم فرستاد و او را مایۀ رحمت جهانیان قرار داد:

الله متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ جَمِيعًا﴾ [الأعراف: 158]. «بگو: «ای مردم! من فرستادۀ الله به سوی همۀ شما هستم».

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ١٠٧﴾ [الأنبیاء: 107]. «و (ای پیامبر!) تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

با تمام این وجود و پس از آنکه بشریت با هدایت محمد ج رستگار و کامیاب شد، برخی دشمنان اسلام به‌سوی ترک هدایت خاتم پیامبران و پیروی از هدایت دیگران فرامی‌خوانند تا مردم را از صراط مستقیم گمراه سازند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ يَشۡتَرُونَ ٱلضَّلَٰلَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّواْ ٱلسَّبِيلَ٤٤ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِأَعۡدَآئِكُمۡ﴾ [النساء: 44-45]. «آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب به آن‌ها داده شده‌است، گمراهی را می‌خرند، و می‌خواهند شما (نیز) گمراه شوید؟ و الله به دشمنان شما داناتر است».

منافقان نه به الله ایمان دارند و نه به رسولش و هنگامی که صحابه به آنان گفتند نزد رسول الله بیایید تا برای شما طلب آمرزش کند و الله بیان فرمود که گناه هر‌کس را که رسول برایش طلب آمرزش کند، می‌بخشد، از روی غرور و تکبر روی‌گرداندند:

الله متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ يَسۡتَغۡفِرۡ لَكُمۡ رَسُولُ ٱللَّهِ لَوَّوۡاْ رُءُوسَهُمۡ وَرَأَيۡتَهُمۡ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسۡتَكۡبِرُونَ٥ سَوَآءٌ عَلَيۡهِمۡ أَسۡتَغۡفَرۡتَ لَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تَسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ لَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡفَٰسِقِينَ٦﴾ [المنافقون: 5-6]. «و هنگامی‌که به آن‌ها گفته شود: «بیایید تا رسول الله برای شما آمرزش بخواهد» سرهای خود را تکان می‌دهند، و آن‌ها را می‌بینی که (از سخنان تو) اعراض می‌کنند و تکبر می‌ورزند. برای آن‌ها یکسان است که برایشان آمرزش بخواهی یا آمرزش نخواهی، الله هرگز آنان را نمی‌بخشد، بی‌گمان الله قوم نافرمان را هدایت نمی‌کند».

﴿وَلَوۡ أَنَّهُمۡ إِذ ظَّلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ جَآءُوكَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ ٱللَّهَ وَٱسۡتَغۡفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُواْ ٱللَّهَ تَوَّابٗا رَّحِيمٗا٦٤﴾ [النساء: 64]. «و اگر آن‌ها هنگامی‌که بر خویشتن ستم می‌کردند، نزد تو می‌آمدند، و از الله طلب آمرزش می‌کردند، بی‌گمان الله را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند».

این ویژگی را الله برای بزرگداشت پیامبرش به او اختصاص داده است.

الله به بندگان خویش فرمان می‌دهد که پیامبرش را بزرگ و محترم بدارند و آنگونه که یکدیگر را صدا می‌زنند، ایشان را صدا نزنند، بلکه بگویند: «یا نبی الله، یا رسول الله»:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ ٱلنُّورَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾ [الأعراف: 157]. «پس کسانی‌که به او ایمان آوردند، و او را گرامی داشتند، و او را یاری دادند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنانند که رستگارند».

عزروه: او را محترم و بزرگ داشتند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلۡحُجُرَٰتِ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ٤ وَلَوۡ أَنَّهُمۡ صَبَرُواْ حَتَّىٰ تَخۡرُجَ إِلَيۡهِمۡ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ٥﴾ [الحجرات: 4-5]. «بی‌گمان کسانی‌که از پشت حجرهها صدایت می‌زنند، بیشترشان بی‌خردانند. واگر آن‌ها صبر می‌کردند تا که (خود) به سوی آنان بیرون آیی برای آن‌ها بهتر بود، و الله آمرزندۀ مهربان است».

﴿لَّا تَجۡعَلُواْ دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ بَيۡنَكُمۡ كَدُعَآءِ بَعۡضِكُم بَعۡضٗا﴾ [النور: 63]. «صدا زدن پیامبر (الله) را در میان خود همچون صدا‌ زدن یکدیگر قرار ندهید».

پروردگار، پیامبر گرامی اسلام را دوست دارد و پیروی از او را سبب محبت خویش و آمرزش گناهان قرار داده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡ﴾ [آل عمران: 31]. «بگو: «اگر الله را دوست می‌دارید، پس ازمن پیروی کنید، تا الله شما را دوست بدارد، و گناهان‌تان را برایتان بیامرزد».

الله، اطاعت از محمد ج را اطاعت از خویش برمی‌شمرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدۡ أَطَاعَ ٱللَّهَ﴾ [النساء: 80]. «کسی‌که از پیامبر اطاعت کند در حقیقت الله را اطاعت کرده‌است».

الله سبحانه آیات مذکور را نازل فرمود تا بدانیم پیامبرمان محمد ج، برترین مخلوق و هدایتش، کامل‌ترین هدایت است؛ از این‌رو، او را دوست داریم و جان و فرزندانمان را فدایش می‌کنیم و او را الگوی خویش قرار می‌دهیم و به هدایتش هدایت می‌یابیم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا٢١﴾ [الأحزاب: 21]. «یقیناً برای شما در زندگی رسول الله سرمشق نیکویی است، برای آنان که به الله و روز آخرت امید دارند، و الله را بسیار یاد می‌کنند».

محمد ج مانند قومش انسانی است که الله با رسالت او را برگزید   
و به او عزت بخشید:

با وجود این تکریم ربانی برای پیامبر و حبیب ما محمد ج ، الله به بندگانش فرمود که محمد بشری مانند خودشان است که الله با رسالت به او عزت بخشید تا به عنوان معبودی قرار نگیرد یا به صفات معبود توصیف نشود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَٱسۡتَقِيمُوٓاْ إِلَيۡهِ وَٱسۡتَغۡفِرُوهُۗ وَوَيۡلٞ لِّلۡمُشۡرِكِينَ٦﴾ [فصلت: 6]. «بگو: من فقط انسانی مانند شما هستم، به من وحی می‌شود که معبود شما معبود یگانه است، پس به او روی آورید و از او طلب آمرزش کنید، و وای بر مشرکان!».

﴿قُل لَّآ أَمۡلِكُ لِنَفۡسِي نَفۡعٗا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ وَلَوۡ كُنتُ أَعۡلَمُ ٱلۡغَيۡبَ لَٱسۡتَكۡثَرۡتُ مِنَ ٱلۡخَيۡرِ وَمَا مَسَّنِيَ ٱلسُّوٓءُۚ إِنۡ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٞ وَبَشِيرٞ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ١٨٨﴾ [الأعراف: 188]. «بگو: من مالک سود و زیان خویشتن نیستم، مگر آنچه را الله بخواهد، و اگر غیب می‌دانستم، خیر (و سود) بسیاری (برای خود) فراهم می‌ساختم، و هیج بدی (و زیانی) به من نمی‌رسید، من (کسی) نیستم، جز بیم‌دهنده، و بشارت‌دهنده‌ای برای گروهی که ایمان دارند».

محمد ج و هیچ یک از سایر بندگان صالح الله، مالک هیچ سود و زیانی برای هیچ‌کس نیستند. فقط الله مالک سود و زیان است، همان معبودی که سزاوار است به تنهایی فراخوانده شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَدۡعُ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَۖ فَإِن فَعَلۡتَ فَإِنَّكَ إِذٗا مِّنَ ٱلظَّٰلِمِينَ١٠٦ وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يُرِدۡكَ بِخَيۡرٖ فَلَا رَآدَّ لِفَضۡلِهِ﴾ [یونس: 106-107]. «و به جای الله، چیزی را که نه سودی به تو می‌رساند و نه زیانی به تو می‌رساند؛ نخوان، پس اگر چنین کنی، بی‌گمان از ستمکاران خواهی بود. و اگر الله زیانی به تو برساند، پس جز او هیچ کس نتواند آن را بر طرف کند، و اگر اراده‌ی خیری برای تو کند، پس هیچ کس فضل او را باز نتواند داشت».

﴿يَوۡمَ لَا تَمۡلِكُ نَفۡسٞ لِّنَفۡسٖ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَٱلۡأَمۡرُ يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ١٩﴾ [الانفطار: 19]. «روزی‌که هیچ کس قادر به انجام کاری برای دیگری نیست، و در آن روز حکم (و فرمان) از آن الله است».

حتی یک آیه هم در قرآن یافت نمی‌شود که از انسان مؤمن بخواهد به یکی از بندگان الله متوسل شود و او را شفیع خویش نزد الله قرار دهد تا گناهش را ببخشد یا او را به بهشت درآورد.

هیچ آیه‌ای در قرآن وجود ندارد که به‌سوی خضوع و فروتنی در برابر غیر الله دعوت دهد.

هیچ آیه‌ای در قرآن نیست که به وابستگی قلوب بندگان به غیر آفریدگارشان دعوت دهد؛ چنانکه همانند الله دوست داشته شود یا همانند الله تعظیم گردد یا غیر الله خوانده شود تا به‌سوی الله به او توسل شود.

الله، محمد ج را مبعوث کرد تا مردم را هدایت کند و دین پروردگارشان را به آنان بیاموزاند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ٥٢ صِرَٰطِ ٱللَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾ [الشورى: 52-53]. «و مسلماً تو (ای پیامبر) به راه راست هدایت می‌کنی. راه الهی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آنِ اوست».

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ٥٦﴾ [النور: 56]. «و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید، و پیامبر (الله) را اطاعت کنید، تا شما مورد رحمت قرار گیرید».

برپایی نماز و پرداخت زکات به گونه‌ای که مورد پذیرش الله قرار گیرد، فقط با اطاعت از رسول و پیروی از سنت او به عنوان تبیین‌کنندۀ وحی الهی، امکان‌پذیر است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ﴾ [النحل: 44]. «و (ما این) قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی، آنچه را که به سوی آن‌ها نازل شده است».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ١٨٣﴾ [البقرة: 183]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما فرض شده است همان گونه که بر کسی‌که پیش از شما بودند؛ فرض شده بود، تا پرهیزگار شوید».

﴿وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ [آل عمران: 97]. «و برای خدا، حج خانه (کعبه) بر مردم واجب است، (البته) کسانی‌که توانایی رفتن به سوی آن دارند، و هر کس کفر ورزد، بی‌شک الله از جهانیان بی‌نیاز است».

الله روزه و حج را نیز در صورتی می‌پذیرد که به گونه‌ای انجام شود که پیامبر ج به اصحابش توضیح داد و نسل به نسل در میان مؤمنان منتقل شد.

اگر عبادت طبق سنت نیاکان باشد و موافق سنت محمد ج نباشد، مقبول نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ يَدۡعُوهُمۡ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ٢١﴾ [لقمان: 21]. «و هنگامی‌که به آنان گفته شود: «از آنچه الله نازل کرده است؛ پیروی کنید» گویند: «(نه) بلکه ما از چیزی پیروی می‌کنیم که نیاکان خود را بر آن یافتیم». آیا حتی اگر شیطان آنان را به سوی عذاب (آتش) سوزان دعوت کند (باز هم ازآن‌ها پیروی می‌کنند؟!)».

زیرا الله دین را کامل کرد و آن را برای بندگانش پسندید و راضی نمی‌شود کسی چیزی را که محمد ج نیاورده، بر دین بیفزاید.

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗا﴾ [المائدة: 3]. «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را (بعنوان) دین برای شما بر گزیدم».

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٨٥﴾ [آل عمران: 85]. «و هر کس که دینی غیر از اسلام بر گزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت از زیانکاران است».

اسلام، همان تسلیم‌شدن و پیروی‌کردن است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ ٱلسَّعۡيَ قَالَ يَٰبُنَيَّ إِنِّيٓ أَرَىٰ فِي ٱلۡمَنَامِ أَنِّيٓ أَذۡبَحُكَ فَٱنظُرۡ مَاذَا تَرَىٰۚ قَالَ يَٰٓأَبَتِ ٱفۡعَلۡ مَا تُؤۡمَرُۖ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ١٠٢ فَلَمَّآ أَسۡلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلۡجَبِينِ١٠٣ وَنَٰدَيۡنَٰهُ أَن يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُ١٠٤ قَدۡ صَدَّقۡتَ ٱلرُّءۡيَآۚ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ١٠٥ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡبَلَٰٓؤُاْ ٱلۡمُبِينُ١٠٦ وَفَدَيۡنَٰهُ بِذِبۡحٍ عَظِيمٖ١٠٧﴾ [الصافات: 102-107]. «پس هنگامی‌که (فرزندش) با او به (سن) سعی و کوشش رسید گفت: «ای فرزندم! من در خواب دیدم که تو را قربانی می‌کنم، ببین، تو چه نظر داری؟!» گفت: «پدرم، به آنچه مأمور شده‌ای، عمل کن، اگر الله بخواهد، مرا از صابران خواهی یافت». پس چون هردو تسلیم شدند، و (ابراهیم) او را به پیشانی (بر زمین) افکند. و او را ندا دادیم: «ای ابراهیم! یقیناً خواب (خویش) را تحقق بخشیدی». بدون شک ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. مسلماً این (خواب) آزمایشی آشکار بود. و او را به ذبح بزرگی فدا دادیم».

اسلام عبارت است از تسلیم‌شدن کامل در برابر الله با پیروی از اوامرش و پرهیز از نواهی او و روی‌آوردن کامل به‌سوی الله به تنهایی و رویگردانی از شرک و پیروانش، آنگونه که ابراهیم عمل کرد. این است دین پیامبران ونیکوترین دین:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ دِينٗا مِّمَّنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ وَٱتَّبَعَ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗا﴾ [النساء: 125]. «و چه کسی نیک‌آیین‌تر است از کسی‌‌که روی خود را به الله سپرد (و مخلصانه تسلیم شد) و نیکو کار (و فرمانبردار) بود و آیین پاک ابراهیم را پیروی کرد؟».

﴿إِنَّ أَوۡلَى ٱلنَّاسِ بِإِبۡرَٰهِيمَ لَلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا ٱلنَّبِيُّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۗ وَٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ٦٨﴾ [آل عمران: 68]. «به راستی سزاوار ترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند. و (نیز) این پیامبر و کسانی‌که (به او) ایمان آورده‌اند، و الله یاور و ولی مؤمنان است».

هر‌کس با رسول الله مخالفت کند و در صراط مستقیم که پیامبر آن را پیمود و مؤمنان از او پیروی کردند، حرکت نکند، از مؤمنان نیست و باید از عذاب الله برحذر باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلۡيَحۡذَرِ ٱلَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ أَن تُصِيبَهُمۡ فِتۡنَةٌ أَوۡ يُصِيبَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: 63]. «پس کسانی‌که با فرمان او مخالفت می‌کنند؛ باید بترسند از این‌که فتنة ایشان را فرا گیرد، یا عذابی دردناک به آن‌ها برسد!».

﴿وَمَن يُشَاقِقِ ٱلرَّسُولَ مِنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ ٱلۡهُدَىٰ وَيَتَّبِعۡ غَيۡرَ سَبِيلِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ نُوَلِّهِۦ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصۡلِهِۦ جَهَنَّمَۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرًا١١٥﴾ [النساء: 115]. «و کسی‌که پس از آنکه هدایت (و راه حق) برایش روشن شد؛ با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی کند، ما او را به آنچه پیروی کرده؛ واگذاریم، و او را به جهنم در افکنیم، و بد جایگاهی است».

﴿وَيَوۡمَ يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيۡهِ يَقُولُ يَٰلَيۡتَنِي ٱتَّخَذۡتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ سَبِيلٗا٢٧ يَٰوَيۡلَتَىٰ لَيۡتَنِي لَمۡ أَتَّخِذۡ فُلَانًا خَلِيلٗا٢٨ لَّقَدۡ أَضَلَّنِي عَنِ ٱلذِّكۡرِ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَنِيۗ وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِلۡإِنسَٰنِ خَذُولٗا٢٩﴾ [الفرقان: 27-29]. «و (به یاد آور) روزی‌که ستمکار (از حسرت) دست خود را می‌گزد، می‌گوید: «ای کاش من با رسول (الله) راهی بر گزیده بودم، ای وای بر من، ای کاش فلانی را دوست نمی‌گرفتم. به راستی او مرا از ذکر (= قرآن) گمراه ساخت، بعد از آن که به سوی من آمده بود، و شیطان همواره انسان را تنها (و خوار) می‌گذارد».

هر‌کس به دعوت محمد ج پاسخ مثبت ندهد، به طور قطع از هوای نفسش پیروی کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِن لَّمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَكَ فَٱعۡلَمۡ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهۡوَآءَهُمۡۚ وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيۡرِ هُدٗى مِّنَ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ٥٠﴾ [القصص: 50]. «پس اگر (این سخن) تو را نپذیرفتند، بدان که آن‌ها فقط از هوس‌های خود پیروی می‌کنند، و گمراه‌تر از آن کس که هوای نفس خویش را بدون (هیچ) هدایتی از (سوی) الله پیروی می‌کند؛ کیست؟! بی‌گمان الله گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند».

راه یکی است و دین یگانه است و هر‌کس راه و دین الله را رها کند، راه‌های زیادی در برابرش قرار می‌گیرد و سر راه‌های پراکنده سرگردان می‌ماند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِي مُسۡتَقِيمٗا فَٱتَّبِعُوهُۖ وَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمۡ عَن سَبِيلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ١٥٣﴾ [الأنعام: 153]. «و اين راه مستقيم من است، پس از آن پيروی کنيد و از راه‌های (پراکنده) پيروی نکنيد، که شما را از راه الله دور می‌کند، اين چيزی است که الله شما را به آن سفارش نموده است، شايد پرهيزگار شويد».

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗا لَّسۡتَ مِنۡهُمۡ فِي شَيۡءٍۚ إِنَّمَآ أَمۡرُهُمۡ إِلَى ٱللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَفۡعَلُونَ١٥٩﴾ [الأنعام: 159]. «به راستی کسانی‌که آيين خود را پراکنده ساختند و دسته دسته شدند، تو را با آنان هيچ گونه کاری نيست، کار آن‌ها تنها با الله است، سپس آن‌ها را از آنچه انجام می‌دادند، آگاه می‌سازد».

﴿وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ٣١ مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۢ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ٣٢﴾ [الروم: 31-32]. «و از مشرکان نباشید. از کسانی‌که دین خود را پاره پاره کردند، و فرقه فرقه شدند، و هر گروهی به آنچه نزد خود دارند؛ خوشحالند».

یکی از اسباب اختلاف و تفرقه، ترک وحی و پیروی از دروغ‌گویانی است که ادعا می‌کنند شفیعانی هستند که سود و زیان می‌رسانند و مردم را به عبادت خویش فرمان می‌دهند؛ بدین ترتیب، مردم گمراه می‌شوند و اختلاف می‌کنند؛ زیرا به حق که از جانب الله آمده است، چنگ نمی‌زنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقُلِ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكُمۡ﴾ [الکهف: 29]. «(ای پیامبر!) بگو: «(این قرآن) حق است از سوی پروردگارتان».

﴿فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِ‍َٔايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ١٧ وَيَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡ وَيَقُولُونَ هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِۚ قُلۡ أَتُنَبِّ‍ُٔونَ ٱللَّهَ بِمَا لَا يَعۡلَمُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ١٨ وَمَا كَانَ ٱلنَّاسُ إِلَّآ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ فَٱخۡتَلَفُواْ﴾ [یونس: 17-19]. «پس چه کسی ستمکارتر است از آن کسی‌که بر الله دروغ می‌بندد، و یا آیات او را تکذیب می‌کند؟! بی‌گمان مجرمان رستگار نخواهند شد. و غیر از الله چیزهای را می‌پرستند که نه به آن‌ها زیانی می‌‌رساند و نه سودشان می‌بخشد، و می‌گویند: «این‌ها (= بت‌ها) شفیعان ما نزد الله هستند» بگو: «آیا الله را به چیزی که در آسمان‌ها و در زمین نمی‌داند، خبر می‌دهید؟!» منزه است او، و از آنچه با او شریک می‌سازند برتر است. (در آغاز) مردم جز امت واحدی نبودند، پس اختلاف کردند».

لزوم جماعت مسلمانان، نجات و رحمتی از جانب الله است و اختلاف، سبب ورود در آتش جهنم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْۚ وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِكُمۡ فَأَصۡبَحۡتُم بِنِعۡمَتِهِۦٓ إِخۡوَٰنٗا وَكُنتُمۡ عَلَىٰ شَفَا حُفۡرَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنۡهَا﴾ [آل عمران: 103]. «و همگی به ریسمان الله (= قرآن و اسلام) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت الله را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان (یکدیگر) بودید، پس میان دل‌های شما الفت داد، آنگاه به (فضل) نعمت او برادر (یکدیگر) شدید، و شما بر لبه گودالی از آتش بودید، (او) شما را از آن نجات داد».

﴿وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُواْ وَٱخۡتَلَفُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ١٠٥﴾ [آل عمران: 105]. «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از آنکه دلایل روشن برایشان آمد، و اینان برایشان عذاب بزرگی است».

﴿إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَۚ وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمۡۗ وَتَمَّتۡ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ١١٩﴾ [هود: 119]. «مگر کسی‌که پروردگارت (بر او) رحم کند، و برای همین آن‌ها را آفریده است، و سخن پروردگار تو محقق شد که: مسلماً جهنم را از همه‌ی (عاصیان و مجرمان) جن و انس پر خواهم کرد».

امت اسلام، امتی واحد است و مسلمانان نباید متفرق و پراکنده شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُونِ٩٢﴾ [الأنبیاء: 92]. «بی‌تردید این است آیین شما که آیینی یگانه است، و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید».

﴿وَإِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱتَّقُونِ٥٢ فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم بَيۡنَهُمۡ زُبُرٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۢ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ٥٣﴾ [المؤمنون: 52-53]. «و بی‌گمان این امت شما، امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم، پس از من بترسید. پس آن‌ها در میان خود در کار (دین) شان فرقه فرقه و پراکنده شدند، و هرگروه به آنچه نزد خود دارند؛ خوشحالند».

وقتی که قوم موسى ÷ گوساله را پرستیدند، هارون ÷ آنان را نصیحت و اندرز داد اما آنان پاسخ مثبت ندادند. در این حالت، هارون ÷ آنان را رها نکرد تا موسی را نسبت به آنچه پس از او رخ داده بود آگاه کند، چون می‌ترسید که برخی در پی او بروند و برخی بمانند و بدین ترتیب، متفرق شده و اختلاف کنند و شاید یکدیگر را بکشند؛ از این رو، از ترس تفرقه و اختلاف، نزدشان باقی ماند و آنان را از عبادت گوساله نهی کرد تا موسی برگردد. موسی پس از بازگشت، از کار قومش خشمگین شد و ریش برادرش هارون را گرفت چون از دستش خشمگین بود که چرا قوم را ترک نکرده و مؤمنان را نزد او نبرده بود، اما وقتی هارون سبب کارش را به او گفت، موسی در برابر او و عذرش سکوت کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ يَٰهَٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذۡ رَأَيۡتَهُمۡ ضَلُّوٓاْ٩٢ أَلَّا تَتَّبِعَنِۖ أَفَعَصَيۡتَ أَمۡرِي٩٣ قَالَ يَبۡنَؤُمَّ لَا تَأۡخُذۡ بِلِحۡيَتِي وَلَا بِرَأۡسِيٓۖ إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقۡتَ بَيۡنَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَلَمۡ تَرۡقُبۡ قَوۡلِي٩٤﴾ [طه: 92-94]. «(چون موسی آمد) گفت: ای هارون! چه چیزی تو را باز داشت، هنگامی‌که آن‌ها را دیدی گمراه شده‌اند. از من پیروی نکردی؟ آیا فرمان مرا عصیان (و سرپیچی) کردی؟! (هارون) گفت: ای پسر مادرم! نه ریش مرا بگیر، و نه (موی) سرم را، همانا من ترسیدم که بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه‌انداختی، و سخن (و سفارش) مرا به کار نبستی».

﴿قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِأَخِي وَأَدۡخِلۡنَا فِي رَحۡمَتِكَۖ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ١٥١﴾ [الأعراف: 151]. «(موسی) گفت: «پروردگارا! من و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمت خویش داخل کن، و تو مهربان‌ترین مهربانان هستی».

مؤمنان واقعی الله، از محمد ج پیروی می‌کنند و در همان راهی که پیامبر و اصحاب نخستین او از مهاجران و انصار رفتند و به خاطر آن جهاد کردند، حرکت می‌کنند

و به نیکی روش آنان را در پیش می‌گیرند؛ زیرا الله به هر‌کس که روش مهاجران و انصار را به نیکی در پیش بگیرد، بهشت و خشنودی خویش را وعده داده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَٰكِنِ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ جَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلۡخَيۡرَٰتُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ٨٨ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ٨٩﴾ [التوبة: 88-89]. «لیکن پیامبر و کسانی‌که با او ایمان آوردند، با اموال خود و جان‌های خود (در راه الله) جهاد کردند، نیکی‌ها (همه) از آنِ آن‌هاست، و آنانند که رستگارانند. الله برای آن‌ها باغ‌هایی (از بهشت) آماده کرده است، که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند، این کامیابی بزرگ است».

﴿وَٱلسَّٰبِقُونَ ٱلۡأَوَّلُونَ مِنَ ٱلۡمُهَٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ وَٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُم بِإِحۡسَٰنٖ رَّضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُ وَأَعَدَّ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي تَحۡتَهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ١٠٠﴾ [التوبة: 100]. «و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی‌که به نیکی از آن‌ها پیروی کردند، الله از آن‌ها خشنود گشت، و آن‌ها (نیز) از او خشنود شدند، و برای آن‌ها باغ‌هایی (از بهشت) آماده کرده است، که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند، این کامیابی بزرگ است».

مهاجران و انصار، اصحاب و پیروان پیامبر هستند که همراه او ایمان آوردند.

مهاجران: کسانی هستند که همراه رسول الله از مکه به مدینه مهاجرت کردند. آنان سرزمین و اموال‌شان را در راه الله و به پیروی از رسولش رها کردند.

انصار: مؤمنان مدینه هستند که دل‌ها و خانه‌هایشان را به روی مهاجران گشودند و با مال و جان به یاری‌شان شتافتند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿لِلۡفُقَرَآءِ ٱلۡمُهَٰجِرِينَ ٱلَّذِينَ أُخۡرِجُواْ مِن دِيَٰرِهِمۡ وَأَمۡوَٰلِهِمۡ يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗا وَيَنصُرُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ٨ وَٱلَّذِينَ تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلۡإِيمَٰنَ مِن قَبۡلِهِمۡ يُحِبُّونَ مَنۡ هَاجَرَ إِلَيۡهِمۡ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمۡ حَاجَةٗ مِّمَّآ أُوتُواْ وَيُؤۡثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ وَلَوۡ كَانَ بِهِمۡ خَصَاصَةٞۚ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ٩﴾ [الحشر: 8-9]. «(این اموال فَی) برای فقرای مهاجری است که از خانه و اموال‌شان بیرون رانده شدند، از الله فضل و خشنودی می‌طلبند، و الله و پیامبرش را یاری می‌کنند، آن‌ها راستگویانند. و (نیز برای) کسانی‌که پیش از آنان در دیار خود (مدینه دار الاسلام) جای گرفتند و (نیز) ایمان آورده بودند، کسانی را که به سوی‌شان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل‌های خود از آنچه (به مهاجران) داده شده احساس حسد (و نیازی) نمی‌کنند، و آن‌ها را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند، و کسانی‌که از بخل (و حرص) نفس خویش باز داشته شده‌اند، پس آن‌ها راستگارانند».

الله از اصحاب پیامبرش خشنود شد و همچنین خشنود شد از کسانی که پس از اصحاب آمدند و از روش آنان به نیکی یاد کردند و یکی از صفات آنان را اینگونه بیان می‌فرماید که از اصحاب پیامبرش خشنود هستند و برایشان دعای خیر می‌کنند و دل‌هایشان عاری از هر گونه کینه‌ای نسبت به مؤمنان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعۡدِهِمۡ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ١٠﴾ [الحشر: 10]. «و (نیز) کسانی‌که بعد از آن‌ها (بعد از مهاجران و انصار) آمدند، می‌گویند: «پروردگارا! ما را و برادران‌مان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌های‌مان کینه‌ای نسبت به کسانی‌که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو رؤوف و مهربانی».

الله، اصحاب پیامبرش محمد ج را به بهترین نحو در تورات، سپس انجیل و پس از آن در قرآن توصیف می‌فرماید. آنان را در همراهی مربی و امام‌شان محمد ج توصیف می‌فرماید. بیان می‌فرماید که ایمان و همراهی صحابه با رسول الله و اطاعت آنان از الله و رسولش و یاری او و مهربانی آنان با یکدیگر و سرسختی آنان در برابر کافران، کفار را به خشم می‌آورد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗاۖ سِيمَاهُمۡ فِي وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِۚ وَمَثَلُهُمۡ فِي ٱلۡإِنجِيلِ كَزَرۡعٍ أَخۡرَجَ شَطۡ‍َٔهُۥ فَ‍َٔازَرَهُۥ فَٱسۡتَغۡلَظَ فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ يُعۡجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلۡكُفَّارَۗ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنۡهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمَۢا٢٩﴾ [الفتح: 29]. «محمد ج رسول الله است، و کسانی‌که با او هستند، بر کافران سخت گیر (و شدید) و در میان خود مهربانند، آن‌ها را در حال رکوع و سجده می‌بینی که از الله فضل و خشنودی می‌طلبند، نشانۀ (درستکاری) آن‌ها در چهره‌هایشان از اثر سجده (نمایان) است. این توصیف آن‌ها در تورات است، و توصیف آن‌ها در انجیل همانند زراعتی که جوانه بزند، سپس آن را تقویت کرد، تا محکم گردیده، و بر پای خود ایستاده است، و کشاورزان را به شگفتی وامی‌دارد، تا از (دیدن) آن‌ها کافران را به خشم آورد، الله به کسانی از آن‌ها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند وعدۀ آمرزش و پاداش عظیمی داده‌است».

اصحاب پیامبر ج ، در برابر کفار سرسخت و نسبت به یکدیگر مهربان هستند.

الله سبحانه می‌فرماید افراد دارای صفات مذکور را دوست دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَن يَرۡتَدَّ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ يُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوۡمَةَ لَآئِمٖ﴾ [المائدة: 54]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد (به الله زیانی نمی‌رساند) الله بزودی گروهی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آن‌ها (نیز) او را دوست دارند، (آنان) در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران سر سخت و گردن فراز هستند، در راه الله جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نمی‌هراسند».

الله سبحانه، مهاجران و انصار را مؤمنان راستین معرفی می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗاۚ لَّهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ٧٤﴾ [الأنفال: 74]. «و کسانی‌که ایمان آوردند، و هجرت نمودند، و در راه الله جهاد کردند، و کسانی‌که (ایشان را) پناه دادند و یاری نمودند، اینان مؤمنان حقیقی هستند، برای آن‌ها آمرزش و روزی شایسته‌ای خواهد بود».

با وجود اختلاف خانوادگی و قبیله‌ای میان اصحاب، الله پیامبرش را توسط آنان پشتیبانی و یاری کرد و میان آنان انس و الفت ایجاد نمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَيَّدَكَ بِنَصۡرِهِۦ وَبِٱلۡمُؤۡمِنِينَ٦٢ وَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡۚ لَوۡ أَنفَقۡتَ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مَّآ أَلَّفۡتَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ أَلَّفَ بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّهُۥ عَزِيزٌ حَكِيمٞ٦٣﴾ [الأنفال: 62-63]. «اوست که با یاری خود و مؤمنان تو را تأیید (و تقویت) کرد. و بین دل‌های آن‌ها الفت داد، اگر تمام آنچه را که در روی زمین است خرج می‌کردی، نمی‌توانستی بین دل‌های شان الفت دهی، ولی الله در میان آن‌ها الفت داد، همانا او پیروزمند حکیم است».

الله به پیامبر خویش و اصحاب پیامبرش یاری رساند و آنان را به ایمان توصیف نمود و از آنان خشنود شد؛ پس آنان مقام بسیار والایی دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ بِبَدۡرٖ وَأَنتُمۡ أَذِلَّةٞۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ١٢٣ إِذۡ تَقُولُ لِلۡمُؤۡمِنِينَ أَلَن يَكۡفِيَكُمۡ أَن يُمِدَّكُمۡ رَبُّكُم بِثَلَٰثَةِ ءَالَٰفٖ مِّنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ مُنزَلِينَ١٢٤﴾ [آل عمران: 123-124]. «و بی‌گمان الله شما را در (جنگ) بدر یاری کرد در حالی‌که شما ناتوان بودید، پس از الله بترسید، باشد که سپاسگزاری نمایید. آنگاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا شما را کافی نیست، که پروردگارتان شما را با سه هزار فرشته که (از آسمان) فرود می‌آیند، یاری کند؟».

﴿لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا١٨﴾ [الفتح: 18]. «به راستی الله از مؤمنان - هنگامی‌که زیر درخت با تو بیعت کردند- خشنود شد، پس آنچه که در درون دل‌های شان بود دانست، لذا آرامش را بر آن‌ها نازل کرد و پیروزی (و فتحی) نزدیک را به آن‌ها پاداش داد».

الله در مورد وضعیت اصحاب قبل از فتح مکۀ مکرمه می‌فرماید:

﴿فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَأَلۡزَمَهُمۡ كَلِمَةَ ٱلتَّقۡوَىٰ وَكَانُوٓاْ أَحَقَّ بِهَا وَأَهۡلَهَا﴾ [الفتح: 26]. «پس الله آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان نازل فرمود، و آن‌ها را به کلمۀ تقوا ملزم ساخت، و آن‌ها از هر کس سزاوار تر و اهل آن بودند».

و در مورد آنان پس از فتح مکۀ مکرمه می‌فرماید:

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ لِيَزۡدَادُوٓاْ إِيمَٰنٗا مَّعَ إِيمَٰنِهِمۡ﴾ [الفتح: 4]. «او کسی است که در دل‌های مؤمنان آرامش نازل کرد، تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزایند».

الله سبحانه به اصحابی که قبل از فتح و اصحابی که بعد از فتح ایمان آوردند، بهشت را وعده داده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَسۡتَوِي مِنكُم مَّنۡ أَنفَقَ مِن قَبۡلِ ٱلۡفَتۡحِ وَقَٰتَلَۚ أُوْلَٰٓئِكَ أَعۡظَمُ دَرَجَةٗ مِّنَ ٱلَّذِينَ أَنفَقُواْ مِنۢ بَعۡدُ وَقَٰتَلُواْۚ وَكُلّٗا وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡحُسۡنَىٰ﴾ [الحدید: 10]. «کسانی از شما که قبل از فتح (مکه) انفاق کردند و (با مشرکان) جنگیدند (با کسانی‌که پس از فتح انفاق کردند و جنگیدند) یکسان نیستند. آن‌ها مقام (و منزلت) شان و الاتر (و برتر) است از کسانی‌که بعد از فتح (مکه) انفاق کردند و جنگیدند، و الله به هر یک وعدۀ نیک (= بهشت) داده است».

الله در مورد اصحاب در روز حُنین می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَعَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودٗا لَّمۡ تَرَوۡهَا﴾ [التوبة: 26]. «آنگاه الله آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد، و لشکریانی فرستاد که شما آن‌ها را نمی‌دیدید».

الله به اصحاب پیامبرش اینگونه عزت بخشید که در کتاب خویش آنان را در همراهی پیامبرش ج در آخرین غزوه‌ای که حضور داشت بیان فرمود و بیان کرد که توبه‌شان را پذیرفت و نسبت به آنان بسیار توبه‌پذیر و مهربان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَّقَد تَّابَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلنَّبِيِّ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ وَٱلۡأَنصَارِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ ٱلۡعُسۡرَةِ مِنۢ بَعۡدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٖ مِّنۡهُمۡ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّهُۥ بِهِمۡ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ١١٧﴾ [التوبة: 117]. «قطعاً الله رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، آنان که در زمان سختی (و تنگدستی) از او پیروی کردند؛ نمود، بعد از آنکه نزدیک بود، دل های گروهی از آن‌ها (از حق) منحرف شود، سپس توبه‌ی آن‌ها را پذیرفت، بی‌گمان او (نسبت) به آن‌ها رؤوف مهربان است».

برخی اصحاب نزد رسول الله آمدند تا برای او و دینش، جانشان را فدا کنند، اما رسول الله به دلیل کمبود مرکب، آنان را برگرداند و بدین سبب، اشک زیادی از چشمان‌شان جاری گشت:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا عَلَى ٱلَّذِينَ إِذَا مَآ أَتَوۡكَ لِتَحۡمِلَهُمۡ قُلۡتَ لَآ أَجِدُ مَآ أَحۡمِلُكُمۡ عَلَيۡهِ تَوَلَّواْ وَّأَعۡيُنُهُمۡ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُواْ مَا يُنفِقُونَ٩٢﴾ [التوبة: 92]. «و نه بر کسانی‌که وقتی نزد تو آمدند که آن‌ها را (بر مرکبی) سوار کنی، گفتی: «چیزی که شما را برآن سوار کنم، نمی‌یابم» آن‌ها بازگشتند، در حالی‌که از اندوه چشمان‌شان اشک ریزان بود، چرا که هیچ چیزی برای انفاق (در راه الله) نیافتند».

برترین صحابه، کسی است که الله او را در کتاب گرامی خویش چنین توصیف فرمود که او همنشین و یاور رسولش است و در راه یاری رسول خدا، از مرگ خویش هراسی ندارد، بلکه گمان مرگ محبوبش، پیامبر، او را اندوهگین می‌سازد تا اینکه پیامبر به او خبر می‌دهد که الله جل فی علاه همراه آن دو است و آنان را محافظت و یاری می‌کند. چه توصیف بسیار شگفت و نیکویی!

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدۡ نَصَرَهُ ٱللَّهُ إِذۡ أَخۡرَجَهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ثَانِيَ ٱثۡنَيۡنِ إِذۡ هُمَا فِي ٱلۡغَارِ إِذۡ يَقُولُ لِصَٰحِبِهِۦ لَا تَحۡزَنۡ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَنَا﴾ [التوبة: 40]. «اگر او (= پیامبر) را یاری نکنید، به راستی که الله او را یاری کرد، آنگاه که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، نفر دوم از دو نفری که آن دو در غار بودند، به یار خود (ابوبکر) می‌گفت: اندوهگین مباش، یقیناً الله با ماست».

الله ابوبکر را چنین عزت داد که او را به عنوان اولین مؤمن به پیامبرش برگزید؛

سپس او را به یاری رسول و هجرت با او و همراهی در غار عزت بخشید؛

در ادامه، او را پس از مرگ پیامبر با جانشینی پیامبر در میان امت عزت بخشید،

و پس از مرگ، او را با دفن در جوار پیامبر عزت بخشید.

الله عمر را چنین عزت بخشید که او همنشین دوم رسول الله ج بود. الله اسلام را به دست او پیروز گرداند و منتشر کرد تا اینکه به سرزمین‌های شام و عراق و مصر رسید. در دوران عمر، مسلمانان در مسجد الأقصی نماز گزاردند و آتش مجوسیان آتش‌پرست فارس خاموش گشت؛ بدین ترتیب، مردم این سرزمین‌ها با اسلام رستگار شدند و منافقان به خشم آمدند. عمر توسط یک مجوسی به شهادت رسید. الله او را با دفن در جوار پیامبر ج و دوستش عزت بخشید.

الله همانگونه که مردان مومنی را که به پیامبر ایمان آوردند و از او پیروی نمودند تحسین می‌کند، زنان مؤمن را نیز که به پیامبر ایمان آوردند و از سنت ایشان ج پیروی و از دستوراتش اطاعت کردند، تحسین می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَيُطِيعُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ سَيَرۡحَمُهُمُ ٱللَّهُۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ٧١ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ وَرِضۡوَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ٧٢﴾ [التوبة: 71-72]. «و مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان (و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و نماز را بر پا می‌دارند، و زکات را می‌پردازند، و الله و پیامبرش را اطاعت می‌کنند، اینانند که الله به زودی آن‌ها را مورد رحمت قرار می‌دهد، بی‌گمان الله پیروزمند حکیم است. الله به مردان مؤمن و زنان مؤمن، باغ‌هایی (از بهشت) وعده داده که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند، و (نیز) خانه‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاوید (نصیب شان فرموده) و خشنودی الله (از همۀ این‌ها) برتر است، این، همان کامیابی بزرگ است».

الله همسران پیامبر را نیز عزت بخشید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ لَسۡتُنَّ كَأَحَدٖ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ﴾ [الأحزاب: 32]. «ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان (عادی دیگر) نیستید».

الله آنان را اینگونه عزت بخشید که همسران پیامبرش قرار داد و با وصف طیبات آنان را توصیف فرمود؛ زیرا آنان همسران پاکیزه‌ترین انسان صلوات الله وسلامه علیه هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِ﴾ [النور: 26]. «و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاک اند».

و به آنان عزت داد به این نحو که منازل آنان را منازل پیامبر قرار داد که آیات الله و حکمت یعنی همان سنت پیامبر ج که در این منازل خوانده می‌شود را یاد می‌کنند.

این امر، لطف الله به همسران پیامبر و علم کامل وی به آنان است که آنان را به عنوان همسران پیامبرش برگزید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱذۡكُرۡنَ مَا يُتۡلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱلۡحِكۡمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا٣٤﴾ [الأحزاب: 34]. «و آنچه را در خانه‌هایتان از آیات الله و حکمت (= سنت پیامبر) خوانده می‌شود یاد کنید؛ بی‌گمان الله باریک‌بین آگاه است».

بنابراین آنان باید علم بسیار زیادی را از پیامبر نقل کنند؛ زیرا اهل بیت و نزدیکانش هستند.

با وجود این مقام بزرگی که همسران پیامبر دارند، الله توصیه‌هایی به آنان می‌کند تا آنان را پاکیزه گرداند و آزار و بدی را از آنان دور سازد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَ﴾ [الأحزاب: 59]. «ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «چادر‌های خود را بر خویش فرو افکنند، (و با آن سر و صورت و سینه‌هایشان را بپوشانند) این مناسب‌تر است تا شناخته شوند؛ پس مورد آزار قرار نگیرند».

الله متعال میفرماید: ﴿وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجۡنَ تَبَرُّجَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰۖ وَأَقِمۡنَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتِينَ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِعۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذۡهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجۡسَ أَهۡلَ ٱلۡبَيۡتِ وَيُطَهِّرَكُمۡ تَطۡهِيرٗا٣٣﴾ [الأحزاب: 33]. «و در خانه‌های خود بمانید، و به شیوۀ جاهلیت نخستین زینت‌های خود را آشکار نکنید، و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید، و الله و پیامبرش را اطاعت کنید، الله قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و چنانکه باید شما را پاک سازد».

الله همسران پیامبرش را ستایش و تحسین کرد به اینکه دنیا و زینت آن را به خاطر الله و رسولش و سرای آخرت ترک کردند. و اگر زندگی دنیا و زینت آن را می‌خواهند، پیامبر آنان را طلاق خواهد داد و دیگر همسرانش نخواهند بود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيۡنَ أُمَتِّعۡكُنَّ وَأُسَرِّحۡكُنَّ سَرَاحٗا جَمِيلٗا٢٨ وَإِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا عَظِيمٗا٢٩﴾ [الأحزاب: 28-29]. «ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر شما زندگی دنیا و زینت آن می‌خواهید، پس بیایید تا (با هدیۀ مناسب) شما را بهرمند سازم، و شما را به طرز نیکوئی رها کنم. و اگر شما الله و پیامبرش و سرای آخرت را می‌خواهید، پس (بدانید که) الله برای نیکوکاران‌تان پاداش عظیمی آماده کرده است».

الله همسران پیامبرش را اینگونه عزت بخشید که آنان را مادران مؤمنان قرار داد:

الله متعال می‌فرماید: (النبی أولى بالمؤمنین من أنفسهم و أزواجه أمهاتهم) ﴿ٱلنَّبِيُّ أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡ﴾ [الأحزاب: 6]. «پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوار‌تر است، و همسران او مادران آن‌ها هستند».

این صفات بسیار زیبا که الله در کتاب خویش در مورد اصحاب و همسران پیامبرش محمد ج بیان فرمود، به سبب دوستی الله و رسولش و از خودگذشتی به خاطر دینش و عبادت زیاد و نقل علمی که در منازل پیامبر خوانده می‌شد است. به طور قطع، فضیلت و بزرگی در این مورد، پس از الله عزوجل، شایسته و سزاوار مربی و معلم آنان محمد ج- برترین معلم و بهترین هدایت‌گر- است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي ٱلۡأُمِّيِّ‍ۧنَ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمۡ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلُ لَفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ٢﴾ [الجمعة: 2]. «او کسی است که در میان درس ناخواندگان رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند، و آن‌ها را پاک (و تزکیه) می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت (سنت) می‌آموزد، و اگر چه پیش از این در گمراهی آشکار بودند».

با وجود تمام این آیات گرامی قرآن که الله با آنها، اصحاب پیامبرش و همسران او، مادران مومنان، را عزت بخشید، منافقان به آنان آزار و اذیت رساندند و به آبرویشان تعرض کردند؛ زیرا منافقان نه به الله ایمان دارند و نه به رسولش:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ وَأَطَعۡنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٞ مِّنۡهُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَۚ وَمَآ أُوْلَٰٓئِكَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ٤٧﴾ [النور: 47]. «و (منافقان) می‌گویند: «به الله و به پیامبر (او) ایمان آوردیم، و اطاعت کردیم» سپس گروهی از آن‌ها بعد از این (ادعا) روی گردان می‌شوند، و اینان (در حقیقت) مؤمن نیستند».

منافقان با بهتان بزرگ به همسر رسول الله ج؛ به الله و رسولش آزار می‌رسانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابٗا مُّهِينٗا٥٧﴾ [الأحزاب: 57]. «همانا کسانی‌که الله و پیامبرش را آزار می‌دهند، الله آن‌ها را در دنیا و آخرت لعنت کرده، و برای آن‌ها عذاب خوار کنندة آماده کرده است».

﴿لَّوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ ظَنَّ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بِأَنفُسِهِمۡ خَيۡرٗا وَقَالُواْ هَٰذَآ إِفۡكٞ مُّبِينٞ١٢﴾ [النور: 12]. «چرا هنگامی‌که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان مؤمن نسبت به خود گمان خیر نبردند، و نگفتند: این تهمتی (بزرگ و) آشکار است».

﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ سَمِعۡتُمُوهُ قُلۡتُم مَّا يَكُونُ لَنَآ أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبۡحَٰنَكَ هَٰذَا بُهۡتَٰنٌ عَظِيمٞ١٦﴾ [النور: 16]. «چرا هنگامی‌که آن را شنیدید؛ نگفتید: «ما حق نداریم که آن (سخن) را بر زبان آوریم، (الهی) تو منزهی! این بهتان بزرگی است؟!».

اما مؤمنان می‌گویند: پروردگار ما منزه است از اینکه همسری ناپاک را برای پیامبرش برگزیند و همسر پیامبر در کتاب الله از اتهام منافقان بری است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَۖ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ﴾ [النور: 26]. «و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاک اند. اینان از آنچه (مردم دربارۀ شان) می‌گویند، مبّرا (و پاک) هستند، برای آن‌ها آمرزش (الهی) و روزی ارزشمندی است».

منافقان با مکر و حیله، مؤمنان را نادان می‌دانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ ءَامِنُواْ كَمَآ ءَامَنَ ٱلنَّاسُ قَالُوٓاْ أَنُؤۡمِنُ كَمَآ ءَامَنَ ٱلسُّفَهَآءُ﴾ [البقرة: 13]. «و هنگامی‌که به آنان گفته شود: «ایمان بیاورید؛ چنانکه مردم ایمان آورده‌اند» می‌گویند: آیا ایمان بیاوریم چنانکه بی‌خردان ایمان آوردند؟».

منافقان در واقع، در احترام و آبرو و صداقت پیامبر و دینی که آورد طعنه وارد می‌کنند تا اینکه گفته شود اگر او پیامبر بود، چنین همسری نداشت و شوهران دخترانش اینگونه نبودند و اگر اسلام، دین الله بود، اصحاب پیامبرش که به او نزدیک بودند و در دست او پرورش یافتند، آن را رها نمی‌کردند، الله منافقان را نابود کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ﴾ [المنافقون: 4]. «آن‌ها دشمن (واقعی) هستند، پس از آنان بر حذر باش! الله آن‌ها را بکشد، چگونه (از حق) منحرف می‌شوند؟!».

بنابراین، منافقان عذاب بسیار دشواری در آخرت دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ فِي ٱلدَّرۡكِ ٱلۡأَسۡفَلِ مِنَ ٱلنَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمۡ نَصِيرًا١٤٥﴾ [النساء: 145]. «همانا منافقان در پایین‌ترین طبقه (= درکات) آتش (جهنم) هستند، و هرگز یاوری برای آن‌ها نخواهی یافت».

منافقان، بیش از دیگران در قرآن توصیف شده‌اند:

الله سبحانه می‌فرماید که مردم در دنیا سه گروه هستند و صفات هر گروه را بیان می‌کند: مؤمنان، کافران و منافقان. منافقان بیش از دیگران در قرآن توصیف شده‌اند تا مؤمن در دام نفاق نیفتد و از منافقان دوری گزیند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هُمُ ٱلۡعَدُوُّ فَٱحۡذَرۡهُمۡۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُۖ أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ﴾ [المنافقون: 4]. «آن‌ها دشمن (واقعی) هستند، پس از آنان بر حذر باش! الله آن‌ها را بکشد، چگونه (از حق) منحرف می‌شوند؟!».

منافقان نه به کتاب الله- قرآن- ایمان دارند و نه به سنت رسولش ج:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُونَ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلرَّسُولِ﴾ [النور: 47]. «و (منافقان) می‌گویند: «به الله و به پیامبر (او) ایمان آوردیم».

این سخن را از روی تقیه، به خاطر ترس از مؤمنان به زبان می‌آورند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَقُولُونَ بِأَفۡوَٰهِهِم مَّا لَيۡسَ فِي قُلُوبِهِمۡ﴾ [آل عمران: 167]. «به زبان خویش چیزی می‌گویند که در دل‌های شان نیست».

زیرا منافقان از مؤمنان بیشتر می‌ترسند تا الله و از مؤمنان می‌ترسند و از الله هراسی ندارند!!.

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَأَنتُمۡ أَشَدُّ رَهۡبَةٗ فِي صُدُورِهِم مِّنَ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَفۡقَهُونَ١٣﴾ [الحشر: 13]. «(ای مؤمنان) همانا وحشت از شما در دل‌های آن‌ها بیشتر از (ترس‌شان از) الله است، این بدان سبب است که آن‌ها قومی هستند که نمی‌فهمند».

تقیه دین منافقان است و تا زمانی که در میان مؤمنان باشند، هرگز از آنان جدا نمی‌شود؛ زیرا دین آنان، سراسر مکر و نیرنگ و فریب است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَبِٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَمَا هُم بِمُؤۡمِنِينَ٨ يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَمَا يَخۡدَعُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ٩﴾ [البقرة: 8-9]. «گروهی از مردم هستند که می‌گویند: به الله و روز رستاخیز ایمان آورده‌ایم، در حالی‌که ایمان ندارند. آنان (به نظرشان) الله و مؤمنان را فریب می‌دهند، در حالی‌که جز خودشان را فریب نمی‌دهند ولی نمی‌فهمند».

﴿وَإِذَا لَقُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ إِلَىٰ شَيَٰطِينِهِمۡ قَالُوٓاْ إِنَّا مَعَكُمۡ إِنَّمَا نَحۡنُ مُسۡتَهۡزِءُونَ١٤﴾ [البقرة: 14]. «و هنگامی‌که افراد با ایمان را ملاقات می‌کنند، می‌گویند: «ما ایمان آورده‌ایم»، و هنگامی‌که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: «ما با شماییم، ما فقط (آن‌ها را) مسخره می‌کنیم».

اما تقیۀ مومن، چنانکه الله فرموده، استثنا است و اصل نیست؛ بعلاوه، در حالت اکراه یا ترس وقوع قتل یا آسیبی صورت می‌گیرد. بنابراین، تقیه، خلاف اصل و غیرمنتظره است نه همیشگی:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَّا يَتَّخِذِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَلَيۡسَ مِنَ ٱللَّهِ فِي شَيۡءٍ إِلَّآ أَن تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ تُقَىٰةٗ﴾ [آل عمران: 28]. «مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان دوست و ولی خود بگیرند، و هر کس چنین کند، با الله هیچ رابطه‌ای ندارند و (عهد و پیمان او با الله گسسته شده است). مگر اینکه (از آزار و اذیت) آن‌ها بترسید (در ظاهر با آنان دوستی کنید)».

﴿مَن كَفَرَ بِٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِهِۦٓ إِلَّا مَنۡ أُكۡرِهَ وَقَلۡبُهُۥ مُطۡمَئِنُّۢ بِٱلۡإِيمَٰنِ﴾ [النحل: 106]. «کسی‌که بعد از ایمانش به الله کافر شود (باز خواست می‌شود) مگر کسی‌که به زور (به کفر) وا داشته شود در حالی‌که قلبش به ایمان آرام باشد».

﴿وَقَالَ رَجُلٞ مُّؤۡمِنٞ مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَكۡتُمُ إِيمَٰنَهُ﴾ [غافر: 28]. «و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت، گفت».

تا فرعون ستمگر او را شکنجه نکند.

الله به مؤمنان دستور می‌دهد که دین و ایمان خویش را اظهار کنند تا تمام مردم آن را بدانند و به‌سوی آن هدایت شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَآ أُوتِيَ ٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ١٣٦ فَإِنۡ ءَامَنُواْ بِمِثۡلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا هُمۡ فِي شِقَاقٖۖ فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ١٣٧﴾ [البقرة: 136-137]. «بگویید: «ما به الله ایمان آوردیم، و به آنچه بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل، و اسحاق و یعقوب و نوادگان یعقوب نازل گردید، و به آنچه که به موسی و عیسی داده شده، و به آنچه که پیامبران (دیگر) از طرف پروردگارشان داده شده است، و در میان هیچ یک از آن‌ها جدایی نمی‌اندازیم و ما تسلیم الله هستیم». پس اگر آن‌ها (نیز) به مانند آنچه شما ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورند، قطعاً هدایت یافته‌اند. و اگر پشت کنند، پس جز این نیست که آنان در ستیزند، پس بزودی الله تو را از (شر) آن‌ها کفایت کند، و او ست شنوای دانا».

﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ قَوۡلٗا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ٣٣﴾ [فصلت: 33]. «و چه کسی خوش گفتار‌تر است از کسی‌که به سوی الله دعوت کند، و کار شایسته انجام دهد، و گوید: «بی‌شک من از مسلمانان هستم؟!».

اسباط، پسران دوازده‌گانۀ پیامبر خدا، یعقوب ÷ هستند که الله آنان را پیامبران بنی‌اسرائیل قرار داد که به هدایت آنان هدایت شوند.

اما منافقان دوست ندارند که مردم هدایت شوند؛ بلکه بزرگ‌ترین خواسته و غم و اندوه آنان این است که چگونه مسلمانان را با نام اسلام گمراه سازند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّواْ ٱلسَّبِيلَ﴾ [النساء: 44]. «و می‌خواهند شما (نیز) گمراه شوید».

﴿يُرِيدُونَ لِيُطۡفِ‍ُٔواْ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفۡوَٰهِهِمۡ وَٱللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ٨ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ٩﴾ [الصف: 8-9]. «آن‌ها می‌خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند، ولی الله کامل‌کنندۀ نور خویش است هرچند کافران خوش نداشته باشند. او کسی است که رسول الله را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همۀ ادیان غالب گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند».

یکی از شیوه‌های گمراه‌سازی منافقان این است که مردم را از عبادت الله به‌سوی عبادت غیر الله -فرشته‌ای مقرب یا پیامبری مرسل یا مردی صالح و پرهیزکار- برمی‌گردانند و محبت و صفات بزرگداشتی را که فقط سزاوار الله است، به او متوجه می‌سازند و می‌گویند: "ما این کار را به خاطر محبت به الله انجام می‌دهیم و این صفاتی را که بیان می‌کنیم، فقط به قدرت الله است"؛ بدین ترتیب، مردم بسیار زیادی را بدون علم گمراه می‌سازند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا لِّيُضِلُّواْ عَن سَبِيلِهِۦۗ قُلۡ تَمَتَّعُواْ فَإِنَّ مَصِيرَكُمۡ إِلَى ٱلنَّارِ٣٠﴾ [إبراهیم: 30]. «(آن‌ها) برای الله همتایانی قرار دادند تا (مردم را) از راه او گمراه کنند، بگو: «(چند روزی) بهره گیرید، پس یقیناً باز گشت‌تان به سوی آتش (دوزخ) است».

و گرنه در حقیقت، نه هدایت الله را می‌خواهند و نه هدایت رسولش را:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ رَأَيۡتَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودٗا٦١﴾ [النساء: 61]. «و چون به آن‌ها گفته شود: «به سوی آنچه الله نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید» منافقان را می‌بینی که از تو سخت روی می‌گردانند».

اما مؤمنان از روی تسلیم و فرمانبرداری، کار خویش را به الله و رسولش می‌سپارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا كَانَ قَوۡلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ أَن يَقُولُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ٥١﴾ [النور: 51]. «سخن مؤمنان هنگامی‌که به سوی الله و پیامبرش خوانده شوند تا میان آن‌ها داوری کند، فقط این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم» و اینان همان رستگارانند».

برخی منافقان، در آنچه که مخالف فرمان الله و رسولش است، به صورت پنهانی از یهود فرمان‌برداری می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لِلَّذِينَ كَرِهُواْ مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ سَنُطِيعُكُمۡ فِي بَعۡضِ ٱلۡأَمۡرِۖ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِسۡرَارَهُمۡ٢٦﴾ [محمد: 26]. «این بدان سبب است که آن‌ها (=منافقان) به کسانی (= یهودیان) که نسبت به آنچه الله نازل کرده (از وحی) کراهت داشتند، گفتند: «ما در پارۀ از امور از شما پیروی می‌کنیم» و الله پنهان‌کاری آن‌ها را می‌داند».

برخی از دشمنان مؤمنان حق را می‌شناسند، اما آن را از مردم پنهان می‌کنند و باطل خویش را با بخشی از حق درمی‌آمیزند تا مردم را به اشتباه بیندازند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَلۡبِسُونَ ٱلۡحَقَّ بِٱلۡبَٰطِلِ وَتَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ٧١﴾ [آل عمران: 71]. «ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل می‌آمیزید. و حق را کتمان می‌کنید در حالی‌که خودتان می‌دانید».

برخی از آیات قرآن را می‌گیرند و برخی دیگر را رد می‌کنند؛ چنانکه برخی احادیث رسول خدا را می‌گیرند و برخی دیگر را نمی‌پذیرند. از حق، فقط آن بخشی را می‌گیرند که موافق هوای نفس‌شان باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم مُّعۡرِضُونَ٤٨ وَإِن يَكُن لَّهُمُ ٱلۡحَقُّ يَأۡتُوٓاْ إِلَيۡهِ مُذۡعِنِينَ٤٩ أَفِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ ٱرۡتَابُوٓاْ أَمۡ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَرَسُولُهُۥۚ بَلۡ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ٥٠﴾ [النور: 48-50]. «و هنگامی‌که به سوی الله و پیامبرش فرا‌خوانده شوند تا در میان‌شان داوری کند، ناگهان گروهی از آن‌ها اعراض می‌کنند. و اگر حق با آن‌ها باشد، گردن نهاده (با سرعت) به سوی او می‌آیند. آیا در دل‌های شان بیماری است؟ یا تردید و شک دارند؟ یا می‌ترسند که الله و پیامبرش بر آن‌ها ستم کنند؟! (نه) بلکه آن‌ها خود‌شان ستم‌گرند».

مومنان باید از منافقان برحذر باشند؛ زیرا الله به پیامبرش توصیه فرمود که از کسانی که بخشی از وحی را رها می‌کنند و بخشی از آن را می‌گیرند، برحذر باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱحۡذَرۡهُمۡ أَن يَفۡتِنُوكَ عَنۢ بَعۡضِ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَ﴾ [المائدة: 49]. «و از آنان بر حذر باش، مبادا تو را از بعضی از چیزهایی که الله بر تو نازل کرده منحرف کنند».

الله دشمنان مؤمنان را که به مؤمنان بهتان می‌زنند و تهمت ناروا به آنان نسبت می‌دهند، تهدید کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ بِغَيۡرِ مَا ٱكۡتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحۡتَمَلُواْ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا٥٨﴾ [الأحزاب: 58]. «و کسانی‌که مردان مؤمن و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی‌که مرتکب شده باشند؛ آزار می‌دهند، به راستی (بار) بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده‌اند».

از نظر پیروان باطل که نسبت به باطل خویش، تعصب و غیرت دارند، ایرادی ندارد که دیگران بر باطلی غیر از باطل آنان باشند در حالی که از بطلان و گمراهی آن آگاه هستند. اما اگر کسی با آنان مخالفت کند و به دینی غیر از دین آنان پایبند باشد، سپس بدانند که مخالف آنان بر حق است، حسادت و در پی آن، دشمنی می‌ورزند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِكُمۡ كُفَّارًا حَسَدٗا مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَٱعۡفُواْ وَٱصۡفَحُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ١٠٩﴾ [البقرة: 109]. «بسیاری از اهل کتاب، از روی حسدی که در وجودشان است، آرزو دارند که شما را بعد از ایمان‌تان به حال کفر باز گردانند، پس از اینکه حق برای آن‌ها روشن شده است، پس شما عفو کنید و در گذرید، تا الله فرمان خویش را (برای جهاد با آن‌ها) صادر نماید، همانا الله بر هر چیزی تواناست».

﴿مَّا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ وَلَا ٱلۡمُشۡرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ خَيۡرٖ مِّن رَّبِّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَخۡتَصُّ بِرَحۡمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ﴾ [البقرة: 105]. «کافران از اهل کتاب و مشرکان دوست ندارند که از جانب پروردگارتان خیر و برکتی بر شما نازل گردد، در حالی‌که الله رحمت خود را به هر کس بخواهد اختصاص می‌دهد، و الله دارای فضل بزرگ است».

فریبکاران، به نام اصلاح، در زمین فساد برپا می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ قَالُوٓاْ إِنَّمَا نَحۡنُ مُصۡلِحُونَ١١ أَلَآ إِنَّهُمۡ هُمُ ٱلۡمُفۡسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشۡعُرُونَ١٢﴾ [البقرة: 11-12]. «و هنگامی‌که به آن‌ها گفته شود: «در زمین فساد نکنید» می‌گویند: «ما فقط اصلاح‌کننده‌ایم». آگاه باشید! آن‌ها همان مفسدانند؛ ولی نمی‌فهمند».

و با عنوان جنگ با فساد، با مصلحان می‌جنگند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ ٱلۡمَلَأُ مِن قَوۡمِ فِرۡعَوۡنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوۡمَهُۥ لِيُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَيَذَرَكَ وَءَالِهَتَكَۚ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبۡنَآءَهُمۡ وَنَسۡتَحۡيِۦ نِسَآءَهُمۡ وَإِنَّا فَوۡقَهُمۡ قَٰهِرُونَ١٢٧﴾ [الأعراف: 127]. «و اشراف (و بزرگان) از قوم فرعون (به او) گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می‌کنی تا در زمین فساد کنند، و تو و معبودانت را وا گذارند؟». (فرعون) گفت: «بزودی پسران‌شان را می‌کشیم، و زنان‌شان را (برای خدمت‌کاری) زنده نگه می‌داریم، و بی‌گمان ما برآن‌ها چیره و مسلط هستیم».

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ذَرُونِيٓ أَقۡتُلۡ مُوسَىٰ وَلۡيَدۡعُ رَبَّهُۥٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمۡ أَوۡ أَن يُظۡهِرَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡفَسَادَ٢٦﴾ [غافر: 26]. «و فرعون گفت: بگذارید موسی را بکشم، و او پروردگارش را (برای نجات) بخواند، بی‌گمان من می‌ترسم که دین شما را دگرگون کند یا در (این) سرزمین فساد انگیزد».

دل‌های منافقان از کینه نسبت به مؤمنان سرشار است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا لَقُوكُمۡ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ عَضُّواْ عَلَيۡكُمُ ٱلۡأَنَامِلَ﴾ [آل عمران: 119]. «و چون با شما ملاقات می‌کنند می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم». و هنگامی‌که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می‌گزند».

﴿مِنَ ٱلۡغَيۡظِۚ قُلۡ مُوتُواْ بِغَيۡظِكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ﴾ [آل عمران: 119].

و بیشترین کینه را نسبت به حاملان دین پیامبر و اصحاب همراهش دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَثَلُهُمۡ فِي ٱلۡإِنجِيلِ كَزَرۡعٍ أَخۡرَجَ شَطۡ‍َٔهُۥ فَ‍َٔازَرَهُۥ فَٱسۡتَغۡلَظَ فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ يُعۡجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلۡكُفَّارَ﴾ [الفتح: 29]. «و توصیف آن‌ها در انجیل همانند زراعتی که جوانه بزند، سپس آن را تقویت کرد، تا محکم گردیده، و بر پای خودایستاده است، و کشاورزان را به شگفتی وامی‌دارد، تا از (دیدن) آن‌ها کافران را به خشم آورد».

منافقان می‌کوشند مؤمنان را در مورد حاملان وحی به تردید اندازند تا مانند آنان به وحی کفر ورزند و مانند آنان شوند. منافقان دوست دارند که چنین اتفاقی بیفتد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَا لَكُمۡ فِي ٱلۡمُنَٰفِقِينَ فِئَتَيۡنِ وَٱللَّهُ أَرۡكَسَهُم بِمَا كَسَبُوٓاْۚ أَتُرِيدُونَ أَن تَهۡدُواْ مَنۡ أَضَلَّ ٱللَّهُۖ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ سَبِيلٗا٨٨ وَدُّواْ لَوۡ تَكۡفُرُونَ كَمَا كَفَرُواْ فَتَكُونُونَ سَوَآءٗ﴾ [النساء: 88-89]. «چیست شما را که درباره‌ی منافقان دو گروه شده‌اید؟ در حالی‌که الله بخاطر اعمال‌شان، آنان را سرنگون (و مردود) کرده‌است، آیا شما می‌خواهید کسی را که الله گمراه کرده‌است، هدایت کنید؟ در حالی‌که هر کس را الله گمراه کند، برای او راهی نخواهی یافت. آنان آرزو می‌کنند که شما هم مانند آن‌ها کافر شوید تا با هم یکسان شوید».

برخی از منافقان، نسبت به هر‌کس که بر اساس هدایت کتاب الله و هدایت رسولش به‌سوی الله دعوت می‌دهد، کینه می‌ورزند؛ چنانکه بسیار و به دروغ، از لغزش‌ها و گناهانشان با دستاویز غیرت دینی پیروی می‌کنند و در مقابل، دعوت‌گران به گمراهی و انحراف را که اسم الله و رسولش را به ندرت در مجالس خویش یاد می‌کنند، تحسین می‌کنند یا در مورد آنان سکوت می‌کنند و عذر و بهانه‌هایی برای توجیه کار آنان می‌تراشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يُخَٰدِعُونَ ٱللَّهَ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَمَا يَخۡدَعُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ٩ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ فَزَادَهُمُ ٱللَّهُ مَرَضٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡذِبُونَ١٠﴾ [البقرة: 9-10]. «آنان (به نظرشان) الله و مؤمنان را فریب می‌دهند، در حالی‌که جز خودشان را فریب نمی‌دهند ولی نمی‌فهمند. در دل‌های آنان بیماری است و الله بر بیماری آنان افزوده، و بخاطر دروغ‌هایی که می‌گفتند، برایشان عذاب دردناکی است».

منافقان، اهل فریب و نیرنگ هستند و پیوسته در این انتظار هستند که بلاها و مشکلاتی بر مؤمنان وارد آید، در حالی که الله فریب‌کاران را دوست نمی‌دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ جَامِعُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡكَٰفِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا١٤٠ ٱلَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمۡ فَإِن كَانَ لَكُمۡ فَتۡحٞ مِّنَ ٱللَّهِ قَالُوٓاْ أَلَمۡ نَكُن مَّعَكُمۡ وَإِن كَانَ لِلۡكَٰفِرِينَ نَصِيبٞ قَالُوٓاْ أَلَمۡ نَسۡتَحۡوِذۡ عَلَيۡكُمۡ وَنَمۡنَعۡكُم مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۚ فَٱللَّهُ يَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ وَلَن يَجۡعَلَ ٱللَّهُ لِلۡكَٰفِرِينَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ سَبِيلاَ١٤١﴾ [النساء: 140-141]. «همانا الله همه‌ی منافقان و کافران را در جهنم گرد می‌آورد. کسانی‌که همواره انتظار می‌کشند (و مراقب شما هستند) اگر فتح و پیروزی از جانب الله نصیب شما گردد، می‌گویند: «مگر ما با شما نبودیم؟» و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، گویند: «مگر ما بر شما چیره نشده‌ایم (و پشتیبان شما نبودیم) و شما را از (آسیب) مؤمنان بازنداشتیم؟». پس الله در روز قیامت میان شما داوری می‌کند، و الله هرگز برای کافران راهی به (زیان) مؤمنان قرار نداده‌است».

در تظاهر و ریاکاری می‌کوشند و برای سخنان‌شان مخاطب جذب می‌کنند، در حالی که دشمنان اسلام هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ وَإِذَا رَأَيۡتَهُمۡ تُعۡجِبُكَ أَجۡسَامُهُمۡۖ وَإِن يَقُولُواْ تَسۡمَعۡ لِقَوۡلِهِمۡ﴾ [المنافقون: 4]. «و هنگامی‌که آن‌ها را ببینی، جسم (و قیافة) شان تو را به شگفت آورد، و اگر (سخن) گویند به سخنان‌شان گوش فرا می‌دهی».

با تأکید به مؤمنان می‌گویند که از آنان هستند و برای وحدت و اتحاد کلمه می‌کوشند. این سخن را به زبان می‌گویند، اما در هر فرصتی که بیابند، دست‌هایشان مشغول دریدن بدن امت اسلام است، هر چند مدعی وحدت امت هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنَّهُمۡ لَمِنكُمۡ وَمَا هُم مِّنكُمۡ﴾ [التوبة: 56]. «و آن‌ها (= منافقان) به الله سوگند یاد می‌کنند که از شما هستند، درحالی‌که از شما نیستند».

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعۡجِبُكَ قَوۡلُهُۥ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيُشۡهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلۡبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ٢٠٤ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ لِيُفۡسِدَ فِيهَا وَيُهۡلِكَ ٱلۡحَرۡثَ وَٱلنَّسۡلَۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَسَادَ٢٠٥ وَإِذَا قِيلَ لَهُ ٱتَّقِ ٱللَّهَ أَخَذَتۡهُ ٱلۡعِزَّةُ بِٱلۡإِثۡمِۚ فَحَسۡبُهُۥ جَهَنَّمُۖ وَلَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ٢٠٦﴾ [البقرة: 204-206]. «و از مردم کسی هست که گفتارش در (باره) زندگی دنیا تو را به شگفت می‌اندازد و الله را بر آنچه در دل خود دارد؛ گواه می‌گیرد، و حال آنکه او سرسخت ترین دشمنان است. او هنگامی‌که روی بر می‌گرداند و می‌رود (و یا به ریاستی می‌رسد) در راه فساد در زمین کوشش می‌کند و کشت و نسل را نابود می‌سازد، و الله فساد و (تباهکاری) را دوست نمی‌دارد. و چون به او گفته شود: «از الله بترس» خود بزرگ‌بینی و (تکبر) او را به گناه می‌کشاند. پس (آتش) جهنم او را کافی است و چه بد آرامگاهی است».

دشمنی خویش نسبت به دشمنان مسلمانان را اعلان می‌کنند، اما در باطن با آنان هستند و اسراری با یکدیگر دارند که فقط الله از آنها آگاه است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا لَقُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوۡاْ إِلَىٰ شَيَٰطِينِهِمۡ قَالُوٓاْ إِنَّا مَعَكُمۡ إِنَّمَا نَحۡنُ مُسۡتَهۡزِءُونَ١٤﴾ [البقرة: 14]. «و هنگامی‌که افراد با ایمان را ملاقات می‌کنند، می‌گویند: «ما ایمان آورده‌ایم»، و هنگامی‌که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: «ما با شماییم، ما فقط (آن‌ها را) مسخره می‌کنیم».

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَالُواْ لِلَّذِينَ كَرِهُواْ مَا نَزَّلَ ٱللَّهُ سَنُطِيعُكُمۡ فِي بَعۡضِ ٱلۡأَمۡرِۖ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ إِسۡرَارَهُمۡ٢٦﴾ [محمد: 26]. «این بدان سبب است که آن‌ها (=منافقان) به کسانی (= یهودیان) که نسبت به آنچه الله نازل کرده (از وحی) کراهت داشتند، گفتند: «ما در پارۀ از امور از شما پیروی می‌کنیم» و الله پنهان‌کاری آن‌ها را می‌داند».

الله در قرآن، به جهاد در برابر منافقان و رسوایی آنان فرمان می‌دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَٰهِدۡهُم بِهِۦ جِهَادٗا كَبِيرٗا﴾ [الفرقان: 52]. «و بوسیلۀ آن (= قرآن) با آن‌ها جهاد بزرگی بنما».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ جَٰهِدِ ٱلۡكُفَّارَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡ﴾ [التوبة: 73]. «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و برآنان سخت گیر باش».

هر‌کس اسلام را اظهار کند علیه او پیکار نمی‌شود و منظور از جهاد با منافقان زمانی است که آنان وارد جنگ شوند.

دشمنان دین، به فریب‌خوردگان خود فرمان می‌دهند که به قرآن گوش فرا ندهند و در آیاتش تدبر نکنند؛ زیرا قرآن مکر و نیرنگ و فریبکاری آنان در برابر مؤمنان را آشکار می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَسۡمَعُواْ لِهَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ وَٱلۡغَوۡاْ فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَغۡلِبُونَ٢٦﴾ [فصلت: 26]. «و کسانی‌که کافر شدند گفتند: «به این قرآن گوش فرا ندهید، و در (هنگام تلاوت) آن جنجال کنید (و سخنان بیهوده بگویید) شاید پیروز گردید».

برخی از منافقان، به مؤمنان نیرنگ می‌زنند و می‌گویند: قرآن را نخوانید و اگر آن را خواندید در آیاتش تدبر نکنید؛ زیرا کتابی بزرگ است که فقط علمای پُرمایه آن را می‌فهمند و از علومش بهره می‌گیرند. این سخن را به این دلیل می‌زنند تا ریاست و برتری‌شان بر دیگران باقی بماند. اما آیات قرآن آنان را رسوا ساخت و بیان فرمود که کتابی مبارک است که خیرش فراگیر است و هدایتش برای تمام مردم است. بنابراین، هر‌کس عقل سلیمی داشته باشد، عالم باشد یا جاهل، اگر خواهان هدایت باشد، از قرآن پند می‌گیرد و با آن هدایت می‌شود. زیرا الله کتابش را برای تمام بندگان خویش فرستاد تا در آن بیندیشند و معانی آن را بفهمند و از آن پیروی کنند و به هدایتش هدایت شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ٢٩﴾ [ص: 29]. «کتابی است پر برکت، که آن را بر تو نازل کردیم، تا در آیاتش تدبّر کنند، و خردمندان پند گیرند».

﴿وَهَٰذَا كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ مُبَارَكٞ فَٱتَّبِعُوهُ وَٱتَّقُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ١٥٥﴾ [الأنعام: 155]. «و اين (قرآن) کتابی است پُر برکت، که ما نازل کرديم، از آن پيروی کنيد، و پرهيزگار باشيد، تا مورد رحمت قرار گيريد».

الله سبحانه بیان فرمود که بر دل‌های برخی مردم مُهر و قفل‌هایی است که آنان را از بهره‌بردن از آیات واضح و روشن قرآن بازمی‌دارد؛ بنابراین باید قلب خویش را درمان کنند تا محبت و احترام و وابستگی به خدا را بپذیرد و در قلب‌شان چیزی مخالف محبت و احترام و وابستگی به خدا وجود نداشته باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَ أَمۡ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقۡفَالُهَآ٢٤﴾ [محمد: 24]. « آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل‌هاست؟!».

به علما وحی نمی‌شود، بلکه آنان علم را پس از تدبر در قرآن و احادیث صحیح رسول الله می‌گیرند و آنچه را نمی‌دانند از داناتر از خویش می‌پرسند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَسۡ‍َٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾ [النحل: 43]. «پس (ای مردم) اگر نمی‌دانید از (آگاهانِ) اهل کتاب بپرسید».

علمای پُرمایه به تمام قرآن ایمان دارند. اگر مراد برخی از آیات را نفهمیدند، آن را انکار نمی‌کنند؛ زیرا آیات قرآن یکدیگر را توضیح می‌دهند و هیچ تعارضی بین آنها وجود ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ مِنۡهُ ءَايَٰتٞ مُّحۡكَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٞۖ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمۡ زَيۡغٞ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ وَٱبۡتِغَآءَ تَأۡوِيلِهِۦۖ وَمَا يَعۡلَمُ تَأۡوِيلَهُۥٓ إِلَّا ٱللَّهُۗ وَٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِۦ كُلّٞ مِّنۡ عِندِ رَبِّنَاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ٧﴾ [آل عمران: 7]. «او کسی است که کتاب (قرآن) را بر تو نازل کرد. بخشی از آن، آیات محکم (صریح و روشن) است، که آن‌ها اساس کتاب است. و (بخش) دیگر «متشابهات» است (آن آیاتی که در نگاه اول معانی و احتمالات مختلفی دارد و قابل تأویل است، ولی با رجوع به آیات محکم، تفسیر و معنای آن‌ها روشن می‌گردد). اما کسانی‌که در دل‌هایشان کژی و انحراف است، برای فتنه‌جویی (و گمراه کردن مردم) و بخاطر تأویل آن (به دل‌خواه خود) از متشابه آن پیروی می‌کنند. و در حالی‌که تأویل آن جز الله نمی‌داند، و راسخان در علم می‌گویند: «ما به همه آن (چه محکم و چه متشابه) ایمان آوردیم، همه از طرف پروردگار ماست» و جز خردمندان متذکر نمی‌شوند».

الله کسانی را که قرآن را بخش بخش می‌کنند و به بخشی از آن ایمان می‌آورند و به بخش دیگر آن کفر می‌ورزند تهدید کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ جَعَلُواْ ٱلۡقُرۡءَانَ عِضِينَ٩١ فَوَرَبِّكَ لَنَسۡ‍َٔلَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ٩٢ عَمَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ٩٣﴾ [الحجر: 91-93]. «(همان) کسانی‌که قرآن را تقسیم (و بخش، بخش) کردند. پس سوگند به پروردگارت، قطعاً (در قیامت) از همه آن‌ها سوال خواهیم کرد. از آنچه می‌کردند».

هر‌کس از علما یا بزرگان در آنچه که مخالف کتاب الله یا سیرۀ رسولش است، پیروی کند، در روز قیامت علما و بزرگان هیچ نفعی به او نخواهند رساند و بهانۀ ضعیف‌بودن یا تابع‌بودن از او پذیرفته نخواهد شد؛ زیرا رسول ج، هدایت را از جانب الله آورد و این تابع، آن را رها کرد و از غیر هدایت الله پیروی کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ يَتَحَآجُّونَ فِي ٱلنَّارِ فَيَقُولُ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا نَصِيبٗا مِّنَ ٱلنَّارِ٤٧ قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُلّٞ فِيهَآ إِنَّ ٱللَّهَ قَدۡ حَكَمَ بَيۡنَ ٱلۡعِبَادِ٤٨ وَقَالَ ٱلَّذِينَ فِي ٱلنَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ يُخَفِّفۡ عَنَّا يَوۡمٗا مِّنَ ٱلۡعَذَابِ٤٩ قَالُوٓاْ أَوَ لَمۡ تَكُ تَأۡتِيكُمۡ رُسُلُكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ قَالُواْ بَلَىٰۚ قَالُواْ فَٱدۡعُواْۗ وَمَا دُعَٰٓؤُاْ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٍ٥٠ إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ٥١ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ ٱلظَّٰلِمِينَ مَعۡذِرَتُهُمۡۖ وَلَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ٥٢﴾ [غافر: 47-52]. «و چون در آتش (جهنم) با همدیگر مجادله (و کشمکش) می‌کنند، پس ناتوانان به کسانی‌كه تکبر ورزیدند، می‌گویند: «بی‌شک ما (در دنیا) پیرو شما بودیم، پس آیا شما (امروز) می‌توانید بخشی از آتش را که نصیب ما شده از ما دور کنید؟!» کسانی‌که تکبر ورزیدند، گویند: «بی‌گمان ما همگی در آن (آتش) هستیم، همانا الله در میان بندگان داوری کرده است». و کسانی‌که در آتش‌اند به نگهبانان جهنم می‌گویند: «از پروردگار‌تان بخواهید تا یک روز عذاب را از ما بکاهد».(آن‌ها) می‌گویند: «آیا پیامبران شما با دلایل روشن نزد شما نیامدند؟!» گویند: «آری» (نگهبانان) گویند: «پس (خودتان) دعا کنید، و دعای کافران جز در تباهی نیست». یقیناً ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی‌که گواهان (برای گواهی) بر خیزند، یاری می‌کنیم. روزی‌که عذر خواهی ستمکاران سودی ندهد، و لعنت (الله) برای آنان است، و (نیز) سرای بد (= جهنم) برای آن‌هاست».

منافقان، خواهان فتنه‌انگیزی میان مؤمنان هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَبۡغُونَكُمُ ٱلۡفِتۡنَةَ وَفِيكُمۡ سَمَّٰعُونَ لَهُمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمُۢ بِٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [التوبة: 47]. «و به سرعت در میان شما فتنه انگیزی می‌کردند، و در میان شما افرادی (ضعیف الایمان) هستند که به (سخنان) آن‌ها گوش فرا می‌دهند، و الله، (نسبت) به ستمکاران داناست».

منافقان همراه مؤمنان در مساجدشان نماز می‌خوانند تا مؤمنان، آنان را ببینند و فریب‌شان را بخورند؛ و گرنه هرگز محبت نماز و تمایل به ادای آن در دل‌هایشان وجود ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قَامُوٓاْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ يُرَآءُونَ ٱلنَّاسَ وَلَا يَذۡكُرُونَ ٱللَّهَ إِلَّا قَلِيلٗا﴾ [النساء: 142]. «و چون به نماز برخیزند؛ با سستی و‌‌ کاهلی بر می‌خیزند، در چشم مردم خود نمایی می‌کنند و (در نمازشان) الله را جز اندکی یاد نمی‌کنند».

اما در جنگی که سبب ایجاد جراحت و قتل است حضور نمی‌یابند و پیامبر ج و اصحابش را در مقابل خطرها تنها می‌گذارند و [به گمان خودشان] با ماندن در خانه‌ها خود را از مواجهه با خطر حفظ می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالُواْ ذَرۡنَا نَكُن مَّعَ ٱلۡقَٰعِدِينَ٨٦ رَضُواْ بِأَن يَكُونُواْ مَعَ ٱلۡخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَفۡقَهُونَ٨٧ لَٰكِنِ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ جَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلۡخَيۡرَٰتُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ٨٨ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ٨٩﴾ [التوبة: 86-89]. «و گویند: «بگذار ما با خانه‌نشینان (که معذورند) باشیم».آن‌ها راضی شدند که با (زنان و) باز ماندگان باشند، و بردل‌های شان مُهر زده شده، پس آنان (چیزی) نمی‌فهمند. لیکن پیامبر و کسانی‌که با او ایمان آوردند، با اموال خود و جان‌های خود (در راه الله) جهاد کردند، نیکی‌ها (همه) از آنِ آن‌هاست، و آنانند که رستگارانند. الله برای آن‌ها باغ‌هایی (از بهشت) آماده کرده است، که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند، این کامیابی بزرگ است».

با این وجود، منافقان برای مؤمنان سوگند یاد می‌کنند که از آنان هستند، به این دلیل که با آنان زندگی می‌کنند و در مساجدشان نماز می‌خوانند؛ اما الله، پیامبر و اصحاب مؤمن او را بری دانست از اینکه منافقان از آنان باشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَحۡلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنَّهُمۡ لَمِنكُمۡ وَمَا هُم مِّنكُمۡ﴾ [التوبة: 56]. «و آن‌ها (= منافقان) به الله سوگند یاد می‌کنند که از شما هستند، درحالی‌که از شما نیستند».

الله در مورد عبادت پیامبر و اصحابش می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ وَنِصۡفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ مَعَكَ﴾ [المزمل: 20]. «(ای پیامبر!) یقیناً پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آن‌ها که با تو هستند نزدیک دو سوم شب و (یا) نصف (یا) ثلث آن را بپا می‌خیزید».

﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗاۖ سِيمَاهُمۡ فِي وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِ﴾ [الفتح: 29]. «محمد ج رسول الله است، و کسانی‌که با او هستند، بر کافران سخت گیر (و شدید) و در میان خود مهربانند، آن‌ها را در حال رکوع و سجده می‌بینی که از الله فضل و خشنودی می‌طلبند، نشانۀ (درست‌کاری) آن‌ها در چهره‌هایشان از اثر سجده (نمایان) است».

در مورد جهاد آنان می‌فرماید:

﴿لَٰكِنِ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ جَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ﴾ [التوبة: 88]. «لیکن پیامبر و کسانی‌که با او ایمان آوردند، با اموال خود و جان‌های خود (در راه الله) جهاد کردند».

﴿وَيَنصُرُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ﴾ [الحشر: 8]. «و الله و پیامبرش را یاری می‌کنند، آن‌ها راستگویانند».

مساجد، خانه‌های الله هستند و الله به بهترین نحو آنها را در کتاب خویش توصیف فرموده است:

مساجد، خانه‌های الله هستند و الله در کتاب خویش به بهترین نحو آنها را توصیف فرموده است؛ زیرا در آنها اسم الله از روی محبت و تعظیم یاد می‌شود و کتاب الله که بزرگترین ذکر است تلاوت می‌گردد و روز و شب برای الله نماز گزارده می‌شود. چنانکه در مساجد، رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان و کسانی که آیات الله را تلات می‌کنند مشاهده می‌شوند که تقوای الهی و ترس از روز دیدار با الله، آنان را گرد آورده است. از این رو، الله فرمان داد تا شأن و منزلت این خانه‌ها، بزرگ داشته شود و به صورت مرتفع ساخته شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ وَيُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ٣٦ رِجَالٞ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ٣٧﴾ [النور: 36-37]. «(این چراغ پر نور) در خانه‌های است که الله اجازه داده است که بلند شود، و نامش در آن‌ها برده شود، (و) صبح و شام در آن‌ها تسبیح او گویند. مردانی‌که هیچ تجارت و خرید و فروشی آن‌ها را از یاد الله و بر پاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند، (آن‌ها) از روزی می‌ترسند که در آن دل‌ها و چشم‌ها دگرگون (و بی‌تاب) می‌شود».

مسجد الحرام، اولین خانه‌ای است که الله آن را برای مردم برگزید تا در آن عبادت او را به جای آورند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيۡتٖ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكٗا وَهُدٗى لِّلۡعَٰلَمِينَ٩٦﴾ [آل عمران: 96]. «براستی نخستین خانه‌ای که برای (عبادت) مردم قرار داده شده، همان است که در مکه است، که پر برکت و (مایه) هدایت جهانیان است».

الله برای احترام و بزرگداشت این خانه، آن را بیت الحرام و بیت العتیق نامید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلۡكَعۡبَةَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ قِيَٰمٗا لِّلنَّاسِ﴾ [المائدة: 97]. «الله کعبه - بیت‌الحرام- را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن (به کار) مردم قرار داد».

﴿وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ﴾ [الحج: 29]. «و (برگرد) خانه‌های کهن‌سال (کعبه) طواف کنند».

الله سبحانه، مسجد الحرام را محل ذبح‌کردن هدی [= قربانی در مناسک حج] و حرم احاطه‌کنندۀ بیت العتیق قرار داد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ثُمَّ مَحِلُّهَآ إِلَى ٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ٣٣﴾ [الحج: 33]. «در آن (چهارپایان قربانی) تا زمان معین برای شما منافع (و بهره‌ها) است، پس قربانگاه آن‌ها خانة کهن‌سال (کعبه) است».

﴿هَدۡيَۢا بَٰلِغَ ٱلۡكَعۡبَةِ﴾ [المائدة: 95]. «و (بصورت) قربانی به کعبه برساند».

ابوالأنبیاء إبراهیم و پسرش اسماعیل إ کعبه را بنا کردند و آن دو و پیامبران بعدی آنان و پیروان پیامبران و در ادامه، محمد ج و اصحابش و تابعان آنان تا امروزه پیرامون آن طواف کردند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذۡ يَرۡفَعُ إِبۡرَٰهِ‍ۧمُ ٱلۡقَوَاعِدَ مِنَ ٱلۡبَيۡتِ وَإِسۡمَٰعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ١٢٧ رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ١٢٨ رَبَّنَا وَٱبۡعَثۡ فِيهِمۡ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَيُزَكِّيهِمۡۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ١٢٩﴾ [البقرة: 127-129]. «و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند، (و می‌گفتند): «پروردگارا! از ما بپذیر، همانا که تویی شنوای دانا. پروردگارا! ما را فرمانبردار خودت قرار ده، و از فرزندان‌مان امتی فرمانبردار خود (پدید آور) و طرز عبادت‌مان را به ما نشان ده، و توبه ما را بپذیر، بدرستی که تو توبه‌پذیر مهربانی. پروردگارا! در میان آن‌ها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آن‌ها را کتاب و حکمت بیاموزد، و آنان را پاکیزه کند، همانا که تو پیروزمند حکیمی».

﴿رَّبَّنَآ إِنِّيٓ أَسۡكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيۡرِ ذِي زَرۡعٍ عِندَ بَيۡتِكَ ٱلۡمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱجۡعَلۡ أَفۡ‍ِٔدَةٗ مِّنَ ٱلنَّاسِ تَهۡوِيٓ إِلَيۡهِمۡ وَٱرۡزُقۡهُم مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَشۡكُرُونَ٣٧﴾ [إبراهیم: 37]. «پروردگارا! من (برخی) از فرزندانم را در وادی (خشک) و بی آب و بی گیاه، نزد خانه گرامی تو ساکن ساختم. پروردگارا! تا نماز را بر پا دارند، پس تو دل‌های (گروهی) از مردم را به آن‌ها مایل بگردان و از میوه‌ها به آن‌ها روزی ده، باشد که آنان سپاس گزارند».

این خانۀ کهن الله است که دل‌های پیامبران و پیروان‌شان تا امروزه، متوجه آن گشته و الله به پاکیزه‌ساختن آن دستور فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿طَهِّرَا بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ﴾ [البقرة: 125]. «خانه مرا برای طواف کنندگان و مقیمان و رکوع و سجود کنندگان (= نماز گزاران) پاک و پاکیزه کنید».

یکی از موارد پاکیزه‌ساختن کعبه این است که الله سبحانه فرمان داد تنها کسانی وارد آن شوند که فقط به خدا ایمان دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡمُشۡرِكُونَ نَجَسٞ فَلَا يَقۡرَبُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ ٱلۡحَرَامَ بَعۡدَ عَامِهِمۡ هَٰذَا﴾ [التوبة: 28]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! بی‌گمان مشرکان پلید اند، پس نباید بعد از اِمسال، به مسجد الحرام نزدیک شوند».

زیرا کعبه از آنگاه که ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام آن را بنا کردند تا امروزه، مخصوص پیروان حق است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَآ أُوتِيَ ٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ١٣٦ فَإِنۡ ءَامَنُواْ بِمِثۡلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ فَقَدِ ٱهۡتَدَواْۖ وَّإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّمَا هُمۡ فِي شِقَاقٖۖ فَسَيَكۡفِيكَهُمُ ٱللَّهُۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ١٣٧﴾ [البقرة: 136-137]. «بگویید: «ما به الله ایمان آوردیم، و به آنچه بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل، و اسحاق و یعقوب و نوادگان یعقوب نازل گردید، و به آنچه که به موسی و عیسی داده شده، و به آنچه که پیامبران (دیگر) از طرف پروردگارشان داده شده است، و در میان هیچ یک از آن‌ها جدایی نمی‌اندازیم و ما تسلیم الله هستیم». پس اگر آن‌ها (نیز) به مانند آنچه شما ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورند، قطعاً هدایت یافته‌اند. و اگر پشت کنند، پس جز این نیست که آنان در ستیزند، پس بزودی الله تو را از (شر) آن‌ها کفایت کند، و او ست شنوای دانا».

الله به پیامبرش و مؤمنان همراه او فرمان داد تا هنگام نماز به‌سوی مسجد الحرام روی آورند و آنجا قبله‌شان باشد؛ چنانکه قبلا قبلۀ ابراهیم ÷ بود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنۡ حَيۡثُ خَرَجۡتَ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيۡكُمۡ حُجَّةٌ﴾ [البقرة: 150]. «و از هر جا که بیرون شدی پس روی خود را بسوی مسجد الحرام کن، و (ای مؤمنان) هر جا که بودید روی خود را به سوی آن کنید، تا مردم؛- جز کسانی از ایشان که ستم کردند - بر شما حجتی نداشته باشند».

زیرا مشرکان می‌گفتند قبلۀ محمد که آیین ابراهیم را ادعا می‌کند، با قبلۀ ابراهیم متفاوت است.

الله در ادامه نعمت خویش را برای اصحاب پیامبرش و همسایگان خانۀ کهن خویش بیان می‌کند که این خانه را قبلۀ آنان قرار داد و رسولی از میان خودشان فرستاد که آنان را هدایت می‌کند و تعلیم می‌دهد و پاکیزه می‌سازد؛ بنابراین، باید شکر نعمت الله را به جا آورند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلِأُتِمَّ نِعۡمَتِي عَلَيۡكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَهۡتَدُونَ١٥٠ كَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِيكُمۡ رَسُولٗا مِّنكُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمۡ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ١٥١ فَٱذۡكُرُونِيٓ أَذۡكُرۡكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِي وَلَا تَكۡفُرُونِ١٥٢﴾ [البقرة: 150-152]. «و تا نعمت خود را بر شما تمام کنم، و باشد که هدایت شوید. چنانکه پیامبری از خودتان در میان شما فرستادیم، که آیات ما را بر شما می‌خواند، و شما را پاک می‌گرداند، و به شما کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد، و آنچه نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد. پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و سپاس مرا گویید و ناسپاسی من نکنید».

مسجدالحرام، مقدس‌ترین مکان بر روی زمین است که بزرگ‌ترین خانه و آیات روشن در آن قرار دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيۡتٖ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكٗا وَهُدٗى لِّلۡعَٰلَمِينَ٩٦ فِيهِ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ مَّقَامُ إِبۡرَٰهِيمَۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنٗا﴾ [آل عمران: 96-97]. «براستی نخستین خانه‌ای که برای (عبادت) مردم قرار داده شده، همان است که در مکه است، که پر برکت و (مایه) هدایت جهانیان است. در آن نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است. و هر کس داخل آن (حرم) شود؛ در امان خواهد بود».

﴿إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِ﴾ [البقرة: 158]. «همانا «صفا» و «مروه» از شعائر (نشانه‌های) الله است».

﴿ذَٰلِكَۖ وَمَن يُعَظِّمۡ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقۡوَى ٱلۡقُلُوبِ٣٢﴾ [الحج: 32]. «(حکم) این است، و کسی‌که شعائر الهی را بزرگ دارد، پس بی‌گمان این (کار) از پرهیزگاری دل‌هاست».

ستمکارتر از آن کس وجود ندارد که علیه مساجد خدا می‌جنگد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآۚ أُوْلَٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمۡ أَن يَدۡخُلُوهَآ إِلَّا خَآئِفِينَۚ لَهُمۡ فِي ٱلدُّنۡيَا خِزۡيٞ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٞ١١٤﴾ [البقرة: 114]. «و کیست ستمکارتر از آن کس که مسجد‌های الله را باز داشت که در آن نام الله برده شود، و در ویرانی آن‌ها کوشید؟! شایسته آنان نیست، جز به حال ترس وارد این مساجد شوند، بهره آنان در دنیا خواری و رسوائی، و در آخرت عذاب بزرگی است».

برخی دشمنان دین، مردم را از مسجد الحرام بازمی‌دارند؛ زیرا گردهم‌آیی مؤمنان و توجه دل‌هایشان به‌سوی الله به تنهایی، آنان را به خشم می‌آورد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ ٱلَّذِي جَعَلۡنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً ٱلۡعَٰكِفُ فِيهِ وَٱلۡبَادِۚ وَمَن يُرِدۡ فِيهِ بِإِلۡحَادِۢ بِظُلۡمٖ نُّذِقۡهُ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ٢٥﴾ [الحج: 25]. «بی‌گمان کسانی‌که کافر شدند، و (مردم را) از راه الله باز می‌دارند و (همچنین از) مسجد الحرام، که آن را برای (همه‌ی) مردم یکسان قرار دادیم، (چه) مقیم در آنجا و یا وارد بر آن، و کسی‌که از روی ستم در آن‌جا کج‌روی (و انحراف از حق را) بخواهد، از عذاب دردناک به او می‌چشانیم».

یکی از صفات منافقان این است که از طریق دوستی با کافران، در جستجوی عزت هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿بَشِّرِ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ بِأَنَّ لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمًا١٣٨ ٱلَّذِينَ يَتَّخِذُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۚ أَيَبۡتَغُونَ عِندَهُمُ ٱلۡعِزَّةَ فَإِنَّ ٱلۡعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعٗا١٣٩﴾ [النساء: 138-139]. «به منافقان بشارت ده که برایشان عذابی دردناک است. آنان که کافران را به جای مؤمنان به دوستی بر می‌گزینند، آیا به نزد آنان عزت می‌جویند؟ پس (بدانند که) عزت همه ازآن الله است».

عزت، مخصوص الله و رسولش و مؤمنان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَٰكِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَا يَعۡلَمُونَ﴾ [المنافقون: 8]. «در حالی‌که عزت از آنِ الله، و فرستادة او و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند».

﴿وَلَا تَهِنُواْ وَلَا تَحۡزَنُواْ وَأَنتُمُ ٱلۡأَعۡلَوۡنَ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ١٣٩﴾ [آل عمران: 139]. «و سست نشوید و اندوهگین نگردید، و شما برتر هستید؛ اگر مؤمن باشید».

دوستان مومنان، الله و رسولش و مؤمنان هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُمۡ رَٰكِعُونَ٥٥ وَمَن يَتَوَلَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فَإِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ٥٦﴾ [المائدة: 55-56]. «یار و ولی شما تنها الله است، و پیامبراش و آن‌ها که ایمان آورده‌اند، (همان)کسانی‌که نماز را بر پا می‌دارند و آنان با خشوع و فروتنی زکات را می‌دهند. و هر کس الله و پیامبر او و کسانی را ‌که ایمان آورده‌اند، دوست بدارد، (او از حزب الله است و) یقیناً حزب الله پیروز است».

﴿وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖ﴾ [التوبة: 71]. «و مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان (و یاور) یکدیگرند».

الله بندگان مؤمن خویش را از تکیه و اعتماد به کافران و دوستی با آنان نهی می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ [النساء: 144]. «ای کسانی‌که ایمان آوردید! کافران را به جای مؤمنان دوستان (خود) نگیرید».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلنَّصَٰرَىٰٓ أَوۡلِيَآءَۘ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَإِنَّهُۥ مِنۡهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ٥١ فَتَرَى ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ يُسَٰرِعُونَ فِيهِمۡ يَقُولُونَ نَخۡشَىٰٓ أَن تُصِيبَنَا دَآئِرَةٞ﴾ [المائدة: 51-52]. «ای کسانی‌که ایمان آوردید! یهود و نصاری را به دوستی بر نگزینید، آنان دوستان یکدیگرند، و کسانی‌که از شما با آن‌ها دوستی کنند، از آن‌ها هستند، همانا الله گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند. پس کسانی را که در دل‌های شان بیماری (= نفاق) است می‌بینی که در (دوستی با) آنان می‌شتابتند (و) می‌گویند: می ترسیم که آسیبی به ما برسد».

منافقان در دوستی با کافران پیش‌قدمی می‌کنند؛ زیرا می‌ترسند که کفار بر مسلمانان چیره شوند. منافقان این کار را انجام می‌دهند تا جایگاهی نزد کفار داشته باشند.

الله سبحانه بیان فرمود دشمنانش که به او تعالی و رسولش کافر هستند، مردم را از دینش که آن را برای بندگانش پسندید، بازمی‌دارند و برای این کار، اموال و توان‌شان را هزینه می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ لِيَصُدُّواْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾ [الأنفال: 36]. «به راستی کسانی‌که کافر شدند، اموال‌شان را برای باز‌داشتن (مردم) از راه الله خرچ می‌کنند».

﴿قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَنتَهُواْ يُغۡفَرۡ لَهُم مَّا قَدۡ سَلَفَ﴾ [الأنفال: 38].

یعنی اگر از کفر و بازداشتن از دین الله و دشمنی با مؤمنان دست بکشند.

﴿وَإِن يَعُودُواْ فَقَدۡ مَضَتۡ سُنَّتُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾ [الأنفال: 38]. «(ای پیامبر!) به کسانی‌که کافر شدند بگو: اگر (از کفر و دشمنی) دست بر دارند، گذشته‌هایشان آمرزیده می‌شود».

متجاوز، به عقوبت و عذاب گرفتار می‌آید.

﴿وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ كُلُّهُۥ لِلَّهِ﴾ [الأنفال: 39]. «و با آن‌ها پیکار کنید، تا فتنۀ (شرک) ریشه کن شود، و (پرستش و) دین، همه از آن الله باشد».

تا بندگان الله را به فتنه نیندازند و آنان را از دین الله که آن را برای بندگانش پسندید، بازندارند.

﴿فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ٣٩ وَإِن تَوَلَّوۡاْ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَوۡلَىٰكُمۡۚ نِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ٤٠﴾ [الأنفال: 39-40]. «پس اگر آن‌ها (از شرک و آزار و اذیت) دست بر دارند، الله به آنچه می‌کنند؛ بیناست. و اگر (سرپیچی و) روی گردانی کنند، پس بدانید که الله سرپرست (و مولای) شماست، چه نیکو سرپرست و چه نیکو یاوری است».

الله سبحانه فرمود که کافران با وجود اختلاف مذاهب‌شان، ضد پیروان ایمان و حقیقت، متحد هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٍۚ إِلَّا تَفۡعَلُوهُ تَكُن فِتۡنَةٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَفَسَادٞ كَبِيرٞ٧٣﴾ [الأنفال: 73]. «و کسانی‌که کافر شدند، دوستدار (و یاور) یکدیگرند، اگر (شما ای مؤمنان این کار را) نکنید، فتنه و فسادی بزرگ در زمین بر پا خواهد شد».

پیامبران و بندگان صالح الله، از اینکه مبادا دین یا حاملان دین از بین بروند، دچار غم و اندوه و دلتنگی می‌شوند، اما الله به پیامبرانش امر می‌فرماید که اندوهگین مباشند و پیامبران به پیروان‌شان دستور می‌دهند که اندوهگین مباشند؛ زیرا الله دین خویش را یاری می‌رساند و همراه دوستانش است:

الله خطاب به پیامبرش ج می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَلَا تَكُ فِي ضَيۡقٖ مِّمَّا يَمۡكُرُونَ﴾ [النحل: 127]. «و بر آن‌ها اندوهگین مشو، و از آنچه مکر می‌ورزند؛ دلتنگ مباش».

الله خطاب به لوط ÷ می‌فرماید: ﴿لَا تَخَفۡ وَلَا تَحۡزَنۡ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهۡلَكَ﴾ [العنکبوت: 33]. «نترس، و غمگین مباش، بی‌گمان ما تو و خانواده‌ات را نجات خواهیم داد».

محمد ج خطاب به یار غارش فرمود: ﴿لَا تَحۡزَنۡ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَنَا﴾ [التوبة: 40]. «اندوهگین مباش، یقیناً الله با ماست».

اسباب رفع بلا و تسلط دشمنان:

تحقق ایمان و ترک گناهان:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَوَ لَمۡ يَهۡدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِ أَهۡلِهَآ أَن لَّوۡ نَشَآءُ أَصَبۡنَٰهُم بِذُنُوبِهِمۡۚ وَنَطۡبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ فَهُمۡ لَا يَسۡمَعُونَ١٠٠ تِلۡكَ ٱلۡقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيۡكَ مِنۡ أَنۢبَآئِهَاۚ وَلَقَدۡ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤۡمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ مِن قَبۡلُۚ كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلۡكَٰفِرِينَ١٠١﴾ [الأعراف: 100-101]. «آیا برای آنان که زمین را پس از (نابود کردن) اهلش به ارث می‌برند، روشن (و واضح) نشده است که اگر بخواهیم آن‌ها را (نیز) به (کیفر) گناهان‌شان هلاک می‌کنیم، و بر دل‌های شان مهرمی نهیم، آنگاه آنان (صدای حق و پندی را) نمی‌شنوند. این‌ها، شهرها (و آبادی‌هایی) است که برخی از اخبار آن را بر تو حکایت می‌کنیم، و محققاً پیامبران‌شان دلایل (و معجزات) روشن برای آنان آورند، پس هرگز به آنچه از پیش تکذیب کرده بودند، ایمان نیاوردند، اینگونه الله بر دل‌های کافران مهر می‌نهد».

اظهار فروتنی و تواضع و پناه‌بردن به الله با دعا:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلَوۡلَآ إِذۡ جَآءَهُم بَأۡسُنَا تَضَرَّعُواْ وَلَٰكِن قَسَتۡ قُلُوبُهُمۡ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ٤٣ فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦ فَتَحۡنَا عَلَيۡهِمۡ أَبۡوَٰبَ كُلِّ شَيۡءٍ حَتَّىٰٓ إِذَا فَرِحُواْ بِمَآ أُوتُوٓاْ أَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةٗ فَإِذَا هُم مُّبۡلِسُونَ٤٤﴾ [الأنعام: 43-44]. «پس چرا هنگامی‌که عذاب ما به آن‌ها رسید زاری نکردند؟ (و تسلیم نشدند؟!) بلکه دل‌های آن‌ها سخت شد، و شیطان، هر کاری که می‌کردند، در نظرشان آراست. پس چون آنچه را به آن‌ها یاد آوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز را به روی آن‌ها گشودیم تا وقتی که به آنچه داده شدند شاد گشتند، ناگهان آن‌ها را گرفتیم، در این هنگام همه مأیوس شدند».

امر به معروف و نهی از منکر:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِۦٓ أَنجَيۡنَا ٱلَّذِينَ يَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلسُّوٓءِ وَأَخَذۡنَا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ بِعَذَابِۢ بَ‍ِٔيسِۢ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ١٦٥﴾ [الأعراف: 165]. «پس چون آنچه را که به آن پند داده شدند، فراموش کردند، کسانی را که از بدی نهی می‌کردند، نجات دادیم، و کسانی را که ستم کردند، به (کیفر) آنکه نافرمان بودند، به عذابی سخت گرفتار ساختیم».

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهۡلِكَ ٱلۡقُرَىٰ بِظُلۡمٖ وَأَهۡلُهَا مُصۡلِحُونَ١١٧﴾ [هود: 117]. «و (ای پیامبر!) پروردگارت چنین نبود که شهرها (و آبادی‌ها) را به ظلم نابود کند، در حالی‌که اهل آن (افرادی شایسته و) نیکوکار باشند».

اگر مؤمن بر اقامۀ دین خویش توانا نباشد یا امنیت جانی و مالی و آبرویی نداشته باشد، باید دیار خویش را رها نموده و در راه الله مهاجرت کند؛ زیرا الله به او یاری می‌رساند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡ قَالُواْ فِيمَ كُنتُمۡۖ قَالُواْ كُنَّا مُسۡتَضۡعَفِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ قَالُوٓاْ أَلَمۡ تَكُنۡ أَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٗ فَتُهَاجِرُواْ فِيهَاۚ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرًا٩٧ إِلَّا ٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلۡوِلۡدَٰنِ لَا يَسۡتَطِيعُونَ حِيلَةٗ وَلَا يَهۡتَدُونَ سَبِيلٗا٩٨ فَأُوْلَٰٓئِكَ عَسَى ٱللَّهُ أَن يَعۡفُوَ عَنۡهُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَفُوًّا غَفُورٗا٩٩ ۞وَمَن يُهَاجِرۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يَجِدۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُرَٰغَمٗا كَثِيرٗا وَسَعَةٗۚ وَمَن يَخۡرُجۡ مِنۢ بَيۡتِهِۦ مُهَاجِرًا إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ يُدۡرِكۡهُ ٱلۡمَوۡتُ فَقَدۡ وَقَعَ أَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا١٠٠﴾ [النساء: 97-100]. «همانا کسانی‌که فرشتگان جان‌شان را گرفتند در حالی‌که به خویشتن ستم کرده بودند (فرشتگان) به آنان گفتند: شما در چه حالی بودید؟ گفتند: «ما در زمین مستضعف بودیم» (فرشتگان) گفتند: «مگر سر زمین خدا، پهناور نبود که در آن مهاجرت کنید؟» بنابراین جایگاه‌شان دوزخ است و بدجایی است. مگر آن مستضعفان از مردان و زنان و کودکانی که نه چاره‌ای دارند و نه راهی (برای نجات) می‌یابند. پس اینان را امید است که الله از ایشان در گذرد (و ببخشاید) و الله بخشاینده‌ی آمرزنده‌است. و کسی‌که در راه الله هجرت کند در زمین جاهای امن فراوان و گشایش (در رزق و روزی) می‌یابد. و کسی‌که به قصد هجرت به سوی الله و پیامبرش، از خانه خود بیرون رود، آنگاه مرگش فرا رسد، قطعاً پاداشش بر الله است. و الله آمرزنده‌ی مهربان است».

مؤمنان دوستان یکدیگر هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖ﴾ [التوبة: 71]. «و مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان (و یاور) یکدیگرند».

الله یکی از صفاتی را که از جانب بندگانش دوست دارد اینگونه بیان می‌فرماید که هر گاه ستمی به آنان روا داشته شود، آن را بدون تجاوز از حد دفع می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ ٱلۡبَغۡيُ هُمۡ يَنتَصِرُونَ٣٩ وَجَزَٰٓؤُاْ سَيِّئَةٖ سَيِّئَةٞ مِّثۡلُهَاۖ فَمَنۡ عَفَا وَأَصۡلَحَ فَأَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ٤٠ وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعۡدَ ظُلۡمِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَا عَلَيۡهِم مِّن سَبِيلٍ٤١ إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَظۡلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ٤٢﴾ [الشورى: 39-46]. «و کسانی‌که چون ستمی به آن‌ها برسد، انتقام می‌گیرند. و جزایی بدی، بدیی است همانند آن، پس هر کس که در گذرد، و اصلاح (و آشتی) کند، پاداشش بر الله است، بی‌گمان او ستمکاران را دوست ندارد. و کسی‌که پس از ستمی که بر او رفته است، انتقام بگیرد، پس اینانند که هیچ راه (ملامتی) بر آنان نیست. تنها راه (ملامت) بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند، و در زمین به ناحق سرکشی (و ستم) می‌کنند، اینانند که برای‌شان عذابی دردناک است».

﴿وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ١٩٠﴾ [البقرة: 190]. «و در راه الله با کسانی‌که با شما می‌جنگند، جنگ کنید و از حد تجاوز نکنید، که الله تجاوزگران را دوست نمی‌دارد».

اگر در راه الله با کسانی که با آنان می‌جنگند، بجنگند و کشته شوند، ساکن بهشت می‌شوند؛ این وعده‌ای است از جانب الله ـ که هرگز در وعدۀ خویش خلاف نمی‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱشۡتَرَىٰ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَنفُسَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُم بِأَنَّ لَهُمُ ٱلۡجَنَّةَۚ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقۡتُلُونَ وَيُقۡتَلُونَۖ وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ وَٱلۡقُرۡءَانِۚ وَمَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ مِنَ ٱللَّهِۚ فَٱسۡتَبۡشِرُواْ بِبَيۡعِكُمُ ٱلَّذِي بَايَعۡتُم بِهِۦۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ١١١﴾ [التوبة: 111]. «بی‌گمان الله از مؤمنان جان‌هايشان و اموال‌شان را خريده است، به (بهاى) اينكه بهشت برای آن‌ها باشد. (بدین صورت که): در راه الله جنگ می‌کنند، پس می‌کشند، و کشته می‌شوند، (این) وعده‌ی حقی است بر او، (که) در تورات و انجیل و قرآن (آمده است) و چه کسی از الله به عهدش وفا دارتر است؟! پس شاد باشید، به داد و ستدی که شما با او کرده‌اید، و این همان کامیابی بزرگ است».

به این دلیل، مؤمنان هنگام رویارویی با دشمن، هرگز فرار نمی‌کنند؛ بعلاوه، الله آنان را از این کار بازداشته است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ زَحۡفٗا فَلَا تُوَلُّوهُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ١٥﴾ [الأنفال: 15]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! چون با انبوه کافران (در میدان جنگ) روبرو شوید، پس به آن‌ها پشت نکنید».

الله بر بندگان مؤمن خویش واجب کرده که اگر برادران‌شان از آنان درخواست یاری کردند، وظیفۀ یاری را به پا دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنِ ٱسۡتَنصَرُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ فَعَلَيۡكُمُ ٱلنَّصۡرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوۡمِۢ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞ﴾ [الأنفال: 72]. «و اگر در (کار) دین از شما یاری خواستند، پس برشماست که (آن‌ها را) یاری کنید، مگر بر علیه گروهی که میان شما و آن‌ها پیمانی است».

﴿وَمَا لَكُمۡ لَا تُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلۡمُسۡتَضۡعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَآءِ وَٱلۡوِلۡدَٰنِ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا مِنۡ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ ٱلظَّالِمِ أَهۡلُهَا وَٱجۡعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيّٗا وَٱجۡعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا٧٥ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱلطَّٰغُوتِ فَقَٰتِلُوٓاْ أَوۡلِيَآءَ ٱلشَّيۡطَٰنِۖ إِنَّ كَيۡدَ ٱلشَّيۡطَٰنِ كَانَ ضَعِيفًا٧٦﴾ [النساء: 75-76]. «و شما را چه شده‌است که در راه الله و (برای یاری) مردان و زنان و کودکان، مستضعف پیکار نمی‌کنید، آنان که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند، بیرون ببر، و از جانب خود، برای ما سر پرستی قرار بده، و از جانب خود یار و مددکاری برای ما مقرر کن». کسانی‌که ایمان آورده‌اند در راه الله پیکار می‌کنند، و آنان که کافرند در راه طاغوت (= بت و شیطان) پیکار می‌کنند، پس شما با یاران شیطان پیکار کنید، قطعاً نیرنگ (و نقشه) شیطان ضعیف است».

﴿قَٰتِلُوهُمۡ يُعَذِّبۡهُمُ ٱللَّهُ بِأَيۡدِيكُمۡ وَيُخۡزِهِمۡ وَيَنصُرۡكُمۡ عَلَيۡهِمۡ وَيَشۡفِ صُدُورَ قَوۡمٖ مُّؤۡمِنِينَ١٤ وَيُذۡهِبۡ غَيۡظَ قُلُوبِهِمۡ﴾ [التوبة: 14-15]. «با آن‌ها بجنگید، تا الله با دستان شما عذاب‌شان کند، و آنان را رسوا سازد، و شما را بر آن‌ها پیروزی دهد، و سينۀ گروه مؤمنان راشفا می‌بخشد. و خشم دل‌های شان را از میان می‌برد».

جهاد با مال، مقدم بر جهاد با جان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ لَمۡ يَرۡتَابُواْ وَجَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصَّٰدِقُونَ١٥﴾ [الحجرات: 15]. «مؤمنان (حقیقی) تنها کسانی اند که به الله و پیامبرش ایمان آورده‌اند، سپس (در این باره) شک (و تردید) نکرده‌اند، و با اموال خود و جان های خود در راه الله جهاد کرده‌اند، اینانند که راستگویانند».

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡ أَعۡظَمُ دَرَجَةً عِندَ ٱللَّهِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَآئِزُونَ٢٠﴾ [التوبة: 20]. «(مقام) کسانی‌که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال‌شان و جان‌هایشان در راه الله جهاد کردند، نزد الله برتر (و بلندمرتبه‌تر) است، و آن‌ها همان رستگارانند».

این امر، حکمت و رحمت الله بر بندگانش است که اگر هر‌کس به دلیل دوری یا ناتوانی، قادر بر یاری ستمدیدگان نباشد، از مزد جهاد با مال محروم نماند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَا﴾ [البقرة: 286]. «الله هیچ کس را جز به‌اندازه توانش تکلیف نمی‌کند».

الله مجاهدان در راه خویش و یاوران آنان را مؤمنان حقیقی معرفی می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗاۚ لَّهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ٧٤﴾ [الأنفال: 74]. «و کسانی‌که ایمان آوردند، و هجرت نمودند، و در راه الله جهاد کردند، و کسانی‌که (ایشان را) پناه دادند و یاری نمودند، اینان مؤمنان حقیقی هستند، برای آن‌ها آمرزش و روزی شایسته‌ای خواهد بود».

الله به مجاهدان در راه خویش برای اعتلای دینش، یاری و تأیید و در آخرت، زندگی خوش و خرم و مرفه وعده داده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِذۡ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ أَنِّي مَعَكُمۡ فَثَبِّتُواْ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ سَأُلۡقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ ٱلرُّعۡبَ فَٱضۡرِبُواْ فَوۡقَ ٱلۡأَعۡنَاقِ وَٱضۡرِبُواْ مِنۡهُمۡ كُلَّ بَنَانٖ١٢ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ شَآقُّواْ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥۚ وَمَن يُشَاقِقِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ١٣﴾ [الأنفال: 12-13]. «(و به یاد آور) هنگامی‌که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «من با شما هستم، پس کسانی را که ایمان آورده‌اند؛ ثابت قدم دارید، به زودی در دل کسانی‌که کافر شدند؛ ترس و هراس می‌افکنم، پس بر فراز گردن‌ها بزنید، و همۀ انگشتان‌شان را بزنید (و قطع کنید). این بخاطر آن است که آن‌ها با الله و رسولش مخالفت کردند، و هر کس با الله و رسولش مخالفت کند، پس (بداند که) الله سخت کیفراست».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ تِجَٰرَةٖ تُنجِيكُم مِّنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ١٠ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ بِأَمۡوَٰلِكُمۡ وَأَنفُسِكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ١١ يَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡ وَيُدۡخِلۡكُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَمَسَٰكِنَ طَيِّبَةٗ فِي جَنَّٰتِ عَدۡنٖۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ١٢ وَأُخۡرَىٰ تُحِبُّونَهَاۖ نَصۡرٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَتۡحٞ قَرِيبٞۗ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ١٣ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُوٓاْ أَنصَارَ ٱللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ لِلۡحَوَارِيِّ‍ۧنَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِۖ فَ‍َٔامَنَت طَّآئِفَةٞ مِّنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَكَفَرَت طَّآئِفَةٞۖ فَأَيَّدۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ عَلَىٰ عَدُوِّهِمۡ فَأَصۡبَحُواْ ظَٰهِرِينَ١٤﴾ [الصف: 10-14]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک نجات می‌دهد؟ به الله و پیامبرش ایمان بیاورید، و با اموال و جان‌های‌تان در راه الله جهاد کنید، اگر بدانید این (کار) برای شما بهتر است. (اگر چنین کردید، الله) گناهان‌تان را می‌بخشد، و شما را در باغ‌هایی (از بهشت) وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، و در خانه‌های پاکیزه در بهشت جاویدان (جای می‌دهد)، این کامیابی بزرگی است. و (نعمت) دیگری که آن را دوست دارید (نیز به شما عنایت می‌فرماید) که آن یاری از سوی الله و پیروزی نزدیک است، و مؤمنان را (به این پیروزی) بشارت ده. ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! یاوران (دین) الله باشید، همان‌گونه که عیسی پسر مریم به حواریون گفت: «چه کسانی یاوران من (در دعوت) به سوی الله هستند؟!» حواریون گفتند: «ما یاوران (دین) الله هستیم» پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند، و گروهی کافر شدند، آنگاه ما کسانی را که ایمان آورده بودند بر دشمنان‌شان قوت (و توانایی) دادیم و سرانجام پیروز شدند».

برای اینکه یاری و تایید از جانب الله برای مجاهدان در راه او تعالی محقق شود، باید به ایمان جامۀ عمل بپوشانند و تقوا پیشه کنند و با انجام طاعات و توبه به‌سوی الله و ترک گناهان و یاری دین الله در حد توان خویش به الله روی بیاورند و الله را به تنهایی بپرسند بگونه‌ای که هیچ چیز را با او شریک نگردانند و شکیبایی پیشه کنند و با یکدیگر اختلاف نورزند و آنچه را نمی‌دانند از آگاهان بپرسند. بدین ترتیب، بزرگ‌ترین قدرت را به دست خواهند آورد، هر چند اندک باشند و بدین منظور، مال هزینه می‌کنند و بسیار ذکر الله و دعا می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَيَسۡتَخۡلِفَنَّهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ كَمَا ٱسۡتَخۡلَفَ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمۡ دِينَهُمُ ٱلَّذِي ٱرۡتَضَىٰ لَهُمۡ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنۢ بَعۡدِ خَوۡفِهِمۡ أَمۡنٗاۚ يَعۡبُدُونَنِي لَا يُشۡرِكُونَ بِي شَيۡ‍ٔٗاۚ وَمَن كَفَرَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ٥٥﴾ [النور: 55]. «الله به کسانی از شما که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند؛ وعده داده است که قطعاً آن‌ها را در زمین جانشین (و حکمران) خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آن‌ها بودند جانشین (و حکمران) ساخت، و دین‌شان را که برای آن‌ها پسندیده است برای آن‌ها استوار (و پا برجا) سازد، و یقیناً (خوف و) ترس‌شان را به آرامش و امنیت مبدل می‌کند، تنها مرا پرستش می‌کنند و چیزی را با من شریک نمی‌سازند، و کسانی‌که بعد از این کافر شوند، اینانند که فاسقند».

﴿إِن تَنصُرُواْ ٱللَّهَ يَنصُرۡكُمۡ وَيُثَبِّتۡ أَقۡدَامَكُمۡ﴾ [محمد: 7]. «اگر (دین) الله را یاری کنید، (الله) شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را (ثابت و) استوار می‌دارد».

﴿وَإِن تَصۡبِرُواْ وَتَتَّقُواْ لَا يَضُرُّكُمۡ كَيۡدُهُمۡ شَيۡ‍ًٔاۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ مُحِيطٞ﴾ [آل عمران: 120]. «و اگر شما صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، مکر و نیرنگ شان هیچ زیانی به شما نمی‌رسد، بی‌شک الله به آنچه می‌کنند؛ احاطه دارد».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا لَقِيتُمۡ فِئَةٗ فَٱثۡبُتُواْ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ٤٥ .... وَلَا تَنَٰزَعُواْ فَتَفۡشَلُواْ وَتَذۡهَبَ رِيحُكُمۡۖ وَٱصۡبِرُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾ [الأنفال: 45-46]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! هنگامی‌که با گروهی (از دشمن) روبرو شدید، پایدار (و ثابت قدم) باشید، و الله را بسیار یاد کنید، تا رستگار شوید. .... و با همدیگر نزاع نکنید، که سست شوید، و قوت (و مهابت) شما از میان برود، و صبر کنید، بی‌گمان الله با صابران است».

﴿وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيّٖ قَٰتَلَ مَعَهُۥ رِبِّيُّونَ كَثِيرٞ فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ أَصَابَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا ٱسۡتَكَانُواْۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ١٤٦ وَمَا كَانَ قَوۡلَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ١٤٧﴾ [آل عمران: 146-147]. «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، مردان خدايي نبرد کردند، آن‌ها هیچ گاه در برابر آنچه در راه الله بدیشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند، و زبونی نشان ندادند (و تسلیم دشمن نشدند) و الله شکیبایان را دوست دارد. و سخن آنان جز این نبود که گفتند: «پروردگارا! گناهان ما را بیامرز، و از زیاده روی ما، در کارمان (بر ما بیامرز) و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران، پیروز گردان».

پس از بکارگیری این اسباب که الله آنها را در کتاب گرامی‌اش توضیح داد، یاری الله برای بندگانش نازل می‌شود و دشمنان به صلح روی می‌آورند. زیرا الله بزرگ‌تر از آن است که تصور شود و عزت مخصوص اوست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن قُوَّةٖ وَمِن رِّبَاطِ ٱلۡخَيۡلِ تُرۡهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمۡ وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِمۡ لَا تَعۡلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعۡلَمُهُمۡۚ وَمَا تُنفِقُواْ مِن شَيۡءٖ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيۡكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا تُظۡلَمُونَ٦٠ ۞وَإِن جَنَحُواْ لِلسَّلۡمِ فَٱجۡنَحۡ لَهَا وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ﴾ [الأنفال: 60-61]. «و آنچه از نیرو در توان دارید؛ برای (مقابله با) آن‌ها آماده سازید، و (همچنین) از اسبان بسته (ی ورزیده، مهیا کنید) تا به وسیلۀ آن دشمن الله و دشمن خود را بترسانید، و (همچنین) دشمنان دیگری غیر از آن‌ها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد (بترسانید) و هر چیزی را که در راه الله خرچ می‌کنید، (پاداشش) به تمام و کمال به شما داده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد. و اگر به صلح مایل شدند، پس تو (نیز) از در صلح درآی، و بر الله توکل کن».

الله جهاد را برای درهم‌شکستن دژهای ستمگران که با بازداشتن از دین الله و بدنام‌کردن آن، میان مردم و دین الله عزوجل مانع ایجاد می‌کنند، تشریع فرمود. اما اگر دین الله که رسولانش را با آن فرستاد برای مردم آشکار شود، بر پذیرش آن مجبور نمی‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ لِلَّهِۖ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَلَا عُدۡوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ١٩٣﴾ [البقرة: 193]. «و با آن‌ها جنگ کنید؛ تا فتنه (شرک) باقی نماند، و دین (خالصانه) از آن الله گردد. پس اگر دست برداشتند؛ تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست».

﴿لَآ إِكۡرَاهَ فِي ٱلدِّينِۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ﴾ [البقرة: 256]. «در (قبول) دین هیچ اجباری نیست، به راستی که راه راست (و هدایت) از راه انحراف (و گمراهی) روشن شده است».

مومنان به عهد و پیمان وفادارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ ٱلۡمِيثَٰقَ٢٠﴾ [الرعد: 20]. «(همان) کسانی‌که به پیمان الله وفا می‌کنند، و عهد (و پیمان) را نمی‌شکنند».

﴿وَأَوۡفُواْ بِٱلۡعَهۡدِۖ إِنَّ ٱلۡعَهۡدَ كَانَ مَسۡ‍ُٔولٗا﴾ [الإسراء: 34]. «و به عهد (خویش) وفا کنید، بی‌گمان از عهد سؤال می‌شود».

اما کسانی که به الله ایمان ندارند، هر بار نقض پیمان می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ٥٥ ٱلَّذِينَ عَٰهَدتَّ مِنۡهُمۡ ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهۡدَهُمۡ فِي كُلِّ مَرَّةٖ وَهُمۡ لَا يَتَّقُونَ٥٦﴾ [الأنفال: 55-56]. «کسانی هستند که کافر شدند، پس آنان ایمان نمی‌آورند. کسانی‌که با آن‌ها پیمان بستی، سپس هر بار پیمان خود را می‌شکنند، و آن‌ها (در خیانت و پیمان‌شکنی از الله) نمی‌ترسند».

﴿وَٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهۡدَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعۡدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقۡطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ وَيُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ٢٥﴾ [الرعد: 25]. «و کسانی‌که پیمان الله را پس از استوار کردنش می‌شکنند، و آنچه را که الله به پیوستن آن فرمان داده؛ قطع می‌کنند، و در زمین فساد می‌نمایند، لعنت برای آن‌هاست، و برای آن‌ها سختی (و بدی) آن سرای (آخرت) است».

آنگاه که مؤمنان پیروز شدند و حق به مردم رسید، با اسلام که فضل و رحمت الله و نعمت اوست که آن را بر بندگانش کامل کرد، رستگار شدند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ بِفَضۡلِ ٱللَّهِ وَبِرَحۡمَتِهِۦ فَبِذَٰلِكَ فَلۡيَفۡرَحُواْ هُوَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ٥٨﴾ [یونس: 58]. «بگو: به فضل الله و به رحمت او، پس باید بدان خوشحال شوند، که آن از آنچه می‌اندوزند؛ بهتر است».

﴿ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗا﴾ [المائدة: 3]. «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را (بعنوان) دین برای شما بر گزیدم».

اسلام، دین مهرورزی و صلح و عدالت و دعوت به نیکی است:

کسانی که اسلام را به ظلم و تجاوز و ایجاد کینه متهم می‌کنند، در کتاب الله و سنت رسولش ج هیچ مطلبی نیافته‌اند که به چنین مواردی فراخواند. بلکه در کتاب الله، موارد زیر وجود دارد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡ﴾ [الحجرات: 13]. «ای مردم! بی‌شک ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست».

﴿ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ﴾ [النحل: 125]. «با حکمت و پند نیکو (مردم را) به راه پروردگارت دعوت نما، و با روشی که نیکو‌تر است، با آن‌ها (بحث و) مناظره کن».

﴿وَإِن جَنَحُواْ لِلسَّلۡمِ فَٱجۡنَحۡ لَهَا﴾ [الأنفال: 61]. «و اگر به صلح مایل شدند، پس تو (نیز) از در صلح درآی».

﴿وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعۡدَ ظُلۡمِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَا عَلَيۡهِم مِّن سَبِيلٍ٤١ إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَظۡلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ٤٢ وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ٤٣﴾ [الشورى: 41-43]. «و کسی‌که پس از ستمی که بر او رفته است، انتقام بگیرد، پس اینانند که هیچ راه (ملامتی) بر آنان نیست. تنها راه (ملامت) بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند، و در زمین به ناحق سرکشی (و ستم) می‌کنند، اینانند که برایشان عذابی دردناک است. و کسی‌که شکیبایی کند، و در گذرد، بی‌گمان این از کارهای سترگ (پسندیده) است».

﴿لَّا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَلَمۡ يُخۡرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ أَن تَبَرُّوهُمۡ وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ٨ إِنَّمَا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ قَٰتَلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَأَخۡرَجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ وَظَٰهَرُواْ عَلَىٰٓ إِخۡرَاجِكُمۡ أَن تَوَلَّوۡهُمۡۚ وَمَن يَتَوَلَّهُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ٩﴾ [الممتحنة: 8-9]. «الله شما را از نیکی‌کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی‌که در (امر) دین با شما نجنگیده‌اند و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، نهی نمی‌کند، بی‌گمان الله عدالت پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی با کسانی نهی می‌کند که در (امر) دین با شما جنگیده‌اند و شما را از دیارتان بیرون کرده‌اند، و بر بیرون‌راندن شما (دیگران را) کمک (و پشتیبانی) کرده‌اند، و هرکس با آن‌ها (رابط) دوستی بگیرد، پس آنان ستمکارانند».

در سنت رسول الله نیز، دعوت به مهرورزی و نیکی مشاهده می‌شود، زیرا الله در مورد پیامبر خویش می‌فرماید: ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ١٠٧﴾ [الأنبیاء: 107]. «و (ای پیامبر!) تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

دین اسلام، حتی در برابر متجاوز، به عدالت فرامی‌خواند و هیچ‌کس را به گناه دیگری مجازات نمی‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ١٩٠﴾ [البقرة: 190]. «و در راه الله با کسانی‌که با شما می‌جنگند، جنگ کنید، و از حد تجاوز نکنید، که الله تجاوزگران را دوست نمی‌دارد».

﴿فَلَا عُدۡوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [البقرة: 193]. «تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست».

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰ﴾ [الأنعام: 164]. «و هيچ گناه‌کاری بارگناه ديگری را به دوش نمی‌گيرد».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ لِلَّهِ شُهَدَآءَ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَ‍َٔانُ قَوۡمٍ عَلَىٰٓ أَلَّا تَعۡدِلُواْۚ ٱعۡدِلُواْ هُوَ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ٨﴾ [المائدة: 8]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! همواره برای الله قیام کنید و به عدالت گواهی دهید، دشمنی با گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید؛ عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است و از الله بترسید، همانا الله به آنچه می‌کنید؛ آگاه است».

ظلم و تجاوز و فتنه‌انگیزی و آسان‌گیری در خونریزی، خصلت دورغگویان است که ادعای اسلام می‌کنند تا از این طریق، تصویر اسلام را مخدوش کنند و مردم را از آن بازدارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعۡجِبُكَ قَوۡلُهُۥ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيُشۡهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلۡبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ٢٠٤ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ لِيُفۡسِدَ فِيهَا وَيُهۡلِكَ ٱلۡحَرۡثَ وَٱلنَّسۡلَۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَسَادَ٢٠٥ وَإِذَا قِيلَ لَهُ ٱتَّقِ ٱللَّهَ أَخَذَتۡهُ ٱلۡعِزَّةُ بِٱلۡإِثۡمِۚ فَحَسۡبُهُۥ جَهَنَّمُۖ وَلَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ٢٠٦﴾ [البقرة: 204-206]. «و از مردم کسی هست که گفتارش در (باره) زندگی دنیا تو را به شگفت می‌اندازد و الله را بر آنچه در دل خود دارد؛ گواه می‌گیرد، و حال آنکه او سرسخت‌ترین دشمنان است. او هنگامی‌که روی بر می‌گرداند و می‌رود (و یا به ریاستی می‌رسد) در راه فساد در زمین کوشش می‌کند و کشت و نسل را نابود می‌سازد، و الله فساد و (تباهکاری) را دوست نمی‌دارد. و چون به او گفته شود: «از الله بترس» خود بزرگ‌بینی و (تکبر) او را به گناه می‌کشاند. پس (آتش) جهنم او را کافی است و چه بد آرامگاهی است».

این فریب‌کاران که قصد فاسدکردن و گمراه‌ساختن مردم را دارند، سه ویژگی بارز دارند: بستن دروغ بر الله، خوردن اموال مردم به باطل و پیروی از شهوات:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبٗا لِّيُضِلَّ ٱلنَّاسَ بِغَيۡرِ عِلۡمٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [الأنعام: 144]. «پس چه کسی ستمکار‌‌تراست از آن کس که بر الله دروغ بندد، تا مردم را از روی نادانی گمراه سازد؟! مسلّماً الله گروه ستمکاران را هدايت نمی‌کند».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡأَحۡبَارِ وَٱلرُّهۡبَانِ لَيَأۡكُلُونَ أَمۡوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡبَٰطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾ [التوبة: 34]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! بی‌گمان بسیاری از احبار و رهبان اموال مردم را به باطل می‌خورند، و (دیگران را) از راه الله باز می‌دارند».

﴿وَيُرِيدُ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلشَّهَوَٰتِ أَن تَمِيلُواْ مَيۡلًا عَظِيمٗا﴾ [النساء: 27]. «و کسانی‌که از خواسته‌های نفسانی پیروی می‌کنند؛ می‌خواهند شما دستخوش انحراف بزرگی شوید».

در مقابل، اسلام حقیقی به صلح فرامی‌خواند:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱدۡخُلُواْ فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةٗ وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ٢٠٨﴾ [البقرة: 208]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! همگی به اسلام (و اطاعت خدا) در آیید و گام‌های شیطان را پیروی نکنید، بدرستی که او برای شما دشمن آشکار است».

﴿وَإِن جَنَحُواْ لِلسَّلۡمِ فَٱجۡنَحۡ لَهَا وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ﴾ [الأنفال: 61]. «و اگر به صلح مایل شدند، پس تو (نیز) از در صلح درآی، و بر الله توکل کن».

﴿كُلَّمَآ أَوۡقَدُواْ نَارٗا لِّلۡحَرۡبِ أَطۡفَأَهَا ٱللَّهُۚ وَيَسۡعَوۡنَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَسَادٗاۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُفۡسِدِينَ﴾ [المائدة: 64]. «و هر زمان آتش جنگی افروختند، الله آن را خاموش کرد، و آنان برای فساد در زمین می‌کوشند، و الله مفسدان را دوست ندارد».

دین الله، شایسته‌ترین دین برای بندگانش است؛ زیرا خالق، مصحلت مخلوق را بهتر از همه می‌داند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَلَا يَعۡلَمُ مَنۡ خَلَقَ وَهُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلۡخَبِيرُ١٤﴾ [الملک: 14]. «آیا کسی‌که (همۀ موجودات را) آفریده است، (از حال آن‌ها) نمی‌داند؟ در حالی‌که او باریک‌بین و آگاه است».

احکام دین الله، سعادت دنیوی و رستگاری در آخرت را به همراه دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَنِ ٱتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشۡقَىٰ١٢٣ وَمَنۡ أَعۡرَضَ عَن ذِكۡرِي فَإِنَّ لَهُۥ مَعِيشَةٗ ضَنكٗا﴾ [طه: 123-124]. «هر کس از هدایت من پیروی کند، پس نه گمراه می‌شود و نه به رنج افتد (و بدبخت شود). و کسی‌که از یاد من روی گردان شود، پس بی‌گمان زندگانی (سخت و) تنگی خواهد داشت».

﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗ﴾ [النحل: 97]. «هر کسی‌که کار شایسته‌ای انجام دهد، (خواه) مرد باشد یا زن، در حالی‌که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم».

کسی که حق برایش آشکار شود، چه کاری باید انجام دهد؟

هر گاه حق برای کسی که الله و رسولش را دوست دارد، آشکار شود، گناهان را ترک می‌کند و در دین الله درمی‌آید و خالصانه به خدا روی می‌آورد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ إِنِّي نُهِيتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَمَّا جَآءَنِيَ ٱلۡبَيِّنَٰتُ مِن رَّبِّي وَأُمِرۡتُ أَنۡ أُسۡلِمَ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٦٦﴾ [غافر: 66]. «(ای پیامبر) بگو: «همانا من نهی شده‌ام از اینکه کسانی را پرستش کنم که شما بجای الله می‌خوانید، چون نشانه‌های روشن از جانب پروردگارم برای من آمده است، و مأمور شده‌ام كه برای پروردگار جهانیان تسلیم باشم».

سپس بسیار قرآن می‌خواند و در آیاتش تدبر می‌کند و می‌کوشد که بر اساس فرامین و آموزه‌های قرآن عمل کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ٢٩﴾ [ص: 29]. «کتابی است پر برکت، که آن را بر تو نازل کردیم، تا در آیاتش تدبّر کنند، و خردمندان پند گیرند».

﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ﴾ [الإسراء: 9]. «بی‌شک این قرآن، به راهی که آن استوار‌ترین راه‌هاست؛ هدایت می‌کند».

و اگر از وقوع فتنه در دینش می‌ترسد، هیچ‌کس را از ایمان خویش آگاه نمی‌کند:

الله در مورد مؤمن آل فرعون می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَجُلٞ مُّؤۡمِنٞ مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَكۡتُمُ إِيمَٰنَهُۥٓ أَتَقۡتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ ٱللَّهُ﴾ [غافر: 28]. «و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت، گفت: آیا مردی را می‌کشید (برای آن) که می‌گوید: پروردگار من الله است».

همچنین در مورد گروه جوانانی که به خاطر دینشان به‌سوی غار گریختند، می‌فرماید که به یکی از خودشان گفتند: ﴿وَلۡيَتَلَطَّفۡ وَلَا يُشۡعِرَنَّ بِكُمۡ أَحَدًا١٩ إِنَّهُمۡ إِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ يَرۡجُمُوكُمۡ أَوۡ يُعِيدُوكُمۡ فِي مِلَّتِهِمۡ وَلَن تُفۡلِحُوٓاْ إِذًا أَبَدٗا٢٠﴾ [الکهف: 19-20]. «و باید دقت کند، و هیچ کس را از حال شما آگاه نسازد. بدرستی که اگر آن‌ها (از وضع شما آگاه شوند و)، بر شما دست یابند، سنگسار‌تان می‌کنند، یا شما را به آئین خویش باز می‌گردانند، و در آن صورت هرگز رستگار نخواهید شد».

سپس نزدیکان خویش را که در رأس آنان پدر و مادر و همسر و فرزندان هستند، دعوت می‌دهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنذِرۡ عَشِيرَتَكَ ٱلۡأَقۡرَبِينَ٢١٤﴾ [الشعراء: 214]. «و خویشاوندان نزدیکت را هشدار بده».

و با نزدیکانش به نیکویی همنشینی می‌کند، حتی اگر به دعوت و اندرز او پاسخ مثبت ندهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَاۖ وَصَاحِبۡهُمَا فِي ٱلدُّنۡيَا مَعۡرُوفٗا﴾ [لقمان: 15]. «و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که تو چیزی را که به آن علم نداری شریک من قرار دهی، پس از آنان اطاعت نکن، و در دنیا با آنان به شایستگی رفتار کن».

در ادامه، به‌سوی الله دعوت می‌دهد، نه به‌سوی یکی از بندگان الله و نه به‌سوی قبیله یا حزبی، در حالی که به آنچه الله آن را بدان نامیده است، شناخته می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ قَوۡلٗا مِّمَّن دَعَآ إِلَى ٱللَّهِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ٣٣﴾ [فصلت: 33]. «و چه کسی خوش گفتار‌تر است از کسی‌که به سوی الله دعوت کند، و کار شایسته انجام دهد، و گوید: «بی‌شک من از مسلمانان هستم؟!».

﴿هُوَ سَمَّىٰكُمُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ مِن قَبۡلُ وَ فِي هذا﴾ [الحج: 78]. «او (= الله) پیش از این (در کتب سابقه) و در این (قرآن نیز) شما را مسلمان نامید».

و دعوتش بر اساس علم و بینش نسبت به کتاب الله و سیرۀ رسولش ج است که در آن منزه‌دانستن و بزرگداشت الله و اعلام بیزاری از شرک و پیروانش، همراه مهربانی و اندرز نیکوست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ هَٰذِهِۦ سَبِيلِيٓ أَدۡعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا۠ وَمَنِ ٱتَّبَعَنِيۖ وَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ١٠٨﴾ [یوسف: 108]. «(ای پیامبر!) بگو: این راه من است، من با بصیرت (کامل) به سوی الله دعوت می‌کنم، و کسانی‌که از من پیروی کردند (نیز چنین می‌کند) و الله پاک و منزه است، و من از مشرکان نیستم».

الله متعال میفرماید: ﴿ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ﴾ [النحل: 125]. «با حکمت و پند نیکو (مردم را) به راه پروردگارت دعوت نما، و با روشی که نیکو‌تر است، با آن‌ها (بحث و) مناظره کن».

الله هنگام فرستادن موسى وهارون به‌سوی فرعون بسیار ستمگر، خطاب به آن دو فرمود:

﴿فَقُولَا لَهُۥ قَوۡلٗا لَّيِّنٗا لَّعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوۡ يَخۡشَىٰ٤٤﴾ [طه: 44]. «پس به نرمی با او سخن بگویید، شاید که او پند گیرد یا (از پروردگارش) بترسد».

**مؤمنان در دعوت به‌سوی الله و امر به معروف و نهی از منکر به یکدیگر یاری می‌رسانند** و هنگام اختلاف، با یکدیگر   
دشمنی نمی‌کنند؛ زیرا با هم دوست هستند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ﴾ [التوبة: 71]. «و مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان (و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند».

الله، پیامبر محمد ج را در تورات و انجیل اینگونه توصیف می‌فرماید که به معروف امر می‌کند و از منکر بازمی‌دارد و پاکیزه‌ها را حلال و پلیدی‌ها را حرام می‌داند. خبث [پلیدی‌] هر چیزی است که به فرد یا اجتماع آسیب برساند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ﴾ [الأعراف: 157]. «آنان که از (این) رسول (الله)، پیامبر «أمی» (= درس ناخوانده) پیروی می‌کنند، که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است، نوشته می‌یابند. آن‌ها را به (کارهای) خوب و پسندیده فرمان می‌دهد و از زشتی (و کارهای نا پسند) بازشان می‌دارد».

این امر، از اسباب برتری امت اسلام است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ﴾ [آل عمران: 110]. «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: امر به معروف می‌کنید و نهی از منکر می‌نمائید، و به الله ایمان دارید».

برپایی امر به معروف و نهی از منکر، سبب اتحاد و رستگاری و پراکنده‌نشدن مؤمنان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلۡتَكُن مِّنكُمۡ أُمَّةٞ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلۡخَيۡرِ وَيَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ١٠٤ وَلَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُواْ وَٱخۡتَلَفُواْ مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ عَظِيمٞ١٠٥﴾ [آل عمران: 104-105]. «و باید از میان شما، گروهی باشند که (مردم را) به نیکی دعوت کنند، و به کار شایسته وا دارند و از زشتی باز دارند، و آنانند که رستگارند. و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از آنکه دلایل روشن برایشان آمد، و اینان برایشان عذاب بزرگی است».

الله مباح را که انجام آن جایز است و حرام را که انجام آن جایز نیست برای بندگانش مشخص کرده است.

اصل در عبادات، تحریم است؛ بنابراین، هر عبادتی که با آن قصد تقرب به الله مدنظر باشد، حرام است مگر اینکه از مواردی باشد که الله و رسولش بیان فرموده‌اند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱتَّبِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡ وَلَا تَتَّبِعُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَۗ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ٣﴾ [الأعراف: 3]. «آنچه از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده، پيروی کنيد، و از اولياء (و معبود‌های) ديگر جز او، پيروی نکنيد، چه اندک پند می‌‌پذيريد».

﴿أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّهِۦ كَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَٱتَّبَعُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم١٤﴾ [محمد: 14]. «آیا کسی‌که از سوی پروردگارش بر شیوة روشنی باشد، همانند کسی است که کردار بد او در نظرش آراسته شده و از هوا‌های (نفسانی) خود پیروی می‌کنند؟!».

اصل در اشیاء اباحه است؛ بنابراین هر چیزی مباح است مگر آنکه الله و رسولش ج آن را حرام قرار داده باشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلۡ مَنۡ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَ لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ مِنَ ٱلرِّزۡقِ﴾ [الأعراف: 32]. «بگو: چه کسی لباس (و زينت‌های) را که الله برای بندگانش پديد آورده و روزی‌های پاکيزه را حرام کرده است؟!».

﴿قُلۡ تَعَالَوۡاْ أَتۡلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمۡ عَلَيۡكُمۡۖ أَلَّا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗاۖ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُم مِّنۡ إِمۡلَٰقٖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكُمۡ وَإِيَّاهُمۡۖ وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَۖ وَلَا تَقۡتُلُواْ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ﴾ [الأنعام: 151]. «بگو: «بياييد آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است، برای‌تان بخوانم: آنکه چيزی را شريک او قرار ندهيد، و به پدر و مادر نيکی کنيد، و فرزندان‌تان را از (بيم) فقر نکشيد، ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهيم، و به (کارهای) زشت و ناشايست آنچه آشکار باشد يا پنهان نزديک نشويد و کسی را که الله (کشتنش) را حرام کرده است، جز به حق؛ نکشيد».

الله مردار را حرام کرد و انواع آن را مشخص نمود «حیواناتی که خفه شده‌اند، حیواناتی که با شکنجه و کتک مرده‌اند، حیواناتی که به سبب پرتاب از ارتفاع مرده‌اند، حیواناتی که بر اثر شاخ‌زدن حیوانات دیگر مرده‌اند، و حیواناتی که درندگان از بدن آنان چیزی خورده و به این سبب مرده‌اند» خون، گوشت خوک، آنچه که هنگام ذبح نام الله بر آنها برده نشده باشد، آنچه جهت عبادت برای بت‌ها ذبح شود. همچنین الله سبحانه حرام قرار داده است که چوبه‌های تیر برای دانستن آنچه الله قسمت و مقدر کرده است به کار گرفته شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةُ وَٱلدَّمُ وَلَحۡمُ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦ وَٱلۡمُنۡخَنِقَةُ وَٱلۡمَوۡقُوذَةُ وَٱلۡمُتَرَدِّيَةُ وَٱلنَّطِيحَةُ وَمَآ أَكَلَ ٱلسَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيۡتُمۡ وَمَا ذُبِحَ عَلَى ٱلنُّصُبِ وَأَن تَسۡتَقۡسِمُواْ بِٱلۡأَزۡلَٰمِۚ ذَٰلِكُمۡ فِسۡقٌ﴾ [المائدة: 3]. «(گوشت) مردار، و خون و گوشت خوک و آنچه (هنگام ذبح) نام غیر الله بر آن برده شود، و (حیوانات) خفه شده، و با ضربه مرده، و از بلندی افتاده، و به ضرب شاخ (حیوان دیگری) مرده، و آنچه درندگان خورده باشند، - مگر آنکه ذبح (شرعی) کرده باشید-، و آنچه برای بت‌ها ذبح شده، و آنکه با تیرهای فال؛ بخت و قسمت طلب کنید (همه) بر شما حرام شده، و (روی آوردن به تمام) این‌ها فسق و نافرمانی است».

﴿وَلَا تَأۡكُلُواْ مِمَّا لَمۡ يُذۡكَرِ ٱسۡمُ ٱللَّهِ عَلَيۡهِ وَإِنَّهُۥ لَفِسۡقٞ﴾ [الأنعام: 121]. «و از آنچه (هنگام ذبح) نام الله بر آن برده نشده، نخورید و همانا این (عمل) نافرمانی (و گناه) است».

الله خمر و قمار را حرام کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ وَٱلۡأَزۡلَٰمُ رِجۡسٞ مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ٩٠ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ فِي ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِ وَيَصُدَّكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّنتَهُونَ٩١﴾ [المائدة: 90-91]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها، و تیرهای قرعه، پلید و از عمل شیطان است. پس از آن‌ها دوری کنید، تا رستگار شوید. همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد الله و از نماز باز دارد؛ پس آیا شما خودداری خواهید کرد؟!».

الله ربا را حرام کرد:

﴿وَأَحَلَّ ٱللَّهُ ٱلۡبَيۡعَ وَحَرَّمَ ٱلرِّبَوٰاْۚ فَمَن جَآءَهُۥ مَوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّهِۦ فَٱنتَهَىٰ فَلَهُۥ مَا سَلَفَ وَأَمۡرُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِۖ وَمَنۡ عَادَ فَأُوْلَٰٓئِكَ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِۖ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ﴾ [البقرة: 275]. «و در حالی‌که الله داد و ستد را حلال کرده و ربا را حرام نموده است. پس همانا هر کس که از (جانب) پروردگارش پندی به او برسد، آنگاه (از ربا خواری) باز ایستاد، آنچه گذشته و (قبل از نزول حکم دریافت کرده است) از آن اوست. و کارش به الله و اگذار می‌شود، و کسی‌که (به ربا خواری) باز گردد، آنان اهل آتشند و در آن جاویدان خواهند بود».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَذَرُواْ مَا بَقِيَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ٢٧٨ فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ فَأۡذَنُواْ بِحَرۡبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ [البقرة: 278-279]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! از الله بترسید و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده است رها کنید؛ اگر مؤمن هستید. پس اگر (چنین) نکردید، یقین داشته باشید که الله و رسولش با شما جنگ خواهند کرد».

سفارش الله به بندگانش:

﴿قُلۡ تَعَالَوۡاْ أَتۡلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمۡ عَلَيۡكُمۡۖ أَلَّا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗاۖ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُم مِّنۡ إِمۡلَٰقٖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكُمۡ وَإِيَّاهُمۡۖ وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَۖ وَلَا تَقۡتُلُواْ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ١٥١ وَلَا تَقۡرَبُواْ مَالَ ٱلۡيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥۚ وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ بِٱلۡقِسۡطِۖ لَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۖ وَإِذَا قُلۡتُمۡ فَٱعۡدِلُواْ وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰۖ وَبِعَهۡدِ ٱللَّهِ أَوۡفُواْۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ١٥٢﴾ [الأنعام: 151-152]. «بگو: بياييد آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است، برای‌تان بخوانم: آنکه چيزی را شريک او قرار ندهيد، و به پدر و مادر نيکی کنيد، و فرزندان‌تان را از (بيم) فقر نکشيد، ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهيم، و به (کارهای) زشت و ناشايست آنچه آشکار باشد يا پنهان نزديک نشويد، و کسی را که الله (کشتنش) را حرام کرده است، جز به حق؛ نکشيد، اين چيزی است که الله شما را به آن سفارش نموده است؛ باشد که خِرد ورزيد. و به مال يتيم نزديک نشويد، مگر به نيکو‌ترين وجهی (که برای اصلاح باشد)، تا به سن رشد خود (و بلوغ) برسد، و (حق) پيمانه و وزن را به عدالت ادا کنيد، ما هيچ کس را جز به‌اندازۀ توانش، تکليف نمی‌کنيم. و هرگاه سخن گوييد (يا داوری کنيد و يا شهادت می‌دهيد)، پس عدالت را رعايت کنيد، حتی اگر در مورد نزديکان (شما) بوده باشد. و به عهد و پيمان الله وفا کنيد، اين چيزی است که الله شما را به آن سفارش نموده است، تا متذکر شويد».

یکی دیگر از انواع محرمات، شنیدن سخنان بیهوده و پوچ یا خریدن چنین سخنانی با مال است. سخنان پوچ، قلب را سخت می‌کند و آن را از آیات الله و پیروی از راه او می‌رماند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ٦ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَا كَأَنَّ فِيٓ أُذُنَيۡهِ وَقۡرٗاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ٧﴾ [لقمان: 6-7]. «و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می‌خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه الله گمراه سازد، و آن (آیات) را به ریخشند می‌گیرد، اینان برایشان عذاب خوار کنندة است. و هنگامی‌که آیات ما بر او خوانده شود، تکبر‌کنان روی می‌گرداند، گویا که آن را نشنیده است، گویا در گوش‌هایش سنگینی است، پس او را به عذابی درد‌ناک بشارت ده».

الله به بندگانش فرمان داد که آنچه را نمی‌دانند پیروی نکنند؛ زیرا الله در مورد آنچه گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌هایشان را در آن به کار می‌اندازند، از آنان سوال خواهد کرد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقۡفُ مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٌۚ إِنَّ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡ‍ُٔولٗا٣٦﴾ [الإسراء: 36]. «و از آنچه به آن علم نداری، پیروی نکن، بدون شک گوش و چشم و دل، هر یک از این‌ها از آن باز خواست خواهند شدم».

حلال همان چیزی است که الله حلال فرموده و حرام همان چیزی است که الله حرام فرمود. هر‌کس در حلال‌کردن آنچه الله آن را حرام قرار داده یا حرام‌کردن آنچه الله آن را حلال قرار داده است از علما اطاعت کند، به تحقیق که آنان را اربابانی به جای الله برگزیده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُوٓاْ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗاۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ سُبۡحَٰنَهُۥ عَمَّا يُشۡرِكُونَ٣١﴾ [التوبة: 31]. «(آن‌ها) دانشمندان و رهبان خویش، و (همچنین) مسیح پسر مریم را معبودانی بجای الله گرفتند؛ در حالی‌که دستور نداشتند جز الله یکتایی را که هیچ معبودی (به حق) جز او نیست؛ بپرستند، او پاک و منزه است از آنچه شریک او قرار می‌دهند».

وقتی که این علمای دینی و پارسایان می‌بینند مردم در تحلیل آنچه الله حرام قرار داده و در تحریم آنچه الله حلال قرار داده، از آنان فرمانبرداری می‌کنند، احساس عظمت می‌کنند و بر دین الله عزوجل برتری می‌جویند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْ شَرَعُواْ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا لَمۡ يَأۡذَنۢ بِهِ ٱللَّهُۚ وَلَوۡلَا كَلِمَةُ ٱلۡفَصۡلِ لَقُضِيَ بَيۡنَهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ٢١﴾ [الشورى: 21]. «آیا (مشرکان) معبودانی دارند که بدون اجازۀ الله آیینی برای آن‌ها مقرر داشته‌اند؟! و اگر و عدۀ فیصله بخش (سابق، در تأخیر عذاب‌شان) نبود، یقیناً در میان آن‌ها داوری می‌شد، و بی‌گمان برای ستمکاران عذابی دردناک است».

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُم مَّآ أَنزَلَ ٱللَّهُ لَكُم مِّن رِّزۡقٖ فَجَعَلۡتُم مِّنۡهُ حَرَامٗا وَحَلَٰلٗا قُلۡ ءَآللَّهُ أَذِنَ لَكُمۡۖ أَمۡ عَلَى ٱللَّهِ تَفۡتَرُونَ٥٩ وَمَا ظَنُّ ٱلَّذِينَ يَفۡتَرُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلۡكَذِبَ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ﴾ [یونس: 59-60]. «بگو: به من خبر دهید؛ آنچه از رزق که الله برای شما نازل کرده است، پس بخشی از آن را حلال، و بخشی را حرام نموده‌اید؟!» بگو: «آیا الله به شما اجازه داده است یا بر الله دروغ می‌بندید؟ و کسانی‌که بر الله دروغ می‌بندند، (در باره‌ی) روز قیامت چه می‌پندارند؟!».

اسلام، همان دین الله است که هیچ دینی غیر از آن پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا اسلام، دین حق و رحمت بر بندگان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٨٥﴾ [آل عمران: 85]. «و هر کس که دینی غیر از اسلام بر گزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد، و او در آخرت از زیانکاران است».

﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ﴾ [البقرة: 185]. «الله برای شما آسانی می‌خواهد، و برای شما دشواری نمی‌خواهد».

﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمۡۚ وَخُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ ضَعِيفٗا٢٨﴾ [النساء: 28]. «الله می‌خواهد کار را بر شما سبک و آسان کند، و انسان، ضعیف و ناتوان آفریده شده‌است».

﴿وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا﴾ [النساء: 29]. «و خودتان را نکشید، زیرا الله (نسبت) به شما مهربان است».

الله به محافظت از نفس فرمان داده و از قتل نهی فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ ٱبۡنَيۡ ءَادَمَ بِٱلۡحَقِّ إِذۡ قَرَّبَا قُرۡبَانٗا فَتُقُبِّلَ مِنۡ أَحَدِهِمَا وَلَمۡ يُتَقَبَّلۡ مِنَ ٱلۡأٓخَرِ قَالَ لَأَقۡتُلَنَّكَۖ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلۡمُتَّقِينَ٢٧ لَئِنۢ بَسَطتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقۡتُلَنِي مَآ أَنَا۠ بِبَاسِطٖ يَدِيَ إِلَيۡكَ لِأَقۡتُلَكَۖ إِنِّيٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٢٨ إِنِّيٓ أُرِيدُ أَن تَبُوٓأَ بِإِثۡمِي وَإِثۡمِكَ فَتَكُونَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِۚ وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُاْ ٱلظَّٰلِمِينَ٢٩ فَطَوَّعَتۡ لَهُۥ نَفۡسُهُۥ قَتۡلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُۥ فَأَصۡبَحَ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٣٠﴾ [المائدة: 27-30]. «و (ای پیامبر ما) داستان دو فرزندان آدم (هابیل و قابیل) به حق بر آن‌ها بخوان: هنگامی‌که (هر کدام) برای تقرب (الهی) قربانی تقدیم کردند؛ پس از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد (او) گفت: «قطعاً تو را خواهم کشت» (برادرش) گفت: «الله فقط از پرهیزگاران می‌پذیرد (من تقصیری ندارم). اگر تو دستت برای کشتن من دراز کنی من هرگز دست خود را به سوی تو دراز نخواهم کرد تا تو را بکشم، زیرا من از الله پروردگار جهانیان می‌ترسم. من می‌خواهم که تو با گناه من و گناه خودت باز گردی (و بار هر دو را بر دوش کشی) و از اهل دوزخ باشی و این است سزای ستمکاران». پس نفس (سرکش) او؛ کشتن برادرش را برایش آراسته (و موجه و آسان) جلوه داد، و او را کشت و از زیانکاران شد».

﴿مَن قَتَلَ نَفۡسَۢا بِغَيۡرِ نَفۡسٍ أَوۡ فَسَادٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ ٱلنَّاسَ جَمِيعٗا وَمَنۡ أَحۡيَاهَا فَكَأَنَّمَآ أَحۡيَا ٱلنَّاسَ جَمِيعٗا﴾ [المائدة: 32]. «هر کس انسانی را بدون اینکه مرتکب قتل نفس یا فسادی در زمین شده باشد؛ بکشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته باشد و هر کس انسانی را از مرگ نجات دهد؛ چنان است که گویی همه‌ی مردم را زنده کرده است».

الله خانوادۀ کسی را که از روی ستم به قتل رسیده است از اسراف در قصاص نهی فرموده است؛ زیرا شریعت الله او را یاری می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَن قُتِلَ مَظۡلُومٗا فَقَدۡ جَعَلۡنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلۡطَٰنٗا فَلَا يُسۡرِف فِّي ٱلۡقَتۡلِۖ إِنَّهُۥ كَانَ مَنصُورٗا٣٣﴾ [الإسراء: 33]. «و کسی‌که مظلوم کشته شود، برای و لیش (برای حق قصاص) قدرتی قرار داده‌ایم، پس در کشتن (و خون‌خواهی) اسراف نکند، بی‌گمان او مورد حمایت است».

قاتل خودش به تنهایی قصاص می‌شود و دیگران به سبب جنایت او، به قتل نمی‌رسند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰ﴾ [الأنعام: 164]. «و هيچ گناه‌کاری بارگناه ديگری را به دوش نمی‌گيرد».

﴿وَكَتَبۡنَا عَلَيۡهِمۡ فِيهَآ أَنَّ ٱلنَّفۡسَ بِٱلنَّفۡسِ وَٱلۡعَيۡنَ بِٱلۡعَيۡنِ وَٱلۡأَنفَ بِٱلۡأَنفِ وَٱلۡأُذُنَ بِٱلۡأُذُنِ وَٱلسِّنَّ بِٱلسِّنِّ وَٱلۡجُرُوحَ قِصَاصٞ﴾ [المائدة: 45]. «و در آن (= تورات) بر آن‌ها (= بنی اسرائیل) مقرر داشتیم که جان در برابر جان، و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی، و گوش در برابر گوش، و دندان در برابر دندان می‌باشد، و (نیز) زخم‌ها را قصاص است».

قصاص، سبب زندگی اجتماعی است؛ زیرا کسی که قصد قتل دارد، اگر بداند که کشته خواهد شد، از قتل خودداری می‌کند و بدین ترتیب، جامعه محفوظ می‌ماند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَكُمۡ فِي ٱلۡقِصَاصِ حَيَوٰةٞ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ١٧٩﴾ [البقرة: 179]. «و ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص حیات و زندگی است، باشد که شما تقوا پیشه کنید».

بریده‌شدن دست دزد، سبب محافظت دستان کسانی می‌شود که قصد دزدی دارند و نیز اموال آنان و اموال مردم محفوظ می‌ماند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلسَّارِقُ وَٱلسَّارِقَةُ فَٱقۡطَعُوٓاْ أَيۡدِيَهُمَا جَزَآءَۢ بِمَا كَسَبَا نَكَٰلٗا مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ٣٨﴾ [المائدة: 38]. «دست مرد دزد و زن دزد را به سزای عملی که مرتکب شده‌اند؛ بعنوان یک عقوبتی از جانب الله؛ قطع کنید، و الله نیرومند حکیم است».

کسانی که به خاطر ایمان مردم به الله و رسولش با آنان می‌جنگند و در زمین دست به فساد می‌زنند و امنیت مردم را به ترس تبدیل می‌کنند، مجازات شدیدی دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا جَزَٰٓؤُاْ ٱلَّذِينَ يُحَارِبُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَسۡعَوۡنَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُوٓاْ أَوۡ يُصَلَّبُوٓاْ أَوۡ تُقَطَّعَ أَيۡدِيهِمۡ وَأَرۡجُلُهُم مِّنۡ خِلَٰفٍ أَوۡ يُنفَوۡاْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِۚ ذَٰلِكَ لَهُمۡ خِزۡيٞ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ٣٣﴾ [المائدة: 33]. «سزای کسانی‌که با الله و پیامبرش می‌جنگند، و در زمین به فساد می‌کوشند، فقط این است که کشته شوند، یا به دار آویخته شوند، یا دست (راست) و پای (چپ) آن‌ها بعکس یکدیگر بریده شود، و یا از سر زمین خود تبعید گردند، این رسوایی آن‌ها در دنیاست، و در آخرت عذاب بزرگی خواهند داشت».

یکی از نمونه‌های رحمت گستردۀ الله بر بندگانش این است که باب توبه را حتی پس ارتکاب جرائم، بر روی آنان گشوده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُواْ مِن قَبۡلِ أَن تَقۡدِرُواْ عَلَيۡهِمۡۖ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾ [المائدة: 34]. «مگر کسانی‌که پیش ازآنکه بر آنان دست یابید، توبه کنند، پس بدانید که همانا الله آمرزنده‌ی مهربان است».

﴿فَمَن تَابَ مِنۢ بَعۡدِ ظُلۡمِهِۦ وَأَصۡلَحَ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَتُوبُ عَلَيۡهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ٣٩ أَلَمۡ تَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَغۡفِرُ لِمَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ٤٠﴾ [المائدة: 39-40]. «پس هر کس که بعد از (گناه و) ستمش توبه کند و (اعمال خود را) اصلاح و جبران نماید، همانا الله توبه او را می‌پذیرد، بی‌گمان الله آمرزنده‌ی مهربان است. آیا نمی‌دانی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن الله است؟! هر کس را بخواهد عذاب می‌کند و هر کس را بخواهد می‌بخشد، و الله بر هر چیزی قادر است».

اما الله سبحانه بر مجرمان واجب گردانیده است که داد ستمدیدگان را به آنان بازگرداند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تُؤَدُّواْ ٱلۡأَمَٰنَٰتِ إِلَىٰٓ أَهۡلِهَا﴾ [النساء: 58]. « بی‌گمان الله به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها باز گردانید».

جامعۀ مؤمن، جامعه‌ای پاک است؛ زیرا مؤمنان زنا نمی‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَدۡعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقۡتُلُونَ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَا يَزۡنُونَۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ يَلۡقَ أَثَامٗا٦٨﴾ [الفرقان: 68]. «و کسانی‌که با الله معبود دیگر را نمی‌خوانند، و نفسی را که الله (کشتنش را) حرام کرده است، جز به حق نمی‌کشند، و زنا نمی‌کنند، و هر کس چنین کند، مجازات گناه (خود) را خواهد دید».

زیرا انتشار زنا میان مردم، آنان را از تکریم ربانی فرزندان آدم پایین می‌آورد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ كَرَّمۡنَا بَنِيٓ ءَادَمَ وَحَمَلۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ﴾ [الإسراء: 70]. «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکبها) حمل کردیم».

﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأۡكُلُونَ كَمَا تَأۡكُلُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ وَٱلنَّارُ مَثۡوٗى لَّهُمۡ﴾ [محمد: 12]. «و کسانی‌که کافر شدند (از متاع دنیوی) بهره می‌گیرند و می‌خورند همچنان‌که چارپایان می‌خورند، و آتش (جهنم) جایگاه آنان است».

زنا، کاری ناشایست و راهی بد است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ سَبِيلٗا٣٢﴾ [الإسراء: 32]. «و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است!».

الله به جای زنا، نکاح را که از آن بهتر است برای مؤمنان برگزید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَٱنكِحُواْ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ مَثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَۖ فَإِنۡ خِفۡتُمۡ أَلَّا تَعۡدِلُواْ فَوَٰحِدَةً أو مَا مَلَكَت أيمَانُكُم﴾ [النساء: 3]. «(و) با زنانی (دیگر) که مورد پسند شماست دو دو، و سه سه، چهار چهار، ازدواج کنید. پس اگر بیم دارید که نتوانید عدالت کنید، به یک (زن) یا به آنچه (از کنیزان) که مالک آن‌هایید (اکتفا نمایید)».

زنان محرمی که ازدواج مرد با آنان جایز نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنكِحُواْ مَا نَكَحَ ءَابَآؤُكُم مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا قَدۡ سَلَفَۚ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَمَقۡتٗا وَسَآءَ سَبِيلًا٢٢ حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمۡ أُمَّهَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُكُمۡ وَأَخَوَٰتُكُمۡ وَعَمَّٰتُكُمۡ وَخَٰلَٰتُكُمۡ وَبَنَاتُ ٱلۡأَخِ وَبَنَاتُ ٱلۡأُخۡتِ وَأُمَّهَٰتُكُمُ ٱلَّٰتِيٓ أَرۡضَعۡنَكُمۡ وَأَخَوَٰتُكُم مِّنَ ٱلرَّضَٰعَةِ وَأُمَّهَٰتُ نِسَآئِكُمۡ وَرَبَٰٓئِبُكُمُ ٱلَّٰتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَآئِكُمُ ٱلَّٰتِي دَخَلۡتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمۡ تَكُونُواْ دَخَلۡتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ وَحَلَٰٓئِلُ أَبۡنَآئِكُمُ ٱلَّذِينَ مِنۡ أَصۡلَٰبِكُمۡ وَأَن تَجۡمَعُواْ بَيۡنَ ٱلۡأُخۡتَيۡنِ إِلَّا مَا قَدۡ سَلَفَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا٢٣ ۞وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۖ كِتَٰبَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ﴾ [النساء: 22-24]. «و با زنانی که پدران‌تان (باآن‌ها) ازدواج کرده‌اند، ازدواج نکنید، مگرآنچه (زمان جاهلیت بوده و) گذشته است، چرا که این کار، عملی زشت و منفور و راه و روش بسیار بدی است. حرام شده‌است بر شما: مادران‌تان، و دختران‌تان، و خواهران‌تان، و عمه‌هایتان، و خاله‌هایتان، و دختران برادر، و دختران خواهر، و مادران‌تان که به شما شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران زنان‌تان، و دختران همسران‌تان که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آن‌ها همبستری کرده‌اید، پس اگر با آن‌ها همبستری نکرده‌اید؛ بر شما گناهی نیست (که با دختران‌شان ازدواج کنید) و (همچنین) زنان پسران‌تان که از پشت و صلب خوتان هستند، و (نیز) جمع میان دو خواهر (بر شما حرام است) مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد که الله آمرزنده‌ی مهربان است. و زنان شوهردار (بر شما حرام است) مگر زنانی که مالک آنان شده‌اید. (این) فریضه‌ی الهی است که بر شما مقرر داشته است».

غیر از زنان مذکور، ازدوج با سایر زنان حلال است تا مردان با اموال‌شان به دنبال پاکدامنی باشند و از حرام دوری کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَآءَ ذَٰلِكُمۡ أَن تَبۡتَغُواْ بِأَمۡوَٰلِكُم مُّحۡصِنِينَ غَيۡرَ مُسَٰفِحِينَ﴾ [النساء: 24]. «و غیر از این‌ها (که گفته شد) برای شما حلال است با اموال خود (زنان دیگر را) طلب کنید ـ در حالی‌که پاکدامن باشید و زناکار نباشد ـ».

مردان باید مهریۀ همسران‌شان را در برابر اینکه از حرام محافظت می‌شوند به عنوان یک فریضه بپردازند و پس از تعیین مهریه، گناهی بر آنان نیست که در صورت توافق، بر مهریه بیفزایند یا از آن کم کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَا ٱسۡتَمۡتَعۡتُم بِهِۦ مِنۡهُنَّ فَ‍َٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةٗۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ فِيمَا تَرَٰضَيۡتُم بِهِۦ مِنۢ بَعۡدِ ٱلۡفَرِيضَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا﴾ [النساء: 24]. «پس آن زنانی را که (به ازدواج در آوردید و) از آنان کام گرفتید، باید مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید، و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهریه با یکدیگر توافق کنید، بی‌گمان الله دانای حکیم است».

مهریه، شرط واجبی است تا زن برای شوهرش حلال شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَحۡلَلۡنَا لَكَ أَزۡوَٰجَكَ ٱلَّٰتِيٓ ءَاتَيۡتَ أُجُورَهُنَّ﴾ [الأحزاب: 50]. «ای پیامبر! ما همسرانت را که مهر‌شان را پرداخته‌ای برای تو حلال کردیم».

اما کسی که به سبب تنگدستی، قادر بر پرداخت مهریۀ زنان آزاد نباشد، می‌تواند با کنیزان مؤمن ازدواج کند، البته پس از موافقت صاحبان آنان و پرداخت مهریه‌شان و به شرط اینکه آن کنیزان از حرام پاک باشند و زناکار نباشند و دوستان نامشروع نداشته باشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَن لَّمۡ يَسۡتَطِعۡ مِنكُمۡ طَوۡلًا أَن يَنكِحَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ فَمِن مَّا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُم مِّن فَتَيَٰتِكُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۚ وَٱللَّهُ أَعۡلَمُ بِإِيمَٰنِكُمۚ بَعۡضُكُم مِّنۢ بَعۡضٖۚ فَٱنكِحُوهُنَّ بِإِذۡنِ أَهۡلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ مُحۡصَنَٰتٍ غَيۡرَ مُسَٰفِحَٰتٖ وَلَا مُتَّخِذَٰتِ أَخۡدَانٖ﴾ [النساء: 25]. «و هر کس از شما از لحاظ مالی توانایی ازدواج با زنان آزاده مؤمن؛ نداشته باشد، پس با کنیزان با ایمانی که ملک یمین شما هستند (ازدواج کند) و الله به ایمان شما داناتر است. برخی از برخی هستند، پس آنان را با اجازه صاحبان‌شان به ازدواج خود در آورید، و مهرشان به طور پسندیده به آنان بدهید. (به شرط آنکه) پاکدامن باشند، نه زناکار، و نه آنان که در پنهانی دوست گیرند».

این امر برای کسی است که می‌ترسد به زنا گرفتار شود و شکیبایی بر او دشوار است و گرنه، بهتر است با کنیزان ازدواج نکند تا الله او را بی‌نیاز گرداند و با زن آزاد ازدواج کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ذَٰلِكَ لِمَنۡ خَشِيَ ٱلۡعَنَتَ مِنكُمۡۚ وَأَن تَصۡبِرُواْ خَيۡرٞ لَّكُمۡۗ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ﴾ [النساء: 25]. «این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شماست که از آلایش گناه بترسد، و صبر (و پاکدامنی) پیشه کردن؛ برایتان بهتر است. و الله آمرزنده‌ی مهربان است».

﴿وَلۡيَسۡتَعۡفِفِ ٱلَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغۡنِيَهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِ﴾ [النور: 33]. «و کسانی‌که (اسباب و امکانات) ازدواج را نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند؛ تا الله آنان را از فضل خود بی‌نیاز گرداند».

مومنان، عورت‌هایشان را از حرام حفظ می‌کنند مگر در مورد همسران یا کنیزان‌شان که الله برایشان مباح قرار داده است:

الله متعال می‌فرماید:﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ٥ إِلَّا عَلَىٰٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ فَإِنَّهُمۡ غَيۡرُ مَلُومِينَ٦ فَمَنِ ٱبۡتَغَىٰ وَرَآءَ ذَٰلِكَ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡعَادُونَ٧﴾ [المؤمنون: 5-7]. «و آن‌ها که شرمگاه‌شان را حفظ می‌کنند. جز بر همسران‌شان یا (بر) کنیزان‌شان، پس بی‌گمان اینان (در بهره‌گیری از آنان) ملامت نمی‌شوند. پس کسی‌که فراتر از این بخواهد، آنانند که تجاوز گرند».

الله حدود را مقرر فرمود تا مؤمنان از انحراف مصون بمانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِي فَٱجۡلِدُواْ كُلَّ وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا مِاْئَةَ جَلۡدَةٖۖ وَلَا تَأۡخُذۡكُم بِهِمَا رَأۡفَةٞ فِي دِينِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۖ وَلۡيَشۡهَدۡ عَذَابَهُمَا طَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ٢﴾ [النور: 2]. «هر یک از زن و مرد زنا کار را صد تازیانه بزنید، و اگر به الله و روز آخرت ایمان دارید نباید در (اجرای احکام) دین الله نسبت به آن دو (زن و مرد) رأفت (و رحمت کاذب) داشته باشید، و باید گروهی از مؤمنان بر مجازات‌شان (شاهد و) حاضر باشند».

﴿وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَأۡتُواْ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَ فَٱجۡلِدُوهُمۡ ثَمَٰنِينَ جَلۡدَةٗ وَلَا تَقۡبَلُواْ لَهُمۡ شَهَٰدَةً أَبَدٗاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ٤﴾ [النور: 4]. «و کسانی‌که زنان پاکدامن را (به زنا) متهم می‌کنند، سپس چهار شاهد نمی‌آورند، پس آن‌ها را هشتاد تازیانه بزنید، و هرگز شهادت‌شان را نپذیرید، و اینانند که فاسق‌اند».

الله، حدود و نیز مجازات کسی که از حدود تجاوز کند را مقرر فرمود؛ بنابراین، هر‌کس پس از آگاهی، از حدود تجاوز کند، الله بر او ظلم نکرده است، بلکه خود بر خویشتن ستم روا داشته است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَتِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَقَدۡ ظَلَمَ نَفۡسَهُ﴾ [الطلاق: 1]. «و این حدود الله است، و هرکس از حدود الله تجاوز کند پس مسلماً به خود ستم کرده است».

مومن در برابر دستورات الله تسلیم است و می‌گوید: "سمعنا و أطعنا":

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا كَانَ قَوۡلَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذَا دُعُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ لِيَحۡكُمَ بَيۡنَهُمۡ أَن يَقُولُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ٥١﴾ [النور: 51]. «سخن مؤمنان هنگامی‌که به سوی الله و پیامبرش خوانده شوند تا میان آن‌ها داوری کند، فقط این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم» و اینان همان رستگارانند».

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡۗ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا مُّبِينٗا٣٦﴾ [الأحزاب: 36]. «و هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی را نسزد؛ هنگامی‌که الله و پیامبرش کاری را حکم کند، آنکه آن‌ها در کارشان اختیاری باشد، و هرکس الله و پیامبرش را نافرمانی کند، به راستی‌که در گمراهی آشکاری گرفتار شده است».

مؤمن می‌داند که الله همان مالک حقیقی است که حکم قابل اجرا از آنِ اوست؛ بنابراین، هر آنچه را بخواهد انجام می‌دهد و هر حکمی را که بخواهد صادر می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَا يُسۡ‍َٔلُ عَمَّا يَفۡعَلُ وَهُمۡ يُسۡ‍َٔلُونَ٢٣﴾ [الأنبیاء: 23]. «(الله) از آنچه می‌کند، باز خواست نمی‌شود، و آنان باز خواست می‌شوند».

﴿وَٱللَّهُ يَحۡكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكۡمِهِ﴾ [الرعد: 41]. «و الله حکم می‌کند، و هیچ کس نمی‌تواند حکم او را رد کند».

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَفۡعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ [الحج: 14]. «مسلماً الله آنچه را می‌خواهد، انجام می‌دهد».

الله سبحانه، هیچ شریکی در حکم و داوری خویش ندارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا يُشۡرِكُ فِي حُكۡمِهِۦٓ أَحَدٗا﴾ [الکهف: 26]. «و او تعالی هیچ کس را در حکم خود شریک نمی‌کند».

مؤمن می‌داند که حکم الله، بهترین حکم است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَفَحُكۡمَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ يَبۡغُونَۚ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكۡمٗا لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ٥٠﴾ [المائدة: 50]. «آیا آن‌ها حکم جاهلیت را می‌خواهند؟!چه کسی بهتر از الله، برای گروهی که یقین دارند، حکم می‌کند؟!».

هر‌کس از آنچه که الله نازل فرمود پیروی نکند؛ به تحقیق که از هوای نفس خویش پیروی می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡحَقِّ﴾ [المائدة: 48]. «پس به آنچه الله نازل کرده است در میان آن‌ها حکم کن و از هوی و هوس‌های آنان به جای آنچه از حق که به تو رسیده است، پیروی نکن (و از احکام الهی روی مگردان)».

حکم بر اساس آنچه الله نازل فرمود، حقیقت و حکم به غیر آن، گمراهی است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلۡنَٰكَ خَلِيفَةٗ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱحۡكُم بَيۡنَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلۡهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾ [ص: 26]. «ای داوود! ما تو را در زمین خلیفه (= فرمانروا) قرار دادیم، پس به حق در میان مردم داوری کن، و از هوای (نفس) پیروی نکن که تو را از راه الله گمراه می‌کند».

اگر مؤمن پس از نافرمانی، احساس کوتاهی و گناه کند و پس از آن، توبه کند، الله توبه‌اش را می‌پذیرد؛ زیرا در برابر حکم الله تسلیم شده است و در شریعت الله با او منازعه نکرده است. اما اگر بر حکم الله اعتراض کند و آن را نپذیرد، از ایمان محروم است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤۡمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ ثُمَّ لَا يَجِدُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَرَجٗا مِّمَّا قَضَيۡتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسۡلِيمٗا٦٥﴾ [النساء: 65]. «نه، سوگند به پروردگارت که آن‌ها ایمان نمی‌آورند، مگر اینکه در اختلافات خویش تو را داور قرار دهند، و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند».

کافران به غیر آنچه الله نازل فرمود، حکم صادر می‌کنند و با این کار، به خودشان و مردمی که به غیر آنچه الله نازل فرمود آنان را به داوری می‌پذیرند، ستم می‌کنند و هر‌کس چنین کند، از اطاعت الله خارج شده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ [المائدة: 44]. «و هر کس به احکامی که الله نازل کرده است حکم نکند؛ کافر است».

﴿وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ﴾ [المائدة: 45]. «و هر کس به احکامی که الله نازل کرده است حکم نکند؛ ستمگر است».

﴿وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡفَٰسِقُونَ﴾ [المائدة: 47]. «و هر کس به آنچه الله نازل کرده حکم نکند؛ نافرمانند».

با حکم بر اساس آنچه الله نازل فرمود، جامعۀ مؤمنان از پستی‌ها پاک می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيَجۡعَلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ حَرَجٖ وَلَٰكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمۡ وَلِيُتِمَّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾ [المائدة: 6]. «الله نمی‌خواهد بر شما دشواری قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام کند، باشد که شکر گزارید».

الله برای محافظت بندگانش از زنا، آنان را از اسباب نزدیک‌کننده به زنا نهی فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ سَبِيلٗا٣٢﴾ [الإسراء: 32]. « و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است!».

اما شیطان، دوستانش را از فقر می‌ترساند و فرمان می‌دهد که خود را کمتر بپوشانند تا آنان را در رذیلت بیندازد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلشَّيۡطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلۡفَقۡرَ وَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡفَحۡشَآءِۖ وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغۡفِرَةٗ مِّنۡهُ وَفَضۡلٗاۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ٢٦٨﴾ [البقرة: 268]. «شیطان شما را (به هنگام انفاق می‌ترساند و) وعده تهی دستی می‌دهد، و شما را به زشتی‌ها امر می‌کند. و در حالی‌که الله از جانب خود به شما وعده آمرزش و فزونی (نعمت) می‌دهد، و الله گشایشگر داناست».

﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ قَدۡ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكُمۡ لِبَاسٗا يُوَٰرِي سَوۡءَٰتِكُمۡ وَرِيشٗاۖ وَلِبَاسُ ٱلتَّقۡوَىٰ ذَٰلِكَ خَيۡرٞۚ ذَٰلِكَ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ لَعَلَّهُمۡ يَذَّكَّرُونَ٢٦ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ لَا يَفۡتِنَنَّكُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ كَمَآ أَخۡرَجَ أَبَوَيۡكُم مِّنَ ٱلۡجَنَّةِ يَنزِعُ عَنۡهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوۡءَٰتِهِمَآۚ إِنَّهُۥ يَرَىٰكُمۡ هُوَ وَقَبِيلُهُۥ مِنۡ حَيۡثُ لَا تَرَوۡنَهُمۡۗ إِنَّا جَعَلۡنَا ٱلشَّيَٰطِينَ أَوۡلِيَآءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ٢٧﴾ [الأعراف: 26-27]. «ای فرزندان آدم! به راستی برای شما لباسی که شرمگاه‌تان را می‌پوشاند و (مايهٴ) زينت شماست، نازل کرديم، و لباس تقوا بهتراست، اين از آيات (و نشانه‌های) الله است تا (انسان‌ها) متذکر شوند. ای فرزندان آدم! شيطان شما را نفريبد، چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بيرون کرد، و لباس‌شان را از تن‌شان کند (کشید)؛ تا شرمگاه‌شان را به آن‌ها نشان دهد. بی‌گمان او و همکارانش شما را می‌بينند از جايی که شما آن‌ها را نمی‌بينيد، براستی ما شيطان‌ها را دوستان کسانی قرار داديم که ايمان نمی‌آورند».

نگاه حرام، شخص را به زنا نزدیک می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡ﴾ [النور: 30]. «(ای پیامبر!) به مردان مؤمن بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نا محرم) فرو گیرند، و شرمگاه‌شان را حفظ کنند، این (کار) برای آن‌ها پاکیز‌ه‌تر است».

﴿وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ [النور: 31]. «و به زنان مؤمن بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم) فرو گیرند، و شرمگاه‌شان را حفظ کنند، و زینت خود را آشکار نکنند».

الله به بندگان مومنش فرمان داد که با زنان یکجا جمع نشوند و اگر در مورد امری یا گرفتن یا دادن چیزی، نیاز پیدا کردند از آنان سؤال کنند، این کار از پشت حجاب صورت گیرد تا آنان را نبینند؛ زیرا این کار، دلهای تمام آنان را پاکیزه‌تر نگه می‌دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡ‍َٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ [الأحزاب: 53]. «و هنگامی‌که چیزی (از وسایل زندگی به عاریت) خواستید، پس از آنان (= زنان پیامبر) از پشت پرده بخواهید، این (کار) برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است».

حجابی که الله زنان مؤمن را بدان فرمان داده است، چیست؟

منظور از واژۀ حجاب در قرآن کریم، حجاب کامل و پوشش و ستر است نه به معنای پوشاندن بخشی از بدن و آشکارساختن بخش دیگری از آن:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَبَيۡنَهُمَا حِجَابٞ﴾ [الأعراف: 46]. «و در ميان آن دو (گروه بهشتی و دوزخی) حجابی است».

طبری در تفسیر خویش می‌گوید: حجاب، مانع میان بهشت و جهنم است که همان سور است.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ جَعَلۡنَا بَيۡنَكَ وَبَيۡنَ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ حِجَابٗا مَّسۡتُورٗا٤٥﴾ [الإسراء: 45]. «و (ای پیامبر!) هنگامی‌که قرآن بخوانی، میان تو و میان کسانی‌که به آخرت ایمان نمی‌آورند، پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم».

طبری می‌گوید: بین تو و بین آنان حجابی قرار دادیم که مانع می‌شود از اینکه دل‌هایشان آنچه را بر آنان می‌خوانی بفهمند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَٱتَّخَذَتۡ مِن دُونِهِمۡ حِجَابٗا﴾ [مریم: 17]. «پس میان خود و آن‌ها پرده‌ی کشید».

طبری می‌گوید: یعنی پوششی میان خود و اهل خویش افکند که او را از آنان و مردم در پوشش قرار می‌داد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡ‍َٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ [الأحزاب: 53]. «و هنگامی‌که چیزی (از وسایل زندگی به عاریت) خواستید، پس از آنان (= زنان پیامبر) از پشت پرده بخواهید، این (کار) برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است».

طبری می‌گوید: از پشت پرده‌ای میان شما و آنان.

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَقَالَ إِنِّيٓ أَحۡبَبۡتُ حُبَّ ٱلۡخَيۡرِ عَن ذِكۡرِ رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتۡ بِٱلۡحِجَابِ٣٢﴾ [ص: 32]. «پس گفت: «من این اسبان را به خاطر (فرمان) پروردگارم دوست دارم» (و پیوسته به آن‌ها نگاه می‌کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند».

طبری می‌گوید: تا اینکه خورشید در پرده پنهان شد؛ یعنی: در غروب خویش ناپدید گشت.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالُواْ قُلُوبُنَا فِيٓ أَكِنَّةٖ مِّمَّا تَدۡعُونَآ إِلَيۡهِ وَفِيٓ ءَاذَانِنَا وَقۡرٞ وَمِنۢ بَيۡنِنَا وَبَيۡنِكَ حِجَابٞ﴾ [فصلت: 5]. «و گفتند: «دل‌های ما از آنچه ما را به آن دعوت می‌کنی در پوشش‌های است، و در گوش‌هایمان سنگینی است، و میان ما و تو حجابی است».

طبری می‌گوید: می‌گویند: ای محمد، میان ما و تو، حفاظی است که مانع از اجتماع ما و تو می‌شود تا یکدیگر را ببینیم. منظور از این حجاب، اختلاف آنان در دین است.

الله می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ ٱللَّهُ إِلَّا وَحۡيًا أَوۡ مِن وَرَآيِٕ حِجَابٍ﴾ [الشورى: 51]. «و برای هیچ بشری (ممکن) نیست که الله با او سخن بگوید، مگر با وحی یا از پس پرده».

طبری می‌گوید: ﴿أَوۡ مِن وَرَآيِٕ حِجَابٍ﴾: یا از پس پرده‌ای با او سخن بگوید، به گونه‌ای که صدایش را می‌شنود اما خودش را نمی‌بیند.

الله به زنان مؤمن فرمان می‌دهد که زیورهای خود را از چشم مردان بیگانه بپوشانند تا کسی که قلب بیماری دارد به طمع نیفتد؛ بنابراین نباید لباس تنگی که جزئیات بدنشان را آشکار می‌کند و نیز لباس نازک و شفاف بپوشند؛ بلکه زیورهای بدن خویش را با حجاب بپوشانند. خود حجاب نیز نباید به سبب رنگ یا زیبایی یا نوع دوخت، زیور باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَا﴾ [النور: 31]. «و زینت خود را آشکار نکنند؛ جز آنچه از آن که (طبعاً خودش) نمایان است».

البته همین مقداری که به صورت طبیعی آشکار می‌گردد نیز باید بدون قصد باشد و مشتاق باشند که آن را مخفی نگه دارند، مانند آنچه که از لباسشان بدون قصد آشکار می‌شود.

﴿وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ﴾ [النور: 31]. «و (زنان) نباید (هنگام راه رفتن) پا‌های خود را (به زمین) بکوبند، تا آنچه از زینت‌شان را که پنهان کرده‌اند، دانسته شود».

بنابراین، زن مؤمن، زیورهای بدن خویش را می‌پوشاند و بسیار مشتاق است که اساساً مردان نسبت به وجود آن آگاه نشوند که این کار برای افراد پاکیزه‌تر است.

یکی از همسران پیامبر رضی الله عنهن روسری بر سرش می‌پوشید تا موهایش آشکار نشود و بر روی آن، پوششی چادرمانند قرار می‌داد تا سر و سایر بدنش را بپوشاند؛ الله سبحانه به آنان دستور داد تا روسری‌ها و چارقدهای خود را بر سر و بدن خویش فروافکنند تا یقه‌هایشان را بپوشاند و سینه‌هایشان آشکار نشود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ [النور: 31]. «و باید (اطراف) مقنعه‌های خود را بر گریبان‌های‌شان بیفکنند (تا چهره و گردن و سینه با آن پوشیده گردد) و زینت خود را آشکار نسازند».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا٥٩﴾ [الأحزاب: 59]. «ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «چادر‌های خود را بر خویش فرو افکنند، (و با آن سر و صورت و سینه‌هایشان را بپوشانند) این مناسب‌تر است تا شناخته شوند؛ پس مورد آزار قرار نگیرند، و الله آمرزندۀ مهربان است».

جلباب، پوشش کاملی در برابر تمام مردان بیگانه است؛ چنانکه با این پوشش شناخته می‌شوند و مورد آزار قرار نمی‌گیرند.

اما زنان مؤمن که زیورهای خویش را از چشم مردان بیگانه می‌پوشانند، در منازل‌شان آنها را در برابر نزدیکان و زنان خویش آشکار می‌کنند؛ زیرا منازل، محل آرامش و استقرار زنان مؤمن است و بیشتر زمان خویش را در منازل سپری می‌کنند.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجۡنَ تَبَرُّجَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰ﴾ [الأحزاب: 33]. «و در خانه‌های خود بمانید، و به شیو‌ۀ جاهلیت نخستین زینت‌های خود را آشکار نکنید».

زینت و زیور کامل زن، برای شوهرش است و در برابر سایر نزدیکان و زنان محرم، همان زیوری را آشکار می‌کند که برای مردان بیگانه حرام است؛ زیرا الله، نزدیکان و زنان شخص را از اینکه زن زیور خود را در برابر آنان بپوشاند استثنا کرده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوۡ ءَابَآئِهِنَّ أَوۡ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآئِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوۡ نِسَآئِهِنَّ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيۡرِ أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ مِنَ ٱلرِّجَالِ أَوِ ٱلطِّفۡلِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يَظۡهَرُواْ عَلَىٰ عَوۡرَٰتِ ٱلنِّسَآءِۖ وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّۚ وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ﴾ [النور: 31]. «و زینت خود را آشکار نکنند؛ جز آنچه از آن که (طبعاً خودش) نمایان است، و باید (اطراف) مقنعه‌های خود را بر گریبان‌هایشان بیفکنند (تا چهره و گردن و سینه با آن پوشیده گردد) و زینت خود را آشکار نسازند؛ مگر برای شوهران‌شان، یا پدران‌شان، یا پدر شوهران‌شان، یا پسران‌شان یا پسران شوهران‌شان، یا برادران‌شان یا پسران برادران‌شان، یا پسران خواهران‌شان یا زنان (هم کیش) شان یا بردگان‌شان یا مردان (سفیه) خدمت‌کاری که رغبتی (به زنان) ندارند، یا کودکانی‌که بر شرمگاه زنان آگاهی نیافته‌اند، و (زنان) نباید (هنگام راه رفتن) پا‌های خود را (به زمین) بکوبند، تا آنچه از زینت‌شان را که پنهان کرده‌اند، دانسته شود، و ای مؤمنان! همگی به سوی الله توبه کنید، تا رستگار شوید».

پس از این بیان، الله بخشنده و توبه‌پذیر، درِ توبه را به روی بندگانش گشوده است؛ زیرا نسبت به حصول تقصیر از جانب بندگانش آگاهی دارد؛ بنابراین، توبه و رجوع به‌سوی الله، سبب رستگاری است.

در کنار این پوشش و حجاب کامل و رسا، الله به زنان مؤمن فرمان می‌دهد که هنگام نیاز برای گفتگو با مردان، سخن نیکو بگویند و به ناز و به صورت نازک سخن نگویند تا کسی که در قلبش بیماری‌ای است طمع نورزد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلَا تَخۡضَعۡنَ بِٱلۡقَوۡلِ فَيَطۡمَعَ ٱلَّذِي فِي قَلۡبِهِۦ مَرَضٞ وَقُلۡنَ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا﴾ [الأحزاب: 32]. «پس در سخن گفتن نرمی نکنید که آنگاه کسی‌که در دلش بیماری است؛ طمع کند، و سخن شایسته بگویید».

اگر مرد فقط به زن خودش بنگرد و زن فقط به شوهرش بنگرد، نفس هر دو آرام می‌گیرد و میان آنها مودت و مهربانی ایجاد می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةً﴾ [الروم: 21]. «و از نشانه‌های او (این) است‌که همسرانی از جنس خود‌تان برای شما آفرید؛ تا به آن‌ها آرام گیرید، و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد».

به این ترتیب، خانواده، خوشبخت و توانا و اساس امتی نیرومند، یعنی بهترین امتی که به‌سوی مردم آفریده شده‌اند، می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ تَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَتَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَتُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ﴾ [آل عمران: 110]. «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: امر به معروف می‌کنید و نهی از منکر می‌نمائید، و به الله ایمان دارید».

اما دشمنان چنین چیزی را برنمی‌تابند.

منافقان، گسترش فساد و انحراف و ضعف امت اسلامی را می‌خواهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتُ بَعۡضُهُم مِّنۢ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمُنكَرِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمَعۡرُوفِ﴾ [التوبة: 67]. «مردان منافق و زنان منافق، همه (همانند هم و) از یک گروه اند، به کارهای زشت فرمان می‌دهند، و از نیکی‌ها باز می‌دارند».

﴿وَيُرِيدُ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلشَّهَوَٰتِ أَن تَمِيلُواْ مَيۡلًا عَظِيمٗا﴾ [النساء: 27]. «و کسانی‌که از خواسته‌های نفسانی پیروی می‌کنند؛ می‌خواهند شما دستخوش انحراف بزرگی شوید».

برخی از منافقان برای گمراهی مسلمانان، به صراحت به زنا فرامی‌خوانند و عنوان دیگری برایش قرار می‌دهند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيُرِيدُ ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلشَّهَوَٰتِ أَن تَمِيلُواْ مَيۡلًا عَظِيمٗا﴾ [النساء: 27]. «و کسانی‌که از خواسته‌های نفسانی پیروی می‌کنند؛ می‌خواهند شما دستخوش انحراف بزرگی شوید».

آنان می‌خواهند که مرد بدون آگاهی و اذن زن با او ازدواج کند؛ در حالی که الله، علم و اذن ولی را شرط صحت ازدواج قرار داده است؛ زیرا برای گرامی‌داشت و حفاظت از زن، ولی و سرپرست، او را به ازدواج درمی‌آورد و زن به تنهایی چنین کاری نمی‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنكِحُواْ ٱلۡمُشۡرِكَٰتِ حَتَّىٰ يُؤۡمِنَّ﴾ [البقرة: 221]. «و با زنان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند؛ ازدواج نکنید».

﴿وَأَنكِحُواْ ٱلۡأَيَٰمَىٰ مِنكُمۡ﴾ [النور: 32]. «مردان و زنان مجرد (و بی‌همسر) خود را همسر دهید».

﴿وَإِذَا طَلَّقۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحۡنَ أَزۡوَٰجَهُنَّ إِذَا تَرَٰضَوۡاْ بَيۡنَهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِۗ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ مِنكُمۡ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾ [البقرة: 232]. «و هنگامی‌که زنان را طلاق دادید، آنگاه (مدت) عده خود را به پایان رساندند، آنان را از ازدواج با شوهران (سابق) خود باز ندارید، وقتی که بطرز پسندیده‌ای در بین خویش تراضی کنند. این (دستوری است) که هر کس از شما که به الله و روز قیامت ایمان دارد؛ به آن پند داده می‌شود».

بنابراین، امر ازدواج به دست ولی است و الله سبحانه به او اندرز می‌دهد که زن تحت سرپرستی خود را از بازگشت به شوهرش که او را برای بار اول طلاق داده، به این دلیل که از او خشمگین است، منع نکند.

صفت پیمان محکمی که باعث حلال‌شدن زن برای  
 شوهرش می‌شود:

الله، عقد ازدواج شرعی را میثاق محکمی می‌نامد که ولی [سرپرست زن] آن را مقدمه‌چینی می‌کند و مهریه در آن مشخص می‌شود و دو گواه بر آن گواهی می‌دهند و در آن، زن و شوهر نصیحت می‌شوند و برایشان دعا می‌شود؛ بنابراین، ازدواج، پیمان محکم و استواری است که باید مفاد آن اجرا شود، حتی اگر شوهر پس از عقد، خواهان طلاق باشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنۡ أَرَدتُّمُ ٱسۡتِبۡدَالَ زَوۡجٖ مَّكَانَ زَوۡجٖ وَءَاتَيۡتُمۡ إِحۡدَىٰهُنَّ قِنطَارٗا فَلَا تَأۡخُذُواْ مِنۡهُ شَيۡ‍ًٔاۚ أَتَأۡخُذُونَهُۥ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا٢٠ وَكَيۡفَ تَأۡخُذُونَهُۥ وَقَدۡ أَفۡضَىٰ بَعۡضُكُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٖ وَأَخَذۡنَ مِنكُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا٢١﴾ [النساء: 20-21]. «واگر خواستید همسری (دیگر) به جای همسر (پیشین خود) برگزینید، و به یکی از آنان مال فراوانی (بعنوان مهریه) پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید، آیا آن (مال) رابه بهتان و گناه آشکار بازپس می‌گیرید؟ و چگونه آن را بازپس می‌گیرید در حالی‌که شما با یکدیگرآمیزش نموده‌اید، و آنان (هنگام عقد ازدواج) از شما پیمانی محکم و استوار گرفته‌اند؟!».

﴿وَإِن طَلَّقۡتُمُوهُنَّ مِن قَبۡلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدۡ فَرَضۡتُمۡ لَهُنَّ فَرِيضَةٗ فَنِصۡفُ مَا فَرَضۡتُمۡ إِلَّآ أَن يَعۡفُونَ أَوۡ يَعۡفُوَاْ ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ عُقۡدَةُ ٱلنِّكَاحِ﴾ [البقرة: 237]. «اگر زنان را پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید، طلاق دادید در حالی‌که برای آن‌ها مهری تعیین کرده‌اید؛ پس نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آن‌ها بدهید) مگر اینکه آنان (حق خود را) ببخشند. یا کسی‌که پیوند نکاح به دست اوست (شوهر) ببخشد (و تمام مهر را بدهد)».

ازدواج، عقدی است که زن و مرد را با پیوند زناشویی به یکدیگر پیوند می‌دهد و جز با طلاق قطع نمی‌شود و برای طلاق باید شاهد گرفته شود. طلاق دو مرتبه است که در این دو مرتبه، زن می‌تواند به شوهرش بازگردانده شود و اگر مرد برای بار سوم او را طلاق داد، زن از گردن او خارج می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلطَّلَٰقُ مَرَّتَانِۖ فَإِمۡسَاكُۢ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ تَسۡرِيحُۢ بِإِحۡسَٰنٖ﴾ [البقرة: 229]. «طلاق (رجعی) دوبار است پس (از آن یا باید همسر را) بطور شایسته نگاه داشتن، یا با نیکی رها کردن».

﴿فَإِذَا بَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمۡسِكُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٍ أَوۡ فَارِقُوهُنَّ بِمَعۡرُوفٖ وَأَشۡهِدُواْ ذَوَيۡ عَدۡلٖ مِّنكُمۡ وَأَقِيمُواْ ٱلشَّهَٰدَةَ لِلَّهِۚ ذَٰلِكُمۡ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ يُؤۡمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾ [الطلاق: 2]. «پس چون (آن‌ها را طلاق دادید و) عدّۀ آن‌ها به سر رسید، آن‌ها را بطرز شایسته‌ای نگه دارید یا بطرز شایسته‌ای از آن‌ها جدا شوید، و دو فرد عادل از خودتان را گواه بگیرید، و شهادت را برای الله برپا دارید، این (حکمی است) که کسی‌که به الله و روز قیامت ایمان دارد به آن پند و اندرز داده می‌شود».

﴿فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدُ حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوۡجًا غَيۡرَهُۥۗ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِمَآ أَن يَتَرَاجَعَآ إِن ظَنَّآ أَن يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ﴾ [البقرة: 230]. «پس اگر (شوهر برای بار سوم) او را طلاق داد، پس از آن (زن) برای او حلال نیست تا اینکه شوهری غیر از او ازدواج کند (و با او آمیزش جنسی نماید) پس اگر (شوهر بعدی) او را طلاق داد، گناهی برآن دو نیست که (با ازدواج مجدد) به یکدیگر بازگردند، اگرآن دو پندارند که حدود الله را بر پا می‌دارند».

﴿تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَعۡتَدُوهَاۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ﴾ [البقرة: 229]. «این‌ها حدود الهی است، پس از آن‌ها تجاوز نکنید و هر کس از حدود الله تجاوز کند، پس اینانند که ستمگرند».

زن پس از طلاق و قبل از ازدواج با مردی غیر از شوهرش، باید مدت زمانی را که الله برای هر زنی بر اساس حالش مشخص کرده است، انتظار بکشد تا از پاک‌بودن رحم خویش از حمل شوهر اولش اطمینان حاصل کند. این امر، بیانگر توجه الله به زنان مؤمن و فرزندان‌شان است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلۡمُطَلَّقَٰتُ يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٖۚ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكۡتُمۡنَ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِيٓ أَرۡحَامِهِنَّ إِن كُنَّ يُؤۡمِنَّ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ﴾ [البقرة: 228]. «و زنان مطلقه باید مدت سه پاکی (یا دیدن سه بار عادت ماهانه) انتظار بکشند، و اگر به الله و روز قیامت ایمان دارند؛ برای آن‌ها روا نیست که آنچه را الله در رحم‌هایشان آفریده، کتمان کنند».

﴿وَٱلَّذِينَ يُتَوَفَّوۡنَ مِنكُمۡ وَيَذَرُونَ أَزۡوَٰجٗا يَتَرَبَّصۡنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَعَشۡرٗا﴾ [البقرة: 234]. «و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند؛ باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند (وعده نگه دارند)».

﴿وَٱلَّٰٓـِٔي يَئِسۡنَ مِنَ ٱلۡمَحِيضِ مِن نِّسَآئِكُمۡ إِنِ ٱرۡتَبۡتُمۡ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَٰثَةُ أَشۡهُرٖ وَٱلَّٰٓـِٔي لَمۡ يَحِضۡنَۚ وَأُوْلَٰتُ ٱلۡأَحۡمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعۡنَ حَمۡلَهُنَّ﴾ [الطلاق: 4]. «و کسانی از زنان‌تان که از عادت ماهانه مأیوس شده‌اند، - اگر شک کردید - عدّة آن‌ها سه ماه است و (نیز) آن‌ها که حیض نشده‌اند. و عدّة زنان بار دار این است که بار خود را بگذارند».

بنابراین، ازدواجی که الله آن را تشریع فرموده است، پیوند استوار و محکمی است که نفس با آن آرام می‌گیرد و مهربانی و مودت ایجاد می‌کند و خانواده‌ای مؤمن و قوی از آن تولید می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةً﴾ [الروم: 21]. «و از نشانه‌های او (این) است‌که همسرانی از جنس خود‌تان برای شما آفرید؛ تا به آن‌ها آرام گیرید، و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد».

هر ازدواجی غیر از ازدواج شرعی که بیان شد، شهواترانی به سبک حیوانات است که افراد غیر مؤمن آن را مرتکب می‌شوند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يَتَمَتَّعُونَ وَيَأۡكُلُونَ كَمَا تَأۡكُلُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ وَٱلنَّارُ مَثۡوٗى لَّهُمۡ﴾ [محمد: 12]. «و کسانی‌که کافر شدند (از متاع دنیوی) بهره می‌گیرند و می‌خورند همچنان‌که چارپایان می‌خورند، و آتش (جهنم) جایگاه آنان است».

جامعۀ مومنان، متحد و تحت رهبری واحدی است که آنان را حمایت می‌کند و به آنان پند می‌دهد و بر اساس هدایت الله و رسولش آنان را رهبری می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ﴾ [النساء: 59]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید الله را، و اطاعت کنید پیامبر، و صاحبان امر تان را، و اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به الله و پیامبر باز گردانید».

خانوادۀ مسلمان نیز همانند جامعۀ اسلامی است؛ زیرا الله، رهبری و حمایت آن را به دست مرد سپرده است، پس مرد به همسر و اولادش رسیدگی می‌کند و از آنان محافظت می‌کند و به آنان پند و اندرز می‌دهد و مالش را برای نیازهایشان هزینه می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ وَبِمَآ أَنفَقُواْ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ﴾ [النساء: 34]. «مردان بر زنان سر پرست و نگهبانند، بخاطر آنکه الله برخی از ایشان را بر برخی برتری داده، و (نیز) بخاطر آنکه از اموال‌شان خرج می‌کنند».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ﴾ [التحریم: 6]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانوادة‌تان را از آتشی که هیمة آن مردم و سنگ‌هاست».

﴿وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَا﴾ [طه: 132]. «و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده، و (خود) بر (انجام) آن شکیبا باش».

نماز، دومین رکن اسلام

الله به بندگانش فرمان می‌دهد که نماز را برای یاد او سبحانه، برپا دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ﴾ [طه: 14]. «و نماز را برای یاد من بر پا دار».

منظور از ذکر الله سبحانه، ستایش و به پاکی‌یادکردن و بزرگداشت و خواندن او تعالی است که با خضوع و فروتنی در برابر الله حاصل می‌شود؛ به گونه‌ای که دل، افتاده و فروتن می‌شود و بدن آرام می‌گیرد.

نخستین صفت افراد با ایمان که الله آن را در سورۀ مؤمنان بیان می‌فرماید، خشوع و فروتنی در نماز است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ١ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ٢﴾ [المؤمنون: 1-2]. «به راستی مؤمنان رستگار شدند. همان کسانی‌که در نمازشان خاشع (و فروتن) هستند».

آخرین صفت مؤمنان نیز، محافظت بر نماز است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَوَٰتِهِمۡ يُحَافِظُونَ٩ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡوَٰرِثُونَ١٠ ٱلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلۡفِرۡدَوۡسَ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ١١﴾ [المؤمنون: 9-11]. «و کسانی‌که برنمازهای شان مواظبت می‌نمایند. (آری) اینانند که وارثند. کسانی‌که (بهشت) فردوس را ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند».

الله در سورۀ معراج نیز، محافظت بر نماز را به عنوان آخرین صفت مؤمنان معرفی می‌فرماید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ يُحَافِظُونَ٣٤ أُوْلَٰٓئِكَ فِي جَنَّٰتٖ مُّكۡرَمُونَ٣٥﴾ [المعارج: 34-35]. «و کسانی‌که بر نمازشان محافظت می‌کنند. اینان در باغ‌های (بهشت) گرامی داشته می‌شوند».

یکی از صفات مؤمنان که الله آن را دوست دارد، نماز زیاد و پایداری در آن است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا ٱلۡمُصَلِّينَ٢٢ ٱلَّذِينَ هُمۡ عَلَىٰ صَلَاتِهِمۡ دَآئِمُونَ٢٣﴾ [المعارج: 22-23]. «مگر نمازگزاران. همان کسانی‌که بر نماز‌هایشان همیشه مداومت می‌کنند».

﴿مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ أُمَّةٞ قَآئِمَةٞ يَتۡلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ وَهُمۡ يَسۡجُدُونَ﴾ [آل عمران: 113]. «از اهل کتاب گروهی هستند که درست‌کردارند، در دل شب در حالی‌که به نماز ایستاده‌اند، آیات الله را می‌خوانند».

از اهل کتاب، گروه‌هایی هستند که در دل شب نماز می‌گزارند و کتاب پروردگارشان را می‌خوانند. آنان این کار را زیاد و به صورت مداوم انجام می‌دهند.

﴿وَهُمۡ يَسۡجُدُونَ﴾: برای الله زیاد سجده می‌گزارند، یعنی برای الله زیاد نماز ادا می‌کنند.

سجود و رکوع، از ارکان نماز هستند و منظور از: ﴿وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ﴾ نمازگزارانی هستند که زیاد نماز می‌گزارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿طَهِّرَا بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ﴾ [البقرة: 125]. «خانه مرا برای طواف کنندگان و مقیمان و رکوع و سجود کنندگان (= نماز گزاران) پاک و پاکیزه کنید».

در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُمۡ رَٰكِعُونَ﴾ [المائدة: 55]. «و آن‌ها که ایمان آورده‌اند، (همان)کسانی‌که نماز را بر پا می‌دارند و آنان با خشوع و فروتنی زکات را می‌دهند».

کسانی که ایمان آورده‌اند، همان کسانی هستند که نماز زیاد برپا می‌دارند و بر آن مواظبت می‌کنند و به صورتی که الله خواسته است آن را اقامه می‌کنند و زکات می‌پردازند: ﴿وَهُمۡ رَٰكِعُونَ﴾ برای الله زیاد رکوع می‌گزارند یعنی برای الله بسیار نماز ادا می‌کنند.

در چنین نمازی، قیام و رکوع و سجود برای الله سبحانه وجود دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ﴾ [البقرة: 238]. «و فروتنانه برای الله به پا خیزید».

یعنی در حالی که در برابر او تسلیم و خاشع و فروتن هستید.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرۡكَعُواْ وَٱسۡجُدُواْۤ وَٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمۡ وَٱفۡعَلُواْ ٱلۡخَيۡرَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ۩٧٧﴾ [الحج: 77]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید، و سجده کنید، و پروردگارتان را بپرستید، و کار نیک انجام دهید؛ باشد که رستگار شوید».

انسان مؤمن، قبل از ایستادن در برابر الله سبحانه، خودش را پاکیزه می‌کند؛ زیرا الله پاکیز‌گان را دوست دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ﴾ [البقرة: 222]. «به راستی که الله توبه کنندگان را دوست می‌دارد و (نیز) پاکان را دوست می‌دارد».

بنابراین، صورت و دست‌هایش را تا آرنج‌ها و پاهایش را تا قوزک‌ها می‌شوید و سرش را مسح می‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قُمۡتُمۡ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ فَٱغۡسِلُواْ وُجُوهَكُمۡ وَأَيۡدِيَكُمۡ إِلَى ٱلۡمَرَافِقِ وَٱمۡسَحُواْ بِرُءُوسِكُمۡ وَأَرۡجُلَكُمۡ إِلَى ٱلۡكَعۡبَيۡنِ﴾ [المائدة: 6]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! چون به نماز برخاستید؛ پس صورت خود و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و سرتان را مسح کنید، و پاهای‌تان را تا دو قوزک (بشویید)».

الله، مسح سر را در سیاق اعضایی که شسته می‌شود ذکر فرمود تا ترتیب فهمیده شود.

یعنی صورت‌هایتان را بشویید و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و پاهای‌تان را تا قوزک‌ها بشویید.

واژۀ: ﴿َأَرۡجُلَكُمۡ﴾ برای بیان ترتیب، در پایان ذکر شد، یعنی پاهای‌تان را پس از مسح سر بشویید.

اگر منظور این بود که پاها مانند سر مسح شود، باید به صورت مجرور: ﴿َأَرۡجُلَكُمۡ﴾ می‌آمد چنانکه قبل از آن:﴿بِرُءُوسِكُمۡ﴾ به صورت مجرور آمده است.

اما ﴿َأَرۡجُلَكُمۡ﴾ مانند الفاظ منصوب قبلی، به صورت منصوب بیان شد.

اما شخص جنب و کسی که با زن نزدیکی کرده است، باید غسل کنند و وضو به تنهایی برای نماز کفایت نمی‌کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِن كُنتُمۡ جُنُبٗا فَٱطَّهَّرُواْ﴾ [المائدة:6]. «و اگر جنب بودید؛ پس خود را پاک سازید (و غسل کنید)».

﴿وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغۡتَسِلُواْ﴾ [النساء: 43]. «و (نیز) در حال جنابت، تا غسل کنید، مگر اینکه رهگذار باشید».

در صورت فقدان آب، تیمم، جایگزین وضو و غسل می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَلَمۡ تَجِدُواْ مَآءٗ فَتَيَمَّمُواْ صَعِيدٗا طَيِّبٗا فَٱمۡسَحُواْ بِوُجُوهِكُمۡ وَأَيۡدِيكُم مِّنۡهُ﴾ [المائدة: 6]. «آنگاه آب نیابید؛ پس با خاک پاکی تیمم کنید. و از آن بر صورت‌تان و دست‌هایتان بکشید».

مسح در اینجا، برای صورت و دست‌ها بیان شد؛ زیرا واژۀ: ﴿أَيۡدِيكُمۡ﴾ مجرور است و به صورت منصوب :﴿أَيۡدِيَكُمۡ﴾ نیامده است.

الله به مؤمنان فرمان داد که وضو و غسل بگیرند و اگر آب نیافتند، به آنان تخفیف داد که تیمم کنند. الله می‌خواهد که مؤمنان پاکیزه شوند؛ زیرا هنگام نماز، در مقام بزرگی، یعنی در برابر الله متعال، قرار می‌گیرند. این پاکیزگی مؤمنان قبل از نماز که با وضو یا تیمم بدن خویش را پاکیزه می‌کنند، افزون بر پاکیزگی‌ای است که با ایمان کسب می‌کنند. الله سخت‌گیری و مشقت را برای مؤمنان نمی‌خواهد، بلکه فقط نیکوگردانیدن و تزکیۀ آنان را می‌خواهد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيَجۡعَلَ عَلَيۡكُم مِّنۡ حَرَجٖ وَلَٰكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمۡ وَلِيُتِمَّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾ [المائدة: 6]. «الله نمی‌خواهد بر شما دشواری قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام کند، باشد که شکر گزارید».

چنانکه الله برای نیکوگردانیدن زنان پیامبر خویش، برخی اوامر و نواهی را متوجه آنان ساخت؛ زیرا الله آنان را توسط پیامبرش عزت بخشید و اگر فرمان الله را اجرا کنند، مانند هیچ زن دیگری نیستند. آنان و شوهرشان رسول الله ج، اهل بیت شریفی هستند که الله می‌خواهد هر آنچه را که شایستۀ جایگاهشان نیست از آنان بزداید و آنان را پاکیزه گرداند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ لَسۡتُنَّ كَأَحَدٖ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِنِ ٱتَّقَيۡتُنَّۚ فَلَا تَخۡضَعۡنَ بِٱلۡقَوۡلِ فَيَطۡمَعَ ٱلَّذِي فِي قَلۡبِهِۦ مَرَضٞ وَقُلۡنَ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا٣٢ وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجۡنَ تَبَرُّجَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰۖ وَأَقِمۡنَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتِينَ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِعۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذۡهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجۡسَ أَهۡلَ ٱلۡبَيۡتِ وَيُطَهِّرَكُمۡ تَطۡهِيرٗا٣٣ وَٱذۡكُرۡنَ مَا يُتۡلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱلۡحِكۡمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا٣٤﴾ [الأحزاب: 32-34]. «ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان (عادی دیگر) نیستید، اگر پرهیزگاری کنید؛ پس در سخن گفتن نرمی نکنید که آنگاه کسی‌که در دلش بیماری است؛ طمع کند، و سخن شایسته بگویید. و در خانه‌های خود بمانید، و به شیو‌ۀ جاهلیت نخستین زینت‌های خود را آشکار نکنید، و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید، و الله و پیامبرش را اطاعت کنید، الله قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و چنانکه باید شما را پاک سازد. و آنچه را در خانه‌هایتان از آیات الله و حکمت (= سنت پیامبر) خوانده می‌شود یاد کنید؛ بی‌گمان الله باریک‌بین آگاه است».

چنانکه الله برای مجاهدان در راه او تعالی همراه رسول الله ج در غزوۀ بدر کبری، آن جایگاه بزرگ و جداکنندۀ میان مؤمنان و کافران، بارانی فرستاد تا مؤمنان را با آن پاکیزه گرداند و وسوسۀ شیطان را از آنان برطرف کند و دل‌هایشان را محکم و گام‌هایشان را استوار سازد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِذۡ يُغَشِّيكُمُ ٱلنُّعَاسَ أَمَنَةٗ مِّنۡهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيۡكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ لِّيُطَهِّرَكُم بِهِۦ وَيُذۡهِبَ عَنكُمۡ رِجۡزَ ٱلشَّيۡطَٰنِ وَلِيَرۡبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمۡ وَيُثَبِّتَ بِهِ ٱلۡأَقۡدَامَ١١﴾ [الأنفال: 11]. «(و به یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که آرامشی از سوی او بود، شما را فرا گرفت، و از آسمان آبی بر شما فرو فرستاد، تا شما را با آن پاک کند، و پلیدی شیطان را از شما دور سازد، و دل‌های شما را محکم بدارد، و گام‌هایتان را با آن استوار کند».

مؤمنان با این طهارت و پوشش عورت‌ها به روشی نیکو، زینت خویش را هنگام ایستادن در برابر الله در هر نمازی برمی‌گیرند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ﴾ [الأعراف: 31]. «ای فرزندان آدم! به هنگام رفتن به مسجد (و در هر نمازی) زينت خود را بر گيريد (و لباس‌های شايسته بپوشيد)».

مؤمنان این نمازها را بامداد و شامگاه در اوقات خودش در مساجد و همراه نمازگزاران برپامی‌دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ﴾ [البقرة: 43]. «و با نماز گزاران نماز بخوانید».

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ وَيُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ٣٦﴾ [النور: 36]. «(این چراغ پر نور) در خانه‌های است که الله اجازه داده است که بلند شود، و نامش در آن‌ها برده شود، (و) صبح و شام در آن‌ها تسبیح او گویند».

﴿بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ﴾: یعنی بامداد و شامگاه

﴿رِجَالٞ لَّا تُلۡهِيهِمۡ تِجَٰرَةٞ وَلَا بَيۡعٌ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوۡمٗا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلۡقُلُوبُ وَٱلۡأَبۡصَٰرُ٣٧ لِيَجۡزِيَهُمُ ٱللَّهُ أَحۡسَنَ مَا عَمِلُواْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضۡلِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَرۡزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيۡرِ حِسَابٖ٣٨﴾ [النور: 37-38]. «مردانی‌که هیچ تجارت و خرید و فروشی آن‌ها را از یاد الله و بر پاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند، (آن‌ها) از روزی می‌ترسند که در آن دل‌ها و چشم‌ها دگرگون (و بی‌تاب) می‌شود. تا الله بهتر از آنچه انجام داده‌اند به آن‌ها پاداش دهد، و از فضل خود بر پاداش آن‌ها بیفزاید، و الله هر کس را که بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد».

﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا﴾ [النساء: 103]. «همانا نماز (فریضه‌ای است که) در اوقات معینی بر مؤمنان واجب (و نوشته) شده‌است».

الله سبحانه به محافظت تمام نمازهای پنجگانه، بخصوص نماز عصر فرمان داده است؛ زیرا نماز عصر، گاهی در هنگام استراحت پس از کار و خستگی اقامه می‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ﴾ [البقرة: 238]. «بر (بجا آوردن) نماز‌ها و (بخصوص) نماز میانه (نماز عصر) محافظت کنید».

﴿َٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ﴾﴾: نماز عصر

مسلمانان در امنیت و ترس، نمازها را همراه امام با جماعت برپا می‌دارند، همانگونه که الله به آنان آموخته است؛ اما اگر به صورت ترس زیاد قادر به برپایی نماز جماعت نباشند، نماز را به صورت فرادی ادا می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا كُنتَ فِيهِمۡ فَأَقَمۡتَ لَهُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَلۡتَقُمۡ طَآئِفَةٞ مِّنۡهُم مَّعَكَ وَلۡيَأۡخُذُوٓاْ أَسۡلِحَتَهُمۡۖ فَإِذَا سَجَدُواْ فَلۡيَكُونُواْ مِن وَرَآئِكُمۡ وَلۡتَأۡتِ طَآئِفَةٌ أُخۡرَىٰ لَمۡ يُصَلُّواْ فَلۡيُصَلُّواْ مَعَكَ وَلۡيَأۡخُذُواْ حِذۡرَهُمۡ وَأَسۡلِحَتَهُمۡ﴾ [النساء: 102]. «و چون (وقت خوف) در میان آن‌ها باشی، و برای آن‌ها نماز بر پا کردی، باید دسته‌ای از آن‌ها با تو (به نماز) بایستند، و باید سلاح‌هایشان را با خود برگیرند. و چون سجده کردند (و نماز را تمام نمودند) باید (دسته دوم) پشت سرتان باشند، و باید آن دسته‌ای که نماز نخوانده‌اند؛ بیایند و با تو نماز بخوانند، و باید آن‌ها احتیاط کنند و سلاح‌هایشان را (در نماز) با خود بگیرند».

﴿فَإِنۡ خِفۡتُمۡ فَرِجَالًا أَوۡ رُكۡبَانٗاۖ فَإِذَآ أَمِنتُمۡ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمۡ تَكُونُواْ تَعۡلَمُونَ٢٣٩﴾ [البقرة: 239]. «پس اگر (از دشمن و غیره) ترسیدید، در حال پیاده یاسواره (نماز را بجای آورید) پس هنگامی‌که ایمن شدید، الله را یاد کنید. (و نماز‌ها را به تمام و کمال بجای آورید) همان‌گونه که چیزهای را که نمی‌دانستید به شما یاد داد».

مسلمانان در روز جمعه، برای برپایی نماز جمعه و شنیدن ذکر الله اجتماع می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ٩ فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ١٠﴾ [الجمعة: 9-10]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! هنگامی‌که در روز جمعه برای نماز اذان گفته شد به سوی (نماز و) ذکر الله بشتابید و خرید و فروش را رها کنید، اگر بدانید این برای شما بهتر است. پس هنگامی‌که نماز پایان یافت، (برای کسب رزق و روزی) در زمین پراکنده شوید، و از فضل الله طلب کنید، و الله را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید».

مؤمنان با یکدیگر برادرند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ﴾ [الحجرات: 10]. «یقیناً مؤمنان برادرند».

برادری دینی از تارک نماز نفی می‌شود و چون توبه کند، از حق برادری دینی برخوردار می‌گردد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِن تَابُواْ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ فَإِخۡوَٰنُكُمۡ فِي ٱلدِّينِۗ وَنُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ١١﴾ [التوبة: 11]. «پس اگر توبه کنند، و نماز را بر پا دارند، و زکات را بدهند، برادران دینی شما هستند، و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند بیان می‌کنیم».

هر گاه مؤمن از دنیا وداع می‌کند، برداران مؤمن او، با نماز و دعا برایش با او وداع می‌کنند، اما بر کافر و منافق نماز گزارده نمی‌شود و برای‌شان دعا نیز نمی‌شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰٓ أَحَدٖ مِّنۡهُم مَّاتَ أَبَدٗا وَلَا تَقُمۡ عَلَىٰ قَبۡرِهِۦٓۖ إِنَّهُمۡ كَفَرُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَمَاتُواْ وَهُمۡ فَٰسِقُونَ٨٤﴾ [التوبة: 84]. «و هرگز بر هیچ یک از آن‌ها که مرده است، نماز نخوان، و بر (کنار) قبرش نایست، بی‌گمان آن‌ها به الله و رسولش کافر شدند، و در حالی‌که فاسق (و نافرمان) بودند؛ مردند».

بهترین نماز پس از نمازهای فرض، نماز شب است و برترین نماز شب، در آخرین لحظۀ شب قبل از فجر (سحر) است که نیکوکاران در آن زمان نمازمی‌گزارند و آمرزش می‌طلبند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمَّنۡ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ سَاجِدٗا وَقَآئِمٗا يَحۡذَرُ ٱلۡأٓخِرَةَ وَيَرۡجُواْ رَحۡمَةَ رَبِّهِۦۗ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ٩﴾ [الزمر: 9]. «آیا (این مشرک بهتر است، یا) کسی‌که در ساعات شب در حال سجده و قیام به عبادت مشغول است، و از (عذاب) آخرت بیم ناک است، و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی‌که می‌دانند، و کسانی‌که نمی‌دانند یکسان هستند؟! تنها خردمندان پند می‌پذیرند».

﴿إِنَّ ٱلۡمُتَّقِينَ فِي جَنَّٰتٖ وَعُيُونٍ١٥ ءَاخِذِينَ مَآ ءَاتَىٰهُمۡ رَبُّهُمۡۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَبۡلَ ذَٰلِكَ مُحۡسِنِينَ١٦ كَانُواْ قَلِيلٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ مَا يَهۡجَعُونَ١٧ وَبِٱلۡأَسۡحَارِ هُمۡ يَسۡتَغۡفِرُونَ١٨﴾ [الذاریات: 15-18]. «در روز قیامت) مسلماً پرهیزگاران در باغ‌ها و چشمه سارها (ی بهشت) هستند. آنچه پروردگارشان به آن‌ها عطا فرموده، دریافت کرده‌اند، بی‌گمان آن‌ها پیش از این (در دنیا) نیکوکار بودند. آن‌ها بخش اندکی از شب را می‌خوابیدند (و به نماز و نیایش مشغول بودند). و در سحر گاهان آمرزش طلب می‌کردند».

و با خشوع و تدبر، هر اندازه که مقدور شد قرآن تلاوت می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ وَنِصۡفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ مَعَكَۚ وَٱللَّهُ يُقَدِّرُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَۚ عَلِمَ أَن لَّن تُحۡصُوهُ فَتَابَ عَلَيۡكُمۡۖ فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِۚ﴾ [المزمل: 20]. «(ای پیامبر!) یقیناً پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از آن‌ها که با تو هستند نزدیک دو سوم شب و (یا) نصف (یا) ثلث آن را بپا می‌خیزید، و الله شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند، می‌داند که شما نمی‌توانید حساب آن را (دقیق) محاسبه کنید، لذا شما را بخشید، پس اکنون آنچه (برای شما) میسر باشد از قرآن بخوانید».

﴿مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ أُمَّةٞ قَآئِمَةٞ يَتۡلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ وَهُمۡ يَسۡجُدُونَ﴾ [آل عمران: 113]. «از اهل کتاب گروهی هستند که درست‌کردارند، در دل شب در حالی‌که به نماز ایستاده‌اند، آیات الله را می‌خوانند».

اگر قرآن بر کوه نازل شود، به طور قطع خاشع و فروتن خواهد شد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَوۡ أَنزَلۡنَا هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ عَلَىٰ جَبَلٖ لَّرَأَيۡتَهُۥ خَٰشِعٗا مُّتَصَدِّعٗا مِّنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِ﴾ [الحشر: 21]. «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، یقیناً آن را از ترس الله خاکسار و از هم پاشیده می‌دیدی».

قرآن، تأثیر زیبا و لطیفی بر دل‌ها دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحۡسَنَ ٱلۡحَدِيثِ كِتَٰبٗا مُّتَشَٰبِهٗا مَّثَانِيَ تَقۡشَعِرُّ مِنۡهُ جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُمۡ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمۡ وَقُلُوبُهُمۡ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ﴾ [الزمر: 23]. «الله بهترین سخن را نازل کرده است، کتابی که (آیاتش) متشابه (= همانند یکدیگر، و) مکرر است که از (شنیدن) آن پوست‌های کسانی‌که از پروردگارشان می‌ترسند، به لرزه می‌افتد، آنگاه پوست‌هایشان و دل‌های شان با یاد الله نرم می‌شود (و آرام می‌گیرد)».

دل‌های برخی مردم، از سنگ سخت‌تر است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ثُمَّ قَسَتۡ قُلُوبُكُم مِّنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ فَهِيَ كَٱلۡحِجَارَةِ أَوۡ أَشَدُّ قَسۡوَةٗۚ وَإِنَّ مِنَ ٱلۡحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنۡهُ ٱلۡأَنۡهَٰرُۚ وَإِنَّ مِنۡهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخۡرُجُ مِنۡهُ ٱلۡمَآءُۚ وَإِنَّ مِنۡهَا لَمَا يَهۡبِطُ مِنۡ خَشۡيَةِ ٱللَّهِۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ٧٤﴾ [البقرة: 74]. «سپس بعد از این دل‌های شما سخت شد، همچون سنگ، یا سخت‌تر! زیرا که پاره‌ای از سنگ‌ها می‌شکافد، و از آن‌ها نهرها جاری می‌شود، و پارۀ از ترس الله فرو می‌افتد، و الله از آنچه می‌کنید؛ غافل نیست».

مؤمنان در پی نماز و در هر حالتی، خدا را یاد می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قَضَيۡتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمۡ﴾ [النساء: 103]. «پس چون نماز را به پایان رساندید، الله را ایستاده، و نشسته و بر پهلوی خویش (خوابیده) یاد کنید».

رکن سوم: زکات

زوج نماز در کتاب الله تعالى:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ﴾ [البقرة: 43]. «و نماز را بر پا دارید و زکات را بپردازید».

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ﴾ [المائدة: 55]. «و آن‌ها که ایمان آورده‌اند، (همان)کسانی‌که نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌دهند».

الله بر مال زکات‌دهنده و صدقه‌دهنده می‌افزاید و آن را زیاد می‌کند، اما ربا را نابود می‌سازد، به گونه‌ای که هیچ برکتی در آن نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِ﴾ [البقرة: 276]. «الله ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش و (برکت) می‌دهد».

﴿وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن رِّبٗا لِّيَرۡبُوَاْ فِيٓ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا يَرۡبُواْ عِندَ ٱللَّهِۖ وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن زَكَوٰةٖ تُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُضۡعِفُونَ٣٩﴾ [الروم: 39]. «و آنچه (به قصد) ربا می‌دهید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد الله فزونی نخواهد یافت، و آنچه را (به عنوان) زکات می‌پردازید که تنها وجه الله را می‌طلبید (برکت و فزونی می‌یابد) پس (کسانی‌که چنین کنند) اینان فزونی یافتگانند».

زکات؛ مؤمنان و اموال‌شان را پاکیزه می‌سازد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿خُذۡ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ صَدَقَةٗ تُطَهِّرُهُمۡ وَتُزَكِّيهِم بِهَا﴾ [التوبة: 103]. «از اموال آن‌ها صدقه (و زکات) بگیر، تا بوسیله‌ی آن آن‌ها را پاک سازی و تزکیه شان کنی».

انسان مؤمن می‌داند که تمام اموال از آنِ الله است، فقط الله مال را می‌بخشاید و به انفاق از مال فرمان داده و پاداش بزرگی را بر این کار وعده فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰكُم﴾ [البقرة: 254]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم؛ انفاق کنید».

﴿ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَأَنفِقُواْ مِمَّا جَعَلَكُم مُّسۡتَخۡلَفِينَ فِيهِۖ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَأَنفَقُواْ لَهُمۡ أَجۡرٞ كَبِيرٞ٧﴾ [الحدید: 7]. «به الله و پیامبرش ایمان بیاورید و از آنچه شما را در آن جانشین قرار داده انفاق کنید، پس کسانی‌که از شما ایمان آوردند و (در راه الله) انفاق کردند برای آن‌ها پاداش بزرگی است».

زکات، حقی برای اهلش است، همان کسانی که الله آنان را بیان فرمود؛ بنابراین در پرداخت زکات، بر هیچ‌کس منتی نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فِيٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ حَقّٞ مَّعۡلُومٞ٢٤ لِّلسَّآئِلِ وَٱلۡمَحۡرُومِ٢٥﴾ [المعارج: 24-25]. «و کسانی‌که در اموال‌شان حق (معین و) معلومی است. برای گدا و محروم».

﴿وَوَيۡلٞ لِّلۡمُشۡرِكِينَ٦ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ﴾ [فصلت: 6-7]. «و وای بر مشرکان! (همان) کسانی‌که زکات نمی‌دهند».

نپرداختن زکات، یکی از صفات مشرکان است.

مؤمن این صدقۀ فرض را به مستحقش می‌پردازد و در قبال آن، فقط خشنودی الله را می‌جوید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّقُلُوبُهُمۡ وَجِلَةٌ أَنَّهُمۡ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ رَٰجِعُونَ٦٠ أُوْلَٰٓئِكَ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَهُمۡ لَهَا سَٰبِقُونَ٦١﴾ [المؤمنون: 60-61]. «و کسانی‌که (در راه الله) آنچه را باید بدهند، می‌دهند، و (با این حال) دل‌های شان بیمناک است، که بی‌گمان آنان به سوی پروردگار‌شان باز می‌گردند. (آری) اینانند که در نیکی‌ها شتاب می‌کنند، و در انجام آن (از دیگران) پیشی می‌گیرند».

﴿وَيُطۡعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسۡكِينٗا وَيَتِيمٗا وَأَسِيرًا٨ إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا٩ إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوۡمًا عَبُوسٗا قَمۡطَرِيرٗا١٠﴾ [الإنسان: 8-10]. «و غذا را با این‌که (نیاز و) دوست دارند به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌بخشند. (و می‌گویند:) «ما فقط به خاطر الله به شما غذا می‌دهیم، نه از شما پاداشی می‌خواهیم و نه سپاسی. همانا ما از پروردگارمان می‌ترسیم، روزی‌که عبوس و سخت و دشوار است».

انسان مؤمن زکات را به هشت صنف که الله زکات را در آنها منحصر فرمود، می‌پردازد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا ٱلصَّدَقَٰتُ لِلۡفُقَرَآءِ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡعَٰمِلِينَ عَلَيۡهَا وَٱلۡمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمۡ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَٱلۡغَٰرِمِينَ وَفِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۖ فَرِيضَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ٦٠﴾ [التوبة: 60]. «صدقات (و زکات‌ها) مخصوص فقراء و مساکین و کار گزاران (جمع آوری) آن، و دلجوئی شدگان (نو مسلمانان) و برای (آزاد کردن) بردگان، و (ادای وام) بدهکاران، و در راه الله، و به راه ماندگان، (است، این) فریضه‌ای (مقرر شده) از جانب الله است، و الله دانای حکیم است».

اما صدقات مستحبی را به هر‌کس که بخواهد از روی احسان و نیکی، می‌پردازد و این امر، سبب برکت مال در دنیا و ثواب اخروی از جانب الله می‌گردد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَّثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنۢبَتَتۡ سَبۡعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنۢبُلَةٖ مِّاْئَةُ حَبَّةٖۗ وَٱللَّهُ يُضَٰعِفُ لِمَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ٢٦١﴾ [البقرة: 261]. «مثل کسانی‌که اموال خود را در راه الله انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه یکصد دانه باشد، و الله برای هر کس که بخواهد چند برابر می‌کند و الله گشایشگر داناست».

﴿وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ﴾ [سبأ: 39]. «و هر چیزی را (در راه الله) انفاق کنید، پس او عوض آن را می‌دهد، و او بهترین روزی دهندگان است».

اما صدقۀ واجب [=زکات] مخصوص هشت صنف مذکور است و اندازۀ آن اندک، یعنی یک چهلم مال ذخیره‌شده‌ای است که به کار گرفته نمی‌شود و این امر، بیانگر لطف و آسان‌گیری الله است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱللَّهُ لَطِيفُۢ بِعِبَادِهِ﴾ [الشورى: 19]. «الله نسبت به بندگانش لطیف (و مهربان) است».

﴿وَإِنَّ ٱللَّهَ بِكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ﴾ [الحدید: 9]. «و یقیناً الله نسبت به شما رؤوف و مهربان است».

اگر مردم همین مقدار اندک را که الله در اموال آنان برای فقرا واجب گردانیده است، بپردازند، فقیری بر روی زمین باقی نمی‌ماند.

الله مقدار صدقۀ واجب در غنیمت مجاهدان را نیز در آیات قتال بیان فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ كُلُّهُۥ لِلَّهِۚ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ٣٩ وَإِن تَوَلَّوۡاْ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَوۡلَىٰكُمۡۚ نِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ٤٠ ۞وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا غَنِمۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُۥ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ إِن كُنتُمۡ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا يَوۡمَ ٱلۡفُرۡقَانِ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ٤١﴾ [الأنفال: 39-41]. «و با آن‌ها پیکار کنید، تا فتنۀ (شرک) ریشه کن شود، و (پرستش و) دین، همه از آن الله باشد، پس اگر آن‌ها (از شرک و آزار و اذیت) دست بر دارند، الله به آنچه می‌کنند؛ بیناست. و اگر (سرپیچی و) روی گردانی کنند، پس بدانید که الله سرپرست (و مولای) شماست، چه نیکو سرپرست و چه نیکو یاوری است. و بدانید که هرگونه غنیمتی به دست آوردید، یک پنجمش برای خدا، و برای پیامبر، و برای خویشان، و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به الله و آنچه بر بندۀ خود در روز فرقان (= جدایی حق از باطل)، روز بر خورد دو گروه (مؤمنین و مشرکین در بدر) نازل کردیم، ایمان آورده‌اید، و الله بر هرچیز تواناست».

بنابراین، مجاهدان چهار پنجم غنیمت را می‌گیرند و یک پنجم باقی‌مانده، میان مصارف پنجگانۀ مذکور در آیه فوق توزیع می‌شود.

اما برخی فریبکاران که اموال مردم را به باطل می‌خورند، نسبت خویش به آل بیت رضوان الله علیهم را ادعا می‌کنند و به گرفتن خمس خمس [= یک بیست و پنجم] اکتفا نمی‌کنند، بلکه خمس کامل را می‌گیرند. بعلاوه، این مقدار را از غنیمت مجاهدان پس از پیروزی نمی‌گیرند، بلکه آن را از اموال شخصی مردم می‌ستانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلۡأَحۡبَارِ وَٱلرُّهۡبَانِ لَيَأۡكُلُونَ أَمۡوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلۡبَٰطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾ [التوبة: 34]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! بی‌گمان بسیاری از احبار و رهبان اموال مردم را به باطل می‌خورند، و (دیگران را) از راه الله باز می‌دارند».

این مکاران نزد مردم می‌روند و آنان را به مشقت می‌اندازند تا مقدار مذکور را از اموال‌شان بستانند، در حالی که زکات را که الله تشریع فرموده است، یک عبادت و سبب پاکی جان و مال است و باج‌گیری نیست.

و به همین دلیل، بهتر است زکات به صورت پنهانی به فقرا پرداخت شود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِن تُبۡدُواْ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِيَۖ وَإِن تُخۡفُوهَا وَتُؤۡتُوهَا ٱلۡفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡ﴾ [البقرة: 271]. «اگر صدقه‌ها را آشکار کنید چه نیکوست، و اگر آن‌ها را پنهان دارید و به تهی دستان بدهید، پس این برای شما بهتر است».

پیروان راستین حق، هیچ مال یا پاداشی از مردم درخواست نمی‌کنند، بلکه مردم را به‌سوی الله هدایت می‌کنند و تمام پیامبران اینگونه بودند:

الله، سخن نوح، هود، صالح، لوط و شعیب علیهم السلام را اینگونه بازگو می‌فرماید: ﴿وَمَآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٍۖ إِنۡ أَجۡرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ١٠٩﴾ [الشعراء: 109]. «و من بر (رساندن) این (دعوت) هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم، مزد من تنها بر (عهدۀ) پروردگار جهانیان است».

الله، خطاب به پیامبر اسلام، محمد ج می‌فرماید:

﴿قُل لَّآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًاۖ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرَىٰ لِلۡعَٰلَمِينَ﴾ [الأنعام: 90]. «بگو: من در برابر این (رسالت) پاداشی از شما نمی‌طلبم، این (رسالت و دعوت) چیزی جز (پند و) یاد آوری برای جهانیان نیست».

﴿قُل لَّآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًا إِلَّا ٱلۡمَوَدَّةَ فِي ٱلۡقُرۡبَىٰ﴾ [الشورى: 23]. «بگو: من بر (رساندن) آن هیچ پاداشی از شما در خواست نمی‌کنم، جز محبت خویشاوندی، (که بجای آورید)».

ای محمد به این مشرکان قریش بگو من در برابر رسانیدن پیام و دعوت، هیچ مال و مزدی درخواست نمی‌کنم، زیرا مزد من نزد الله است، از هیچ‌کس مزد نمی‌طلبم، و دعوت من، تذکری برای جهانیان است. تنها چیزی که از شما می‌خواهم این است که وفاداری خویشاوندی میان من و خودتان را رعایت کنید، یعنی به من آزار نرسانید و میان من و دعوت مردم به‌سوی الله مانع ایجاد نکنید.

چنانکه الله متعال در سورۀ دخان در مورد پیامبر اسلام و موسی إ می‌فرماید:

﴿أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكۡرَىٰ وَقَدۡ جَآءَهُمۡ رَسُولٞ مُّبِينٞ١٣ ثُمَّ تَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ وَقَالُواْ مُعَلَّمٞ مَّجۡنُونٌ١٤﴾ [الدخان: 13-14]. «چگونه (و از کجا) پند می‌پذیرند در حالی‌که پیامبر روشن‌گر برای‌شان آمد! سپس از او روی گرداندند، و گفتند: (او) آموزش یافتۀ دیوانه است».

﴿وَلَقَدۡ فَتَنَّا قَبۡلَهُمۡ قَوۡمَ فِرۡعَوۡنَ وَجَآءَهُمۡ رَسُولٞ كَرِيمٌ١٧ أَنۡ أَدُّوٓاْ إِلَيَّ عِبَادَ ٱللَّهِۖ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٞ١٨ وَأَن لَّا تَعۡلُواْ عَلَى ٱللَّهِۖ إِنِّيٓ ءَاتِيكُم بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ١٩ وَإِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمۡ أَن تَرۡجُمُونِ٢٠ وَإِن لَّمۡ تُؤۡمِنُواْ لِي فَٱعۡتَزِلُونِ٢١﴾ [الدخان: 17-21]. «و به راستی ما پیش از آن‌ها قوم فرعون را آزمودیم، و پیامبری بزرگوار به سوی‌شان آمد. (و به آن‌ها گفت:) که «بندگان الله (= بنی اسرائیل) را به من وا گذارید، بی‌گمان من برای شما فرستادۀ امینی هستم. و (نیز) بر الله برتری مجویید، بی‌تردید من برای شما دلیل روشنی آورده ام. و همانا من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم، از اینکه مرا سنگسار کنید. و اگر به من ایمان نمی‌آورید، پس از من کناره بگیرید».

پیشتر، موسی نیز از قومش خواست که اگر به او ایمان نمی‌آورند و از او پیروی نمی‌کنند، میان او و بندگان الله را خالی کنند و در مسیر دعوتش، آزاری به او نرسانند.

اما مومنان، پیامبر ج و خویشاوندانش را دوست دارند و هر‌کس چنین نکند، ایمانی ندارد. زیرا در هر نماز فرض یا نافله و قبل از سلام، مؤمنان بر پیامبر گرامی و خاندان محترم او که پاکیزه‌ترین صلوات‌ها و کامل‌ترین سلام‌ها نصیب پیامبر و خاندانش باد، صلوات می‌فرستند.

هر‌کس خواهان نیکوکاری است، باید از آنچه دوست دارد و از آنچه به دست می‌آورد، انفاق کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ [آل عمران: 92]. «هرگز به نیکوکاری نمی‌رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا كَسَبۡتُمۡ وَمِمَّآ أَخۡرَجۡنَا لَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِۖ وَلَا تَيَمَّمُواْ ٱلۡخَبِيثَ مِنۡهُ تُنفِقُونَ وَلَسۡتُم بِ‍َٔاخِذِيهِ إِلَّآ أَن تُغۡمِضُواْ فِيهِۚ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ٢٦٧﴾ [البقرة: 267]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما بیرون آورده‌ایم، انفاق کنید، و برای انفاق کردن قصد نا پاک آن را نکنید، در حالی‌که خود شما حاضر نیستید آن‌ها را بپذیرید، مگر آنکه در آن چشم پوشی کنید. و بدانید که الله بی‌نیاز ستوده است».

رکن چهارم: روزه

روزه، باعث سلامتی بدن و قلب مؤمنان می‌شود و دل‌هایشان را به‌سوی الله نرم می‌گرداند تا اینکه اعمال نیکو انجام می‌دهند و به تقوا نزدیک‌تر می‌شوند؛ از این‌رو، الله روزه را بر بندگانش واجب گردانید:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ١٨٣﴾ [البقرة: 183]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما فرض شده است همان گونه که بر کسی‌که پیش از شما بودند؛ فرض شده بود، تا پرهیزگار شوید».

روزۀ روزهای ماه مبارک رمضان و تلاش در عبادت و نماز در شب‌هایش منظور است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُ﴾ [البقرة: 185]. «(آن چند روز محدود و اندک) ماه رمضان است (ماهی) که قرآن در آن نازل شده است، (کتابی) که راهنمای مردم است، و (در بردارنده) نشانه‌ها و دلایل آشکار و روشن از هدایت و جدا کننده حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را (در حضر) دریابد، باید که آن را روزه بدارد».

﴿وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلۡخَيۡطُ ٱلۡأَبۡيَضُ مِنَ ٱلۡخَيۡطِ ٱلۡأَسۡوَدِ مِنَ ٱلۡفَجۡرِۖ ثُمَّ أَتِمُّواْ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيۡلِ﴾ [البقرة: 187]. «و بخورید و بیاشامید، تا رشته‌ی سپید صبح از رشته‌ی سیاه (شب) برای شما آشکار شود، سپس روزه را تا شب به پایان رسانید».

شب، با غروب خورشید که مؤذن اذان نماز مغرب را می‌گوید، آغاز می‌شود. در این هنگام، روزه‌داران می‌توانند بخورند و بنوشند و هر آنچه به سبب روزه برایشان حرام شده بود، حلال می‌گردد تا طلوع فجر [= سحر] که مؤذن اذان نماز صبح را سر می‌دهد.

لیلة القدر، آن شب مبارک در ماه رمضان قرار دارد و برترین شب از شب‌های شریف ماه مبارک رمضان است. الله در همین شب، قرآن را نازل فرمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ١﴾ [القدر: 1]. «همانا ما آن (= قرآن) را در شب قدر نازل کردیم».

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةٖ مُّبَٰرَكَةٍ﴾ [الدخان: 3]. «بی‌گمان ما آن را در شب مبارک (و فرخندۀ قدر) نازل کردیم».

یکی از فضایل و برکات شب قدر این است که عمل صالح در این شب، بهتر است از عمل صالح هزار ماه که در آن شب قدر نباشد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ٣﴾ [القدر: 3]. «شب قدر، بهتر از هزار ماه است».

در شب قدر، الله از لوح محفوظ که تمام تقدیرهای بندگان در آن قرار دارد، تمام امور محکم مانند طول عمر و روزی بندگان در آن سال را به فرشتگان گرامی نویسنده‌اش به صورت آشکارا بیان می‌فرماید و این امور هیچ تغییری و تبدیلی نمی‌پذیرند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فِيهَا يُفۡرَقُ كُلُّ أَمۡرٍ حَكِيمٍ٤ أَمۡرٗا مِّنۡ عِندِنَآ﴾ [الدخان: 4-5]. «در آن شب هر امر با حکمت (و استواری) فیصله (و تدبیر) می‌شود. فرمانی از جانب ما (بود)».

در شب قدر، فرشتگان که جبریل ÷ نیز در میان آنان قرار دارد، برای هر امری که الله در آن شب حکم فرموده است، به زمین می‌آیند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿تَنَزَّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمۡرٖ٤﴾ [القدر: 4]. «فرشتگان و روح (= جبرئیل) در آن (شب) به فرمان پروردگارشان برای (انجام) هر کاری نازل می‌شوند».

فرشتگان هر گاه که فرود آیند، رحمت و برکات الله تعالی را همراه خویش دارند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ جَآءَتۡ رُسُلُنَآ إِبۡرَٰهِيمَ بِٱلۡبُشۡرَىٰ﴾ [هود: 69]. «به راستی فرستادگان ما با بشارت نزد ابراهیم آمدند».

﴿وَٱمۡرَأَتُهُۥ قَآئِمَةٞ فَضَحِكَتۡ فَبَشَّرۡنَٰهَا بِإِسۡحَٰقَ وَمِن وَرَآءِ إِسۡحَٰقَ يَعۡقُوبَ٧١ قَالَتۡ يَٰوَيۡلَتَىٰٓ ءَأَلِدُ وَأَنَا۠ عَجُوزٞ وَهَٰذَا بَعۡلِي شَيۡخًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ عَجِيبٞ٧٢ قَالُوٓاْ أَتَعۡجَبِينَ مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِۖ رَحۡمَتُ ٱللَّهِ وَبَرَكَٰتُهُۥ عَلَيۡكُمۡ أَهۡلَ ٱلۡبَيۡتِۚ إِنَّهُۥ حَمِيدٞ مَّجِيدٞ٧٣﴾ [هود: 71-73]. «و همسرش (ساره) ایستاده بود، پس (از خوشحالی) خندید، آنگاه او را به اسحاق، و بعد از او به یعقوب بشارت دادیم. (ساره) گفت: «ای وای بر من! آیا من می‌زایم، در حالی‌که پیرزنم و این شوهرم (نیز) پیر است؟! به راستی این چیز عجیبی است!» (فرشتگان) گفتند: «آیا از فرمان الله تعجب می‌کنی؟! رحمت الله و برکاتش بر شما اهل بیت باد، همانا او ستوده‌ی بزرگوار است».

نزول فرشتگان، برای ابراهیم ÷ و همسرش ساره، رحمت و برکاتی از جانب الله به همراه داشت؛ زیرا آن دو، افراد خانواده‌ای هستند که فرشتگان در آن نازل شدند و یکی از آن برکات این بود که اکثر پیامبران و رسولان از نسل آن دو بودند و از همسر دیگر ابراهیم که فرشتگان گرامی در خانه‌اش فرود نیامدند، نبودند.

لیلة القدر، شبی امن است که تا طلوع صبح، هیچ شری در آن نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿سَلَٰمٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطۡلَعِ ٱلۡفَجۡرِ٥﴾ [القدر: 5]. «(آن شب) تا طلوع فجر سلامتی (و رحمت) باشد».

بنابراین، مؤمنان برای تقرب به الله و طلب برکات شب قدر، شب‌های ماه رمضان و ده شب پایانی آن را تا صبح شب‌زنده‌داری می‌کنند.

الله متعال، در میان آیات روزه و حج، یک آیه در مورد ماه‌های نو نازل فرمود تا نشانه‌های زمانی مردم باشد؛ چنانکه مؤمنان با رؤیت ماه نو، روزه بگیرند و با رؤیت آن عید کنند و از این طریق زمان وقوف در عرفات و پس از آن، زمان اجتماع برای عید را بدانند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡأَهِلَّةِۖ قُلۡ هِيَ مَوَٰقِيتُ لِلنَّاسِ وَٱلۡحَجِّ﴾ [البقرة: 189]. «درباره هلال‌های (ماه) از تو سؤال می‌کنند، بگو آن‌ها بیان اوقات برای مردم و (تعیین وقت) حج است».

رکن پنجم: حج

حج خانۀ گرامی الله، برای کسانی که توانایی رفتن به آنجا را داشته باشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ [آل عمران: 97]. «و برای خدا، حج خانه (کعبه) بر مردم واجب است، (البته) کسانی‌که توانایی رفتن به سوی آن دارند، و هر کس کفر ورزد، بی‌شک الله از جهانیان بی‌نیاز است».

﴿وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَجِّ يَأۡتُوكَ رِجَالٗا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٖ يَأۡتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٖ٢٧﴾ [الحج: 27]. «و در (میان) مردم به حج ندا بده، تا پیاده و (سوار) بر هر (مرکب و) شتر لاغری از هر راه دوری به سوی تو بیایند».

زمان ادای حج، ماه‌های مشخصی است که عبارت است از: شوال، ذوالقعدة و ده روز از ذوالحجة:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلۡحَجُّ أَشۡهُرٞ مَّعۡلُومَٰتٞۚ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلۡحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّ﴾ [البقرة: 197]. «حج در ماه‌های معلوم و معینی است، پس کسی‌که در این ماه‌ها حج را (بر خود) فرض گرداند. (باید بداند که) در حج آمیزش جنسی و گناه و جدال (روا) نیست».

بنابراین کسی که حج بیت الله را به جا می‌آورد باید به اخلاق حاجی که به‌سوی الله مسافرت کرده است، آراسته باشد؛ زیرا در مهمانی الله قرار دارد؛ از این رو، باید از جدال و گناهان و نزدیکی با زن و مقدمات آن دوری کند.

و زمانش را در طاعت و ذکر و تقوای الهی سپری کند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾ [البقرة: 197]. «و آنچه از کارهای نیک انجام دهید؛ الله آن را می‌داند، و توشه بر گیرید؛ که بهترین توشه پرهیزگاری است، و ای خردمندان، از من بپرهیزید (بترسید)».

حاجیان پس از روانه‌شدن از عرفات، در کنار مشعرالحرام که مزدلفه است، می‌ایستند و الله را یاد می‌کنند و می‌خوانند و این نعمت الله را به یاد می‌آورند که آنان را با بعثت محمد ج هدایت کرد؛ بنابراین الله را به روش صحیحی که الله آنان را بدان رهنمون ساخت، یاد می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَآ أَفَضۡتُم مِّنۡ عَرَفَٰتٖ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ عِندَ ٱلۡمَشۡعَرِ ٱلۡحَرَامِۖ وَٱذۡكُرُوهُ كَمَا هَدَىٰكُمۡ وَإِن كُنتُم مِّن قَبۡلِهِۦ لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ﴾ [البقرة: 198]. «و هنگامی‌که از عرفات کوچ کردید؛ الله را نزد مشعر الحرام یاد کنید، و او را یاد کنید همچنان که شما را هدایت کرد، و اگر چه پیش از آن از گمراهان بودید».

پس از آن، الله فرمان می‌دهد که همراه مردم از عرفات روانه شوند و این کار، سنت ابراهیم است، بر خلاف کار قریش ساکن مکه که در جاهلیت، همراه مردم در عرفات نمی‌ایستادند و از آنجا روان نمی‌شدند، بلکه می‌گفتند: "ما ساکنان حرم الله هستیم و از حرمش خارج نمی‌شویم":

الله متعال می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنۡ حَيۡثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱسۡتَغۡفِرُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ١٩٩﴾ [البقرة: 199]. «پس از آنجا که مردم کوچ می‌کنند؛ کوچ کنید، و از الله آمرزش بخواهید همانا الله آمرزنده‌ی مهربان است».

بنابراین، در روز عرفه الله گناهان را می‌بخشاید و افراد پاک می‌شوند.

حج، منافع تجاری و غیر تجاری برای مردم و توحید و عبادت خالص برای الله دارد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡ﴾ [البقرة: 198]. «گناهی بر شما نیست که (در ایام حج با خرید و فروش) از فضل پروردگارتان (روزی) طلب کنید».

﴿لِّيَشۡهَدُواْ مَنَٰفِعَ لَهُمۡ وَيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡلُومَٰتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۖ فَكُلُواْ مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡبَآئِسَ ٱلۡفَقِيرَ٢٨﴾ [الحج: 28]. «تا شاهد منافع (گوناگون) خویش باشند، و در روز‌‌‌های معین (به هنگام قربانی) نام الله را بر چهارپایانی که به آن‌ها روزی داده‌ایم؛ یاد کنند، پس از (گوشت) آن بخورید، و بی‌نوای فقیر را (نیز) اطعام کنید».

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٖ جَعَلۡنَا مَنسَكٗا لِّيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۗ فَإِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ فَلَهُۥٓ أَسۡلِمُواْ﴾ [الحج: 34]. «و برای هر امتی (رسم) قربانی دادیم، تا نام الله را (به هنگام ذبح) بر چهارپایانی که روزی‌شان کرده است؛ ببرند، پس معبود شما، معبود یگانه است، (همه) برای او تسلیم شوید».

سپس مناسک باقی‌مانده را تکمیل می‌کنند و چرک‌های خود را برطرف می‌سازند و ناخن‌هایشان را کوتاه می‌کنند و موهای‌شان را می‌تراشند و به‌سوی خانۀ محترم الله روی می‌آورند تا پیرامون آن خانۀ کهن طواف کنند و سعی بین صفا و مروه را به جا آورند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ثُمَّ لۡيَقۡضُواْ تَفَثَهُمۡ وَلۡيُوفُواْ نُذُورَهُمۡ وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ٢٩﴾ [الحج: 29]. «سپس، باید آلودگی‌هایشان را بر طرف سازند، و به نذر‌‌های خود وفا کنند، و (برگرد) خانه‌های کهن‌سال (کعبه) طواف کنند».

﴿إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِۖ فَمَنۡ حَجَّ ٱلۡبَيۡتَ أَوِ ٱعۡتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَاۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ١٥٨﴾ [البقرة: 158]. «همانا «صفا» و «مروه» از شعائر (نشانه‌های) الله است، پس هر که حج خانه (خدا) کند و یا عمره انجام دهد، بر او گناهی نیست که میان آن دو طواف (سعی) کند، و کسی‌که به رغبت خود کار نیکی را انجام دهد پس بدرستی که الله سپاسگزار داناست».

بنابراین سعی بین صفا و مروه برای حاجی و عمره‌گزار واجب است و هر‌کس این طاعت را از روی اخلاص و فرمان‌برداری از الله انجام دهد، الله ـ نسبت به بندگانش آگاه است و در مقابل عمل اندک، پاداش زیادی عطا می‌فرماید.

عرب در جاهلیت وقتی که از حج فارغ می‌شدند، کارهای نیاکان‌شان را یاد می‌کردند و بدان فخر می‌ورزیدند، اما الله به مؤمنان فرمان داد که پس از ادای حج، الله را یاد کنند و حمد و شکر و بزرگی او را به جای آورند و بر انتساب به دین او افتخار کنند، همان اندازه که عرب جاهلیت پدران خویش را یاد می‌کردند یا بیشتر:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قَضَيۡتُم مَّنَٰسِكَكُمۡ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكۡرِكُمۡ ءَابَآءَكُمۡ أَوۡ أَشَدَّ ذِكۡرٗا﴾ [البقرة: 200]. «پس چون مناسک (حج) خود را به جای آورید، الله را یاد کنید همانند یاد کردن پدرانتان بلکه بیشتر از آن».

«الله أکبر الله أکبر الله أکبر لا إله إلا الله والله أکبر الله أکبر ولله الحمد»

﴿وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦ وَٱلۡأَرۡضُ جَمِيعٗا قَبۡضَتُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ٦٧ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخۡرَىٰ فَإِذَا هُمۡ قِيَامٞ يَنظُرُونَ٦٨ وَأَشۡرَقَتِ ٱلۡأَرۡضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ وَجِاْيٓءَ بِٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ٦٩ وَوُفِّيَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِمَا يَفۡعَلُونَ٧٠ وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَآ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَتۡلُونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ رَبِّكُمۡ وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَاۚ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنۡ حَقَّتۡ كَلِمَةُ ٱلۡعَذَابِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ٧١ قِيلَ ٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ٧٢ وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَا سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ طِبۡتُمۡ فَٱدۡخُلُوهَا خَٰلِدِينَ٧٣ وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي صَدَقَنَا وَعۡدَهُۥ وَأَوۡرَثَنَا ٱلۡأَرۡضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ ٱلۡجَنَّةِ حَيۡثُ نَشَآءُۖ فَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ٧٤ وَتَرَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنۡ حَوۡلِ ٱلۡعَرۡشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡۚ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّۚ وَقِيلَ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٧٥﴾ [الزمر: 67-75]. «و آن‌ها (= مشرکان) الله را چنانکه سزاوار بزرگی اوست نشناختند در حالی‌که روز قیامت تمام زمین در مشت اوست و آسمان‌ها درهم پیچیده در دست راست اوست، او منزه و برتر است از آنچه شریک او می‌پندارند. و در «صور» دمیده شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است) جز آن‌ها که الله بخواهد) (بی‌هوش شده و) بمیرند. سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، ناگهان آن‌ها به پا خیزند (و) می‌نگرند. و زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود، و نامۀ (اعمال) نهاده شود، و پیامبران و گواهان را بیاورند، و در میان آن‌ها به حق داوری شود، و به آن‌ها ستم نخواهند شد. و به هر کس (پاداش) آنچه کرده است به تمام داده شود، و او به آنچه انجام می‌دهند دانا‌تر است. و کسانی‌که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند، تا وقتی به (کنار) آن (= دوزخ) رسند در‌هایش گشوده شود، و نگهبانانش به آنان گویند: «آیا پیامبرانی از میان خود‌تان به سوی شما نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند، و شما را از دیدار امروز‌تان هشدار دهند؟!» گویند: «آری، و لیکن فرمان عذاب (الهی) بر کافران محقق شده است». گفته شود: «از در‌های جهنم وارد شوید، جاودانه در آن بمانید، پس چه بد است، جایگاه متکبران». و کسانی‌که از پروردگار‌شان ترسیده‌اند، گروه گروه به بهشت برده می‌شوند، تا وقتی به (کنار) آن رسند، و در‌هایش گشوده شود، و نگهبانانش به آنان گویند: «سلام بر شما پاکیزه بوده‌اید (خوش باشید) پس جاودانه به آن (= بهشت) وارد شوید». و (بهشتی ها) گویند: «حمد و ستایش مخصوص الله است که وعده‌اش در حق ما راست بود، و سرزمین (بهشت) را به ارث به ما داد، که از بهشت هر جا که بخواهیم منزل می‌گیریم، پس چه نیکو است پاداش عمل کنندگان». و فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش حلقه زده‌اند به ستایش پروردگار‌شان تسبیح می‌گویند، و در میان مردم به حق داوری می‌شود، و گفته شود: حمد و ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است».

﴿وَخَشَعَتِ ٱلۡأَصۡوَاتُ لِلرَّحۡمَٰنِ فَلَا تَسۡمَعُ إِلَّا هَمۡسٗا١٠٨ ... وَعَنَتِ ٱلۡوُجُوهُ لِلۡحَيِّ ٱلۡقَيُّومِۖ وَقَدۡ خَابَ مَنۡ حَمَلَ ظُلۡمٗا١١١﴾ [طه: 108-111]. «و همه‌ی صداها در برابر (الله) رحمان خاشع می‌شود، پس جز صدای آهسته (چیزی) نمی‌شنوی. آن روز شفاعت (هیچ کس) سود نمی‌بخشد، جز کسی‌که (الله) رحمان به او اجازه داده، و گفتار او را پسندیده است. آنچه را پیش‌رو دارند، و آنچه را پشت سرشان است می‌داند، و آن‌ها به علم او احاطه ندارند. و (همه‌ی) چهره‌ها در برابر (الله) زنده‌ی پاینده فروتن می‌شود، و آن که (بار) ستم بر دوش دارد، ناکام (و مأیوس) می‌گردد».

﴿وَتَرَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنۡ حَوۡلِ ٱلۡعَرۡشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡۚ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّۚ وَقِيلَ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٧٥﴾ [الزمر: 75]. «و فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش حلقه زده‌اند به ستایش پروردگار‌شان تسبیح می‌گویند، و در میان مردم به حق داوری می‌شود، و گفته شود: حمد و ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است».

تمام جهان هستی به عظمت و یگانگی الله گواهی می‌دهد:

﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَسۡجُدُۤ لَهُۥۤ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ وَٱلنُّجُومُ وَٱلۡجِبَالُ وَٱلشَّجَرُ وَٱلدَّوَآبُّ وَكَثِيرٞ مِّنَ ٱلنَّاسِۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيۡهِ ٱلۡعَذَابُ﴾ [الحج: 18]. «آیا ندیدی که هر کس در آسمان‌ها و هر کس که در زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای الله سجده می‌کنند، و بسیارند که (فرمان) عذاب برآنان تحقق یافته است».

زیرا ما آفریده شده‌ایم که فقط عبادت الله را به جا آوریم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ٥٦﴾ [الذاريات: 56]. «و من جن و انس را نیافریده ام مگر برای اینکه مرا عبادت کنند».

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ﴾ [البينة: 5]. «و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را بپرستند در حالی‌که دین خود را برای او خالص گردانند».

قلب و بدن برخی از انسان‌ها، برای الله سجده می‌گزارد و بر برخی دیگر، عذاب واجب شده است.

تمام قرآن، از آغاز تا پایان، بزرگداشت و ستایش الله و دعوت به عبادت او به تنهایی و برحذرداشتن از شریک‌قراردادن برای او و خواندن دیگران همراه او است.

در قرآن، نزدیکی الله به بندگانش بیان شده است؛ چنانکه از آنان دعوت می‌کند از او بخواهند و طلب آمرزش کنند و درهای توبه را به رویشان می‌گشاید و بدی‌ها را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و آنان را از آتش جهنم برحذر می‌دارد و به بهشت‌های بسیار نیکو وعده می‌دهد به شرط آنکه به هدایتش هدایت یابند و از پیامبرش علیه الصلاة والسلام فرمانبرداری کنند.

«الله أکبر الله أکبر الله أکبر لا إله إلا الله والله أکبر الله أکبر ولله الحمد».

ذکر الله، دل را آرام و استوار می‌سازد، غم و اندوه را از  
 سینه می‌زداید، و مؤمن چنان احساس امنیت می‌کند   
که دیگر نمی‌ترسد و الله او را از نیرنگ مردم محافظت می‌کند.

«لا إله إلا الله»

﴿ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَتَطۡمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكۡرِ ٱللَّهِۗ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ٢٨﴾ [الرعد: 28]. «(همانا) کسانی‌که ایمان آوردند، و دل‌های شان به یاد الله آرام می‌گیرد، آگاه باشید! (تنها) با یاد الله دل‌ها آرام می‌گیرند».

﴿لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [الأنبياء: 87]. «هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم».

﴿فَنَادَىٰ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ٨٧ فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُ‍ۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ٨٨﴾ [الأنبياء: 87-88]. «پس (وقتی که در شکم ماهی فرو رفت) در تاریکی‌ها ندا داد که: «(پروردگارا!) هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم». پس دعای او را اجابت کردیم، و از اندوه نجاتش دادیم، و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم».

«سبحان الله وبحمده – سبحان ربی وبحمده».

﴿وَلَقَدۡ نَعۡلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدۡرُكَ بِمَا يَقُولُونَ٩٧ فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ ٱلسَّٰجِدِينَ٩٨﴾ [الحجر: 97-98]. «و به راستی ما می‌دانیم که سینه تو (ای پیامبر) از آنچه آن‌ها می‌گویند تنگ می‌شود (و تو را آزرده و نا راحت می‌کند). پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش».

﴿حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ﴾. [آل عمران: 173].

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدۡ جَمَعُواْ لَكُمۡ فَٱخۡشَوۡهُمۡ فَزَادَهُمۡ إِيمَٰنٗا وَقَالُواْ حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ١٧٣ فَٱنقَلَبُواْ بِنِعۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَفَضۡلٖ لَّمۡ يَمۡسَسۡهُمۡ سُوٓءٞ﴾ [آل عمران: 173-174]. «کسانی‌که مردم به آنان گفتند: «مردم (= مشرکان مکه) برای (جنگ با) شما گرد آمده‌اند، پس از آن‌ها بترسید». (این سخن) بر ایمان‌شان افزوده و گفتند: «الله ما را بس است، و بهترین حامی است». پس به نعمت و فضل الله (از میدان جنگ) بازگشتند، هیچ آسیبی به آنان نرسید».

﴿وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ﴾

﴿فَسَتَذۡكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمۡۚ وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ٤٤ فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّ‍َٔاتِ مَا مَكَرُواْ﴾ [غافر: 44-45]. «پس به زودی آنچه را به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد، من کار خودم را به الله و اگذار می‌کنم، بی‌گمان الله (نسبت) به بندگان بیناست». پس الله او را از آسیب آنچه که (برایش) مکر کرده بودند، حفظ کرد».

بعضی اذکار بیان‌شده در قرآن کریم:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا٤١ وَسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا٤٢﴾ [الأحزاب: 41-42]. «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! الله را بسیار یاد کنید. و صبح و شام او را تسبیح گویید».

«لا إله إلا الله».

﴿فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ﴾ [محمد: 19]. «پس (ای پیامبر) بدان که معبودی (به حق) جز «الله» نیست، و برای گناه خود آمرزش طلب کن».

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ٢٥﴾ [الأنبياء: 25]. «و (ما) پیش از توهیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که: «معبودی جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کنید».

﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفۡعَلُ بِٱلۡمُجۡرِمِينَ٣٤ إِنَّهُمۡ كَانُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسۡتَكۡبِرُونَ٣٥﴾ [الصافات: 34-35]. «بی‌شک ما با مجرمان این گونه رفتار می‌کنیم! آن‌ها (در دنیا چنان) بودند که چون به آن‌ها گفته می‌شد: «معبودی (به حق) جز الله نیست» سر کشی (و تکبر) می‌کردند».

«أستغفر الله».

﴿ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارٗا١٠ يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا١١ وَيُمۡدِدۡكُم بِأَمۡوَٰلٖ وَبَنِينَ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ جَنَّٰتٖ وَيَجۡعَل لَّكُمۡ أَنۡهَٰرٗا١٢﴾ [نوح: 10-12]. «پس (به آن‌ها) گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بخواهید، بی‌گمان او بسیار آمرزنده است. تا از آسمان (باران) پی در پی بر شما بفرستد. و شما را با اموال و فرزندان بسیار مدد کند، به شما باغ‌های (سرسبز) بدهد، و برای شما نهر‌های (جاری) قرار دهد».

«أستغفر الله وأتوب إلیه».

﴿ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا وَيَزِدۡكُمۡ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمۡ﴾ [هود: 52]. «از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او باز گردید (و توبه کنید) تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد، و نیرویی بر نیروی‌تان بیفزاید».

«سبحان الله - الحمد لله – سبحان الله والحمد لله».

﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ وَحِينَ تُصۡبِحُونَ١٧ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ١٨﴾ [الروم: 17-18]. «پس الله را تسبیح گویید؛ هنگامی‌که شام می‌کنید و هنگامی‌که صبح می‌کنید. و حمد و ستایش مخصوص اوست، در آسمان‌ها و زمین، و عصرگاهان و هنگامی‌که ظهر می‌کنید».

«سبحان الله وبحمده - سبحان ربی وبحمده».

﴿وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ قَبۡلَ طُلُوعِ ٱلشَّمۡسِ وَقَبۡلَ غُرُوبِهَاۖ وَمِنۡ ءَانَآيِٕ ٱلَّيۡلِ فَسَبِّحۡ وَأَطۡرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرۡضَىٰ﴾ [طه: 130]. «پس (ای پیامبر!) بر آنچه می‌گویند، صبر کن، و پیش از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن به ستایش پروردگارت تسبیح گوی، و (نیز) در ساعاتی از شب و اطراف روز تسبیح گوی، باشد که خشنود شوی».

﴿فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ وَٱسۡتَغۡفِرۡهُۚ إِنَّهُۥ كَانَ تَوَّابَۢا٣﴾ [النصر: 3]. «پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه، همانا او بسیار توبه‌پذیر است».

«الله أکبر».

﴿وَكَبِّرۡهُ تَكۡبِيرَۢا﴾ [الإسراء: 111]. «و او را به شایستگی بزرگ بشمار».

«ما شاء الله لا قوة إلا بالله».

﴿وَلَوۡلَآ إِذۡ دَخَلۡتَ جَنَّتَكَ قُلۡتَ مَا شَآءَ ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالٗا وَوَلَدٗا٣٩ فَعَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يُؤۡتِيَنِ خَيۡرٗا مِّن جَنَّتِكَ﴾ [الكهف: 39-40]. «چرا هنگامی‌که به باغ خویش وارد شدی، نگفتی: ما شاء الله، نیرو و قوتی جز از ناحیه الله نیست، اگر مرا از نظر مال و فرزند کمتر از خود ببینی. پس امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد».

یاد الله، سبب کسب قدرت و رزق و روزی است.

برخی اذکار وارده در قرآن کریم:

﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقۡرِنِينَ﴾ [الزخرف: 13]. «پاک و منزه است کسی‌که این را برای‌مان مسخر گرداند، و (گرنه) ما توانایی آن را نداشتیم».

مسلمان این دعا را زمانی می‌گوید که بر روی کشتی یا روی صندلی هواپیما یا ماشین یا بر روی مرکب سواری خویش قرار می‌گیرد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡفُلۡكِ وَٱلۡأَنۡعَٰمِ مَا تَرۡكَبُونَ١٢ لِتَسۡتَوُۥاْ عَلَىٰ ظُهُورِهِۦ ثُمَّ تَذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ رَبِّكُمۡ إِذَا ٱسۡتَوَيۡتُمۡ عَلَيۡهِ وَتَقُولُواْ سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُۥ مُقۡرِنِينَ﴾ [الزخرف: 12-13]. «و برای شما از کشتی و چهار پایان مرکب‌هایی قرار داد که (بر آن‌ها) سوار شوید. تا بر پشت‌شان (درست) قرار گیرید، آنگاه چون بر آن‌ها قرار گرفتید (و سوار شدید) نعمت پروردگار‌تان را یاد کنید، و بگویید: پاک و منزه است کسی‌که این را برای‌مان مسخر گرداند، و (گرنه) ما توانایی آن را نداشتیم».

«اللهم صلِّ على محمد وعلى آل محمد کمـا صلیت على إبراهیم وعلى آل إبراهیم إنك حمید مجید وبارك على محمد وعلى آل محمد کمـا بارکت على إبراهیم وعلى آل إبراهیم فی العالـمین إنك حمید مجید».

خداوندا! درود بفرست بر محمد و آل محمد، همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، براستی که تو ستوده و بلندمرتبه هستی و بر محمد و آل محمد برکت بفرست همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم در میان جهانیان برکت فرستادی، به تحقیق که تو ستوده و بزرگوار هستی.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا٥٦﴾ [الأحزاب: 56]. «بی‌گمان الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند؛ ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! بر او درود فرستید، و سلام بگویید، سلامی نیکو».

سورۀ فاتحة آیة الکرسی سورۀ إخلاص سورۀ فلق سورۀ ناس

این سوره‌های گرامی و آیۀ بزرگ، به قصد مداوا بر بیمار خوانده می‌شوند و شفای بیماری‌های حسی و معنوی است؛ زیرا درمان به دست الله است:

الله سخن ابراهیم را اینگونه بازگو می‌فرماید: ﴿وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ٨٠﴾ [الشعراء: 80]. «و هنگامی‌که بیمار شوم پس او مرا شفا می‌دهد».

در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ [الإسراء: 82]. «و از قرآن آنچه را که شفا و رحمت برای مؤمنان است؛ نازل می‌کنیم».

بنابراین، سزاوار است که قرآن بخوانیم، به آن عمل کنیم و آن را حاکم و شفای بیماری‌ها قرار دهیم:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالَ ٱلرَّسُولُ يَٰرَبِّ إِنَّ قَوۡمِي ٱتَّخَذُواْ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ مَهۡجُورٗا٣٠﴾ [الفرقان: 30]. «و پیامبر (الله) گوید: «پروردگارا! بی‌گمان قوم من این قرآن را رها کردند».

در عسل، درمان وجود دارد، چنانکه الله جل فی علاه فرموده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ فَٱسۡلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلٗاۚ يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٞ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٞ لِّلنَّاسِ﴾ [النحل: 69]. «آنگاه از (شیره‌ی) تمام میوه‌ها (و گل‌ها) بخور، سپس راه‌های هموار پروردگارت را بپیما» از شکم آن‌ها، نوشیدنی با رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آید که در آن شفا برای مردم است».

الله در کتاب خویش روغن زیتون را ذکر کرده و فرموده که از درختی مبارک است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿مِن شَجَرَةٖ مُّبَٰرَكَةٖ زَيۡتُونَةٖ لَّا شَرۡقِيَّةٖ وَلَا غَرۡبِيَّةٖ يَكَادُ زَيۡتُهَا يُضِيٓءُ﴾ [النور: 35]. «این چراغ با (روغن) درخت پر برکت زیتون افروخته می‌شود، که نه شرقی است و نه غربی، نزدیک است که روغنش بدون تماس با آتش شعله‌‌ور شود».

آب زمزم، آب مبارکی است که الله آن را برای پیامبرش اسماعیل بن إبراهیم إ در زمینی بدون گیاه جوشاند:

الله دعای پیامبرش إبراهیم ÷ را چنین بازگو می‌فرماید: ﴿رَّبَّنَآ إِنِّيٓ أَسۡكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيۡرِ ذِي زَرۡعٍ عِندَ بَيۡتِكَ ٱلۡمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱجۡعَلۡ أَفۡ‍ِٔدَةٗ مِّنَ ٱلنَّاسِ تَهۡوِيٓ إِلَيۡهِمۡ وَٱرۡزُقۡهُم مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمۡ يَشۡكُرُونَ٣٧﴾ [إبراهيم: 37]. «پروردگارا! من (برخی) از فرزندانم را در وادی (خشک) و بی آب و بی گیاه، نزد خانه گرامی تو ساکن ساختم. پروردگارا! تا نماز را بر پا دارند، پس تو دل‌های (گروهی) از مردم را به آن‌ها مایل بگردان و از میوه‌ها به آن‌ها روزی ده، باشد که آنان سپاس گزارند».

بعضی دعاهای قرآنی:

درخواست هدایت از الله:

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٢ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ٣ مَٰلِكِ يَوۡمِ ٱلدِّينِ٤ إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ٥ ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ٦ صِرَٰطَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِمۡ غَيۡرِ ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ وَلَا ٱلضَّآلِّينَ٧﴾ [الفاتحة: 2-7]. «ستایش مخصوص الله است که پروردگار جهانیان است. بخشندة مهربان است. مالک روز جزاء است. تنها تو را می‌پرستیم؛ و تنها از تو یاری می‌جوییم. ما را به راه راست هدایت کن. راه کسانی‌که بر آنان نعمت دادی؛ نه خشم گرفتگان بر آن‌ها؛ و نه گمراهان».

«اللهم اهدنی واشرح صدری للإسلام»؛ خداوندا! مرا هدایت فرما و سینه‌ام را برای پذیرش اسلام بگشای.

﴿فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهۡدِيَهُۥ يَشۡرَحۡ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِ﴾ [الأنعام: 125]. «پس هرکس را که الله بخواهد هدايت کند، سینه‌اش را برای (قبول) اسلام می‌گشايد».

«اللهم اهدنی لـمـا اختُلِفَ فیه من الحق بإذنك إنك تـهـدی من تشاء إلى صراط مستقیم»؛ خداوندا به اجازۀ خویش مرا به حقیقت آنچه در آن اختلاف است هدایت فرما؛ زیرا تو هر‌کس را که بخواهی به راه راست هدایت می‌کنی.

﴿فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِمَا ٱخۡتَلَفُواْ فِيهِ مِنَ ٱلۡحَقِّ بِإِذۡنِهِۦۗ وَٱللَّهُ يَهۡدِي مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٍ﴾ [البقرة: 213]. «پس الله به فرمان خویش کسانی را که ایمان آورده بودند؛ به آن حق و (حقیقتی) که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد. و الله هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند».

درخواست حکمت از الله:

«اللهم إنی أسألك الـحکمة التی من أوتیها فقد أوتی خیرا کثیرا»؛ خداوندا از تو حکمت تقاضا دارم که به هر‌کس داده شود، به طور قطع خیر زیادی به او داده شده است.

﴿يُؤۡتِي ٱلۡحِكۡمَةَ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُؤۡتَ ٱلۡحِكۡمَةَ فَقَدۡ أُوتِيَ خَيۡرٗا كَثِيرٗاۗ﴾ [البقرة: 269]. «(الله) به هر کس که بخواهد حکمت و (دانش) می‌دهد، و به هر کس حکمت داده شود، بی‌شک خیر فراوانی داده شده است».

پناه‌بردن به الله از شر شیاطین:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ٩٧ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحۡضُرُونِ٩٨﴾ [المؤمنون: 97-98]. «و بگو: پروردگارا! من از وسوسه‌های شیطان به تو پناه می‌برم، و پروردگارا! از اینکه آنان نزد من حاضر شوند، به تو پناه می‌برم».

فزونی‌خواستن علمی که از طریق وحی آمده است از الله:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَعۡجَلۡ بِٱلۡقُرۡءَانِ مِن قَبۡلِ أَن يُقۡضَىٰٓ إِلَيۡكَ وَحۡيُهُۥۖ وَقُل رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا﴾ [طه: 114]. «به (تلاوت) قرآن شتاب مکن؛ پیش از آن که وحی آن برتو تمام شود، و بگو: پروردگارا! به علم من بیفزا».

درخواست مغفرت و رحمت از الله:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَقُل رَّبِّ ٱغۡفِرۡ وَٱرۡحَمۡ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ١١٨﴾ [المؤمنون: 118]. «و (ای پیامبر) بگو: «پروردگارا! ببخش و رحم کن! و تو بهترین رحم کنندگانی».

درخواست پایداری در دین از الله:

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ٨﴾ [آل عمران: 8]. «پروردگارا! دل‌های ما را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان، و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش براستی که تو بخشنده‌ای».

خداوندا مرا ثابت گردان به: ﴿ٱلۡقَوۡلِ ٱلثَّابِتِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ﴾ [إبراهيم: 27]. «با گفتار ثابت (کلمه توحید) در زندگی دنیا و (هم) آخرت».

پروردگارا پس از اینکه مرا هدایت فرمودی، گمراه مساز

﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُضِلَّ قَوۡمَۢا بَعۡدَ إِذۡ هَدَىٰهُمۡ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ﴾ [التوبة: 115]. «و هرگز الله قومی را، بعد ازآنکه آن‌ها را هدایت کرد گمراه نمی‌کند، تا آنکه چیزهای را که باید از آن بپرهیزند، برای آن‌ها بیان کند».

پناه‌جستن به الله:

مسلمان هنگام تلاوت قرآن می‌گوید: (أعوذ بالله من الشیطان الرجیم)

﴿فَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ٩٨﴾ [النحل: 98]. «پس هنگامی‌که قرآن می‌خوانی، از (شر) شیطان رانده شده، به الله پناه ببر».

مسلمان، هنگام ورود وسوسه‌های شیطانی می‌گوید: (أعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم؛ از شر شیطان رانده‌شده به الله بسیار شنوا و بسیار دانا پناه می‌برم).

﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ٣٦﴾ [فصلت: 36]. «و هرگاه وسوسۀ (باز دارنده) از سوی شیطان تو را باز گرداند، پس به الله پناه ببر، یقیناً اوست که شنوای داناست».

«اللهم إنی أعوذ بك من شر نفسی وشر الشیطان»؛ خداوندا از شر نفس خویش و از شر شیطان به تو پناه می‌برم.

﴿إِنَّ ٱلنَّفۡسَ لَأَمَّارَةُۢ بِٱلسُّوٓءِ﴾ [يوسف: 53]. «بی‌شک نفس (أماره، انسان) پیوسته به بدی فرمان می‌دهد».

﴿إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾ [فاطر: 6]. «مسلما شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن گیرید».

درخواست از الله برای رهایی از گروه ستمگر:

﴿رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ٨٥ وَنَجِّنَا بِرَحۡمَتِكَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ٨٦﴾ [يونس: 85-86]. «پروردگارا! ما را دستخوش فتنه‌ی گروه ستمگر قرار نده، و به رحمتت ما را از (شر) گروه کافران نجات بده».

﴿رَبِّ نَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [القصص: 21]. «پروردگارا! مرا از قوم ستمکار نجات بده».

﴿قَالَ رَبِّ ٱنصُرۡنِي عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُفۡسِدِينَ٣٠﴾ [العنكبوت: 30]. «(لوط) گفت: پروردگارا! مرا بر قوم مفسدان یاری فرما».

رب إنی مغلوب فانتصر؛ پروردگارا من شکست خوردم، پس به دادم برس.

این دعا را نوح ÷ گفت و الله او را نجات داد.

﴿فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَغۡلُوبٞ فَٱنتَصِرۡ١٠ فَفَتَحۡنَآ أَبۡوَٰبَ ٱلسَّمَآءِ بِمَآءٖ مُّنۡهَمِرٖ١١ وَفَجَّرۡنَا ٱلۡأَرۡضَ عُيُونٗا فَٱلۡتَقَى ٱلۡمَآءُ عَلَىٰٓ أَمۡرٖ قَدۡ قُدِرَ١٢ وَحَمَلۡنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلۡوَٰحٖ وَدُسُرٖ١٣﴾ [القمر: 10-13]. «پس او پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «من مغلوب شده‌ام، پس یاریم فرما (و از آن‌ها انتقام بگیر)». آنگاه درهای آسمان را با آبی (فراوان و) فروریزنده گشودیم. و از زمین چشمه‌های جوشاندیم (و جاری نمودیم). پس این (دو) آب (آسمان و زمین) برای امری که مقدر شده بود باهم در‌آمیختند. و او (= نوح) را بر (مرکبی) ساخته شده از تخته و میخ سوار کردیم».

توسل به الله متعال با ایمان به او و پیروی از سنت پیامبرش تا رسیدن به مرتبۀ شهادت:

﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ٥٣﴾ [آل عمران: 53]. «پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای، ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم؛ پس ما را از زمره گواهان بنویس».

درخواست آمرزش گناهان از الله:

﴿رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ﴾ [الأعراف: 23]. «پروردگارا! ما به خود ستم کرديم، و اگر ما را نيامرزی و بر ما رحم نکنی، مسلّماً از زيان‌کاران خواهيم بود».

این کلمات را آدم ÷ از پروردگارش دریافت نمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٖ فَتَابَ عَلَيۡهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ٣٧﴾ [البقرة: 37]. «آنگاه آدم از پروردگارش کلماتی فرا گرفت و الله توبه او را پذیرفت، چرا که الله توبه‌پذیر مهربان است».

﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمۡتُ نَفۡسِي فَٱغۡفِرۡ لِي﴾ [القصص: 16]. «پروردگارا! من به خود ستم کردم، پس مرا ببخش».

این دعا را موسى ÷ پس از آن گفت که به یک نفر مشتی زد و بدون قصد او را کشت و الله نیز او را بخشید.

درخواست بهشت از الله و پناه‌بردن به الله از جهنم:

﴿رَبَّنَا ٱصۡرِفۡ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا٦٥ إِنَّهَا سَآءَتۡ مُسۡتَقَرّٗا وَمُقَامٗا٦٦﴾ [الفرقان: 65-66]. «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما بر‌طرف کن، بی‌تردید عذابش (سخت و) پایدار است. بی‌گمان آن (جهنم) بد قرار‌گاه و (بد) اقامت‌گاهی است».

﴿وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ ٱلنَّعِيمِ٨٥﴾ [الشعراء: 85]. «و مرا از وارثان بهشت پر نعمت بگردان».

و مرا از وارثان قرار بده: ﴿ٱلَّذِينَ يَرِثُونَ ٱلۡفِرۡدَوۡسَ هُمۡ فِيهَا خَٰلِدُونَ١١﴾ [المؤمنون: 11]. «کسانی‌که (بهشت) فردوس را ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند».

دعای اندوه و سختی:

﴿وَأَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَأَنتَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ٨٣﴾ [الأنبياء: 83]. «(به یاد آور) ایوب را هنگامی‌که پروردگارش را ندا داد: رنج و بیماری به من رسیده است، و تو مهربان‌ترین مهربانانی».

أیوب ÷ این دعا را کرد و الله آسیبش را برطرف ساخت و خانواده‌اش با مثل آنان را به او بخشید.

﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ﴾ [النمل: 62]. «(آیا این بت‌ها بهتر اند) یا کسی‌که (دعای) مضطر (= درمانده) را اجابت می‌کند؛ چون او را بخواند، و گرفتاری را بر طرف می‌سازد».

﴿لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [الأنبياء: 87]. «(پروردگارا!) هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم».

این دعا را یونس زمانی کرد که در تاریکی‌های شکم ماهی بود و الله او را از غم و اندوه نجات داد.

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَٱسۡتَجَبۡنَا لَهُۥ وَنَجَّيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡغَمِّۚ وَكَذَٰلِكَ نُ‍ۨجِي ٱلۡمُؤۡمِنِينَ٨٨﴾ [الأنبياء: 88]. «پس دعای او را اجابت کردیم، و از اندوه نجاتش دادیم، و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم».

کلمۀ توحید «لا إله إلا أنت» و منزه‌دانستن الله از هر عیب و نقص (سبحانک) و فروتنی در برابر الله و اعتراف به کوتاهی و گناه «إنی کنت من الظالـمین»؛ مددخواهی بسیار نیکویی است.

تقاضای خیر دنیا و آخرت از الله:

خداوندا! ﴿أَنتَ وَلِيُّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَاۖ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡغَٰفِرِينَ١٥٥ وَٱكۡتُبۡ لَنَا فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ﴾ [الاعراف:155-156]. «تو یاور (و کارساز) مایی، پس ما را بیامرز، و بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگانی. وبرای ما در این دنیا، و در سرای آخرت، نیکی مقرر فرما».

﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾ [البقرة: 201]. «پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت (نیز) نیکی (عطا فرما) و ما را از عذاب آتش نگه دار».

﴿رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ١٩٤﴾ [آل عمران: 194]. «پروردگارا! آنچه را که بر (زبان) فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن، و ما را در روز قیامت رسوا مگردان، بدرستی که تو خلاف وعده نمی‌کنی».

درخواست خیری که نزد الله است از او تعالی:

﴿رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلۡتَ إِلَيَّ مِنۡ خَيۡرٖ فَقِيرٞ﴾ [القصص: 24]. «پروردگارا! من هرخیری که بر من بفرستی نیازمند هستم».

درخواست فرزندانی پاک از الله:

﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ﴾ [آل عمران: 38]. «پروردگارا! از طرف خود فرزند پاکیزه‌ای به من عطا کن، به درستی تو شنونده دعایی».

﴿رَبِّ لَا تَذَرۡنِي فَرۡدٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡوَٰرِثِينَ﴾ [الأنبياء: 89]. «پروردگارا! مرا تنها مگذار، و تو بهترین وارثانی».

زکریا ÷ این دعا را کرد و الله یحیى ÷ را به او بخشید و همسرش را برای او صالح گردانید.

﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ١٠٠﴾ [الصافات: 100]. «پروردگارا! به من (فرزندی) از صالحان عطا فرما».

إبراهیم ÷ این دعا راکرد و الله اسماعیل ÷ را به او بخشید.

تقاضای اصلاح زن و فرزندان و جایگاه والا از الله:

﴿رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: 74]. «پروردگارا! از همسران‌مان، و فرزندان‌مان مایۀ روشنی چشم به ما عطا فرما، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا قرار بده».

دعای آمرزش برای خویش و پدر و مادر:

«رب اغفر لی ولوالدی وللمؤمنین یوم یقوم الحساب»

﴿رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرٗا﴾ [الإسراء: 24]. «پروردگارا! به آنان رحمت آور، همان‌گونه که مرا در کودکی پرورش دادند».

خداوندا مرا از بخل و خست نفسم مصون بدار و از رستگاران قرار بده.

﴿وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾ [الحشر: 9]. «و کسانی‌که از بخل (و حرص) نفس خویش باز داشته شده‌اند، پس آن‌ها راستگارانند».

سپاس‌گزاری از الله به خاطر نعمت‌هایش و توفیق عمل صالح که او را خشنود می‌سازد:

﴿رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓۖ إِنِّي تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَإِنِّي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ﴾ [الأحقاف: 15]. «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که تو از آن خشنود شوی، و فرزندانم را صالح گردان، بی‌گمان من به سوی تو بازگشتم (و توبه نمودم)، و بی‌شک من از مسلمانانم».

﴿رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَدۡخِلۡنِي بِرَحۡمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾ [النمل: 19]. «پروردگارا! به من توفیق ده تا شکر نعمت‌هایی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشتۀ بجای آورم، و (توفیق عطا فرما تا) کار (های) شایستۀ که تو خشنود شوی، انجام دهم، و مرا به رحمت خود در (زمرۀ) بندگان صالحت در آور».

خداوندا! مرا در زندگی دنیا و آخرت با سخن استوار ثابت بگردان.

﴿يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِٱلۡقَوۡلِ ٱلثَّابِتِ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ﴾ [إبراهيم: 27]. «الله کسانی را که ایمان آوردند، با گفتار ثابت (کلمه توحید) در زندگی دنیا و (هم) آخرت پایدار (و ثابت قدم) می‌دارد».

تقاضای پاکی قلب از الله:

﴿رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ﴾ [الحشر: 10]. «پروردگارا! ما را و برادران‌مان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌های مان کینه‌ای نسبت به کسانی‌که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو رؤوف و مهربانی».

﴿رَّبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ﴾ [نوح: 28]. «پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و هرآن کس که با ایمان وارد خانة من شود، و (تمام) مردان مؤمن و زنان مؤمن را بیامرز».

﴿وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ يُبۡعَثُونَ٨٧ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ٨٩﴾ [الشعراء: 87-89]. «و در روزی‌که (همۀ مردم) برانگیخته می‌شوند، مرا رسوا (و شرمنده) مکن. روزی‌که مال و فرزندان سودی نبخشد. مگر کسی‌که با قلب سلیم (خالی از شرک و کفر و نفاق) به پیشگاه الله بیاید».

درخواست نور و مغفرت از الله:

﴿رَبَّنَآ أَتۡمِمۡ لَنَا نُورَنَا وَٱغۡفِرۡ لَنَآۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾ [التحريم: 8]. «پروردگارا! نور ما را به تمام (و کمال) برسان، و ما را بیامرز بی‌گمان تو بر هرچیز توانایی».

خداوندا! ایمان را نزد ما دوست‌داشتنی بگردان و آن را در دل‌هایمان زینت بخش و کفر و گناهکاری و نافرمانی از فرمان خودت را نزد ما ناپسند بگردان و ما را از هدایت‌یافتگان قرار بده.

﴿وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ فِيكُمۡ رَسُولَ ٱللَّهِۚ لَوۡ يُطِيعُكُمۡ فِي كَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ لَعَنِتُّمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِي قُلُوبِكُمۡ وَكَرَّهَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكُفۡرَ وَٱلۡفُسُوقَ وَٱلۡعِصۡيَانَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ٧﴾ [الحجرات: 7]. «و بدانید که همانا رسول الله در میان شماست، اگر در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، یقیناً به مشقّت خواهید افتاد، و لیکن الله ایمان را محبوب شما ساخت و آن را در دل‌های تان زینت بخشید، و کفر و فسق و نافرمانی را برایتان (منفور و) ناپسند گرداند، اینانند که هدایت یافتگانند».

تقاضای قبول از جانب الله:

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ١٢٧ وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ١٢٨﴾ [البقرة: 127-128]. «پروردگارا! از ما بپذیر، همانا که تویی شنوای دانا. و توبه ما را بپذیر، بدرستی که تو توبه‌پذیر مهربانی».

﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِيۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلۡ دُعَآءِ٤٠﴾ [إبراهيم: 40]. «پروردگارا! مرا بر پا دارنده‌ی نماز قرار بده، و از فرزندانم (چنین فرما)، پروردگارا! و دعای مرا بپذیر!».

موارد فوق، برخی دعاهای قرآن و بهترین دعاهاست که الله در کتاب گرانبهایش بیان فرموده است.

رسول الله دعاهای دیگری دارد که پس از دعاهای قرآنی، بهترین دعاها هستند؛ زیرا کلام ایشان ج ، وحی الهی است.

الله متعال می‌فرماید: ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمۡ وَمَا غَوَىٰ٢ وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ٤﴾ [النجم: 2-4]. «یار شما (= محمد) گمراه نشده و راه را گم نکرده است، و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. این نیست جز آنچه به او وحی می‌شود (و بجز وحی چیزی نمی‌گوید)».

تمام این دعاها و سنت نبوی که چگونگی اطاعت از الله و رسولش را توضیح می‌دهند، محفوظ هستند؛ چون الله آنها را برای کتاب خودش و وعدۀ اظهار دینش اختصاص داد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ٩﴾ [الحجر: 9]. «همانا ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما نگهبان آن هستیم».

﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلذِّكۡرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيۡهِمۡ وَلَعَلَّهُمۡ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: 44]. «و (ما این) قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی، آنچه را که به سوی آن‌ها نازل شده است، و باشد که آن‌ها بیندیشند».

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ٣٣﴾ [التوبة: 33]. «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همۀ دین‌ها غالب گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند».

احادیث پیامبر که دین الله را توضیح می‌دهند، تا زمانی که دین باقی است، باقی هستند؛

زیرا الله به اطاعت از پیامبر حتی پس از مرگ وی ج فرمان داده است:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّكَ مَيِّتٞ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ٣٠﴾ [الزمر: 30]. «(ای پیامبر) قطعاً تو خواهی مرد، و آن‌ها (نیز) خواهند مرد».

﴿أَفَإِيْن مِّتَّ فَهُمُ ٱلۡخَٰلِدُونَ﴾ [الأنبياء: 34]. «آیا اگر تو بمیری، پس آن‌ها جاوید خواهند بود؟!».

این سخن ناصحیح است. آنان هرگز جاودان نخواهند شد.

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٞ قَدۡ خَلَتۡ مِن قَبۡلِهِ ٱلرُّسُلُۚ أَفَإِيْن مَّاتَ أَوۡ قُتِلَ ٱنقَلَبۡتُمۡ عَلَىٰٓ أَعۡقَٰبِكُمۡ﴾ [آل عمران: 144]. «و محمد جز فرستاده‌ای نیست، که به راستی پیش از او (نیز) فرستادگانی (بوده‌اند و) گذشتند. آیا اگر بمیرد یا کشته شود، شما به عقب می‌گردید (و عقیده و دین خود را رها می‌کنید؟)».

سزاوار نیست که از عقیدۀ خود بازگردید.

الله به مؤمنان فرمان داد که بر راه پیامبر ج حرکت کنند و پس از مرگ او، راهش را رها نکنند یا از دینش بازنگردند؛ زیرا رسالت باقی است هر چند رسول الله که پدر و مادرم فدایش باد، مرده است.

اما هر‌کس از عقیده‌اش بازگردد و هدایت پیامبر و حقی را که آورد رها کند، ذره‌ای به الله ضرر نخواهد رساند:

الله متعال می‌فرماید:﴿وَمَن يَنقَلِبۡ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ فَلَن يَضُرَّ ٱللَّهَ شَيۡ‍ٔٗاۗ وَسَيَجۡزِي ٱللَّهُ ٱلشَّٰكِرِينَ﴾ [آل عمران: 144]. «و هر کس به عقب بازگردد (و عقیده و دین راستین را رها کند) هرگز به الله زیانی نمی‌رساند، و به زودی الله سپاسگزاران را پاداش می‌دهد».

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلرَّسُولُ بِٱلۡحَقِّ مِن رَّبِّكُمۡ فَ‍َٔامِنُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا١٧٠﴾ [النساء: 170]. «ای مردم، بی‌گمان پیامبر (موعود محمد ) با (آیین) حق از جانب پروردگارتان برای شما آمد، پس به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است، و اگر کافر شوید؛ پس یقیناً (بدانید که) آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن الله است، (و کفر شما به او زیانی نمی‌رساند) و الله دانای حکیم است».

الله به مؤمنان فرمان داد که در هر عصری از او سبحانه با پیروی از کتابش و از رسولش با پیروی از سنت او ج و از اولوالأمر در اطاعت الله ورسولش، اطاعت کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡ﴾ [النساء: 59]. «اطاعت کنید الله را، و اطاعت کنید پیامبر، و صاحبان امر تان را».

احادیث صحیح رسول‌الله را که تبیین‌کنندۀ دین الله هستند چگونه بشناسیم؟

هر‌کس نسبت به احادیث صحیح رسول الله که دین الله را توضیح می‌دهند آشنایی ندارد، باید از علمای آگاه به حدیث بپرسد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿فَسۡ‍َٔلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلذِّكۡرِ إِن كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾ [النحل: 43]. «پس (ای مردم) اگر نمی‌دانید از (آگاهانِ) اهل کتاب بپرسید».

یکی از رحمت‌های الله نسبت به بندگانش این است که صفات علمای راستین را برایشان مشخص فرموده است تا فریب علمای گمراه را نخورند.

برخی صفات علمای راستین:

علمای پُرمایه، همان مؤمنان به وحیی هستند که الله آن را بر محمد و پیامبران پیش از او علیهم الصلاة والسلام نازل فرمود:

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَّٰكِنِ ٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ مِنۡهُمۡ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ﴾ [النساء: 162]. «ولی (دانشمندان و) راسخان در علم از آنان و مؤمنان، به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل گردیده؛ ایمان می‌آورند».

علمای حقیقی، داناترین افراد به الله و اینکه او تعالی، بزرگوار و حکیمی است که غیر او شایستۀ عبادت نیست، هستند: الله متعال می‌فرماید: ﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ١٨﴾ [آل عمران: 18]. «الله گواهی داده است که معبودی (بحق) جز او نیست، و فرشتگان و صاحبان دانش، (نیز بر این مطلب گواهی می‌دهند). در حالی‌که (الله در جهان هستی) قیام به عدالت دارد، معبودی (بحق) جز او نیست، که توانمند حکیم است».

علمای راستین، بیش از دیگران از الله می‌ترسند و کسی که از خدا نترسد مورد اعتماد نیست:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخۡشَى ٱللَّهَ مِنۡ عِبَادِهِ ٱلۡعُلَمَٰٓؤُاْ﴾ [فاطر: 28]. «جز این نیست که از میان بندگان الله دانایان از او می‌ترسند».

علمای مورد اعتماد، همان خداشناسانی هستند که آنچه را پروردگارشان در کتاب خویش بر آنان نازل فرموده، به مردم می‌آموزانند و آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند و درک می‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَٰكِن كُونُواْ رَبَّٰنِيِّ‍ۧنَ بِمَا كُنتُمۡ تُعَلِّمُونَ ٱلۡكِتَٰبَ وَبِمَا كُنتُمۡ تَدۡرُسُونَ﴾ [آل عمران: 79]. «بلکه (سزاوار پیامبران این است که به مردم بگویند:) به سبب آنکه کتاب (آسمانی) آموزش می‌دادید و از آن رو که درس می‌خواندید (مردمانی) ربانی و الهی باشید».

مؤمنان، از علما در مورد روایات و نظرات‌شان نمی‌پرسند، بلکه فقط در مورد آنچه رسولان از جانب پروردگارشان آوردند از آنان می‌پرسند تا وقتی که الله از آنان می‌پرسد، پاسخگو باشند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبۡتُمُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ٦٥﴾ [القصص: 65]. «و روزی‌که (الله) آنان را ندا دهد، آنگاه فرماید: «پیامبران را چه پاسخی دادید؟!».

﴿أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَتۡلُونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ رَبِّكُمۡ﴾ [الزمر: 71]. «آیا پیامبرانی از میان خود‌تان به سوی شما نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند».

علمای گمراه، مردم را با علمی که برگرفته از وحی الهی نیست، گمراه می‌سازند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱئۡتُونِي بِكِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ هَٰذَآ أَوۡ أَثَٰرَةٖ مِّنۡ عِلۡمٍ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾ [الأحقاف: 4]. «اگر راست می‌گویید کتابی (آسمانی) پیش از این (قرآن)، یا اثری از علم (گذشتگان، بر صدق ادعای خود) برای من بیاورید».

﴿أَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ كِتَٰبٗا فَهُمۡ عَلَىٰ بَيِّنَتٖ مِّنۡهُۚ بَلۡ إِن يَعِدُ ٱلظَّٰلِمُونَ بَعۡضُهُم بَعۡضًا إِلَّا غُرُورًا﴾ [فاطر: 40]. «یا به آن‌ها کتابی داده‌ایم که آن‌ها دلیلی از آن (برای شرک خود) دارند؟» (نه هیچ‌یک از این‌ها نیست) بلکه ستمکاران جز فریب به یکدیگر وعدة نمی‌دهند».

علمای گمراه، از باطل و پیروانش بیزاری نمی‌جویند؛ چنانکه به کسانی که سخنان باطل می‌گویند و مردم را از حق بازمی‌دارند، گوش فرا می‌دهند و با این وجود، با آنان مخالفت نمی‌کنند و مردم را از آنان بازنمی‌دارند و مطلبی در پاسخ به آنان نمی‌نویسند؛ زیرا در واقع، همانند آنان هستند، هر چند به این امر تصریح نمی‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ مِنَ ٱلۡغَيِّۚ فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: 256]. «به راستی که راه راست (و هدایت) از راه انحراف (و گمراهی) روشن شده است. پس هر کس به طاغوت (شیطان و بت و انسان‌های گمراه و طغیانگر) کفر ورزد و به الله ایمان آورد، پس به راستی که به دستگیره محکمی چنگ زده است، که آن را گسستن نیست، و الله شنوای داناست».

﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لِمَ تَلۡبِسُونَ ٱلۡحَقَّ بِٱلۡبَٰطِلِ وَتَكۡتُمُونَ ٱلۡحَقَّ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ٧١﴾ [آل عمران: 71]. «ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل می‌آمیزید. و حق را کتمان می‌کنید در حالی‌که خودتان می‌دانید ».

﴿وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّواْ ٱلسَّبِيلَ﴾ [النساء: 44]. «و می‌خواهند شما (نیز) گمراه شوید؟».

پیروان حق و هدایت، هیچ گونه مزد و مالی از مردم درخواست نمی‌کنند:

الله متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ٢٠ ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسۡ‍َٔلُكُمۡ أَجۡرٗا وَهُم مُّهۡتَدُونَ٢١﴾ [يس: 20-21]. «گفت: ای قوم من! پیامبران (الله) را پیروی کنید. کسانی را پیروی کنید که از شما مزدی طلب نمی‌کنند، و خود‌شان هدایت یافته‌اند».

اهل ذکر – علمای آشنا به حدیث رسول الله ج که مسلمانان آنان را به علم و تقوا می‌شناسند- بسیارند؛ از جمله:

علمای صحابه مانند ابوهریره، ابن عمر، عائشه و ابن عباس رضی الله عنهم أجمعین.

علمای تابعین مانند سعید بن مسیب وعطاء بن أبی رباح.

ائمۀ چهارگانۀ مذاهب فقهی: أبوحنیفه، مالک بن أنس، شافعی و أحمد بن حنبل رحمهم الله.

ائمه‌ای که أحادیث رسول الله را به صورت مدوّن گردآوری کردند: بخاری و مسلم. دو کتاب این دو امام، صحیحین نامیده می‌شود؛ زیرا صحیح‌ترین و قوی‌ترین اسانید به رسول الله ج را در کتاب‌های خویش فراهم آورده‌اند. علمای اسلام بر صحت تمام احادیث مسند به رسول الله ج که در این دو کتاب آمده است، اتفاق نظر دارند و با استقبال مسلمانان روبرو شده است.

سایر مؤلفان کتاب‌های ششگانه که احادیث رسول الله ج را جمع‌آوری کرده‌اند: نسائی، أبوداوود، ترمذی و ابن ماجه. تمام احادیث این کتاب‌ها مسند هستند. برخی احادیث این چهار کتاب، ضعیف هستند که اگر کسی اسانید آنها را مورد بررسی قرار دهد، به ضعف آنها پی می‌برد. مؤلفان این کتاب‌ها ضعف برخی از این احادیث ضعیف را مشخص کرده‌اند و ضعف سایر احادیث ضعیف را علمای دیگر بیان کرده‌اند.

برخی علمای اسلام که به تفسیر قرآن کریم مشهور هستند: إمام مفسرین ابن جریر طبری، ابن کثیر، قرطبی و بغوی رحمهم الله أجمعین. تفسیر تمام این مفسران رحمهم الله، بر اساس احادیث صحیح پیامبر ج و اقوال اهل ذکر از صحابه و تابعان مورد اعتماد است.

علم اسانید از جمله علوم اسلامی است که مایۀ افتخار مسلمانان است؛ زیرا علمی است که بر تحقیق احوال راویان و کاوش و بررسی دقیق قبول اخبار منقول از رسول الله ج استوار است. بعلاوه، هر مسلمانی می‌تواند این علم را بیاموزد و تلاش‌های مداوم و دشواری را که علمای اسلام برای تبلیغ دین الله به صورت ناب و خالص، آنگونه که رسول الله ج به اصحابش بیان فرمود، متحمل شدند، دریابد. بدرستی که الله این علم را برای دینش که خاتم ادیان است، اختصاص داد:

الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ٩﴾ [الحجر: 9]. «همانا ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما نگهبان آن هستیم».

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ٣٣﴾ [التوبة: 33]. «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همۀ دین‌ها غالب گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند».

به توفیق و فضل الله، جزء اول کتاب نور من الوحی پایان یافت.

از الله تقاضا دارم که آن را برای خودش و از خودش بپذیرد.